آشنایی با اصول و روشهای ترجمه قرآن

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن: خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن: خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه:رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور:آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن: (خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن)/ محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر:قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:۲۷۱ ص.

شابک:۵۶۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۶۲۶-۶

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:کتاب حاضر خلاصه کتاب "منطق ترجمه قرآن: مبانی قواعد روش ها سبکها آسیب شناسی ..." اثر محمدعلی رضایی اصفهانی است.

یادداشت:کتابنامه: ص. ۲۶۱- ۲۷۱ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر:(خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن).

موضوع:قرآن -- ترجمه

شناسه افزوده:رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ - . منطق ترجمه قرآن

رده بندی کنگره:BP۶۰/۶/ر۶م۸۰۱۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی:۲۹۷/۱۰۷

شماره کتابشناسی ملی:۲۷۶۷۰۷۸

ص :۱

اشاره

آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن: (خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن)/ محمدعلی رضایی اصفهانی

ص :۳

شناسنامه

آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن

(خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن)

مؤلف: دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی

چاپ اول: ۱۳۹۱ش/ ۱۴۳۳ق.

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)

چاپ: زلال کوثر قیمت: ۵۳۰۰۰ ریال شمارگان: ۲۰۰۰

مراکز فروش:

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه۱۸، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)؛ تلفکس: ۹-۰۲۵۱۷۸۳۹۳۰۵

قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)؛ تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

www.eshop.miup.ir www.miup.ir

root@miup.ir Email: admin@miup.ir

ص:۴

سخن ناشر

تحوّلات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش ها و پدید آمدن دانش های نوین، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ گویی به آنها، ایجاد رشته های تحصیلی جدید و تربیت نیروهای متخصّص را ضروری می نماید. از این رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که تمام دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث, با اندیشه های بلند و ارزش های متعالی آشنا شوند, و این مهم با ایجاد رشته های تخصصی و تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید.

بالندگی مراکز آموزشی, در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. همچنین بازنگری متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آنها موجب حفظ نشاط علمی مراکز آموزشی است.

حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

ص:۵

«جامعه المصطفی(صلی الله علیه و آله) العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب آموزشی را سرلوحه تلاش های خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)» ضمن تقدیر و تشکر از فرزانگانی که در تولید این اثر، همکاری و همفکری کرده اند, آن را به عموم اهل فرهنگ و اندیشه تقدیم می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)

ص:۶

فهرست

ص:۱۱

مقدمه پژوهشگاه

حقیقت مداری اصیل ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای بندی به حقیقت بی منتها، درمصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته اند و در این میان، چه درخشندگی چشم نوازی در اسلام عزیز است که علم را، به ذات خود، شرافت مند و فخیم دانسته و از باب تا محراب کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می نمایاند و در مکتب آن، جز اولو العلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست یابی به گنجینه های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی آورد و هم جامعه را سمت و سویی سعادت مندانه بخشیده و آن را به جامعه ای متمدن و پیشرو متحول می کند. بی توجهی و یا کوته فکری است اگر فرد و جامعه ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و

سربلندی مادی و معنوی باشند اما آن را در صراطی غیر از حقیقت طلبی، علم اندوزی و حکمت مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقاهتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت ها و مأموریت های حوزه های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی خواهان و حق طلبان سراسر جهان زنده ساخت. در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب(مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیر(رحمه الله)، در صحنه حاضر شده و بر خطورت و فوریت حرکت فراگیر و بی وقفه همه توان مندی ها و اراده ها جهت تحقق جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه های میان بر و دانش فزا در این خصوص، تأکید ورزیده و پیشرفت این مهم را راهبری و رصد می کنند.

جامعه المصطفی(صلی الله علیه و آله) العالمیه، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله) و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت(علیهم السلام) جامه تحقق می پوشاند.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی(صلی الله علیه و آله) نیز که مهمترین و گسترده ترین مجموعه پژوهشی المصطفی(صلی الله علیه و آله) است، بومی سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر متناسب با نیازها و اقتضائات عرصه بین الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی، گشودن

ص:۱۳

افق های نوین فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی به ویژه با رویکرد اسلامی سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت های سازمانی المصطفی(صلی الله علیه و آله) را از جمله مأموریت ها و تکالیف خود می داند.

اثر علمی پیش روی نیز که به همت مؤلف محترم جناب آقای محمد علی رضایی اصفهانی و برای دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث تهیه و تدوین شده است، درچارچوب همین اهداف و برنامه های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی های صورت گرفته، تدوین و برای استفاده خوانندگان محترم تقدیم شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش های خالصانه مترجم محترم، از کلیه دست اندرکاران محترم آماده سازی و انتشار این اثر ارزشمند، بویژه همکاران محترم مرکز بین المللی نشر و ترجمه المصطفی(صلی الله علیه و آله) و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته اند، قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نماییم.

با احترام

پژوهشگاه بین المللی المصطفی(صلی الله علیه و آله)

ص:۱۴

مقدمه

اشاره

سپاس فراوان به درگاه خـدای عزیز و علیم که به ما توفیق تدبّر، تفکر، ترجمه و تفسـیر کتاب خویش را عنایت فرمود و ما را خدمت گزار آستان قرآن و اهل بیت(علیهم السلام) قرار داد.

قرآن کریم، کتابی ژرف و پرمحتواست که هر کس به فراخور دانش و توان خویش از این سفره الهی خوشه می چیند. در این میان برخی افراد، از جمله مترجمان و مفسـران، در تلاشـند تا یافته های ارزشـمند خود را به دیگران منتقل سازند و تشـنه کامان معارف اسـلامی را از چشمه زلال قرآن سیراب سازند.

در طول چهـارده قرن گذشـته، ترجمه های گوناگونی از قرآن به زبان های مختلف عرضه شـده که هر یک، بر اساس روش و سـبک و با مبـانی خاص تفسـیری، کلامی و... ارائه شـده است. شـناخت این مترجمان و ترجمه های آنها و ارائه ترجمه های جدیـد از قرآن، در گرو آشنایی با روش ها و سبک ها و مبانی آنهاست.

اهداف

کتاب حاضر، اهداف کلی زیر را دنبال می کند:

الف) تبیین منطق ترجمه قرآن از طریق تحلیل روش ها، سبک ها و مبناهایی

ص:۱۵

که تاکنون در حوزه ترجمه قرآن به کار رفته است.

تذکر: «منطق ترجمه قرآن» عبارت است از روش ها، سبک ها، مبانی، اصول، ضوابط و قواعد ترجمه که شناخت و مراعات آنها، از خطاهای مترجم جلوگیری کرده یا آنها را کاهش می دهد.

ب) آسیب شناسی روش ها و سبک ها و مبانی و قواعد ترجمه قرآن.

ج) بررسی سیر تاریخی ترجمه های قرآن و تحلیل روش شناختی و آسیب شناختی آنها.

د) سامان دهی روش ها، سبک ها و مبانی و قواعد ترجمه قرآن.

توصیه ها

توجه به نکات زیر می تواند برای اساتید و دانش پژوهان محترم سودمند باشد:

۱. اهداف آموزشی که در اول هر فصل آمده، خطوط اصلی مبحث را روشن می سازد که استاد محترم آنها را بیان نموده و مطالعه جزئیات را بر عهده دانش پژوهان می گذارد.

۲. انجام پژوهش های مربوط به هر فصل، بر عهده برخی از دانش پژوهان واگذار می شود که گزارش آن در کلاس، به صورت کنفرانس و در پایان ترم، به صورت تحقیق قابل ارائه خواهد بود.

۳. پیشنهاد می شود که هر جلسه درس ترجمه، به سه بخش تقسیم شود:

بخش نخست: بیان مطالب نظری ترجمه، توسط استاد؛

بخش دوم: کنفرانس دانش پژوهان در پژوهش ها یا گزارشی از یک ترجمه و نقد آن؛

بخش سوم: بررسی ترجمه های یک آیه در کلاس.

تذکر: در فصل پایانی کتاب، ده ترجمه مشهور از سوره حمد و هشت آیه از

سوره بقره آورده شده تا استادان و دانش پژوهان بتوانند در هر جلسه به نقد یک آیه به صورت کارگاه آموزشی بپردازند.

۴. بهتر است نمره پایان ترم کلاس ترجمه به چهار بخش تقسیم شود: بخشی برای کنفرانس؛ بخشی برای نگارش تحقیق؛ بخشی برای تمرین های عملی در کلاس و بخشی نیز برای امتحان.

۵. در ضمن تدریس هر فصل، ارائه مثال های موجود در آن فصل، می تواند به روشن تر شدن مطالب یاری رساند.

۶. در هر جلسه درس، یک ترجمه یا کتاب منبع، برای ترجمه شناسی (که در ابتدای هر فصل معرفی شده) در کلاس درس قابل ارائه است؛ بدین گونه دانش پژوهان با منابع مزبور بیشتر آشنا می شوند.

۷. می توان یک جلسه درس را به بازدید از مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی و کتاب خانه غنی آن اختصاص داد.

۸. الزام دانش پژوهان به مطالعه یکی از ترجمه های قرآن و نقدهای مربوط (نزدیک به ۵۰۰ مقاله در مورد نقدهای ترجمه، در متن کتاب معرفی شده است) و سپس ارائه آن در کلاس، به صورت کنفرانس.

۹. تمام دانش پژوهان ملزم شوند که یک سوره کوچک را با ده ترجمه مختلف بررسی و نقد کرده و سپس ترجمه ای از خویش ارائه دهند.

۱۰. دانش پژوهان غیرایرانی، ضمن ارائه کنفرانسی درباره ترجمه های موجود قرآن در کشور خود، به نقد و بررسی برخی از آنها بپردازند.

۱۱. کلاس ترجمه قرآن با رویکرد کارگاه آموزشی برگزار شده و دانش پژوهان با هدایت و جمع بندی استاد، به تفکر و نقد ترجمه ها، روش ها و مبانی آنها سوق داده

ص:۱۷

شونـد. به عبـارت دیگر: کلاس ترجمه قرآن، تنهـا بر محفوظـات دانش پژوهان نیفزایـد؛ بلکه منطق ترجمه قرآن را به آنها بیاموزد، تا در پایان دوره تحصیلی، توان تشخیص ترجمه صحیح، نقد ترجمه های دیگران و ارائه ترجمه جدید را داشته باشند.

سپاس گزاری

از همه همکاران ترجمه جمعی قرآن، اساتید محترم حجج اسـلام: شهید غلامعلی همائی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکـاظمی و اساتیـدی که ما را با پیشـنهادها و انتقادات سازنـده خود یاری می کننـد، همچنین مسـئول دفتر برنامه ریزی و تـدوین متون درسـی، حجه الاسـلام والمسـلمین عزّالدین رضانژاد و همکارانشان که با پی گیری ها و حمایت های خود در به ثمر رسـیدن این اثر تلاش و همکاری کردند، تشکر می کنم. امید است خدای متعال، پاداش کاملی به این عزیزان عنایت فرماید.

اصـل این کتـاب بـا عنوان منطق ترجمه قرآن منتشـر شـده و مورد توجه جـامعه علمی کشور و قرآن پژوهـان قرار گرفت، تـا آن جا که در مراسم کتـاب سال حوزه علمیه قم مورد تشویق قرار گرفت و اینک خلاصه آن کتاب برای سـطح کارشناسـی آماده سازی شـده و تقـدیم حضور قرآن پژوهان می شود.

لازم به یادآوری است که در کتاب منطق ترجمه قرآن ویرایش جدیـدی انجام شد و اصـلاحات و اضافات متعددی در آن صورت گرفت و این خلاصه از ویرایش جدید است.

والحمد لله ربّ العالمین

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - ۱۳۹۰/۱/۲۹

ص:۱۸

۱.کلّیات

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. شناخت معنای «ترجمه» در لغت و اصطلاح و کاربردهای آن؛ ۲. آشنایی با تاریخچه ترجمه قرآن به زبان فارسی؛ ۳.آشنایی با تاریخچه ترجمه قرآن به زبان های دیگر.

درآمد

قرآن کریم، کتاب باعظمتی است که در طول اعصار، بشریت را همواره از زلال معارف خود سیراب و تشنگان حقیقت را مجذوب خود ساخته است.

برای روشن ساختن حقایق قرآن، تاکنون صدها تفسیر نگاشته شده است؛ ولی همه افراد و شیفتگان با زبان عربی آشنا نیستند تا بی واسطه از قرآن و تفسیر عربی آن استفاده کنند؛ از این رو صدها ترجمه از قرآن در سراسر جهان عرضه شده تا همه ملت ها بتوانند از پرتو این نور الهی بهره مند شوند.

نگارش ترجمه های قرآن، در طول تاریخ اسلام، سیر تکاملی داشته و با روش ها، سبک ها و مبانی گوناگون، گاه مطلوب، گاه غیر مطلوب و گاه با لغزش هایی صورت گرفته که لازم است این موارد بازشناسی شوند تا چراغ راه مترجمان آینده باشد. کتاب حاضر در پی آشکار نمودن این موارد است که خود،

ص:۱۹

موضوعی بس بزرگ و با اهمیت تلقی می شود و بدیهی است که این کتاب گامی آغازین در این مسیر بوده و تلاش اصلی بر عهده پژوهشگران قرآنی است که در مورد آن تعمّق و تحقیق بیشتری مبذول دارند تا بتوانند علم ترجمه را با فن و هنر ترجمه درآمیزند.

مفهوم شناسی ترجمه

۱. ریشه یابی واژه ترجمه

درباره ریشه واژه «ترجمه» دیدگاه های گوناگون وجود دارد:

الف) برخی «ترجمه» را واژه ای عربی دانسته و درباره ریشه آن، نظرات زیر را ارائه داده اند:

۱. ترجمه از ریشه «رَجْم» است که در اصل به معنای «سنگ پرانی» است و «ترجمان» نیز از همین ماده است. (۱)

۲. از ریشه «تَرجَم» چهار حرفی است. (۲)

لسان العرب «ترجمان» را هم در ماده «رجم» و هم ماده «تَرْجَمَ» آورده است؛ اما در ماده «ترَجَم» می نویسد: معنای آن مفسِّر زبان است و جمع آن «تراجم» است و تا و نون (در ترجمان) زایده است. (۳)

ب) برخی واژه «ترجمه» را کلمه ای غیر عربی دانسته اند که وارد زبان عربی شده است و ریشه آن را چند گونه بیان کرده اند:

۱- (۱) . الراغب الاصفهانی، المفردات، ماده رجم.
۲- (۲) . الفیوّمی، المصباح المنیر، ج۱، ص۹۲؛ آغا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج۴، ص۷۲ و ۷۳ (به نقل از تاریخ قرآن دکتر رامیار).
۳- (۳) . لسان العرب، ج۱، ص ۳۱۶ و ۱۱۳۷.

۱. «ترجمه» را از کلمه سریانی «ترگمانا» (۱) یا کلمه آرامی «ترگوم» (۲) یا «ترگومین» (۳) انگاشته اند که «ترگوم» به ترجمه آرامی کتاب «عهد عتیق» (تورات و ملحقات آن) گفته شده است. (۴)

۲. «ترجمان» از ریشه «ترزبان» فارسی بوده (۵) که آن را معرّب کردند و «ترزقان» گفته اند. (۶)

۳. «ترجمه»، از ریشه «رجم» کلدانی به معنای افکندن است. (۷)

در فرهنگ تطبیقی عربی به زبان های سامی و ایرانی آمده است:

تَرجَم (به زبان دیگری درآوردن): در زبان آرامی و عبری «تِرجِم» (۸) و در زبان سریانی، برابر «تَرجِم» (۹) است. (۱۰)

۲. معنای اصطلاحی ترجمه

در عصر ما تعاریف گوناگونی از «ترجمه» ارائه شده و عناصری را در آن دخالت داده اند؛ از جمله:

۱. آیه الله معرفت «ترجمه» را این گونه تعریف می کند:

ترجمه، کلمه ای رباعی است که به معنای «تبیین و واضح کردن» است، و از

۱- (۱) . Targmana.

۲- (۲) . Targom.

۳- (۳) . Targumin.

۴- (۴) . مصاحب، دائره المعارف فارسی، ص۶۳۳ و الاب رفائیل نخله الیسوعی، غرائب اللغه العربیه، ص۱۷۵.

۵- (۵) . غرائب اللغه العربیه، ص۱۷۵، چاپ دوم و نیز فرهنگ نفیسی، (ناظم الاطباء)، ج۲، ص۸۴۷ و کتاب شفا و خناجی، الغایل فیما ورد فی کلام العرب، (به نقل از تاریخ قرآن، دکتر رامیار).

۶- (۶) . لغت نامه دهخدا، ج۱۶، ص۵۵۸.

۷- (۷) . پطرس البستانی، محیط المحیط، به نقل از (تاریخ قرآن، محمود رامیار، ص۶۴۶).

۸- (۸) . Tergem.

۹- (۹) . Targem.

۱۰- (۱۰) . محمد جواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی به زبان های سامی و ایرانی، ج۱، ص۹۸.

قاموس ظاهر می شود که باید «اختلاف در لغت» وجود داشته باشد؛ چون که گفت: «الترجمان: المفسّر للّسان»؛ پس ترجمه: نقل کلام از لغتی به لغت دیگر است.

اما بیان معنا با یک لفظ، بعد از این که با لفظی دیگر از آن تعبیر شد، «تبیین» محض است و ترجمه اصطلاحی نیست. (۱)

۲. برخی از نویسندگان، «ترجمه» را این گونه تعریف کرده اند:

ترجمه در اصطلاح و عرف انتقال معنای کلام از زبانی به زبان دیگر است، با توجه به این که جمیع معانی و مقاصد منظور در متن اصلی را متضمن باشد؛ به حدی که گویی عین کلام را از لغتی به لغت دیگر منتقل کرده اند. با علم به این که نقل عین کلام از زبانی به زبان دیگر آسان نیست. (۲)

۳. «یوجین نایدا» سرپرست ترجمه کتاب مقدس به زبان های دنیا، «ترجمه» را این گونه تعریف کرده است:

ترجمه عبارت است از نزدیک ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک. (۳)

۴. از برخی متخصصان علم ترجمه، همچون C. RABIN ، نقل شده که «ترجمه» را این گونه تعریف می کنند:

ترجمه را می توان انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر دانست. (۴)

بنابر این تعریف، باید در ترجمه دو عامل از یکدیگر شناخته شوند:

ص:۲۲

۱- (۱) . التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج۱، ص۱۱۶.
۲- (۲) . جواد سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص۱۱ و علی نجار، اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۱۹.
۳- (۳) . طاهره صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه، ص۲۰ (از ایشان نقل می کند).
۴- (۴) . فصلنامه ترجمه، ش۲، ص۵۲.

نخست: معنا یا آن چه در جهان خارج بدان به عنوان نوعی واقعیت اشاره می شود؛

دوم: گوناگونی زبان ها در بیان آن واقعیت. (۱)

۵. برخی دیگر از متخصصان علم ترجمه، مثل «آمپارو هورتا دوآلبیر» «ترجمه» را این گونه تعریف کرده اند:

ترجمه عبارت است از کارهایی که انتقال پیامی را از زبانی به زبان دیگر امکان پذیر می سازد. (۲)

۶. «نیومارک» «ترجمه» را فن و حرفه ای می داند که در آن سعی می شود تا یک پیام نوشتاری را در زبانی، با همان پیام در زبان دیگر جایگزین کنند. (۳)

۷. برخی از صاحب نظران، ترجمه را این گونه تعریف کرده اند:

ترجمه، عبارت است از برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر، با رعایت مفهوم و محتوای آن متن. ترجمه باید منعکس کننده مفهوم و محتوای زبان مبدأ با رعایت آرایش های لفظی و خالی از هرگونه حشو و زوائد، در زبان مقصد باشد؛ بنابراین برای برگرداندن متنی به زبان دیگر، دو عنصر، لازم و ضروری می نماید: نخست: عنصر ادب و دوم: مایه هنر. (۴)

بررسی

چنان چه به هر یک از تعاریف بالا بنگریم، می بینیم که هر کدام بر یک یا چند جنبه ترجمه تأکید ورزیده اند و از یک یا چند جنبه ترجمه نیز غفلت نموده اند: یکی «ترجمه» را فن می داند و از علم بودن و هنر بودن آن غافل شده است؛

ص:۲۳

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان، ش۳ و ۴، ص۷۷ (مقاله یوجین نایدا).

۳- (۳) . کاظم لطفی پور ساعدی، اصول و روش ترجمه، ص۶۶.

۴- (۴) . محمدعلی کوشا، ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، ص۷.

دیگری بر ترجمه متون نوشتاری تأکید می ورزد، در حالی که «ترجمه»، شامل نوشتار و ترجمه گفتار و حتی اشارات و علایم است؛ یکی دیگر، بر پیام رسانی ترجمه تأکید کرده و از انتقال سبک و آهنگ متن اصلی غفلت کرده است. اما در مجموع می توان «ترجمه» را چنین تعریف کرد:

ترجمه عبارت است از فرآیند انتقال پیام، از زبان مبدأ به زبان مقصد و به عبارت دیگر: برگردان الفاظ متن از زبانی به زبان دیگر، برای رساندن معانی.

امّا باید توجه داشت که ترجمه قرآن و متون مقدس به سبب دشواری ها و ویژگی هایی که دارد، نیازمند قیود دیگری در تعریف ترجمه است. به عبارت دیگر: در ترجمه قرآن، مترجم دارای شرایط و رعایت مبانی و پیش فرض های ترجمه و نیز استفاده از روش و سبک خاصی لازم است؛ از این رو می توان ترجمه قرآن را این گونه تعریف کرد:

فرآیند انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد که توسط مترجم دارای شرایط و بر اساس روش های صحیح ترجمه و با توجه به مبانی استنباط از قرآن صورت می گیرد و می کوشد تا حد امکان، سبک کلام را به زبان مقصد منتقل سازد.

یادآوری: در عصر ما ترجمه قرآن به زبان عربی نیز انجام شده (۱) و تفسیر شبّر و تفسیر مبین اثر محمدجواد مغنیه و تفسیر معین و تفسیر جلالین از مصادیق ترجمه تفسیری شمرده می شود.

ص:۲۴

۱- (۱) . در الازهر و مجلس الشوؤن الاسلامیه، ترجمه ای عربی از قرآن عرضه شد که در آن، واژه های قرآن معادل سازی شده بود و با عنوان المنتخب ارائه گردید. این ترجمه برای انتقال معانی، به پر کردن شکاف زبانی قرآن با زبان عربی معاصر اهتمام داشته و مورد استقبال بسیاری قرار گرفت و در کشورهای عربی و غیر عربی، طالبان فراوانی یافت. (یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس، مقاله دیدگاه های فقهی درباره ترجمه قرآن کریم، سید محمدعلی ایازی، ص۱۵۳).

اما با توجه به نکته ای که آیه الله معرفت در تعریف ترجمه ارائه کردند و در آغاز گفتار گذشت - که تعدد و اختلاف لغت در ترجمه لازم است - اگر معنایی به یک لفظ در زبان خاص تعبیر شد و سپس همان معنا با لفظ دیگری تعبیر شد، این «تبیین محض» است و ترجمه اصطلاحی نیست؛ بنابراین این گونه برگردان قرآن به الفاظ عربی نو، نوعی تبیین است، نه ترجمه.

ارکان ترجمه

از معانی و تعاریف ترجمه استفاده می شود که «ترجمه» دارای ارکان زیر است:

۱. زبان مبدأ (کلمات، نشانه ها و علایم)؛

۲. زبان مقصد (کلمات، نشانه ها و علایم)؛

۳. پیام کلام یا معنایی که می خواهیم از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل کنیم؛

۴. سبک کلام (که باید هنر انتقال آن را داشت)؛

۵. مبانی و شرایط ویژه ترجمه متون مقدس.

لازم به یادآوری است که رکن پنجم، مخصوص ترجمه قرآن و کتب مقدس است و رکن چهارم برای کمال ترجمه لازم است و اگر انجام نگیرد، به اصل ترجمه ضربه وارد نمی شود؛ چون مترجم می تواند با توضیحات داخل پرانتز، این نقص را جبران کرده و حال و هوای سبک و آهنگ متن اصلی را به نوعی به مخاطب منتقل کند.

ابعاد ترجمه

برخی دانشمندان، همچون: یوجین نایدا، «ترجمه» را یک علم می دانند؛ (۱) ولی

ص:۲۵

۱- (۱) . E. Nida: The Theory and prac tice of Trans lation. ۱۹۶۹, Chapters ۳ , ۶ , ۷.

برخی دیگر آن را هنر و فن می انگارند. (۱) دکتر «بهرام طوسی» بر آن است که ترجمه، هر سه اینهاست او در این زمینه می نویسد:

«ترجمه» به تنهایی «علم» نیست تا مانند حدیث و تاریخ و جغرافیا فقط با خواندن و یادگیری حقایق و واقعیت ها و منقولات، آن را فرا گیریم. به تنهایی «فن» هم نیست که مانند کشتی و نجّاری با تمرین و شاگردی و مهارت به مرحله پهلوانی و استادکاری برسیم، و از طرف دیگر فقط «هنر» تنها هم نیست که مانند نقاشی بنشینیم و آرزوها و تخیّلات خود را بر بوم و صفحه نقاشی ترسیم کنیم و مورد ستایش و تمجید قرار گیریم. ترجمه مجموعه ای از هر سه اینهاست: هم علم است که به آموزش نیاز دارد و هم فن است که لازمه اش تمرین و مهارت دائم می باشد و هم هنر است که بی مایه فطیر خواهد بود. (۲)

پس به نظر می رسد که «ترجمه» دارای سه بُعد است:

۱. ترجمه، علم و دانش است؛ چرا که همچون علوم دیگر، فرزند عقل و پژوهش است و تمام ارکان علم، مثل موضوع، مسائل، مبانی، قواعد و معیارهای دیگر را دارد.

۲. ترجمه، فن است؛ چرا که همچون فنون دیگر، نیازمند تمرین و مهارت است.

۳. ترجمه، هنر است؛ چون نیازمند ذوق، سلیقه و عاطفه است تا مترجم بتواند تاحد امکان ظرایف هنری و سبک و آهنگ کلام را بشناسد و به زبان مقصد انتقال دهد.

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۲.

۲- (۲) . مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، مقاله «آیا می توان فن ترجمه را آموزش داد؟» ص ۱۶۹.

نظریه ترجمه

هر مترجم دارای نظریه ای محوری در ترجمه است که دست کم از عناصر زیر تشکیل می شود، که تغییر هر کدام از این عناصر موجب تغییر در نظریه ترجمه می شود و در نتیجه ترجمه ای متفاوت با ترجمه قبلی به وجود می آید.

۱. روش خاص ترجمه؛

۲. سبک خاص ترجمه؛

۳. مبانی تفسیری ترجمه؛

۴. مبانی کلامی ترجمه؛

۵. مبانی واژگانی ترجمه؛

۶. مبانی ادبی ترجمه؛

۷. مبانی زبان شناختی ترجمه؛

۸. انتخاب نظر در مورد قواعد ترجمه؛

۹. رویکردهای خاص در ترجمه (مثل: لزوم ترجمه همه واژگان متن و عدم لزوم آن و ...).

هر مترجم لازم است پیش از آغاز ترجمه، دیدگاه خود را در موارد بالا انتخاب و به روشنی اعلام کند، تا اولا مترجم بتواند ترجمه ای قانونمند، روشمند، سامانمند و ارزشمند ارائه کند؛ ثانیاً مخاطبان ترجمه آگاه شوند و ترجمه مورد نظر خود را برگزینند؛ ثالثاً در هنگام نقد و ارزیابی ترجمه، ناقدان ارزیابی صحیحی از ترجمه داشته باشند و نقدهای بی مورد به ترجمه زده نشود.

یادآوری: در این نوشتار برآنیم که عناصر فوق را روشن سازیم تا هر مترجم بتواند با انتخاب رویکرد خاص خویش، ترجمه ای مناسب ارائه کند.

ص:۲۷

۲.پیشینه ترجمه های قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. آشنایی با تاریخ ترجمه قرآن؛ ۲. آشنایی با برخی از مهم ترین ترجمه های در دست.

درآمد

ترجمه قرآن، تاریخچه ای به قدمت تاریخ اسلام دارد و از زمان پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) تاکنون ادامه داشته و آثار بسیاری درباره آن، به زبان های مختلف نگاشته شده است.

دانشمندان زبان شناس، تعداد زبان های زنده جهان را بین ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ زبان تخمین زده اند. البته این تفاوت به سبب اختلاف در تعریف زبان است که برخی آن را شامل لهجه ها و گویش ها نیز می دانند. تعداد و محدوده جغرافیایی زبان ها در جدول زیر ارائه می شود:

ص:۲۹

البته، نزدیک به حدود دوسوم ساکنان کره زمین با ۲۷ زبان رایج سخن می گویند و یک سوم با زبان های دیگر تکلّم می کنند. (۱)

بنابر آمارهای موجود تا سال ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م قرآن کریم به هفتاد زبان، به صورت کامل ترجمه شده؛ ولی کتاب مقدس (تورات و انجیل) تا سال ۱۹۸۹م به ۱۹۲۸ زبان ترجمه شده و هر سال نیز، بیست تا سی زبان به ترجمه های موجود اضافه می شود؛ یعنی به طور متوسط، در طول دوهزار سال تاریخ مسیحیت، هر سال یک ترجمه از انجیل صورت گرفته، ولی در طول هزار و چهارصد سال تاریخ اسلام، هر بیست سال یک ترجمه کامل از قرآن پدید آمده است! (۲)

برخی از مهم ترین ترجمه های کهن فارسی قرآن

اشاره

(۳)

۱. ترجمه قرآن سلمان فارسی

نخستین گزارش از ترجمه قرآن به زبان فارسی، مربوط به ایرانیان است که ازسلمان فارسی خواستند ترجمه سوره «فاتحه» را برای آنان بنویسد. در گزارش سرخسی آمده است:

روی: انّ اهل فارس، کتبوا الی سلمان الفارسی ان یکتب لهم الفاتحه

۱- (۱) . حسن معایرجی، ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی و منابع فهم قرآن برای آفریقاییان، ترجمه یعقوب جعفری، ترجمان وحی، سال ۶، ش ۱۱، ص ۱۰۶.

۲- (۲) . ترجمان وحی، سال ۲، ش ۴، ص ۷ و ۸.

۳- (۳) . در این قسمت، از منابع متعدد، به ویژه قرآن ناطق دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی دکتر آذرتاش آذرنوش استفاده شده است.

بالفارسیّه،فکتب لهم: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ «به نام یزدان بخشاونده» فکانوا یقرأون ذلک فی الصلاه حتی لانت السنتهم، و بعد ما کتب، عرضه علی النبی(صلی الله علیه و آله). (۱)

و بنا بر گزارش عمادالدین اسفراینی:

سلمان فارسی از مصطفی(صلی الله علیه و آله) دستوری خواست تا قرآن به پارسی به قوم خویش نویسد. وی دستوری داد. چنین گفتند که وی قرآن بنبشت و پارسی آن اندر زیر آن بنبشت. آن گه به آخر آن بنبشت: هذا القرآن الذی انزل علی محمد: این است قرآن که فرو فرستیده آمده است بر محمد(صلی الله علیه و آله). (۲)

البته زرقانی در مناهل العرفان این خبر را فاقد سند معتبر دانسته و چند اشکال برآن وارد دانسته (۳) که بر اساس مبنای محال بودن و حرمت ترجمه قرآن استواراست. ما مبانی ایشان را در مبحث مبانی وجودی و مبانی فقهی ترجمه قرآن بررسی خواهیم کرد. به هر حال این خبر در حد یک گزارش تاریخی از ترجمه قرآن، با توجه به ورود تازه مسلمانان غیر عرب به اسلام و لزوم ترجمه قرآن برای فهم آنان، به یک روند طبیعی اشاره می کند که بعید به نظر نمی رسد، ولی دلالت بر ترجمه کل قرآن نمی کند؛ بلکه به سوره حمد یا بخشی از قرآن اشاره دارد که امروزه جز ترجمه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ چیزی از آن در دست نیست.

برخی از محققان با استناد به این امر که در زمان حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) هنوز ایرانیان اسلام نیاورده بودند، تا مسئله نیاز فرهنگی و دینی شان برای ترجمه

۱- (۱) . المبسوط، شرح کافی، سرخسی، ج۱، ص۱۳۷؛ تاج الشریعه حاشیه الهدایه، ج۱، ص۸۶، معجم مصنفات القرآن، دکتر علی شواخ، جزء دوم، ص۱۳.

۲- (۲) . تاج التراجم، ج۱، ص۸، به نقل از قرآن ناطق، دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج۱، ص۵۰.

۳- (۳) . مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج۲، ص۵۵ و ۵۶.

قرآن کریم و مخصوصاً سوره فاتحه پدید آید، در صحت و اصالت این واقعه تشکیک کرده اند؛ اما استاد «محمد حمیدالله» با این استدلال، شبهه ها را دفع کرده است:

در روایت، «بلاد فارس» نیامده است، بلکه قوم من الفرس (۱) (گروهی یا طایفه ای از ایرانیان [شاید از ایرانیان مقیم یمن]) آمده است. (۲)

برخی مستشرقان، ترجمه سلمان را مربوط به زمان خلفا می دانند و می نویسند:

طبق نظر مذهب صحیح راجع به ترجمه قرآن، در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) به طور یقین، هیچ کس درباره امکان ترجمه قرآن طرحی نیندیشیده است؛ نه ترجمه کل قرآن و نه ترجمه پاره ای از آن؛ زیرا قرآن به عنوان قرآنی عربی با زبان عربی مبین و روشن نازل شده است. (۳)

البته نزول قرآن به زبان عربی و روشن، دلیل آن نمی شود که برای تازه مسلمانان غیرعرب قابل فهم باشد. در هر حال، این امری طبیعی است که مسلمانان غیرعرب و حتی غیر مسلمانانی که می خواستند حقایق اسلام رادرک کنند، تقاضای ترجمه و تفسیر آیات قرآن را داشته باشند. این افراد درمدینه، یمن، حبشه و کشورهای همجوار، همچون: روم و ایران و نیز در میان بازرگانان و مسافران وجود داشتند و طبیعی بود که دست کم ترجمه بخشی از قرآن انجام پذیرد و گزارشات تاریخی در مورد ترجمه سلمان درعصرپیامبر(صلی الله علیه و آله) است و ادعای مستشرقان در مورد عصر خلفا، بدون دلیل است.

۱- (۱) . همان طور که گذشت، در خبرها «اهل فارس» و «قوم خویش» آمده بود.
۲- (۲) . قرآن کریم، با ترجمه و توضیحات بهاءالدین خرمشاهی، قطع رحلی، گفتار مترجم، ص۶۱۹.
۳- (۳) . دائره المعارف اسلام، دکتر ج. د. پیرسن، مقاله ترجمه، ص۴۲۶: The Ecyclo pedia of Islam, New Edition. Vol, V, P, ۴۲۶.

۲. قرآن مترجمِ آستان قدس رضوی

در این قرن از ترجمه فارسی قرآن مترجمِ آستان قدس رضوی مشهور به «قرآن قدس» نام برده شده که اثر مترجمی ناشناس است و نسخه در دست آن، مشتمل بر ترجمه آیه ۲۱۴ سوره «بقره» تا آیه ۱۹ سوره «لیل» می باشد که از سوره «نوح» به بعد نیز دچار فرسودگی و آسیب شده است.

برخی از محققان، این ترجمه را کهن ترین ترجمه فارسی کشف شده از قرآن دانسته اند که بر اساس قراین زبان شناسی، سبک شناسی و گونه شناسی مورد قبول اهل فن، زمان کتابت آن میان سال های ۲۵۰ - ۳۵۰هجری است. این ترجمه را دکتر علی رواقی در دو مجلد در سال ۱۳۶۴ش در تهران منتشر ساخت و در آن چنین نگاشته شده:

«برگردانی است کهن از قرآن به فارسی یا بهتر است بگوییم به گونه سیستانی(بلوچی)». (۱)

برخی از محققان دیگر بر آنند که این ترجمه، پیش از ترجمه فارسی تفسیر طبری (ترجمه و تفسیر رسمی، مربوط به نیمه دوم قرن چهارم) نگاشته نشده؛ بلکه همچنان ترجمه «تفسیر طبری»، قدیمی ترین نسخه موجود در زبان فارسی است. (۲)

و نیز «ژیلبر لازار» بر آن است که کاربرد صورت ادات فعلی «می» و حرف اضافه «در» به جای «همی» و «اندر» در این متن به رغم دیگر نشانه های کهنگی،

۱- (۱) . قرآن قدس، رواقی، ج۱، مقدمه، ص۳۷ و ۵۴، و مجله بیّنات، ش۴، زمستان ۱۳۷۳ش، مقاله: «نوترین گنج در کهن ترین گنجینه»، دکتر محمدحسین روحانی، و نیز: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج۱، ص۵۵۷ و ۵۵۸ و ج۲، ص۱۷۰۲.

۲- (۲) . دانشنامه جهان اسلام، ج۷، ص۷۹، مقاله «ترجمه قرآن به زبان فارسی»، دکتر آذرتاش آذرنوش.

دلالت بر این دارد که این متن کهن تر از قرن پنجم نیست و ترجیحاً به نیمه دوم این قرن تعلق دارد. (۱)

۳. ترجمه تفسیر طبری (ترجمه رسمی)

از قدیمی ترین ترجمه های موجود است که به همراه خلاصه تفسیر طبری یا برگرفته از آن است که در زمان نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۵ق) به وسیله علمای ماوراءالنهر به فارسی ترجمه شده و تاکنون سیزده نسخه از آن شناسایی شده است. (۲)

در مقدمه کتاب آمده است:

این کتاب، تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری(رحمه الله) ترجمه کرده به زبان پارسی. این کتاب چهل مصحف بود به تازی، بیاوردند سوی امیر منصور بن نوح؛ پس دشوار آمد بر وی خواندن آن.... علمای ماوراءالنهر را گرد کرد؛ از ایشان فتوا کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن کس را که او تازی نداند... . (۳)

البته برخی تاریخ پژوهان حدود ترجمه طبری را سال ۳۵۲ق دانسته اند (۴) و برخی از صاحب نظران برآنند که ترجمه تفسیر طبری، به غلط به این نام مشهور شده؛ بلکه بهتر است آن را «ترجمه و تفسیر رسمی» یا «تفسیرنامه فارسی» دستگاه سامانیان بنامیم.

ص:۳۴

۱- (۱) . مجله زبان شناسی، سال ۴، شماره ۱ و ۲ (۱۳۶۶ ش) «پرتوی نو بر چگونگی شکل گیری زبان فارسی؛ ترجمه ای از قرآن به پارسی گویشی»، ژیلبر لازار، ترجمه احمد سمیعی.

۲- (۲) . قرآن ناطق، ج۱، ص۱۴۱.

۳- (۳) . ترجمه تفسیر طبری، ج۱، ص۵ و۶.

۴- (۴) . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج۱، ص۵۳۸ و ۵۳۹ مقاله «ترجمه تفسیر طبری»، جویاجهان بخش.

دکتر آذرتاش آذرنوش درباره ترجمه فوق می نویسد:

قرن هاست که این کتاب، ترجمه تفسیر طبری پنداشته شده؛ اما در واقع این ترجمه فارسی، هیچ شباهتی به تفسیر بزرگ طبری ندارد و می توان آن را «تفسیرنامه فارسی» دستگاه سامانیان نامید که با عنایت به «تفسیرنامه طبری» و البته نه به متابعت از آن، پدید آمده است؛ ولی خود، نگارشی مستقل است که به صورت تحت اللفظی انجام یافته و حدود دوازده قرن، الگوی همه مترجمان پس از خود شده. (۱)

ایشان همچنین با بیان شواهد تاریخی و مواردی از اختلاف متن ترجمه تفسیر طبری با اصل تفسیر طبری می نویسند:

در مجموع می توان گفت: این اثر نه ترجمه تفسیر طبری و نه کتاب معیّن دیگری است؛ بلکه دو اثر طبری، تاریخ و تفسیر، از منابع اصلی مؤلفان بوده و در عین حال ایشان از کتاب های متعدد دیگری نیز بهره گرفته اند.

نکته مهم دیگر آن که مؤلفان کتاب، ظاهراً هیچ گاه منابع خود را دقیقاً ترجمه نمی کرده اند؛ بلکه مفهوم روایت یا داستان را گرفته به میل خود بازنویسی می کرده اند. (۲)

مثال: در داستان «اصحاب کهف» در ترجمه تفسیر طبری داستان «شبان و سگ» آمده است که در اصل تفسیر طبری نیست (۳) و نیز در ترجمه تفسیر طبری سوره «نصر» را مکّی می شمارد؛ در حالی که در اصل، تفسیر طبری، مدنی شمرده است. (۴)

مثال: إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ...؛ ۵ حقاً که آنک بفرستاد

ص:۳۵

۱- (۱) . آذرتاش آذرنوش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ج۱، ص۲۵ - ۲۷.

۲- (۲) . دانشنامه جهان اسلام، ج۷، ص۷۲، مقاله «ترجمه تفسیر طبری»، آذرتاش آذرنوش.

۳- (۳) . تفسیر الطبری، ۱۳۵/۱۵ و ترجمه رسمی ۹۳۹/۴.

۴- (۴) . تفسیر الطبری، ۲۱۴/۳۰ - ۲۱۷ و ترجمه رسمی ۲۰۷۰/۷ - ۲۰۷۱.

برتو قرآن، باز برد تو را سوی وعده گاه. (۱)

سؤال: آیا ترجمه تفسیر طبری، نخستین ترجمه قرآن به فارسی بوده است؟

دکتر آذرتاش آذرنوش، معتقد است که نخستین ترجمه فارسی قرآن را باید ترجمه موجود تفسیر طبری (که بهتر است آن را ترجمه و تفسیر رسمی بنامیم) دانست. (۲)

دکتر بی آزار شیرازی نیز می نویسد: «به احتمال قوی، ترجمه طبری، قدیمی ترین ترجمه موجود است»؛ (۳) اما برخی محققان و صاحب نظران ترجمه های دیگری را به عنوان نخستین ترجمه فارسی قرآن معرفی کرده اند.

همان طور که در گزارش ترجمه های قرن سوم گذشت، برخی محققان، قرآن مترجم آستان قدس رضوی را کهن ترین ترجمه فارسی می دانستند و نیز برخی ترجمه سورآبادی و تاج التراجم اسفراینی را هم زمان یا قدیمی تر از ترجمه تفسیر طبری دانسته اند. (۴)

دکتر «پیرسن» احتمال می دهد که ترجمه معروف به «نسخه کمبریج» بعد از ترجمه تفسیر طبری نباشد، و نیز گفته می شود که در واتیکان، ترجمه ای فارسی از قرآن هست که به خط لاتین نوشته شده و احتمالا قدیمی تر از ترجمه طبری است. (۵)

استوری (۶) نیز مدعی است که نسخه های خطی قدیمی تری از ترجمه طبری وجود دارد (۷) و بر اساس تحقیقات دکتر رجایی بر روی «ترجمه موزون قرآن»

۱- (۱) . ترجمه رسمی ۱۲۷۵/۵.

۲- (۲) . همان، ص۷۹.

۳- (۳) . قرآن ناطق، ج۱، ص۱۴۲.

۴- (۴) . دائره المعارف فارسی مصاحب، ج۲، ص۲۰۳۲.

۵- (۵) . ج.د. پیرسن، ترجمه های موجود قرآن کریم، مجله تحقیقات اسلامی، سال اول، ش۱، ص۲.

۶- (۶) . Storey.

۷- (۷) . ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران، ج۱، ص۲۷۸- ۲۹۷، تهران ۱۳۶۲ش.

کشف شده نزدیک گنبد آرامگاه امام رضا(علیه السلام)، تاریخ نگارش آن، اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم است؛ بنابراین، ترجمه موزون قرآن پیش از ترجمه تفسیر طبری خواهد بود. (۱)

بررسی

با توجه به مطالب و ادعاهای گفته شده، قضاوت قطعی درباره نخستین ترجمه فارسی قرآن دشوار است و فقط تاریخ تقریبی ترجمه تفسیر طبری (حدود ۳۵۰ - ۳۶۵ق) مشخص است و البته اثبات مقدم بودن ترجمه های دیگر بر ترجمه تفسیر طبری، براساس حدس و گمانه زنی است و اثبات قطعی آنها مشکل است.

۴. تفسیر قرآن پاک

نویسنده این ترجمه، شناخته شده نیست و تنها نسخه ناقصی از این ترجمه دردانشگاه لاهور پاکستان موجود است که توسط بنیاد فرهنگ ایران از آن عکس برداری و در سال ۱۳۴۸شمسی متن آن توسط آقای «علی رواقی» با نام تفسیر قرآن پاک منتشر شده است.

از نظر استاد مینوی این ترجمه، متعلق به اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم و از منطقه خراسان تا غزنین است. (۲)

ولی آذرنوش بر این عقیده است که خصوصیات خط و سبک نگارش و املای کلمات، نشان می دهد که پس از سال ۴۵۰ هجری نوشته شده است. (۳)

ص:۳۷

۱- (۱) . احمد علی رجایی، پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری، ترجمه ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید؛ قرآن ناطق، ج۱، ص۱۴۵.

۲- (۲) . تفسیر قرآن پاک، مقدمه، ص۳ و ۴.

۳- (۳) . تاریخ ترجمه عربی به فارسی، ج۱، ص۸۹.

این ترجمه، دارای ۵۴ صفحه، از نیمه آیه پنجم تا آخر سوره «شعرا» و از سوره «نمل» تا دوازده آیه و چند کلمه است. (۱)

مثال: وَ إِنْ يَأْتُوكُمْ أُسارى تُفادُوهُمْ...؛ ۲ چون از شما کسی گرفتار آید به دست دشمنان، مال خویش بدهید و او را بازخرید.

۵. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم

این ترجمه به دست «ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی» (م۴۷۱ ق) صورت گرفته و نسخه خطی قرن نهم آن در کتاب خانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار تهران)، وجود دارد که ناقص است و سیزده میکروفیلم از نسخه های آن در کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و بنیاد پژوهش های اسلامی مشهد، اخیراً نسخه بادلیان این ترجمه را تصحیح و منتشر کرده است. این نسخه در سال ۹۴۷هجری نوشته شده است. (۲)

در مقدمه کتاب فوق آمده است:

چون در کار ترجمه قرآن به پارسی، تا روزگار مترجم، خلل بسیار وجود داشت، مبادرت به ترجمه ای از قرآن شریف کرد تا از نقص ها و عیوب ترجمه های پیشین مبرّا باشد. ترجمه ای که در آن الفاظ پارسی، معنای کامل و دقیق الفاظ تازی را برساند و موافق نظریات مفسّران بر طبق اصول دیانت باشد و از هرگونه تأویلی که موجب تقلیل و تشبیه شود و یا چیزی از مذاهب الحاد را نصرت دهد، به دور باشد. (۳)

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج۱، ص۱۴۷.

۲- (۳) . موسی درودی، نخستین مفسّران پارسی نویس، ص۱۸۲ - ۲۱۰ (که نسخه های این ترجمه را معرفی کرده است) و نیز قرآن ناطق، ج۱، ص۱۵۲.

۳- (۴) . البته با توجه به نثر فارسی این مقدمه، ممکن است در اصالت و تعلق آن به قرن پنجم تردید کرد؛ مگر آن که بازنویسی شده باشد.

از مقدمه فوق استفاده می شود که مترجم به مبانی و اصول ترجمه واقف بوده و مبانی کلامی، ادبی و... خود را پیش از آغاز ترجمه، مشخص کرده است، و این نقطه قوّت، بلکه نقطه عطفی در ترجمه های قرآن به شمار می آید؛ و نیز این کتاب را نخستین تفسیر مستقل فارسی به شمار آورده اند. (۱)

در این ترجمه، مترجم پس از ذکر مشخصات هر سوره، با نثری ساده و روان و جملاتی کوتاه، به ترجمه لغت آیات پرداخته و آن گاه آیاتی را که نیاز به توضیح داشته، به طور گسسته تفسیر کرده است. همچنین واژه های عربی در آن بسیار به کار رفته، اما این واژه ها، لغاتی هستند که در فارسی جای گرفته و دارای نثری مسجّع، همراه با تلمیح به آیات، احادیث و دعاهاست.

مثال: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ؛ ابتدا کردم به نام خدای قادر بر آفرینش خلقان؛ خواهان روزی دادن خلقان، خواهان آمرزش ایشان. (۲)

۶. ترجمه کمبریج (تفسیر قرآن مجید)

مترجم این ترجمه قرآن که تنها جلدهای سوم و چهارم آن در دانشگاه کمبریج موجود است، مشخص نیست و تاریخ نگارش آن ۶۲۸هجری توسط «محمد بن ابی الفتح الغریب» می باشد.

این ترجمه، با نام تفسیر قرآن مجید (نسخه مخطوط در کتاب خانه دانشگاه کمبریج) در سال ۱۳۴۹شمسی به کوشش دکتر «جلال متینی»، چاپ شده است.

۱- (۱) . یادگارنامه فیض الاسلام، مقاله «تاریخ ترجمه در آسیا»، علی رفیعی علامرودشتی، ص۳۱۸ و ادبیات فارسی بر مبنای استوری، ج۱، ص۱۰۷.

۲- (۲) . تاج التراجم فی تفسیر للاعجم، نسخه بادلیان.

متینی معتقد است که تاریخ تألیف آن از نیمه اول قرن پنجم هجری تجاوز نمی کند؛ (۱) ولی برخی نویسندگان معتقدند:

سبک نگارش و سایر مشخصات این ترجمه و تفسیر نشان می دهد که در زمانی نزدیک به زمان ترجمه تفسیر طبری نوشته شده است و «ادوارد براون» در مقاله خود نیز آن را تأیید و توصیف کرده است. (۲)

همان طور که در ذیل گفتار قرن چهارم گذشت، برخی محققان همچون ج.د.پیرسن، احتمال داده اند که ترجمه کمبریج پس از ترجمه تفسیر طبری نگاشته نشده باشد و اگر این مطلب را بپذیریم، اصل این ترجمه، متعلق به قرن چهارم است.

از این رو، برخی نویسندگان تصریح کرده اند که تفسیر قرآن مجید نسخه کمبریج، بین سده های چهارم و پنجم هجری تدوین شده (۳) و دکتر آذرنوش نیز همین عقیده را تأیید نموده و آن را یکی از دل انگیزترین آثار نثر فارسی می داند. (۴)

فضای عمومی نثر کتاب، مشابه نثر کهن خراسانی است و شیوه کار مؤلف در ترجمه آیات به صورت ترکیبی (مزجی) است؛ یعنی ترجمه آیات با تفسیر درآمیخته است. به نمونه ای از این ترجمه توجه کنید:

۱- (۱) . قرآن ناطق، ص۱۴۵ و تفسیر قرآن مجید(نسخه مخطوط در کتاب خانه دانشگاه کمبریج)، مقدمه، ص۲۵.

۲- (۲) . روزنامه انجمن همایونی آسیایی، ۱۸۹۴ م، ص۵۱۷ - ۵۲۴، مقاله ادوارد براون، به نقل از مقاله ج. د. پیرسن، ترجمه های موجود قرآن کریم، ص۲ و قرآن ناطق، ج۱، ص۱۴۵.

۳- (۳) . یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس، مقاله «تاریخ ترجمه قرآن در آسیا»، علی رفیعی علامرودشتی، ص۳۱۷.

۴- (۴) . دانشنامه جهان اسلام، ج۱، ص۸۰.

امام جعفر صادق(علیه السلام) گوید:

«وَ التِّينِ»، یعنی: الحسن بن علی، «وَ الزَّيْتُونِ»، یعنی: الحسین بن علی و «طُورِ سِينِينَ»، یعنی: علی بن ابی طالب، و «هـذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»، یعنی: فاطمه الزهرا، خدای عز و جلّ حسن را به انجیر ماننده کرد، زیرا که انجیر شیرین باشد از اندرون و بیرون... و باز حسین را به زیتون مانند کرد، زیرا که زیتون خود با منفعت باشد.... (۱)

۷. ترجمه قرآن پارس

این ترجمه که از «سوره مریم» (منهای چند آیه از آن) تا پایان قرآن را در بردارد، به کوشش دکتر «علی رواقی» در سال ۱۳۵۰شمسی منتشر شده است. محقق، کتاب را مربوط به اوایل قرن پنجم قمری می داند.

این ترجمه که خالی از هرگونه تفسیری است، از خراسان برخاسته، ولی آثار گویش محلی در ترجمه پارس آشکارتر از ترجمه رسمی است. (۲)

مثال: فَأَشارَتْ إِلَيْهِ قالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؛ ۳ اشارت کرد مریم به سوی عیسی؛ گفتند: چگونه سخون گوییم با کسی که هست اندر گاهواره کودکی خورد.

۸. تفسیر و ترجمه ابوبکر عتیق نیشابوری (ترجمه قصه های قرآنِ تربت جام)

ترجمه قصه های قرآن مبتنی بر تفسیر «ابوبکر عتیق نیشابوری» (م۴۹۴ق) که از

۱- (۱) . تفسیر قرآن مجید، به کوشش جلال متینی، ج۲، ص۵ - ۶۰۳ و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۱۰۵-۱۰۹.
۲- (۲) . تاریخ ترجمه عربی به فارسی، ص۱۳۱ و ۱۳۲.

روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام، به کوشش «مهدی بیانی» و «یحیی مهدوی» در سال ۱۳۳۸ش در تهران منتشر شد.

در این نسخه، ترجمه آیات، زیر آنها نوشته شده است. (۱)

مثال: إِنّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزِینَهٍ الْکَواکِبِ؛ ۲ به درستی که ما بیاراستیم آسمان نزدیک ترین را با آرایش ستارگان.

۹. ترجمه و تفسیر کشف الاسرار میبدی

تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار معروف به «تفسیر خواجه عبدالله انصاری» در اوایل قرن ششم هجری (۲) توسط «ابوالفضل رشیدالدین میبدی» (م۵۲۰هجری) تألیف شده که بارها به صورت های متنوع چاپ و تحقیق شده است؛ از جمله در سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹شمسی به کوشش علی اصغر حکمت در ده جلد چاپ شده و نیز قرآن کریم با ترجمه نوبت اول از کشف الاسرار به کوشش سید حسن سادات ناصری در سال ۱۳۵۱شمسی.

در این کتاب، هر آیه، سه بار تفسیر شده است که بار اول آن، ترجمه قرآن کریم است؛ بار دوم، تفسیر عادی است و بار سوم، مباحث عرفانی آیه است. در نفسیر دوم و سوم مطالب گاه به فارسی و گاه به عربی نگاشته شده است.

نثر فارسی ترجمه و تفسیر کشف الاسرار شکوهمند، شاعرانه و حکمت آمیز است و تأثیر واژگان فخیم و شکوهمند آن در ادبیات فارسی و آثار نثر و شعر آن، تا عصر حاضر مشهود است؛ از این رو از گنجینه های سخن فارسی به شمار می آید.

۱- (۱) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۱۳۹.

۲- (۳) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۱۶۳.

مثال: فَأَغْوَيْناكُمْ إِنّا كُنّا غاوِينَ؛ ۱ ما شما را کژ راه کردیم که خود کژ راه بودیم. (۱)

إِلاّـ مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَهَ فَأَتْبَعَهُ شِـهابٌ ثاقِبٌ؛ ۳ مگر که دیوی سخن دزد، سخنی ربایـد از زبـان فریشـته، در پی او نشـیند شـاخی آتشـین، درفشان، سوزان. (۲)

۱۰. تفسیر ابوالفتوح رازی

تفسـیر و ترجمه رَوح الجنان و رُوح الجنان؛ معروف به «تفسـیر ابوالفتوح رازی»، تألیف «حسـین بن علی بن محمـد بن احمد بن حسـین بن احمد نیشابوری الاصل رازی المسکن» معروف به ابوالفتوح رازی (متوفای نیمه اول سده ششم هجری) که بارها و به شکل های گوناگون تحقیـق و چـاپ شـده است که از آن جمله است: بـا تحقیق علاّمه «ابوالحسن شـعرانی» و به تصـحیح مرحوم «علی اکـبر غفـاری» در سـال ۱۳۵۶شمسی در تهران، در دوازده جلد و نیز به کوشش دکتر یاحقی و دکتر ناصح در سال ۱۳۷۱شمسی در مشهد.

این تفسـیر نیز از گنجینه های گران قـدر فارسـی به شـمار می آید و در دهه های دوم و سوم قرن شـشم هجری (پیش از سال ۵۳۳هجری) تألیف شده (۳) و حدود ده سال بعد از تفسیر کشف الاسرار، به عنوان دومین تفسیر فارسی نگاشته شد. (۴)

۱- (۲) . سید حسن سادات ناصری، قرآن کریم با ترجمه نوبت اول کشف الاسرار، ص ۳۱۰.

۲- (۴) . قرآن کریم با ترجمه نوبت اول کشف الاسرار، ص۳۰۹.

۳- (۵) . یاحقی، تفسیر ابوالفتوح، ص ۶۰.

۴- (۶) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۱۹۶.

نثر فارسـی ترجمه و تفسـیر ابوالفتوح، روان و ساده است؛ اما کلمات عربی درآن بسـیار به کار رفته است. البته بعضـی احتمال داده اند که برخی فقرات ترجمه تحت اللفظی که در کتـاب آمـده، از مؤلف نیست؛ (۱) بلکه تحت تأثیرترجمه رسـمی نوشته شده است؛ (۲) چرا که گاهی تفاوت هایی بین ترجمه های آیات در دوران تفسیر ابوالفتوح با ترجمه آیات در ابتدای آن وجوددارد.

مثال: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ...؛ ۳

ترجمه مستقل ابوالفتوح: «و بیازماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستنی از مال ها و جان ها».

ترجمه درون تفسیر ابوالفتوح: «و ما امتحان کنیم و بیازماییم شما را به چیزی... از ترس و گرسنگی و نقصان مال و تن ها».

مثال: لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَهِ...؛ ۴

ترجمه مستقل ابوالفتوح: «اگر نه بازایستند منافقان و آنان که در دل هاشان بیماری است و ارجاف کنندگان در مدینه».

ترجمه رسمی طبری: «اگر باز نه ایستند منافقان و کس ها که اندر دل هاشان بیماری است و ارجاف کنندگانند اندر مدینه».

۱۱. جِلاء الاذهان و جَلاء الاحزان (تفسیر گازر)

این تفسیر و ترجمه، توسط «ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی» در حدود

۱- (۱) . شعرانی، تفسیر ابوالفتوح، ج۱۲، ص۲۷۴ و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۲۱۱.

۲- (۲) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۲۰۹.

نیمه قرن هشتم نگاشته شده است که احتمالاً همین تاریخ، زمان حیات مؤلف و تدوین کهن ترین نسخه موجود آن است.

این تفسیر به کوشش «میرجلال الدین حسینی ارموی» (محدث) در سال ۱۳۳۷شمسی در تهران منتشر شده است.

تفسیر گازر را خلاصه تفسیر ابوالفتوح رازی دانسته اند. (۱)

مثال: خافِضَهٌ رافِعَهٌ؛ ۲ قومی را خفض کند (و به دوزخ فرو برد) و قومی را رفع کند (و به درجات بهشتی رساند).

۱۲. «مواهب علیه» یا تفسیر حسینی

این تفسیر و ترجمه، تألیف «کمال الدین حسین کاشفی» (م ۹۱۰هجری) است که در سال ۸۹۹ هجری به نگارش درآمده و با تصحیح و تحقیق «سید محمدرضا جلالی نائینی» در سال ۱۳۱۷ شمسی در تهران منتشر شده است.

کاشفی، بزرگترین نویسنده و محقق زمان خود و واعظ مشهور هرات (شهر اهل سنت آن روزگار) و سبزوار (شهر شیعه نشین) بود و چنان مردم را وعظ می کرد که کسی نمی دانست او شیعه است یا سنی. کتاب روضه الشهدای او چندان در مجالس سیدالشهدا(علیه السلام) خوانده شد که مجالس آن حضرت به نام روضه خوانی شهرت یافت.

او در تفسیر خود از استقلال نسبی برخوردار بوده و از شعر شاعران بزرگ فارسی شاهد آورده و در ترجمه خود از کسی تقلید کامل نکرده است و ترجمه ها در درون تفسیر قرار دارد. (۲)

ص:۴۵

۱- (۱) . مقدمه تفسیر گازر، ج۱، صفحات ی - یج، و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۲۲۷.

۲- (۳) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۲۳۳ - ۲۳۵.

مثال: وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ...؛ ۱ و بدهند مال خود را بر دوستی حق تعالی... خویشان درویش را و بی پدران را... و محتاجان را... و راه گذریان را... و درویشان خواهنده را... و در بهای بندگان را (کذا)... .

۱۳. تفسیر منهج الصادقین

این کتاب، تألیف «مولی فتح الله کاشانی» (م ۹۸۸هجری) است که در ترجمه آیات قرآن، تقریباً عبارات کتاب مواهب علیه را تکرار کرده است.

ایشان بخشی از تفسیر مواهب علیه را نیز آورده، اما روایات شیعی را بر آن افزوده است. (۱)

مثال: یا أَیُّهَا النّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ...؛ ۳ ای گروه آدمیان! بندگی کنید و پرستش نمایید پروردگار خود را.

۱۴. فتح الرحمن، بترجمان القرآن (فتح الرحمن فی ترجمه القرآن)

این ترجمه که توسط «ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم» (م ۱۱۷۶ق) مشهور به «شاه ولی الله محدث دهلوی» صورت گرفته و در عصر ما به «ترجمه محدث دهلوی» مشهور است، در دهلی چاپ شده است. هر چند که این ترجمه در قرن دوازده هجری نوشته شده، ولی هنوز هم جایگاه خود را حفظ کرده و توسط برخی مراکز، از جمله در عربستان چاپ و ترویج می شود (۲) و

۱- (۲) . تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص۳۲۷.

۲- (۴) . یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس، مقاله «دیدگاه های فقهی درباره ترجمه قرآن کریم»، سید محمدعلی ایازی، ص۱۵۳.

بارها در پاکستان و هند نیز چاپ شده است. (۱)

البته این توجه شاید به این سبب باشد که این ترجمه بنا بر مبانی اهل سنت به فارسی به نگارش درآمده است.

در این ترجمه به شأن نزول آیات نیز به اختصار پرداخته شده و شیوه ترجمه، جمله به جمله و متمایل به تحت اللفظی است. (۲)

مثال: الم* ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ* اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ؛ ۳ به نام خدای بخشاینده مهربان؛ این کتاب هیچ شبهه نیست در آن، رهنماست پرهیزکاران را؛ آنان که ایمان می آرند به نادیده و بر پا می دارند نماز را و از آن چه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند.

۱۵. موعود الرحمن فی ترجمان القرآن

این ترجمه، توسط «حسین خوانساری» انجام یافته و در سال ۱۸۹۳م در بمبئی منتشر شده است. (۳)

ص:۴۷

۱- (۱) . کتاب شناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، ص۶۰، ترجمه محدث دهلوی را با ۳۴ بار تجدید چاپ، کثیر الانتشارترین ترجمه فارسی می شمارد.

۲- (۲) . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ترجمه شاه ولی الله دهلوی، بهاءالدین خرمشاهی، ج۱، ص۵۵۵ و مجله ترجمان وحی، سال ۵، ش ۹، ص۶۲ - ۶۸.

۳- (۴) . همان.

ردیف	نام ترجمه	نام مترجم	ناشر و محل انتشار	تاریخ چاپ	تاریخ ترجمه
۱	ترجمه بصیر الملک	بصیرالملک	تهران	۱۳۱۶ه ق	قرن۱۴ه
۲	القرآن المجید	مهدی الهی قمشه‌ای	تهران، محمدحسن علمی	۱۳۴۲ه ق	قرن۱۴ ه
۳	قرآن کریم با خلاصةالتفاسیر	شیخ محمود تهرانی	تهران، اسلامیه	۱۳۵۲ه ق	قرن۱۴ ه
۴	ترجمه قرآن کریم	محمدکاظم معزّی	انجمن اسلامی دانشجویان	۱۳۷۵ه ق	قرن۱۴ ه
۵	ترجمه و تفسیر قرآن	عمادالدین حسین اصفهانی	تهران، سعدی مخبرالدوله	۱۳۸۶ه ق	قرن۱۴ ه
۶	قرآن عظیم با ترجمه	علینقی فیض الاسلام	تهران، بی‌نام ناشر	۱۳۸۸ه ق	قرن۱۴ ه
۷	قرآن کریم با ترجمه فارسی	رضا سراج	تهران، محمد خالقی	۱۳۹۲ه ق	قرن۱۴ ه
۸	قرآن مجید	ابوالقاسم پاینده	تهران، جاویدان	۱۳۳۶ه ش	قرن۱۴ ه
۹	کشف الحقایق	عبدالحمید نوبری	تهران، چاپخانه موسوی	۱۳۳۹ه ش	قرن۱۴ ه
۱۰	ترجمه قرآن	حکمت آل آقا	تهران، اقبال و شرکا	۱۳۵۳ه ش	قرن۱۴ ه
۱۱	قرآن مجید با ترجمه و تفسیر	زین‌العابدین رهنما	تهران، چاپ کیهان	۱۳۵۴ه ش	قرن۱۴ ه
۱۲	ترجمه داریوش شاهین	داریوش شاهین	کانون انتشارات جاویدان ـ تهران	۱۳۵۹ه ش	قرن۱۴ ه
۱۳	قرآن مجید	عبدالمحمدآیتی تهران، سروش		۱۳۶۷ه ش	قرن۱۴ ه
۱۴	قرآن حکیم	محمد خواجوی	تهران، انتشارات مولی	۱۳۶۹ه ش	قرن۱۴ ه
۱۵	معانی القرآن	محمدباقر بهبودی	تهران، خانه آفتاب	۱۳۶۹ه ش	قرن۱۴ ه
۱۶	قرآن کریم	جلال‌الدین فارسی	تهران، انجام کتاب	۱۳۶۹ه ش	قرن۱۴ ه
۱۷	قرآن حکیم	جلال‌الدین مجتبوی	تهران، حکمت	۱۳۷۲ه ش	قرن۱۴ ه
۱۸	قرآن مجید	مهدی فولادوند	تهران، قم	۱۳۷۳ه ش	قرن۱۴ ه
۱۹	قرآن کریم	بهاءالدین خرمشاهی	تهران انتشارات نیلوفر و انتشارات جامع	۱۳۷۴	قرن۱۴ ه

تصویر

۲۰	قرآن کریم	موسوی گرمارودی	تهران، انتشارات قدیانی	۱۳۸۳	قرن۱۴ ه
۲۱	القرآن الکریم	ابوالفضل بهرام‌پور	تهران، عصمت	۱۳۸۳	قرن۱۴ ه
۲۲	القرآن الکریم	ناصر مکارم شیرازی	قم، دارالقرآن الکریم	۱۳۷۶	قرن۱۴ ه
۲۳	قرآن کریم	محمدعلی رضائی‌اصفهانی و جمعی از قرآن‌پژوهان	قم، دارالذکر	۱۳۸۴	قرن۱۴ ه
۲۴	انوار درخشان در تفسیر قرآن	سید محمدحسین همدانی	تهران، لطفی	۱۳۸۰ ش	قرن۱۴ ه
۲۵	اطیب البیان فی تفسیر القرآن	سیدعبدالحسین طیب	تهران	۱۳۴۱ ش	قرن۱۴ ه
۲۶	القرآن الکریم	حاج محمود یاسری	تهران، اسلامیه	۱۳۷۲ ش	قرن۱۴ ه
۲۷	قرآن مجید	کاظم پورجوادی	تهران، بنیاد دانشنامه اسلام	۱۳۷۲ ش	قرن۱۴ ه
۲۸	قرآن مجید	ابوالقاسم امامی	قم، اسوه	۱۳۷۷ ش	قرن۱۴ ه
۲۹	قرآن مجید	علی‌اصغر حلبی	تهران، انتشارات اساطیر	۱۳۸۰ ش	قرن۱۴ ه
۳۰	قرآن کریم	مسعود انصاری خوشابر	تهران، انتشارات فرزانروز	۱۳۷۷ ش	قرن۱۴ ه
۳۱	ترجمه قرآن	عبدالمجید معادی‌خواه	ذره	۱۳۷۹ ش	
۳۲	قرآن مبین	علی‌اکبر طاهری قزوینی	تهران، انتشارات قلم	۱۳۸۰ ش	قرن۱۴ ه
۳۳	قرآن مجید	حسین انصاریان	قم، چاپخانه بزرگ قرآن	۱۳۸۳ ش	قرن۱۴ ه
۳۴	قرآن الکریم	علی‌اکبر سروری	تهران، انتشارات جمهوری (اسدی)	۱۳۷۷ ش	قرن۱۴ ه
۳۵	القرآن الکریم	سیدکاظم ارفع	تهران، انتشارات فیض کاشانی	۱۳۸۱ ش	قرن۱۴ ه
۳۶	القرآن الکریم	علی مشکینی	قم، الهادی	۱۳۸۰ ش	قرن۱۴ ه
۳۷	قرآن حکیم	سیدمهدی دادور (آیت‌اللهی)	تهران، انتشارات جهان‌آرا	۱۳۸۱ ش	قرن۱۴ ه

تصویر

۳۸	ترجمه قرآن	احمد کاویان‌پور	اقبال	۱۳۷۲ ش	قرن۱۴ ه
۳۹	ترجمه منظوم	امید مجد	کتیبه	۱۳۷۶ ش	قرن۱۴ ه
۴۰	ترجمه قرآن	سید محمدباقر موسوی همدانی	دفتر انتشارات اسلامی	۱۳۶۳ ش	قرن۱۴ ه
۴۱	ترجمه قرآن	محمود اشرفی	جاویدان	۱۳۷۳ ش	قرن۱۴ ه
۴۲	ترجمه قرآن	مصطفی خرم‌دل	احسان	۱۳۷۱ ش	قرن۱۴ ه
۴۳	ترجمه قرآن	طاهره صفارزاده	هنر بیداری	۱۳۷۳ ش	قرن۱۴ ه
۴۴	ترجمه قرآن	اکبر ایران‌پناه	سازمان پژوهش	۱۳۶۳ ش	قرن۱۴ ه
۴۵	ترجمه قرآن	محمدکاظم صفری	یاسین	۱۳۷۸ ش	قرن۱۴ ه
۴۶	ترجمه قرآن	اصغر برزی	بنیاد قرآن	۱۳۸۲ ش	قرن۱۴ ه
۴۷	ترجمه قرآن	محمد شائق	فواد	۱۳۸۰ ش	قرن۱۴ ه
۴۸	القرآن الکریم	آیت الله محمد یزدی	اسوه	۱۳۸۶ش	قرن معاصر
۴۹	قرآن کریم	دکتر محمد صادقی تهرانی	کلیدر	۱۳۸۲ش	قرن معاصر
۵۰	القرآن الکریم	ابوالحسن شعرانی	انتشارات اسلامیة	۱۳۷۴ش	قرن۱۴ ه
۵۱	قرآن کریم	ابوالفت وحرازی (به کوشش محمد مهیار)	مطبوعات دینی	۱۳۷۹ش	قرن ششم
۵۲	ترجمه و تفسیر کشف الاسرار و عدةالابرار	ابوالفضل رشیدالدین میبدی	انتشارات ابن‌سینا	۱۳۵۲ ش	قرن ششم
۵۳	کلام الله مجید	امیر توحیدی	حافظ نوین	۱۳۸۷ ش	قرن معاصر
۵۴	القرآن الکریم	حسین استاد ولی	انتشارات اسوه	۱۳۸۵ش	قرن معاصر
۵۵	قرآن مجید (با ترجمه، تفسیر و تحقیق)	سیداسدالله مصطفوی		۱۳۹۶قمری	قرن معاصر
۵۶	ترجمه و خلاصه التفاسیر	سید جمال‌الدین استرآبادی			قرن۱۴ ه
۵۷	ترجمه قرآن مجید	سید حسن ابطحی	انتشارات بطحاء	۱۳۸۳ش	قرن معاصر
۵۸	قرآن کریم (ترجمه قرآن بر اساس المیزان)	سید محمدرضا صفوی	اسراء	۱۳۸۵	قرن معاصر

۵۹	گلی از بوستان خدا (ترجمه‌ای گویا از قرآن کریم)	سید مهدی حجتی	انتشارات بخشایش	۱۳۸۴	قرن معاصر
۶۰	القرآن الکریم	سید مصطفی حسینی دشتی	تأمین	۱۳۸۹ ش	قرن معاصر
۶۱	قرآن برای همه «با ترجمه وتوضیح به فارسی سره»	سید عطاءالله مجدی	انجمن فرهنگی هنری استان مرکزی	۱۳۸۳ ش	قرن معاصر
۶۲	القرآن الکریم (ترجمه وتفسیر مختصر فارسی)	سید هاشم رسولی محلاتی	مؤسسه فرهنگی هنری شمیم یاس ولایت	۱۳۸۸ش	قرن معاصر
۶۳	القرآن الکریم	عباس مصباح‌زاده	بدرقه جاویدان	۱۳۸۰ ش	قرن معاصر
۶۴	ترجمه جدولی قرآن کریم	عبدالله خاموش هروی	شیخ الاسلام احمدجام	۱۳۸۶ ش	قرن معاصر
۶۵	کتاب نبی	عبدالحسین آیتی		۱۳۲۶	قرن۱۳ هـ
۶۶	ترجمه روان از قرآن کریم (برگرفته از تفسیر شریف صافی و ترجمه الهی قمشه‌ای)	عبدالرحیم عقیقی بخشایشی	انتشارات بخشایش	۱۳۸۷	قرن معاصر
۶۷	قرآن مجید با ترجمه فارسی	عبدالمجیدصادق نوبری	سازمان چاپ و انتشارات اقبال	۱۳۹۶ق	قرن۱۴ هـ
۶۸	قرآن کریم (برگردانی کهن از قرآن کریم)	نامعلوم (به کوشش دکتر علی رواقی)	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۳۸۲ ش	ظاهراًمربوط به قرن دهم
۶۹	القرآن الحکیم	غلامرضا یاسیپور	مؤسسه هنری و فرهنگی «هنر و اندیشه»	۱۳۸۸ ش	قرن معاصر
۷۰	آشنایی با قرآن کریم (شرح و ترجمه برای نوجوانان)	فرزانه زنبقی	فرنو	۱۳۷۹	قرن معاصر
۷۱	قرآن کریم	کریم زمانی	نامک	۱۳۸۹ ش	قرن معاصر
۷۲	القرآن الکریم	ابوبکر عتیق نیشابوری (سور آبادی) (به کوشش محمد مهیار)	انتشارات کلیدر	۱۳۸۴	قرن۵ هـ

تصویر

۷۳	القرآن الکریم	محمدحسین ابراهیمی	اعتماد	۱۳۷۸ ش	قرن معاصر
۷۴	قرآن کریم	سید محمد صمصام الشریعت	مهر ثامن الائمه	۱۳۸۵ش	قرن معاصر
۷۵	قرآن کریم با ترجمه روان و ذکر نکات تأویلی	محمدعلی صالح غفّاری	برهان	۱۳۸۵ش	قرن معاصر
۷۶	القرآن الکریم همراه با شرح آیات منتخب	محمد فقیهی رضائی و همکاران	محراب قلم	۱۳۸۴	قرن معاصر
۷۷	قرآن کریم (با ترجمه موزون و شیوا)	محمود صلواتی	گلبانگ	۱۳۸۱ ش	قرن معاصر
۷۸	مخزن العرفان (ترجمه و تفسیر)	بانو مجتهده امینی	انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست		قرن۱۴ ه
۷۹	ترجمه فارسی قرآن	مرکز فرهنگ و معارف قرآن	مؤسسه بوستان کتاب	۱۳۸۵	قرن معاصر
۸۰	القرآن الکریم	مسعود ریاعی	کتاب آشنا	۱۳۸۳ ش	قرن معاصر
۸۱	القرآن الکریم (آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن)	مهدی محمودیان	اسوه	۱۳۸۹ ش	قرن معاصر
۸۲	ترجمه فارسی قرآن کریم	هوشنگ آبان	انتشارات فرناس	۱۳۸۵	قرن معاصر
۸۳	قرآن مجید (ترجمه منظوم)	حسن راحتی سبزواری	ضریح آفتاب	۱۳۸۶ش	قرن معاصر
۸۴	ترجمه منظوم قرآن کریم	سید محمدعلی محمدی	انتشارات حضرت معصومه	۱۳۸۱	قرن معاصر
۸۵	قرآن مجید (ترجمه منظوم)	شهاب تشکری آرانی	اسوه	۱۳۸۴ش	قرن معاصر
۸۶	قرآن مجید (ترجمه منظوم)	رستم کوشان	مؤسسه فرهنگی هنری رزمندگان اسلام	۱۳۸۴ ش	قرن معاصر
۸۷	قرآن مجید (ترجمه منظوم)	عباس حداد کاشانی	سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱۳۸۳	قرن معاصر
۸۸	القرآن الکریم (ترجمه منظوم)	کرم خدا امینیان	اسوه	۱۳۸۴	قرن معاصر

تصویر

۸۹	ترجمه قرآن مجید	حاج میرزا حسن صفی علیشاه	انتشارات کانون پژوهش	۱۳۸۶ ش	قرن۱۳ هـ
۹۰	القرآن الکریم (ترجمه منظوم)	سیدرضا ابوالمعالی (کرمانشاهی)	انتشارات خاص	۱۳۸۵ش	قرن معاصر
۹۱	قرآن مجید	علی کرمی فریدنی	نوین قم	۱۳۸۴	قرن معاصر
۹۲	قرآن، ندایی برای جهانیان	معصومه یزدان‌پناه	نشر شهید سعید محبی	۱۳۸۵	قرن معاصر

ص:۵۴

پژوهش ها

۱. تعریف های «ترجمه» قرآن را ذکر کرده و بررسی کنید.

۲. از زبانی که با آن آشنا هستید یک ترجمه برگزینید و آن را روش شناسی، سبک شناسی و آسیب شناسی کنید.

۳. چنان چه در سال جاری، ترجمه جدیدی از قرآن منتشر شده، آن را معرفی و بررسی کنید.

۴. با پژوهش میدانی، فهرست ترجمه ها به زبان های مختلف را تکمیل کنید.

۵. چند آیه را انتخاب کرده، ترجمه های فارسی آنها را در قرن های مختلف با یکدیگر مقایسه و وجوه اشتراک و افتراق آنها را بررسی کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. اصول و مبانی ترجمه، طاهره صفارزاده؛

۲. ترجمان وحی، فصل نامه تخصصی مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی، (مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی)؛

۳. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش، سروش، ۱۳۷۵، تهران؛

۴. تاریخ ترجمه قرآن در جهان، دکتر سلماسی زاده؛

۵. کتاب شناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، عصمت بینارق، خالدارن، ترجمه محمد آصف فکرت، نشر آستان قدس مشهد؛

۶. قرآن ناطق، جلد اول، دکتر بی آزار شیرازی، دفتر فرهنگی نشر اسلامی، ۱۳۷۹، تهران؛

۷. راهنمای گنجینه قرآن، احمد گلچین معانی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۴۷ش.

۳.مبانی و اصول ترجمه قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. شناخت مبانی وجودی ترجمه قرآن؛ ۲. شناخت مبانی فقهی ترجمه قرآن؛ ۳. شناخت مبانی قرائی ترجمه قرآن؛ ۴.شناخت مبانی ادبی ترجمه قرآن؛ ۵. شناخت مبانی تفسیری ترجمه قرآن؛ ۶. شناخت مبانی کلامی ترجمه قرآن؛ ۷. شناخت مبانی زبان شناختی ترجمه قرآن؛ ۸. شناخت مبانی روش شناختی ترجمه قرآن.

مفهوم شناسی مبانی ترجمه

مبانی ترجمه، عبارت است از: زیرساخت های فقهی، کلامی، ادبی، قرائی، تفسیری، زبان شناختی، روش شناختی و واژه گزینی که به ترجمه جهت می دهد، و به عبارت دیگر: پیش فرض هایی است که لازم است مترجم قرآن، پیش از ترجمه، برگزیده باشد.

مقصود از اصول، خطوط اصلی و جهت گیری هایی است که به ترجمه سمت وسو می دهد. «اصول» را مترجم انتخاب می کند و با «مبانی ترجمه»، پیوندی نزدیک دارد و گاه تفکیک ناپذیر است؛ از این رو هر دو را با هم خواهیم گفت؛ البته بسیاری از اصول، مبانی و پیش فرض ها در علوم دیگر بررسی می شود و مترجم از آنها برداشت می کند؛ ولی اطلاع از آنها و بررسی اجمالی دلایل آنها و نیز انتخاب مبنا در موارد اختلافی، برای مترجم، ضروری است.

تاریخچه و کتاب شناسی

برخی مباحث مبانی ترجمه قرآن، پیشینه ای دراز در بین مسلمانان دارد؛ از جمله بحث «جواز ترجمه قرآن» که از زمان ترجمه تفسیر طبری توسط علمای ماوراءالنهر مطرح بوده است؛ (۱) ولی عنوان خاص «مبانی ترجمه قرآن» عنوانی نوین در بین مسلمانان است. البته پیش ازاین کتاب هایی با عنوان «مبانی ترجمه» به بررسی ترجمه به معنای عام پرداخته اند؛ همچون: اصول و مبانی ترجمه اثر طاهره صفارزاده.

درباره «مبانی ترجمه قرآن» می توان از کتاب ها و مقالات زیر یاد کرد:

۱. قرآن ناطق، جلد اول، اثر دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، ۱۳۷۶ ش. ایشان در مقدمه طولانی این کتاب (حدود ۴۰۰ صفحه) مبانی علمی ترجمه و تفسیر قرآن را بررسی کرده است. البته در این میان، مباحث متعدد دیگری نیز مطرح شده است؛

۲. تاریخ و مبانی ترجمه قرآن، پایان نامه دکترا، عبدالکریم بی آزار شیرازی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران. مطالب این پایان نامه به صورت کامل در جلد اول قرآن ناطق ایشان آمده است؛

۳. یادگارنامه فیض الاسلام (جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس)، به اهتمام دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۳ش. این کتاب نفیس، مجموعه مقالات همایش مرحوم فیض الاسلام است که با عنوان ترجمان متون مقدس گردآوری شده و

۱- (۱) . ترجمه تفسیری طبری، به اهتمام حبیب یغمایی، ج۱، ص۵ و نیز مبحث مبانی فقهی ترجمه، از همین نوشتار.

برخی از مقالات، روش ها و مبانی ترجمه قرآن را مورد بررسی قرار داده است؛

۴. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، ۱۳۸۱ ش. در این کتاب، دلایل موافقان ترجمه قرآن و شرایط مترجم و ترجمه و علوم پیش نیاز آنها به صورت مختصر بیان شده و به برخی از اصول و مبانی ترجمه، مثل مبحث ترادف، تطور لغت، مبانی کلامی و مبانی فقهی اشاره شده است؛

۵. مناهل العرفان فی علوم القرآن، جلد دوم، زرقانی؛

۶. التفسیر و المفسرون، جلد اول، دکتر ذهبی؛

۷. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، جلد اول، آیه الله محمدهادی معرفت؛

۸. البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله خویی(رحمه الله)؛

۹. الادله العلمیه، فی جواز ترجمه القرآن الی اللغات الاجنبیه، محمد فرید وجدی؛

۱۰. تفسیر المنار، ج ۹ (ص ۳۲۰ به بعد) محمد رشید رضا؛

۱۱. منطق ترجمه قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی؛

۱۲. سیمای ترجمان قرآن به زبان فارسی، محمدعلی رضائی اصفهانی.

پیرامون ترجمه قرآن، برخی نویسندگان، دلایلی برای عدم جواز ترجمه قرآن آورده اند و از مسئله «امکان ترجمه» (۱) و «جواز شرعی» با هم بحث کرده اند؛ (۲) ولی به نظر می رسد که این دو مطلب از هم جداست؛ یعنی «اثبات امکان ترجمه قرآن»، مقدم بر «جواز شرعی آن» است؛ از این رو ما مبحث امکان ترجمه را مقدم می داریم و با عنوان «مبنای وجودی ترجمه قرآن» بررسی می کنیم و پس از اثبات امکان ترجمه، مسئله جواز شرعی ترجمه قرآن را با مبانی فقهی ترجمه بررسی خواهیم کرد.

۱- (۱) . مقصود از امکان ترجمه، امکان عادی است، نه امکان عقلی و نه امکان شرعی آن.

۲- (۲) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۶۷ به بعد.

مبانی وجودی ترجمه قرآن (امکان ترجمه)

اشاره

مهم ترین دلیـل برای امکـان چیزی، وقوع آن است. هنگامی که به هزار و چهارصـد سال تاریـخ اسـلام می نگریم، درمی یابیم که ترجمه قرآن در طول قرون و اعصار متمادی با فراز و نشیب های بسیار، انجام گرفته و صدها ترجمه کامل و ناقص از قرآن بر جای مانده است.

اگر حکایات تاریخی را بپذیریم، قرآن در عصـر پیامبر(صـلی الله علیه و آله) توسط سلمان فارسی ترجمه شد. (۱) و پیامبر(صلی الله علیه و آله) نه تنها ترجمه قرآن به فارسی را غیر ممکن ندانست، بلکه آن را اجازه داده یا تقریر کرده است.

این پدیده ضروری در طول اعصار، به ویژه از قرن سوم به بعد، ادامه یافت و هم اکنون نیز ادامه دارد.

البته کسانی که برای جواز ترجمه قرآن دلیل آورده اند، معمولا به سـراغ دلایل ضـرورت ترجمه و جواز شرعی آن رفته اند، (۲) که پاسخ گوی دلایل امکان نخواهـد بود؛ هرچنـد که با ضـمیمه وقوع ترجمه، دلایل ضـرورت و جواز شـرعی می توانـد مؤیـد و شاهـدی بر امکان ترجمه باشد. البته در این جا لازم است بین دو نوع ترجمه تفاوت بگذاریم:

۱. ترجمه مطلق و جایگزین

ترجمه ای که تمـام کمالات قرآن را بنمایانـد و اعجاز و محتوای آن را به صورت کامل در زبان مقصـد منعکس سازد. چنین ترجمه ای، قرآن جدیدی است که

۱- (۱) . السرخسی، المبسوط، ج۱، ص۱۳۷.

۲- (۲) . علی نجار، اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۲۱ - ۲۴ و قرآن ناطق، ج۱، ص۶۹ به بعد.

جایگزین قرآن اصلی در زبان مقصد می شود و البته این ترجمه، با تحدّی قرآن منافات دارد و امکان پذیر نیست.

۲. ترجمه نسبی

ترجمه ای که محتوا و دلالت اصلی و تبعی کلام و آهنگ و کمالات قرآن را به طور نسبی در زبان مقصد منعکس سازد و ادعای اعجاز و تمام نمایی نداشته باشد. البته روشن است که این گونه ترجمه قرآن، هم ممکن است و هم بارها انجام شده و همه مترجمان قرآن، در طول تاریخ اسلام به دنبال همین نوع ترجمه بوده اند و مقصود کسانی که ترجمه را جایز و ممکن می دانند نیز همین نوع از ترجمه قرآن است.

مبانی فقهی ترجمه قرآن

اشاره

فقه و ترجمه قرآن رابطه ای مستقیم با هم دارند؛ چرا که بسیاری از آیات قرآن، بیان کننده احکام فقهی است (۱) و ترجمه آن آیات، بدون توجه به مبانی و دیدگاه ها و دلایل فقهی آنها بعید است.

البته بررسی ضرورت دانش فقه در ترجمه و نقش فقاهت مترجم در ترجمه قرآن، نیاز به بحث جداگانه ای دارد. (۲) ما در این جا به بررسی اصل «جوازشرعی ترجمه، از منظر فقه» و نیز «تأثیر مبانی فقهی مختلف در ترجمه قرآن» می پردازیم.

۱- (۱) . تعداد آیات الاحکام از ۵۰۰ آیه تا ۲۰۰۰ آیه برآورد شده است، (فقه القرآن، محمد فاکرمیبدی، ص۳۷).

۲- (۲) . این مطلب در نوشتار «تأثیر دانش های مترجم در ترجمه قرآن» بررسی خواهد شد و نمونه ها و مثال های متعدد بیان می شود.

۱. جواز شرعی ترجمه قرآن

اشاره

«جواز» ترجمه، می تواند به دو معنا باشد:

معنای اول: جواز به معنای «امکان ترجمه قرآن» (این مطلب در مبانی وجودی ترجمه قرآن مورد بررسی قرار گرفت).

معنای دوم: جواز به معنای «جواز شرعی»؛ یعنی: حرام نبودن ترجمه قرآن که اعم از وجوب، استحباب و مباح است. این موضوع در این جا مورد بررسی قرار می گیرد.

مسئله جواز شرعی ترجمه قرآن از دیرباز موضوع بحث علما و فقهای اسلام بوده است و دلایلی برای اثبات یا ردّ آن آورده اند. قدیمی ترین گزارش فقهی در مورد ترجمه قرآن، دیدگاه ابوحنیفه (۸۰ - ۱۵۰ه.)، رئیس «مذهب حنفی» است که فتوا داد: «هر کسی در نماز، قرآن را به فارسی قرائت کند، جایز است، اما مکروه است». (۱) البته برخی حکایت کرده اند که ابوحنیفه بعداً از این فتوای خود بازگشت. (۲)

گزارش بعدی، از علمای ماوراءالنهر است که در مقدمه ترجمه «تفسیر طبری»، که بین سال های ۳۵۰ - ۳۶۵ه . نوشته شده، آمده است:

و این کتاب تفسیرِ بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری(رحمه الله)، ترجمه کرده به زبان پارسی و دری است و این کتاب را بیاوردند از بغداد، چهل مصحف بود به زبان تازی و به اسنادهای دراز... بیاوردند سوی منصور بن نوح... پس دشوار آمد بر او خواندن این کتاب... و چنان خواست که آن را ترجمه کنند به زبان پارسی، پس علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و از ایشان فتوا

۱- (۱) . شمس الدین السرخسی، المبسوط، ج۱، ص۳۷ .

۲- (۲) . الآلوسی، روح المعانی، ج۱۹، ص۱۲۶ و الزرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج۱، ص۷ - ۲۸۸ و السیوطی، الاتقان، ج۱، ص۳۵۳.

کرد که: روا باشد که ما این کتاب را به زبان فارسی گردانیم؟گفتند: روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند از قول خدای عزّ و جلّ که گفت: وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاّ بِلِسانِ قَوْمِهِ.... ۱ و (۱)

از این گزارش های تاریخی روشن می شود که ذهنیت مردم در قرن دوم تا چهارم هجری، عدم جواز ترجمه و تفسیر قرآن به زبان غیر عربی بوده است و یادست کم، شبهه قوی در برابر جواز آن وجود داشته است؛ به طوری که برای ترجمه تفسیر نیز از علما کسب فتوا می کردند و این در حالی است که درعصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اوایل اسلام چنین ذهنیتی وجود نداشته است؛ چراکه براساس گزارش های تاریخی، هنگامی که «اهل فارس» از سلمان فارسی، صحابی بزرگ پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) خواستند تا سوره «فاتحه الکتاب» را برای آنها به فارسی ترجمه کند، سلمان پاسخ مثبت داد و بعد همین ترجمه را به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) نشان داد. (۲)

اما آن چه مهم است، دلایل موافقان و مخالفان جواز شرعی ترجمه قرآن است که در بین فقهای شیعه و اهل سنت موافقان و مخالفان متعددی را برانگیخته که در ضمن بحث به آنها اشاره می کنیم.

الف) دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه

یکم: جهان شمولی پیام قرآن

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) دارای رسالتی جهانی است؛ همان طور که در آیات متعدد (۳) قرآن

ص:۶۳

۱- (۲) . ترجمه تفسیر الطبری، به اهتمام حبیب یغمایی، ج۱، ص۵.
۲- (۳) . المبسوط، شرح الکافی، ج۱، ص۱۳۷ و تاج الشریعه، حاشیه الهدایه، ج۱، ص۸۶.
۳- (۴) . اعراف، آیه۱۵۸، فرقان، آیه۱.

این مطلب بیان شده؛ از جمله: وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاّ کَافَّةً لِلنّاسِ...؛ ۱ ما تو را نفرستادیم، مگر برای همه مردم.

بنابراین باید پیام قرآن به همه مردم جهان برسد و فراگیری زبان عربی برای همه جهانیان دشوار و بعید است؛ پس چاره ای جز ترجمه قرآن به زبان های دیگر نیست. (۱) به عبارت دیگر: ترجمه، مقدمه رساندن پیام قرآن و اسلام به جهانیان است؛ از این رو، ترجمه قرآن جایز است و گاهی برای رساندن پیام قرآن و به مثابه مقدمه هدایت مردم واجب می شود.

دوم: سیره مسلمانان در ترجمه قرآن

سیره مسلمانان در طول تاریخ اسلام بر ترجمه قرآن بوده است و از همین رهگذر، صدها ترجمه به زبان های مختلف پدید آمد؛ چون بسیاری از مسلمانان صدر اسلام در ایران و روم و حبشه و... زبان عربی را نمی دانستند و لازم بود که آیات قرآن برای آنان ترجمه شود تا پیام ها و احکام اسلام را بفهمند؛ برای مثال: وقتی عده ای از مسلمانان در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) به رهبری جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کردند، پادشاه حبشه از جعفر خواست که قسمتی از قرآن را برایش بخواند و او آغاز «سوره مریم» را تلاوت کرد. (۲)

«نجاشی» زبان عربی را نمی دانست و لازم بود یکی از مسلمانان یا مترجمان دربار یا خود جعفر، آیات را برای نجاشی ترجمه کند. مورخان نوشته اند که جعفر زبان «اُمهری» را که زبان مردم حبشه بود می دانست و «سوره مریم»

۱- (۲) . قرآن ناطق، ج۱، ص۲ - ۴۱ و اصول و مبانی ترجمه، ص۲۲.

۲- (۳) . ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج۲، ص۸۱ و ابن هشام، السیره النبویه، ج۱، ص ۳۶۰.

رابرای پادشاه ترجمه کرد و او را تحت تأثیر قرار داد. (۱)

و نیز نـامه هایی که پیامبر اسـلام(صـلی الله علیه و آله) برای «نجاشـی» پادشاه حبشه، «مقوقس» پادشاه مصـر، «خسـرو پرویز» پادشاه ایران و «هراکلیوس» امپراتور روم نوشت، حاوی آیات قرآن بود که به صورت طبیعی به وسیله مسلمانان حامل نامه یا مترجمان دربار آنان، ترجمه شد. در مورد نامه پیامبر(صـلی الله علیه و آله) به نجاشی گفته شده که «عمر بن امیه» آن را به زبانی که نجاشی می فهمید ترجمه کرد (۲) و در مورد نامه پیامبر(صـلی الله علیه و آله) به امپراتور روم، گفته شده که او مترجمان خود را فرا خواند تا نامه پیامبر(صـلی الله علیه و آله) را ترجمه کنند. (۳)

اصولا ترجمه، یک شـیوه عقلایی برای فهم مطالب زبان دیگر است وکاملاطبیعی است که مسـلمانان نیز از همین شیوه استفاده کنند (۴) و همان طورکه گذشت، بر اساس نقل های مکرر تاریخی، سلمان فارسی سوره حمد را برای خواندن در نماز به فارسی ترجمه کرد و آن را به پیامبر نشان داد. (۵)

هر چند که عمل سلمان در مورد ترجمه قرآن در نماز بود (و این مطلبی است که شرایط و بحث ویژه ای دارد) ولی همین عمل سلمان که در محضر

ص:۶۵

۱- (۱) . صدر الافاضل پاکستانی، مناهج التفسیر فی شبه القاره، مجله التوحید، سال ۲، ش۹، ص۲۱۶،۱۴۰۴ق.

۲- (۲) . ابن قیم الجوزیه، زادالمعاد، ج۳، ص۶۸۹ و ۶۹۰.

۳- (۳) . صحیح البخاری، ج۱، ص۵ (کتاب اول باب ششم).

۴- (۴) . آقای سـهراب مروتی در پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، با عنوان «بررسی ترجمه های قرآن کریم»، ص۹ - ۶۲، برای ضرورت ترجمه، به سیره عقلا و علمای اسلامی استدلال کرده است.

۵- (۵) . المبسوط، ج۱، ص۱۳۷ و تاج الشریعه، حاشیه الهدایه، ج۱، ص۸۶ و... .

پیامبر(صلی الله علیه و آله) انجام گرفته و مورد انکار و منع ایشان قرار نگرفته، دلیل جواز شرعی ترجمه قرآن است.

البته زرقـانی در مناهـل العرفان در صـحت این حـدیث تردیـد می کنـد و آن را مضـطرب و مجهول الاصل می دانـد؛ ۱ ولی شایـد بتوانیم بگوییم که سیره مسلمانان بر ترجمه قرآن، خبر «سلمان» را به ذهن نزدیک و تقویت می کند.

سوم: ترجمه قرآن، نوعی از تفسیر

تفسـیر قرآن، کشف معانی و مقاصد آیات قرآن است و به عبارت دیگر: انتقال پیام آیات قرآن به مخاطب است و ترجمه قرآن نیز، همین هـدف را دنبـال می کنـد؛ بـا این تفاوت که تفسـیر می توانـد به زبان عربی یا زبان دیگر باشـد؛ اما ترجمه قرآن، معمولا به زبان غیر عربی است ۲ و ترجمه، مختصرتر از تفسیر است.

از این رو می توان گفت: ترجمه، خلاصه تفسـیر است؛ به ویژه اگر ترجمه آزاد (تفسیری) باشد و این همان دلیلی است که ذهبی نیز برای جواز (بلکه وجوب) ترجمه تفسـیری بـدان اسـتدلال کرد. ۳ بنـابراین، همـان طور که تفسـیر قرآن جـایز است و اجمالاًـ مورد انکار علمای اسلام قرار نگرفته، ترجمه نیز جایز می باشد؛ چون ترجمه، همان تفسیر است.

البته ذهبی و زرقانی این دلیل را انکار کرده و چند تفاوت بین ترجمه و تفسـیر بیان کرده اند. ۴ ما مطالب آنان را در دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، نقل و نقد می کنیم.

چهارم: فتاوای علمای اسلام بر جواز ترجمه قرآن

بسیاری از عالمان و مراجع تقلید و پیشوایان دینی شیعه و اهل سنت به جواز شرعی ترجمه فتوا داده اند؛ از جمله مرحوم آیه الله کاشف الغطاء. همان طور که گذشت. (۱) مرحوم آیه الله میلانی نیز، در تقریظ خود بر ترجمه تفسیری «میراحمد علی» به زبان انگلیسی، بر لزوم ترجمه تأکید می کند. (۲)

مرحوم آیه الله خوئی، در نامه خود به «میر احمدعلی»، از ترجمه تفسیری او به زبان انگلیسی تقدیر کردند ۳ و همان طور که گذشت، در کتاب البیان، ترجمه قرآن را ضروری دانستند. ۴

برخی از مراجع تقلید و علمای اسلام نیز، خود اقدام به ترجمه قرآن کرده اند؛از جمله: امام خمینی(رحمه الله) در ضمن کتاب های فارسی خود، برخی آیات را ترجمه کرده اند ۵ و آیه الله مکارم شیرازی و آیه الله مشکینی نیز ترجمه مستقلی نشرداده اند.

در میان اهل سنت، از ابوحنیفه جواز ترجمه قرآن حکایت شده ۶ (که گذشت) و نیز از مطالبی که ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم حکایت شده، استفاده می شود که خواجه عبدالله انصاری، ۷ زمخشری، ۸ بیضاوی ۹ و برسوی ۱۰ نیز جواز ترجمه قرآن را پذیرفته اند؛

۱- (۱) . رساله القرآن و الترجمه، ص۴.

۲- (۲) . قرآن ناطق، ج۱، ص۳ - ۶۲.

اگرچه مقصود برخی از آنها، نوعی تفسیر یا ترجمه تفسیری بوده است. (۱)

مصطفی مراغی، شیخ الازهر نیز در سال ۱۳۵۵ق به صراحت، فتوا به جواز ترجمه قرآن داده است؛ اگر چه ترجمه قرآن را نمی توان قرآن نامید. (۲)

علمای بسیاری از الازهر در این فتوا، با شیخ مصطفی مراغی، همراهی کرده اند. (۳)

ب) دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه قرآن

همان طور که گذشت، ذهنیت مسلمانان در صدر اسلام، موافق ترجمه قرآن بود و عملا آیات ترجمه می شد که نمونه های آن در ترجمه «سلمان» و «نامه های پیامبر(صلی الله علیه و آله)» گذشت. (۴) در ادامه این سیر، صدها ترجمه کامل و ناقص از قرآن شکل گرفت و منتشر شد؛ ولی بعد از مدتی فتوای «خواندن ترجمه قرآن در نماز» توسط «ابوحنیفه» موجب بروز اختلافات شد و موافقت ها و مخالفت هایی را برانگیخت. (۵) این اختلافات، بیشتر در مورد قرائت «حمد» در نماز بروز کرد، تا این که در اوایل قرن بیستم میلادی، مسئله ای سیاسی و استعماری در روند ترجمه قرآن پدیدار گشت که موجب مخالفت های جدّی با ترجمه قرآن به زبان های غیر عربی شد؛ به طوری که علمای الازهر را به واکنش واداشت.

برخی از نویسندگان، داستان را این گونه گزارش کرده اند که در سال ۱۹۲۶م یکی از علمای مسلمان شوروی سابق به نام «شیخ احسن شاه افندی احمد»،

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج۱، ص۵۴ - ۵۶.

۲- (۲) . شیخ محمد سلیمان، حدث الاحداث، ص۳۳ - ۳۵ و ترجمه القرآن و نصوص العلماء، الشیخ محمود الشلتوت، مجله الازهر، ش۷، ص۱۲۳ و ۱۲۴ و قرآن ناطق، ج۱، ص۵۷.

۳- (۳) . حدث الاحداث، ص۴۰ و التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، ج۲، ص۱۴۳ - ۱۴۶.

۴- (۴) . مبحث دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه قرآن.

۵- (۵) . المبسوط، ج۱، ص۳۷ و قرآن ناطق، ج۱، ص۱۰۸ به بعد.

نـامه ای به «محمـد رشـید رضـا» نوشت که نسـبت به تلاش ترکان شوروی برای ترجمه قرآن و جایگزینی آن به جای قرآن در جمهوری های مسلمان نشین شوروی سابق اعلام خطر کرد و از علمای الازهر یاری خواست. (۱)

هم چنین در ترکیه، که در عصر سـلاطین عثمانی، ترجمه قرآن به زبان ترکی ممنوع بود، بعد از تشـکیل جمهوری و اعلام قانون اساسـی جدید (۱۹۰۸م.) مترجمـان ترک به ترجمه قرآن پرداختنـد و در زمـان «مصـطفی کمال پاشا» (آتاتورک) خط قرآن به لاتین تغییر یافت و حتی «اذان» را به ترکی می گفتند. (۲)

در ادامه، برخی از مترجمان هندی، قرآن را به زبان انگلیسـی ترجمه کردند که دارای غلطهایی بود و نسـخه هایی از آن به مصـر فرسـتاده شد. این حرکت های اسـتعماری که برای بیگانه کردن مسـلمانان با اسـلام و قرآن صورت می گرفت، واکنش هایی را در جهان اسـلام به دنبال داشت. از این رو شـیخ الازهر به منع ترجمه انگلیسـی یاد شده فتوا داد و حکومت مصر از ورود این ترجمه به کشور جلوگیری کرد. (۳) همچنین به فتوای علمای لبنان از ورود ترجمه مزبور به این کشور نیز جلوگیری شد. ۴

شیـخ محمـد رشـید رضا در پاسـخ شیـخ احسن شاه افندی احمد، مقاله ای مفصل در مجله «المنار» نوشت و فتوا به ممنوعیت ترجمه لفظی قرآن داد. ۵ «شیخ محمد عبده» که از شیوخ محترم الازهر بود نیز فتوا به منع ترجمه قرآن داد و حکم به وجوب مصادره

۱- (۱) . مجله المنار، ۲۹ ربیع الاخر، ۱۳۲۶ ق، ص۲۶۸ - ۲۷۴ (پاسخ رشید رضا را چاپ کرد)، قرآن ناطق، ج۱، ص ۱۳۰.

۲- (۲) . دائره المعارف قرآن کریم، مقاله محمد یوسف اریکسون، ترجمه دکتر محمدعلی نجفی، ج۱، ص۲۸.

۳- (۳) . مجله المنار، سال ۱۳۴۳، ص۷۹۵ (این ترجمه غلطدار، توسط فرقه احمدیه در هند منتشر شد).

قرآن های مشتمل بر ترجمه حرفی داد، هر چند که با آن ترجمه، تفسیری باشد. (۱)

سپس دولت مصر در سال ۱۹۳۶م در مصوبه ای اعلام کرد که ترجمه رسمی قرآن، به وسیله علمای الازهر و حمایت وزارت فرهنگ صورت گیرد و این کار در دانشکده «الشریعه» الازهر صورت گرفت؛ ولی با مخالفت شدید «جمعیت المحامین الشرعیین» روبه رو شد و مخالفان و موافقان، مقالات متعددی نوشتند و دلایل بسیاری اقامه کردند. (۲)

بنابراین در مقدمه ترجمه صورت گرفته در «الازهر» اعلام شد که «قرآن غیر قابل ترجمه است»؛ از این رو، آن ترجمه مزبور را «معنا و مفاد قرآن» نامیدند که امروزه آن را با عنوان «ترجمه معنوی پیکتال، زیر نظر علمای الازهر» می شناسیم. (۳)

مهم ترین دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، عبارت بود از:

۱. زبان عربی، شعار اسلام و مسلمانان است. (۴)

۲. در آیات متعدد قرآن، بر عربی بودن آن تأکید شده است (۵) و ذکر عربی بودن قرآن، لغو نیست؛ بلکه به این سبب است که به ما بفهماند از عربی بودن قرآن محافظت شود (۶) و در حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمود:

«تعلّموا القرآن بعربیه: قرآن را به عربی بیاموزید»؛ (۷) و در حدیثی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است:

«تعلّموا

ص:۷۰

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۰.
۲- (۲) . حدث الاحداث فی الاسلام اقدام علی ترجمه القرآن، و الادلّه العلمیه فی جواز ترجمه معانی القرآن الی اللغات الاجنبیه، محمد فرید الوجدی.
۳- (۳) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۶.
۴- (۴) . حدث الاحداث، ص ۳۰.
۵- (۵) . یوسف، آیه ۲؛ شعراء، آیه ۱۹۵؛ زمر، آیه ۲۸؛ زخرف، آیه ۳ و... .
۶- (۶) . ابن الخطیب محمد عبداللطیف، الفرقان، ص ۱۷۵ .
۷- (۷) . وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۰، باب ۳۰ از ابواب قرائه القرآن، ح ۱.

العربیه، فانها کلام الله الذی کلّم به خلقه و نطق به للماضین.» (۱)بنابراین، مسئله تعلیم عربی برای قرائت و فهم قرآن مورد تشویق و تأکید قرار گرفته است؛ بلکه خدا نخواسته است که قرآن به عجمی نازل شود؛ همان طور که در آیات قرآن اشاره شده است؛ (۲) پس کس دیگری هم حق ندارد آن را به عجمی ترجمه کند.

۳. قرآن کریم، اسمی است شامل نظم و معنا، و اگر ترجمه شود، نظم آن از بین می رود و این تعریف بر آن صادق نباشد. (۳)

۴. ترجمه قرآن، برای دین، زبان و میهن اسلامی زیانبخش است. (۴)

۵. ترجمه حرفی قرآن (تحت اللفظی) که مطابق اصل باشد، امکان پذیر نیست و حتی ترجمه معنوی که عبارت است از فهم مترجم از قرآن یا تفاسیر، قرآن نیست. (۵)

۶. ترجمه قرآن، تفسیر قرآن نیست؛ از این رو نمی توان گفت که همانند تفسیر، جایز است.

زرقانی که صریحاً سخن از حرمت ترجمه قرآن می گوید، (۶) چهار فرق بین ترجمه و تفسیر بیان می کند که عبارتند از:

نخست: سبک ترجمه، سبکی است مستغنی از متن اصلی، بلکه جایگزین آن، برخلاف تفسیر.

ص:۷۱

۱- (۱) . همان، ح ۲.

۲- (۲) . فصلت، آیه ۴۴.

۳- (۳) . المنار، (با شرح ابن مالک)، ص۹ به نقل از فلسفه قانون گذاری در اسلام، صبحی المحمصانی، ص ۳۰ و قرآن ناطق، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴- (۴) . فلسفه قانون گذاری در اسلام، ص ۱۳۰ (که فتوای المحامین الشرعیین را نقل می کند).

۵- (۵) . تفسیر المنار، ج۹، ص ۳۳۱ - ۳۳۴.

۶- (۶) . مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج۲، ص۵۶ و ۵۷.

دوم: استطراد در ترجمه جایز نیست؛ اما در تفسیر، بسیار متداول است.

سوم: ترجمه، عرفاً مدعی وفاداری به تمام معانی و مقاصد اصل است و تفسیر کارش توضیح پاره ای از مفاهیم است.

چهارم: ترجمه از نظر عرف، متضمّن ادعای اطمینان به خوانندگان است که تمام معانی و مقاصد برگردان شده، مدلول اصل و مراد صاحب کتاب است؛اماتفسیر چنین نیست؛ چون گاهی به سبب ضعف دلیل، اظهار عدم اطمینان می کند. (۱)

البته برخی دلایل دیگر نیز برای ممنوعیت شرعی ترجمه در کتاب ها نوشته شده (مثل اعجاز، محتوا، جامعیت نفوذ و جاذبه، نور و روح بودن قرآن) (۲) که این دلایل، ناظر به عدم امکان ترجمه قرآن است و ما آنها را در مبانی وجودی ترجمه بررسی خواهیم کرد.

برخی دیگر از دلایلی که برای عدم جواز شرعی ترجمه قرآن آورده شده، ناظر به عدم جواز ترجمه سوره حمد در نماز و خواندن نماز به فارسی است (۳) که یک بحث فقهی صرف بوده و از حوصله این نوشتار خارج است.

نقد و بررسی

اگر در سیر تاریخی و دلایل مخالفان ترجمه قرآن دقت کنیم، به خوبی در می یابیم که بین سه موضوع خلط شده است:

نخست: جواز شرعی ترجمه قرآن، با امکان ترجمه قرآن.

ص:۷۲

۱- (۱) . همان، ص۵۵ و ۵۶.
۲- (۲) . قرآن ناطق، ج۱، ص۶۹ - ۸۶.
۳- (۳) . همان، ص۹۷ - ۱۲۷.

دوم: جواز شرعی ترجمه قرآن در غیر نماز با جواز شرعی خواندن ترجمه قرآن در نماز.

سوم: اصل جواز ترجمه قرآن با عدم جواز نوع خاص ترجمه (مثل ترجمه تحت اللفظی).

البته ما تلاش کردیم تا دو مورد از موارد فوق را در بخش مربوط به دلایل، از همدیگر جدا سازیم، اما با دقت بیشتر در دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، می توان گفت:

نخست: این که زبان عربی، زبان اسلام، قرآن و مسلمانان است، صحیح است و باید مورد توجه قرار گیرد و توطئه های استعمارگران در این مورد خنثی شود و همه مسلمانان در گسترش زبان عربی بکوشند؛ اما این موضوع، مانع ترجمه قرآن نمی شود؛ چون سوء استفاده برخی افراد از یک شیوه صحیح، موجب ممنوعیت و محکومیت آن شیوه نمی شود؛ بلکه باید جلوی سوء استفاده را گرفت. آری، اگر کسی بخواهد زبان عربی را بیاموزد، یکی از بهترین راه های آن، آموزش زبان عربی به وسیله کلمات قرآن است که لازمه آن، ترجمه این کتاب بزرگ است؛ علاوه بر این که اگر موانعی برای آموزش زبان عربی بود، نباید ملت ها از هدایت قرآن محروم شوند و همان طور که بیان شد: برخی علمای اسلام، ترجمه قرآن را برای کسانی که توانایی ترجمه دارند واجب می دانند.

بنابراین، اگر نکات فوق را در نظر بگیریم، ترجمه قرآن برای دین، زبان عربی و میهن اسلامی زیانبار نخواهد بود.

دوم: مترجمان قرآن به دنبال «ترجمه نسبی» آن هستند، نه «ترجمه مطلق» و نهایی. به عبارت دیگر: هیچ مترجمی مدعی نیست که ترجمه او، قرآن تازه ای به زبان دیگری است و می توان نام «قرآن» بر آن نهاد.

ص:۷۳

سوم: ترجمه قرآن به معنای نفی عربی بودن قرآن نیست و با آیات و روایاتی که بر عربی بودن قرآن تأکید دارند منافات ندارد؛ چون اینها دلالت بر ممنوعیت ترجمه ندارند. آری، قرآن عربی است، اما ترویج آن به زبان های دیگر لازم است و آیه ای که به عجمی نبودن قرآن اشاره دارد، در مقابل مخالفان لجوج نازل شده است که اگر قرآن به زبانی غیر عربی هم نازل می شد، لجاجت می کردند. بنابراین این امر، دلالتی بر ممنوعیت ترجمه قرآن ندارد.

چهارم: ترجمه قرآن به سه روش «کلمه به کلمه» (حرفی)، «جمله به جمله» (هسته به هسته) «آزاد» (تفسیری) صورت می گیرد و هر کدام موفقیت های نسبی در پیام رسانی دارند؛ همان طور که هر کدام کاربردهای خاص خود را دارد. (۱) البته هیچ کدام از این روش ها، قرآن جدیدی به زبان دوم پدید نمی آورند و هیچ مترجمی نیز مدعی این امر نیست. در ضمن، هر مترجمی ممکن است یکی از این روش ها را با توجه به مخاطب و هدف خود انتخاب کند یا به برخی از روش ها انتقاد داشته باشد یا یک روش خاص را صحیح نداند؛ ولی این امر موجب ممنوعیت و محکومیت اصل ترجمه نمی شود.

پنجم: گفتیم که ترجمه قرآن با تفسیر قرآن تفاوت هایی دارد؛ از جمله این که ترجمه، مختصرتر و مشکل تر از تفسیر است و تفسیر می تواند به زبان عربی و غیر عربی باشد، اما ترجمه معمولاً به زبان های غیر عربی است؛ لکن این تفاوت ها نمی تواند موجب اختلاف در حکم آنها باشد؛ بلکه به هر حال، ترجمه، خلاصه تفسیر است و هر دو در صدد پیام رسانی هستند (البته با تفاوتی که در درجه پیام رسانی دارند) و همان طور که تفسیر جایز است، ترجمه نیز جایز است.

ص:۷۴

۱- (۱) . این مطلب در مبحث روش ها و سبک های ترجمه قرآن توضیح داده می شود.

با توجه به آن چه گذشت، اشکال دکتر ذهبی، نیز پاسخ داده می شود؛ چرا که حاصل سخن دکتر ذهبی، ردّ یک روش خاص در ترجمه (روش تحت اللفظی) است و این موجب ابطال و ردّ همه روش های ترجمه (مثل روش ترجمه تفسیری و روش جمله به جمله) نمی شود؛ هر چند که اشکال ایشان به روش «تحت اللفظی» نیز، به وسیله اضافه کردن مطالب در پرانتزها قابل رفع است و اتفاقاً روش تحت اللفظی ترجمه، از بهترین شیوه ها برای آموزش ترجمه قرآن به غیر عرب هاست.

اما اصل کلام زرقانی در مورد تفاوت ترجمه و تفسیر صحیح است؛ ولی ما در مبحث مبانی وجودی و امکان ترجمه، بیان کردیم که «ترجمه جایگزین» محال است؛ اما ترجمه های قرآن، هیچ کدام ادعای جایگزینی و آوردن قرآن جدید و مستغنی کردن مردم از قرآن حاضر را ندارند و این گونه توهمات در اثر برخوردهای سیاسی استعمارگران در قرن بیستم با ترجمه قرآن به وجود آمد.

در مورد استطراد در ترجمه نیز، می توان با اضافه کردن پاره ای مطالب توضیحی، موارد لازم را اضافه کرد یا نکات تفسیری را به صورت کوتاه در پاورقی بیان نمود؛ همان طور که بسیاری از مترجمان این کار را انجام می دهند؛ اما در مورد ادعای اطمینان ترجمه های قرآن، روشن است که هیچ ترجمه ای، نه ترجمه قرآن، نه غیر قرآن، نمی تواند مدعی شود که تمام مطالب متن اصلی را منتقل کرده و به خواننده اطمینان دهد؛ بلکه ترجمه، امری نسبی است که مثل تفسیر، می تواند تنها بخشی از پیام را منتقل کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گذشت، دلایل مخالفان جواز شرعی ترجمه، کافی نبود و دلایل موافقان جواز شرعی ترجمه نیز، در برخی از موارد، قابل مناقشه است؛ اما

در مجموع، اطمینان حاصل می شود که منع شرعی برای ترجمه قرآن وجود ندارد؛ بلکه با توجه به جهان شمول بودن قرآن و مقدمه بودن ترجمه برای هدایت غیر عرب ها و سیره مسلمانان، ترجمه قرآن جایز است؛ بلکه در بعضی موارد ضروری، و برای برخی افراد، واجب کفایی می شود.

۲. مبانی فقهی مذاهب اسلامی و تأثیر آنها در ترجمه آیات الاحکام

اشاره

بیش از پانصد آیه در قرآن کریم وجود دارد که به وسیله آنها احکام و قوانین فقهی بیان شده و در طول تاریخ اسلام، علمای اسلام در مورد آنها کتاب های فراوانی نگاشته (۱) و دیدگاه های مختلفی ارائه کرده اند که تفاوت این دیدگاه ها و مبانی آنها «مذاهب فقهی اسلامی» را به وجود آورده است. مشهورترین این مذاهب، عبارتند از:

الف) مذهب شیعه که به طور عمده، پیرو آرای فقهی اهل بیت(علیهم السلام) به ویژه امام صادق(علیه السلام) و فقهای پیرو آنان است؛

ب) مذهب حنفی که پیرو آرای فقهی ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۵۰-۱۵۳هجری) هستند؛

ج) مذهب حنبلی که پیرو آرای فقهی احمد بن محمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱هجری) هستند؛

د) مذهب مالکی که پیرو آرای فقهی مالک بن انس (۹۰ - ۱۷۹هجری) هستند؛

ص:۷۶

۱- (۱) . مثلا از شیعه: احکام القرآن (فقه القرآن) راوندی (م ۵۷۳ق) زبده البیان فی احکام القرآن، مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ق) از شافعیه: احکام القرآن، الکیاهراسی (م ۵۰۴) از مالکیه: احکام القرآن ابوبکر بن العربی (م ۵۴۳ق) و از حنفی ها: جصّاص (م ۳۷۰ق) از حنبلیّه: تفسیر آیات الاحکام، ابن قیم الجوزی (م ۷۵۱ق).

) مذهب شافعی که پیرو آرای فقهی محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴هجری) هستند.

گاهی مترجم قرآن می توانـد به گونه ای کار ترجمه را جهت بخشـد و آیات الاحکام را ترجمه کنـد که با مبانی فقهی پنج گانه معارض نباشـد؛ امـا گاهی مترجم قرآن، هنگامی که به ترجمه آیات الاحکام می رسـد، ناچار است بر اساس مبنای فقهی یکی از مـذاهب، ترجمه خود را سامـان دهـد که در این موارد ناچـار است تلاـش کنـد تـا بر اساس اجتهاد فقهی و اسـتنباط تفسـیری خویش، نظر حق را به دسـت آورده و براساس آن، قرآن را ترجمه کند.

مثال: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...؛ ۱

دهلوی: «ای مسـلمانان! چون برخیزیـد به سوی نماز، پس بشوییـد روی خود را و دست های خود را تا آرنـج، و مسـح کنیـد سـرخود را و بشویید پاهای خود را تا شتالنگ...»؛

مکارم شـیرازی: «ای کسانی که ایمان آورده ایـد! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دست ها را تا آرنج بشویید؛ و سـر و پاها را تا مفصل [برآمد گی پشت پا] مسح کنید...».

بررسـی: وقتی این دو ترجمه را با یکدیگر مقایسه می کنیم، می بینیم که هر کدام از دو مترجم، بر اساس مذهب فقهی خویش، جمله ...وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... را ترجمه کرده انـد؛ چرا که در بین گروهی از اهـل سـنت، شسـتن پاهـا در وضـو لاـزم است؛ از این رو «محـدث دهلوی» آن را به «و بشویید پاهای خود

را تا شتالنگ» معنا کرد و عطف به جمله وَ أَیْدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ... گرفت تا با مذهب خود موافق باشد.

اما آیه الله «مکارم شیرازی» آن جمله را به «مسح کنید» معنا کرد و عطف بر ...وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِکُمْ... گرفت که البته، ظاهر آیه شریفه نیز، همین معنای دوم است؛ چرا که جمله عاطف و معطوف در کنار هم هستند و أرجل عطف بر محل رؤس شده، از این رو منصوب گشته و اگر آن را عطف بر أَیْدِیَکُمْ... بگیریم، بین جمله عاطف و معطوف، یک جمله فاصله می افتد. (۱)

مثال دیگر: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِکُونَ نَجَسٌ...؛ ۲

ترجمه جمعی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تنها مشرکان پلیدند...»؛ (۲)

مکارم شیرازی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند...»؛

فیض الاسلام: «ای کسانی که (به خدا و رسول) ایمان آورده و گرویده اید! جز این نیست که مشرکین (آنان که مسلمان نیستند، یعنی: کفار و ناگرویدگان به خدا و رسول) نجس (العین) و پلیدند. (مانند خوک و سگ؛ یعنی شخص ایشان نجس است؛ چنان که ظاهر آیه و بسیاری از روایات بر آن دلالت دارد، بنابراین، اگر مسلمانی با دست تر با کافری مصافحه کند و دست در دست یکدیگر نهند، واجب است که دست خود را بشوید و پاک گرداند و یا مانند شخص جنب و کسی که منی از اوخارج شده و ناپاک گشته، نجس الحکم و ناپاکند؛ چنان که ظاهر دسته ای از روایات بر آن دلالت دارد).

۱- (۱) . برای اطلاع بیشتر از مباحث تفسیری و فقهی آیه، ر.ک: کتب تفسیر و نیز فقه القرآن.

۲- (۳) . محمدعلی رضائی اصفهانی با همکاری گروهی از قرآن پژوهان، نخستین ترجمه جمعی قرآن کریم.

بررسی: واژه «نَجَس» در لغت به دو معنا به کار می رود: «نجاست حسّی» (مثل نجاست خون و سگ) و «نجاست معنوی» که همان پلیدی است که با بصیرت دانسته می شود و در آیه شریفه، معنای دوم مراد است. ۱

به عبارت دیگر: «نَجِس» و «نَجَس» متفاوت است و در این آیه، واژه نَجَس به کار رفته که مصدر است و دلالت بر مبالغه می کند؛ مثل «زید عدل»، یعنی: «زید ذو عدل» و مقصود معنای لغوی نجاست است نه معنای نجاست شرعی. ۲

فقیهان، بر اساس دلایلی که از سنت به دست آنان رسیده، ۳ در مورد «نجاست کافر» اختلاف نظر دارند. برخی آنها را «نجس العین» می دانند، ولی برخی دیگر آنان را نجس العین نمی دانند؛ بلکه نجاست آنان را همان پلیدی اعتقادی می دانند. ۴

مرحوم فیض الاسلام، آیه فوق را بر اساس دیدگاه اول، ترجمه کرده و شرحی مفصل ارائه داده است (چرا که ترجمه فیض الاسلام، ترجمه تفسیری است)؛ ولی برخی دیگر از مترجمان، این واژه را به معنای «پلید» ترجمه کرده اند؛ چرا که نجاست کافر را قبول نداشته یا دلالت آیه را بر این امر نپذیرفته اند. ۵

احکام فقهی ترجمه قرآن

احکام فقهی ترجمه قرآن، دارای دو بُعد است:

الف) مسئله جواز و عدم جواز خواندن ترجمه قرآن در نماز، به جای قرائت

سوره های قرآن: این مسئله از دیرباز مورد توجه و اختلاف فقهای اهل سنت بوده است. از ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰هجری) نقل شده: اگر کسی در نماز، قرآن را به فارسی قرائت کند جایز است، ولی مکروه است؛ و در این رابطه به روایت ترجمه سوره حمد توسط سلمان فارسی استدلال کرده است؛ (۱) ولی دو شاگرد ابوحنیفه، یعنی «محمد شیبانی» و «ابویوسف» فتوا دادند که اگر کسی می تواند قرآن را به عربی صحیح بخواند، جایز نیست در نماز، قرآن را به فارسی بخواند؛ اما اگر نمی تواند به عربی صحیح بخواند، جایز است؛ (۲) البته «مرغینانی» (م ۵۹۳هجری) حکایت کرده که ابوحنیفه از نظر خود برگشته و نظر اخیرش با نظر دو شاگردش موافق بوده است. (۳) «آلوسی»، (۴) «زرکشی» (۵) و «سیوطی» (۶) نیز بازگشت ابوحنیفه از فتوای خود را تأییدکرده اند.

اما به بقیه فقهای اهل سنت، نسبت داده اند که اگر کسی سوره فاتحه را در نماز نخواند، نمازش باطل است (۷) و در این مورد به روایت علی(ع) از پیامبر(ص) استدلال کرده اند که فرمود: «در نمازی که در آن ام الکتاب قرائت نشود، آن نماز ناقص ونارساست». (۸)

ص:۸۰

۱- ((۱)) . المبسوط، ج۱، ص۳۷.

۲- ((۲)) . همان.

۳- ((۳)) . برهان الدین ابی الحسن علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل الرشد ابن مرغینانی، الهدایه، شرح بدایه المبتدی، ج۱، ص۴۷.

۴- ((۴)) . روح المعانی، ج۱۹، ص۱۲۶ .

۵- ((۵)) . البرهان فی علوم القرآن، ج۱، ص۲۸۷ و ۲۸۸.

۶- ((۶)) . الاتقان فی علوم القرآن، ج۱، ص۳۵۳.

۷- ((۷)) . المحلّی، ج۴، ص۳ و محمد رواس قلعه جی، موسوعه فقه علی بن ابی طالب، ص۳۷۸.

۸- ((۸)) . مسند زید، ج۱، ص۲۵؛ المجموع، ج۳، ص۳۱۹.

میان فقهای شیعه ادعای اتفاق شده است که «خواندن ترجمه قرآن در نماز جایز نیست» (۱) و در این رابطه به دلایل قرآنی و احادیث پیامبر(ص) و اجماع و دلیل عقل استدلال کرده اند ۲ و این مطلب، مورد تأیید علمای بزرگ شیعه، همچون: شیخ طوسی ۳ (م۴۱۳هجری)، محقق حلّی ۴ (م ۶۷۶هجری)، علامه حلّی ۵ (قرن هفتم)، محقق کرکی ۶ (م ۹۴۰هجری) و محمدحسن نجفی «صاحب جواهر» ۷ (م ۱۲۶۶هجری) و سیدمحمد کاظم یزدی (قرن سیزدهم) در عروه الوثقی است. در کتاب اخیر که با حواشی علمای متأخر و معاصر شیعه از جمله امام خمینی(رحمه الله) نشر یافته، تأکید شده است که ترجمه قرائت حمد و سوره در نماز جایز نیست؛ بلکه واجب است که نمازگزار آنها را فراگیرد و در صورت تنگی وقت نماز، به تعداد آیات سوره فاتحه، از سایر سوره های قرآن بخواند و اگر آنها را نیز نمی داند، به همان مقدار تسبیح، تکبیر و ذکر بگوید. ۸

ب) جواز لمس ترجمه قرآن برای کسی که طهارت (وضو یا غسل) ندارد:

در این مسئله فقها تصریح می کنند که ترجمه قرآن، خودِ قرآن به شمار نمی آید؛ چون قرآن مشتمل بر الفاظ مخصوص است؛ از این رو اگر چه لمس

۱- ((۱)) . محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، ص۱۸۷؛ و محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، ج۹، ص۲۹۹- ۳۱۵.

خط قرآن برای کسی که وضو ندارد جایز نیست، اما لمس ترجمه آن برای او جایز است. (۱)

برخی مفسران و فقهای صاحب نظر شیعه نیز می نویسند: «از نظر فقها - مخصوصاً فقهای امامیه - هیچ یک از احکام شرعی قرآن بر ترجمه آن جاری نیست. البته ترجمه قرآن از جهت انتساب آن به قرآن، مانند سایر تفاسیر محترم خواهد بود؛ ولی نه به مثابه خود قرآن». (۲)

مبانی قرائی ترجمه قرآن

مبحث قرائات قرآن گسترده است، ولی آن چه که یک مترجم قرآن لازم است بداند و در مورد آن مبنایی انتخاب کند، در چند پرسش و پاسخ خلاصه می شود:

۱. آیا قرائت های قرآن، غیر از قرآن است یا همان قرآن شمرده می شود؟

۲. آیا قرائت های قرآن، معتبر است؟

۳. ترجمه قرآن بر اساس کدام یک از قرائت های هفت گانه، ده گانه یا چهارده گانه باید انجام شود؟ (۳)

ص:۸۲

۱- (۱)) . سیدمحمدکاظم یزدی، العروه الوثقی، فصل غایات، وضوء، مسئله ۱۷ و نیز سیدمحسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲- (۲)) . تاریخ قرآن، ص ۱۸۶ .

۳- (۳)) . قاریان قرائت های هفت گانه مشهور عبارتند از: نافع بن ابی نعیم، عبدالله بن کثیر،عاصم،حمزه بن حبیب زیّات، کسائی، ابوعمرو بن علاء بصری، عبدالله بن عامردمشقی ودر مورد قراء ده گانه سه نفر اضافه می شوند: خلف، یعقوب بن اسحاق،ابوجعفر یزید بن قعقاع و در مورد قراء چهارده گانه چهار نفر اضافه می شوند: حسن بصری، ابن محیصن،یحیی بن مبارک، شنبوذی، (سیدمحمدباقر حجتی، پژوهشی درتاریخ قرآن،ص ۲۲۷ به بعد و نیز کتاب هایی که در مورد قرائات نوشته شده است).

پاسخ پرسش نخست

در مورد قرآن سه موضوع تصور می شود:

الف) مکتوب و نوشته قرآن که به صورت کتاب در اختیار ماست.

ب) آن چه پیامبر(ص) از جبرئیل دریافت کرده و به طور شفاهی برای یاران خود بازگو نموده و به تواتر به ما رسیده است؛ یعنی: حافظان قرآن و مسلمانان در طول اعصار، آن را نسل به نسل حکایت کرده اند.

ج) قرائت های مختلف قرآن که در طول اعصار بر اساس اختلاف قاریان (به سبب نقل یا اجتهادات شخصی یا اختلاف لهجه یا (۱)...) به وجود آمده است.

در حقیقت، آن چه که قرآن است، همان قسمت «ب» (قرآن شفاهی) است که پیامبر(ص) بازگو کرده و به تواتر به ما رسیده است؛ اما نوشته های قرآن، حاکی از خودِ آیات قرآن است و قرائت ها نیز غیر از قرآن است، که لازم است اعتبار آنها یک به یک بررسی شود.

پاسخ پرسش دوم

همه قرائت های هفت گانه تا چهارده گانه، اخبار «آحاد» هستند و نمی توانند قرآنِ حقیقی را ثابت کنند؛ (۲) قرآن به وسیله «تواتر» اثبات می شود که یقین آور است؛ پس اگر قرائت «حفص از عاصم» مشهور شده و در مجالس و تفاسیر مبنا قرار گرفته، نه به سبب اعتبار ذاتی این قرائت، بلکه به این سبب است که این قرائت در غالب موارد با قرائت متواتر مسلمانان همخوان بوده است.

ص:۸۳

۱- (۱)) . پژوشی در تاریخ قرآن، ص۲۲۷ - ۳۰۷.

۲- (۲)) . السید ابوالقاسم الخوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص۱۴۹.

پاسخ پرسش سوم

بنابر آن چه بیان شد، روشن می شود که مبنای ترجمه قرآن، همان قرائت متواتر مسلمانان است (همان طور که در تفسیر این گونه است) و قرائت های دیگر، معتبر نیستند و نمی توانند مبنا قرار گیرند؛ مگر قرائت «حفص از عاصم» که به سبب تطابق آن با قرائت متواتر مسلمانان مبنا قرار گرفته است.

علمای الازهر مصر نیز، پس از سال ها مناقشه در مورد ترجمه قرآن، ترجمه تفسیری را پذیرفتند و دستورالعملی در این مورد تدوین کردند که در یکی از بندهای آن به مسئله قرائت قرآن اشاره شده و آمده است: «قرآن را به قرائت حفص تفسیر کنند و متعرّض سایر قرائت ها نباشند، مگر به هنگام نیاز». (۱)

البته در مورد قرائات قرآن، کتاب های بسیاری نوشته شده که بررسی این موضوع، از حوصله این نوشتار خارج است؛ (۲) ولی لازم است مترجم و مفسّرقرآن بر اساس مطالعات خود در دانش قرائات قرآن، مبنایی را انتخاب و درترجمه و تفسیر، بر اساس آن حرکت کند.

مثال: در آیه مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ، ۳ واژه «مالِکِ » به صورت های مختلف: «مالک» و «ملک» و... قرائت شده است؛ از این رو برخی مترجمان، آن را «خداوند» و «صاحب اختیار» ترجمه کرده اند (۳) که معنای «مالک» است؛ اما الهی قمشه ای آن را چنین ترجمه کرده است: «پادشاه روز جزاست» که می تواند به قرائت «مَلِک» اشاره داشته باشد.

۱- (۱) . مجله الازهر، ش ۷۰، ص۹ - ۶۴۸ به نقل از مناهل العرفان، ج۲، ص۷ - ۶۵.

۲- (۲) . التمهید، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، البیان فی تفسیر القرآن، تاریخ قرائات، و....

۳- (۴) . ترجمه قرآن محدث دهلوی (خداوند) و سراج (صاحب اختیار).

مبانی ادبی ترجمه قرآن

اشاره

مبانی ادبی ترجمه، شامل دو بخش «مبانی ادبی در زبان مبدأ» و «مبانی ادبی در زبان مقصد» می شود:

۱. مبانی ادبی در زبان مبدأ (ادبیات عرب)

مقصود از ادبیات در این جا معنای اعم آن است که شامل «صرف»، «نحو»، «واژه شناسی»، «بلاغت»، «فصاحت» و... می شود. در این مورد توجه به چند نکته اساسی لازم است:

الف) قرآن، اصل است و ادبیات، تابع آن

قرآن کریم، کهن ترین و معتبرترین متن ادبی قانونمند عرب است؛ از این رو مبنای ادبیات عرب به شمار می آید؛ یعنی معیار خطا و صحت، استعمالات مردم و قواعد ادبی است.

به عبارت دیگر: قرآن بر اساس قواعد ادبیات عرب، سنجیده نمی شود؛ چرا که علوم ادبی عرب و قواعد آن، بعد از قرآن پایه گذاری شده است و قواعد ادبی، تابع استعمال هستند؛ بلکه هرگاه قاعده ای ادبی با قرآن ناسازگار بود، آن قاعده استثنا می خورد؛ بنابراین، هیچ گاه نمی توان به قرآن نسبت داد که دارای لغزش ادبی است.

ب) انتخاب دیدگاه مشهور ادیبان در ادبیات

در مواردی که ادیبان عرب در مورد ساختار جملات، اختلاف نظر دارند، بنابر دیدگاه مشهور و سازگار با سیاق عمل می شود، و به همین گونه نیز در مورد معانی واژه ها عمل می شود؛ یعنی براساس دیدگاه های نادر و غیر مشهور در معانی لغوی عمل نمی شود و مبنای ترجمه و تفسیر قرآن قرار نمی گیرد؛ همان طور که شیخ

طوسی(رحمه الله) در مورد تفسیر قرآن براین مطلب تصریح کرده است. (۱)

مثال: فَإِنْ عُثِرَ عَلی أَنَّهُمَا اسْتَحَقّا إِثْماً فَآخَرانِ یَقُومانِ مَقامَهُما مِنَ الَّذِینَ اسْتَحَقَّ عَلَیْهِمُ الْأَوْلَیانِ فَیُقْسِمانِ بِاللّهِ لَشَهادَتُنا أَحَقُّ مِنْ شَهادَتِهِما وَ مَا اعْتَدَیْنا إِنّا إِذاً لَمِنَ الظّالِمِینَ؛ ۲

علامه طباطبایی(رحمه الله) درباره این آیه می نویسد:

مفسران در ترکیب این آیه وجوه زیادی ذکر کرده اند که اگر برخی در همدیگر ضرب شوند، به دویست صورت می رسند؛ از زجّاج نقل شده که این آیه، مشکل ترین آیه قرآن از جهت ترکیب است؛ ولی علامه با توجه به ظاهر سیاق آیه ترکیب آیه را انتخاب می کند و به احتمالات مفسران و ادیبان توجه نمی کند؛ چرا که آوردن احتمالات زیاد، جز ابهام و حیرت نمی افزاید. (۲)

ج) استفاده از کتب قدیمی و اصیل لغت

استفاده از کتب قدیمی لغت، یکی از اصول و مبانی ادبی در ترجمه قرآن به شمارمی رود؛ چرا که هر چه کتاب لغت، به صدر اسلام نزدیک تر باشد، به فضای نزول آیات و کاربرد لغات در عرف نزدیک تر است و در نتیجه، ریشه لغت، روشن تر می شود و واقع نمایی بیشتری داشته و بهتر می تواند معنای واژگان را در ذهن ما واضح سازد؛ از جمله مشهورترین این کتاب ها: مفردات اثرراغب اصفهانی، مقاییس اللغه، نوشته ابن فارس، العین اثر خلیل بن احمد، مجمع البیان است.

۱- (۱) . التبیان، ج۱، ص۴.

۲- (۳) . المیزان فی تفسیر القرآن، ج۶، ص۲۱۲ و ۲۱۳ و برای اطلاع از ترکیب های آیه روح المعانی؛ مجمع البیان و تفسیر کبیر، ذیل آیه.

عبدالکریم بی آزار شیرازی نیز بر ریشه یابی واژه ها تأکید می ورزد ومی نویسد:

توجه به علم اشتقاق و بیان ریشه کلمات و دریافت صحیح معانی مفردات قرآن برای ترجمه، لازم و ضروری است؛ زیرا بسیاری از لغات به مرور زمان و در نقاط گوناگون، دچار فرسایش و دگرگونی یا محدودیت گشته، یا مفاهیم دیگری را در خود پذیرا شده و یا از مفهوم اصلی خود دور شده اند؛ مانند کلمه «صدقه» (به معنای انفاق و زکات). (۱)

اما برخی از مترجمان تصریح کرده اند که از کتاب های لغت جدید، معنای واژگان عربی را به دست آورده اند؛ مثلا واژه «رحمن» به معنای «بخشاینده» و «رحیم» به معنای «بخشنده» را از فرهنگ تازی به فارسی، اثر فروزانفر گرفته اند. (۲) و این مطلب گاهی موجب لغزش در ترجمه می شود.

د) استفاده از وجوه و نظائر در معانی واژه ها

برخی از واژگان قرآن، دارای معانی متعددی در آیات قرآن است؛ مثل واژه «فتنه» که گاهی به معنای «آزمایش» (بقره / ۱۰۲)، گاه به معنای «آشوبگری» (بقره / ۳ – ۱۹۱)، گاهی به معنای «فتنه جویی» (آل عمران / ۷) و... می آید، و نیز واژه «اُمت» به معنای «آیین» (بقره/۲۱۳)، «سال» (هود/ ۸)، «زمان» (یوسف/ ۴۵)، «قوم» (اعراف / ۳۴) به کار رفته است.

مترجم قرآن در این موارد لازم است مبنایی را برگزینند. آیا همه موارد را باید یکسان ترجمه کرد؟ یا بر اساس علم «وجوه» و «نظائر» و کتاب هایی که در این زمینه

ص:۸۷

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج۱، ص۳۰۰.

۲- (۲) . گفت وگوهای قرآنی، گزیده نشست ها و سخنرانی های سرای قرآن و اندیشه، یازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، ص۲۳۷، از مطالب دکتر سید علی موسوی گرمارودی.

نوشته شده اند؟ (۱) آیا یک واژه را در کاربردهای متعدد، به معانی متفاوتی باید معنا کرد؟

ه) انتخاب مبنا در الفاظ مترادف قرآن

انتخاب مبنا در مورد وجود یا عدم الفاظ مترادف در قرآن، تأثیر بسیاری در واژه گزینی و یکسان سازی واژگان ترجمه دارد و پای بندی به عدم ترادف، کار ترجمه را مشکل می سازد.

در مورد وجود و عدم الفاظ مترادف در قرآن، دو دیدگاه وجود دارد: برخی برآنند که قرآن کریم، مثل هر کتاب دیگر عربی، از الفاظ مترادف استفاده کرده است؛ همان طور که در مورد آدم تعبیر «انسان» و «بشر» شده است؛ اما برخی دیگر معتقدند در قرآن کریم، الفاظ مترادف وجود ندارد؛ چرا که قرآن، حکیم است و حکمت حکیم اقتضا دارد که هر کلامی در جای خاصی به کار رود و در مورد خداوند دو تعبیر مشابه بدون افاده معنای تازه ای، سر نمی زند که همان زیاده گویی و لغوگویی را نتیجه می دهد و الفاظی که در قرآن کریم مترادف به نظر می رسند، هر یک حامل ویژگی هایی هستند که ترادف را از آنها سلب می کند. با عنایت به این نکته که الفاظ قرآن با خصیصه اعجاز توأمند (به عبارت دیگر: به جای لغتی که در قرآن کریم، مرادف با لغت دیگر به نظر می رسد) محال است لغت دیگری به کار رفته باشد.

در قرآن کریم، واژه های «خالق»، «باری» و «فاطر» در جایگاه های مختلفی آمده که نمی توان خصوصیات مفاهیم آنها را با تعبیر کلمه «آفریدگار» به کار برد. (۲)

۱- (۱)) . مثل وجوه و نظائر دامغانی و وجوه قرآن تفلیسی.

۲- (۲)) . علی نجار، اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۴ - ۴۳.

و) توجه به فصاحت و بلاغت قرآن و تلاش برای انتقال آن به زبان مقصد

قرآن کریم در اوج فصـاحت و بلاغت و مطالبش واضـح، روشن و رساست. نکات فصاحت و بلاغت قرآن در علم «معانی و بیان و بـدیع» توضـیح داده می شود. مترجم قرآن لازم است که به این نکات توجه داشته باشد و به اندازه توانش آنها را در ترجمه خود منعکس نماید؛ چرا که در فهم مخاطب و پیام رسانی ترجمه تأثیر داشته و زیبایی های قرآن را به تصویر می کشد.

برای مثال: آیه إِیّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّاکَ نَسْتَعِینُ ۱ و نیز آیه: ...أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ۲ و مانند آنها با قاعده بلاغی «تقدیم ما حقّه التأخیر یفیـد الحصـر» معنای جدیـدی پیـدا می کنـد؛ یعنی هنگامی که «ایاک» که مفعول «نعبد» است و به طور طبیعی باید بعد از فعل بیاید، ولی قبل از فعل آمـده، موجب انحصار در کلام می شود؛ از این رو، در ترجمه، واژه «فقط» را می آوریم و می نویسـیم: «فقط تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم».

ز) توجه به نقش تضمین در ترجمه قرآن

توجه به «تضـمین» و پذیرش یا عدم پذیرش آن در ترجمه قرآن نقش مهمی دارد.تضـمین آن است که فعل یا حرفی، معنای فعل یا حرف دیگری را داشته باشد. تضمین در «نحو» و «بلاغت» مطرح است و برخی از مفسران قرآن نیز از آن استفاده کرده (۱) و برخی واژه شناسان در موارد متعددی آن را یادآورشده اند.

ص:۸۹

۱- (۳) . الکشاف، ج۱، ص۱۱۵ و بدائع الفوائد، ج۲، ص۲۱.

برای مثـال در آیه ...وَ إِذا خَلَوْا إِلی شَـیاطِینِهِمْ...، ۱ در مورد فعـل «خلو» که بـا «الی» آمـده، برخی تضـمین در «فعل» کرده انـد و آن را به معنای «ذهبوا» یا «صغوا»دانسته اند و برخی تضمین در «حرف» کرده اند و «إلی» را به معنای «باء» یا «مع» گرفته اند.

زرکشی تأکید می کند که «تضمین فعل در آیه مزبور بهتر است». (۱)

و نیز مثال مشهور: «رغب عن»، به معنای «روی گرداندن از چیزی» و «رغب فی» به معنای «میل پیدا کردن به چیزی».

ح) استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا

یکی از مباحثی که در اصول فقه مطرح می شود و تأثیر بسـیاری در ترجمه و تفسـیر آیات قرآن دارد، مبحث «اسـتعمال اللفظ فی اکثر من معنی واحد» است که دانشمندان علم اصول فقه در مورد آن دو دیدگاه دارند:

برخی به کار بردن لفظ در چنـد معنا در یک زمان را محال می دانند (۲) و برخی دیگر به کـار بردن لفظ در بیشتر از یک معنا به صورت هم زمان را جایز می دانند؛ چرا که ذهن انسان چنین ظرفیتی دارد. (۳)

آیه الله مشکینی نیز در مؤخره ترجمه خویش به نوعی به این مطلب اشاره کرده و می نویسند:

چون قرآن مجید حمّال ذو وجوه است، یعنی بسیاری از کلمات یا جملات و آیاتش تاب تحمّل چند معنا را دارد و ظاهراً آن چه در اخبار آمده که «قرآن

۱- (۲) . البرهان فی علوم القرآن، ج۳، ص۳۹۰.

۲- (۳) . آخوند الخراسانی، کفایه الاصول، ص۵۳.

۳- (۴) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۴۰ (پاورقی)؛ انوار الاصول، همان، ج۱، ص۱۴۸ به بعد.

دارای چند بطن است» اشاره به همین تعدد و کثرت معانی است، از این جهت در ترجمه، گاهی در ترجمه یک کلمه یا یک آیه، چند معنا دیده می شود و این همان معانی احتمالی است؛ لکن در صورت متضاد بودن معانی، معنای دوم یا سوم با کلمه «یا» و در صورت متضاد نبودن آنها با کلمه «و» آمده است. (۱)

تذکر: از آن جا که مبحث «استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا» در تفسیر قرآن تأثیر تام دارد، می تواند یکی از مبانی تفسیری و مباحث زبان شناختی به شمار آید؛ ولی چون در این جا به آن پرداختیم، در آن دو مبحث توضیح نخواهیم داد.

۲. مبانی ادبی ترجمه قرآن در زبان مقصد

در این مورد توجه به نکات ادبی و انتخاب مبنا در موارد زیر لازم به نظر می رسد.

الف) انتخاب موضع در تعارض سلاست با دقت

گاهی بین سلاست و دقت در ترجمه تعارض ایجاد می شود و مترجم قرآن بر سر دو راهی قرار می گیرد که اگر بخواهد در ترجمه دقت های ظریف را مبذول داشته و همه واژگان، حتی حروف را ترجمه کند، متن ترجمه از سلاست، روانی و آسان فهم بودن دور می شود و برای مخاطب، دیریاب و پیچیده جلوه می کند؛ واگر بخواهد سلاست را رعایت کند، مجبور می شود که از برخی دقت های ظریف چشم پوشی کند؛ از این رو برخی از مترجمان، راه نخست و برخی راه دوم را برگزیده اند.

۱- (۱) . ترجمه قرآن آیه الله مشکینی، مؤخره (سخن مترجم)، ص۶۱۴؛ آیه الله مکارم شیرازی نیز مسئله بطون قرآن را از موارد کاربرد لفظ در بیشتر از یک معنا می داند، انوار الاصول، همان، ج۱، ص۱۴۸.

مثال: اَلَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثاقِهِ...؛ ۱

مکارم: «فاسقان کسانی هستندکه پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکنند»؛

فولادوند: «همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند».

در این دو ترجمه، واژه «اَلَّذِينَ» به معنای «فاسقان» و «همانان» آمده؛ در حالی که می توانستند تعبیر دقیق تری به کار ببرند؛ مثلا: بگویند: [همان] کسانی یا [فاسقان]کسانی [هستند] که...».

پس به نظر می رسد راه سومی نیز وجود دارد که بین سلاست و دقت جمع می کند و آن راه این است که مترجم همه واژگان را ترجمه نموده، ولی با اضافه کردن برخی واژگان موافق سیاق و معنای آیه در پرانتز یا کروشه، سلاست کلام را تأمین کند.

ب) حذف و اضافه موارد جزئی در ترجمه

در این مورد سه دیدگاه، بین صاحب نظران ترجمه قرآن وجود دارد که بسیاری از مترجمان قرآن، راه نخست را برگزیده اند. آنان موارد جزیی، به ویژه حروف را در ترجمه قرآن حذف می کنند و معتقدند که اختلاف زبان عربی با فارسی (و مانند آن) مستلزم حذف و اضافه برخی واژگان است؛ (۱) اما برخی دیگر بر این باورند که لازم است همه جزئیات ترجمه شود؛ (۲) چرا که این مطلب لازمه دقت در ترجمه است؛ و گروهی دیگر از صاحب نظران، حذف موارد جزئی را در

۱- (۲) . بهاءالدین خرمشاهی، مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۴۰.

۲- (۳) . دکتر ابوالقاسم امامی، همان، ص۴۶.

ترجمه،به صورت مشروط می پذیرند؛ یعنی: اگر معادل کلام به نوعی در کلام گنجانده شود، حذف آن جایز است و اضافه کردن مطالبی که در انتقال پیام نقش دارد نیز جایز است؛ البته در صورتی که با استفاده از علائمی همچون پرانتز و... روشن شود. (۱)

مثال: اَللّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ؛ ۲

مکارم شیرازی: «معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگه دارنده نیست»؛ (۲)

خرمشاهی: «خداوند است آن که جز او خدایی نیست و زنده پاینده است». (۳)

در هر دو ترجمه، واژه «و» اضافه شده و داخل پرانتز هم قرار نگرفته است.

مثال دیگر: أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ۵

مکارم شیرازی: «آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند»؛

خرمشاهی: «اینان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم ایناننند که رستگارند».

در ترجمه اول، واژه «مِن» در جمله نخست و نیز واژه «هم» در جمله دوم ترجمه نشد؛ و در ترجمه دوم، واژه «هم» ترجمه نشد، ولی معادلی برای تأکید «هم ایناننند» آورده شد.

در این جا توجه به دو امر لازم است:

۱- (۱) . دکتر نجمه رجائی، همان، ص۴۶ (با تلخیص).

۲- (۳) . قرآن مجید با ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۶ش.

۳- (۴) . قرآن کریم، بهاءالدین خرمشاهی، چاپ رحلی، چاپ سوم ۱۳۷۶ش.

نخست این که: دیدگاه نخست برای روش ترجمه آزاد و تفسیری مناسب است و دیدگاه دوم برای روش های ترجمه تحت اللفظی و هسته به هسته (جمله به جمله) و دیدگاه سوم، معتدل و قابل قبول به نظر می رسد.

دوم این که: گاهی به برخی از واژه ها، به ویژه حروف می رسیم که معادلی در زبان دوم برای آنها یافت نشده یا به سختی یافت می شود و ترجمه با اقتضائات زبان دوم ناسازگار می گردد که گاهی به اینها «واژگان ترجمه ناشدنی» می گویند.

ج) لزوم جلوگیری از اختلاط اصطلاحات و الفاظ مشابه در زبان مبدأ و مقصد

گاهی یک لفظ در زبان مبدأ و مقصد به یک صورت نوشته می شود، اما دارای دو معناست که موجب اختلاط دو زبان و اشتباه مخاطب در فهم معنا می شود. عدم توجه به این نکته باعث بروز خطا و موجب لغزش مترجم می شود.

برای مثال: لفظ «توفان» در سرگذشت حضرت نوح(علیه السلام) ...فَأَخَذَهُمُ الطُّوفانُ... ۱ و در سرگذشت موسی(علیه السلام): فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمُ الطُّوفانَ وَ الْجَرادَ...؛ ۲ به عنوان یک عذاب الاهی آمده است. این واژه در عربی، به معنای «سیلاب» است؛ (۱) ولی در فارسی به معنای «تندباد» است؛ اما برخی از مترجمان به این نکته مبنایی توجه نداشته و به ریشه یابی و جداسازی لغت مشابه دو زبان توجه نکرده اند؛ از این رو واژه «توفان» عربی را در ترجمه فارسی آورده اند، در حالی که مخاطب فارسی زبان از این واژه معنای «تندباد» می فهمد که مقصود آیه نیست. (۲)

۱- (۳) . المفردات الراغب، ماده «طوف».

۲- (۴) . در مبحث «نقش دانش های مترجم در ترجمه قرآن» مثال های متعددی در این مورد می آوریم.

مکارم شیرازی: مثال: فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمُ الطُّوفانَ وَ الْجَرادَ وَ الْقُمَّلَ...؛ ۱ «سپس]بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم[توفان، ملخ و آفت گیاهی و...»؛

خرمشاهی: «آن گاه بر سر آنان]بلای[توفان، ملخ و شپش و...».

د) توجه به ساختار زبان مقصد (دستور زبان فارسی)

هر زبان دستور خاص خود را دارد و جملات آن با قوانین نحوی و ساختار ویژه ای شکل می یابد. از این رو لازم است که مترجم قرآن دستور زبان مقصد رابشناسد تا جملات را صحیح و استوار بیان کند و گرفتار لغزش ادبی از این ناحیه نشود.

برای مثال: در ساختار زبان فارسی، مسائل زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف) تطابق صفت و موصوف در زبان عربی و عدم تطابق آنها در فارسی:

در زبان عربی، صفت و موصوف در جمع و افراد با همدیگر تطابق می کنند، به خلاف فارسی:

مثال: كِرامٍ بَرَرَةٍ، ۲ که «کرام» جمع «کریم» و «برره» جمع «بارّ» به معنای «گرامیانِ نیکوکاران» می شود؛ اما در فارسی، صفت با موصوف با هم مطابقت نمی کنند و صفت می تواند مفرد باشد، درحالی که موصوف جمع است؛ پس بنابر دستور زبان فارسی باید گفت: «گرامیان نیکوکار». همین طور است در مثال وَ حُورٌ عِينٌ: ۳ «سیه چشمانِ درشت چشمان» و در مثال: مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تائِباتٍ عابِداتٍ سائِحاتٍ ثَيِّباتٍ وَ أَبْكاراً. ۴

ص:۹۵

ب) در زبان عربی، صفت و موصوف در مذکر و مؤنث بودن مطابقت دارند، به خلاف فارسی: مثال: ...عَشَرَةٌ كامِلَةٌ... ۱ که در فارسی ترجمه می شود: «دهه کامل»؛ همچنین وَ لَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ... ۲ که در فارسی ترجمه می شود: «کنیز مؤمن».

تذکر: البته در برخی موارد می توان در ترجمه فارسی تطابق صفت و موصوف را رعایت کرد؛ بدون آن که به سلاست کلام ضربه ای وارد شود. در این موارد مانعی از آن نیست، بلکه رعایت تطابق ترجمه با متن اصلی لازم است.

ج) عبارات وصفی که با «الذین» شروع می شود را می توان به دو صورت ترجمه کرد:

نخست آن که طبق لفظ به صورت عبارت و جمله معنا کنیم و دوم آن که به صورت کلمه ای معنا کنیم؛ برای مثال:

...اَلَّذِينَ آمَنُوا... : کسانی که ایمان آوردند (مؤمنان)؛

اَلَّذِينَ كَفَرُوا... : کسانی که کفر ورزیدند (کافران)؛

اَلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ... : کسانی که در دل های شان بیماری است (بیماردلان)؛

اَلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ... : کسانی که کتاب به آنان داده شده است (اهل کتاب).

د) در زبان عربی، ساختار جمله این گونه است:

فعل + فاعل + مفعول: خَتَمَ اللّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ...؛ ۳ اما در زبان فارسی ترکیب جمله چنین است:

فاعل + مفعول + فعل: خدا بر دل های آنان مهر نهاد.

معمولاًـ ساختار جمله در ترجمه تحت اللفظی از دستور عربی و در ترجمه جمله به جمله یا ترجمه آزاد تفسیری از دستور زبان فارسی پیروی می کند.

مبانی تفسیری ترجمه قرآن

اشاره

ترجمه و تفسیر قرآن، ارتباطی ناگسستنی با هم دارند؛ چرا که ترجمه قرآن، نوعی تفسیر یا خلاصه تفسیر است؛ همان طور که برخی از صاحب نظران و محققان برآن تصریح کرده اند. (۱)

تفسیر قرآن، بیان معانی آیات و کشف مقاصد و مدلول های آنهاست (۲) و هدف از ترجمه نیز، همین است؛ یعنی: پیام قرآن را به زبانی دیگر منتقل کند که این پیام در حقیقت، همان معانی آیات و مقاصد گوینده است؛ لیکن ترجمه و تفسیر، دو تفاوت با همدیگر دارند:

اول: ترجمه با روش تحت اللفظی و ترجمه جمله به جمله، و حتی در روش ترجمه آزاد تفسیری، (۳) مختصرتر از تفسیر قرآن است؛ از این رو ترجمه قرآن

۱- (۱) . از محقق کرکی حکایت شده است: «ترجمه قرآن، تفسیر قرآن محسوب می شود؛ نه قرآن» (جامع المقاصد، ج۲، ص۲۴۶) و نیز سید مرتضی حسینی صدر الافاضل، یکی از دلایل جواز ترجمه قرآن را همین مطلب شمرده که ترجمه، نوعی تفسیر است (مجله مشکوه، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ش۱۰، ص۷ به بعد، ۱۳۶۵ش، مقاله «تفاسیر علمای امامیه در شبه قاره هند و پاکستان») و دکتر بی آزار شیرازی نیز این مطلب را جزء ادلّه جواز ترجمه قرآن آورده است (قرآن ناطق، ج۱، ص۵۱) و نیز دکتر ذهبی ترجمه را نوعی از تفسیر می داند (التفسیر و المفسرون، ج۱، ص۲۹).

۲- (۲) . المیزان، ج۱، مقدمه، ص۴ .

۳- (۳) . برای اطلاع از روش های ترجمه روش ها و سبک های ترجمه، در همین نوشتار.

مشکل تر از تفسیر است؛ چون می خواهد مطالب بسیاری را در کلماتی اندک برای مخاطب بیان کند.

دوم: تفسیر می تواند به زبان عربی یا زبان های دیگر باشد؛ اما ترجمه غالباً به زبان غیر عربی است. (۱)

با توجه به مطالب بالا، روشن می شود که ترجمه، نوعی تفسیر است؛ پس لازم است که همه شرایط در ترجمه نیز رعایت شود؛ مثلا: مترجم قرآن، همان شرایط مفسّر را داشته باشد؛ (۲) همان طور که لازم است مبانی و اصول تفسیر نیز در ترجمه رعایت شود؛ از جمله:

۱. ترجمه، همچون تفسیر با کمک منابع معتبر انجام شود

منابع تفسیر و ترجمه قرآن عبارتند از:

یکم: «منابع نقلی»؛ یعنی: قرآن کریم، سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام)؛ البته سخنان صحابه و تابعین برای شناخت معانی لغوی و شأن نزول ها و در هنگام نقل احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) معتبر است؛ همان طور که از منابع تاریخی و معتبر لغت، در تفسیر و ترجمه استفاده می شود.

دوم: «منبع عقل»: برهان های قطعی عقل فطری سالم و نیز بناهای عقلایی در تفسیر و ترجمه قرآن، حجّت و مورد استفاده است. نقش عقل در ترجمه قرآن، در مبانی کلامی روشن تر خواهد شد.

۱- (۱) . البته تفاوت های دیگری نیز بین تفسیر و ترجمه بیان شده که ما ذیل مبحث «مبانی فقهی ترجمه» آنها را نقل و نقد کردیم؛ (ر.ك: مناهل العرفان، الزرقانی، ج۲، ص۱۰ – ۱۳ والتفسیر والمفسرون، الذهبی، ج۱، ص۲۸ – ۲۹).

۲- (۲) . در این مورد مطالب مشروحی در گفتاری جداگانه خواهد آمد.

سوم: «منبع علوم تجربی قطعی»: همان طور که علوم تجربی قطعی، در فهم و تفسیر قرآن تأثیر دارد، در ترجمه آن نیز مؤثر است و عدم توجه به آنها گاهی موجب لغزش در ترجمه می گردد. در این مورد در مبحث «نقش دانش های مترجم در ترجمه قرآن»، به توضیحات بیشتری اشاره خواهد شد.

از جمله کسانی که به لزوم مبانی فوق در ترجمه توجه کرده اند، مرحوم آیه الله خوئی(رحمه الله) است. ایشان در این باره می نویسند:

در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن، شرط است و فهم آن منحصر در امور سه گانه زیر است:

یکم: مفهوم لفظی که عرب فصیح از ظاهر آن می فهمد؛

دوم: حکم عقل و فطرت سالم؛

سوم: تفسیری که از معصوم(علیه السلام) رسیده است.

آری، ترجمه و تفسیر قرآن، احاطه مترجم و مفسّر را به تمامی این امور می طلبد تا بتواند معانی قرآن را به زبان دیگر منتقل و تفسیر کند؛ اما نظریات شخصی که برخی از مفسرین در تفاسیرشان می آورند، از این موازین خارج است و تفسیر به رأی به شمار می آید و از اعتبار ساقط است و سزاوار نیست که مترجم و مفسّر به آن تکیه کنند. (۱)

البته ایشان به لزوم استفاده از منابع «نقلی» (ظهور قرآن و روایات) و «عقلی» توجه داشته اند؛ ولی به منبع علوم تجربی قطعی اشاره نکرده اند. (۲)

یادآوری: از همین نکته روشن می شود که اگر تفسیر یا ترجمه قرآن مخالف

۱- (۱) . البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۰۵ و ۵۰۶.

۲- (۲) . در مورد منابع تفسیر، دیدگاه های مختلفی وجود دارد (ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، به قلم نگارنده؛ روش شناسی تفسیر قرآن، رجبی و دیگران) ولی عمده منابع تفسیری به همین سه مورد بازمی گردد.

قرآن، سـنت قطعی یـا برهـان عقلی یا علوم تجربی قطعی باشـد، معتبر نخواهـد بود؛ چرا که اینها قراین معتبر درون متنی و برون متنی برای تفسیر و ترجمه قرآنند و تفسیر و ترجمه ای که با آنها مخالف باشد، مخالف قراین علمی و غیر معتبر می شود.

۲. ممنوعیت تفسیر و ترجمه به رأی

«تفسـیر به رأی» به معنای تفسـیر قرآن، بـدون ترجمه به قراین عقلی، نقلی و علم قطعی و نیز تحمیل نظر شخصـی مترجم بر قرآن کریم در تفسیر و همچنین تفسیر قرآن توسط افراد غیر متخصص است. ۱

در روایات متعددی از پیامبر و اهل بیت(علیهم السلام) از طریق شیعه و اهل سنت حکایت شده که «تفسیر به رأی ممنوع و حرام است». ۲

گفته شـد که ترجمه قرآن، خلاـصه ای از تفسـیر قرآن است؛ بنابراین همان گونه که تفسـیر به رأی ممنوع است، ترجمه به رأی نیز ممنوع است و مشـمول روایات حرمت تفسیر به رأی می شود؛ چرا که مترجم و مفسر هر دو مضمون آیه را بیان کرده و به خدا نسبت می دهند و اگر این نسـبت براساس قراین نقلی، عقلی و علمی قطعی نباشـد، نسـبت دروغ و تهمت بر خداست. از این جا نیز ثابت می شود که مترجم قرآن باید شـرایط مفسر را داشته باشد و در ترجمه، تحمیل نظر بر قرآن نکند؛ بلکه با توجه به تفسیر آیه که از قراین معتبر عقلی و نقلی به دست می آورد، به ترجمه بپردازد.

ص:۱۰۰

۳. توجه به پیش فرض های تفسیر قرآن

تفسیر قرآن کریم بر اساس مبانی و پیش فرض هایی انجام می گیرد که لازم است در ترجمه قرآن نیز مـد نظر قرار گیرد؛ چرا که ترجمه، خلاصه تفسیر است.

برخی از «پیش فرض ها و مبانی تفسیر» عبارتند از:

الف) قرآن وحی الهی و کلام خداست.

ب) قرآن، کلام شخص حکیم است؛ بنابراین، سخنی حکیمانه، کاملا استوار و خالی از تناقض و بیهوده گویی است و نیز، دارای انسجام ساختاری و محتوایی است.

ج) قرآن کریم، موافق عقل، فطرت و علم قطعی است و با آنها در تعارض نیست.

د) قرآن کریم با سنت قطعی معارضت ندارد؛ هرچند گاهی به وسیله سنت، تخصیص یا تقیید می یابد.

) قرآن معجزه است و اعجاز آن، ابعاد مختلفی دارد؛ از جمله: فصاحت و بلاغت آن. بنابراین، سخنان غیر فصیح، غیر بلیغ، لغزشِ کلامی و باطل در قرآن نیست.

و) قرآن تحریف نشده است؛ بنابراین، کلمه ای از آن کم نگشته و چیزی به آن اضافه نشده است. (۱)

روشن است که اگر کسی این مبانی را نپذیرد، تفسیر و ترجمه او رنگ دیگری جز حقیقت به خود می گیرد و گرفتار لغزش های متعدد می شود که تفسیر و ترجمه او را غیر معتبر می سازد.

ص:۱۰۱

۱- (۱) . هر کدام از موارد مزبور، دلایل درون متنی از قرآن و برخی دلایل برون متنی دارد که بیان آنها، خارج از حوصله این نوشتار است؛ برای اطلاع بیشتر، نک: فلسفه دین، علی اکبر رشاد، (مبحث نهادهای فهم قرآن) و صیانه القرآن، عن التحریف، محمد هادی معرفه و سلامه القرآن من التحریف، فتح الله نجارزادگان و....

۴. توجه به اهداف قرآن و سوره ها در ترجمه (همبستگی آیات)

هدف اساسی قرآن کریم هدایت انسان ها از تاریکی ها به سوی نور است (۱) و همه آیات قرآن و اشارات علمی آن در راستای این هدف معنا می شود؛ از این رو در ترجمه و تفسیر قرآن لازم است تا حد امکان به این امر توجه شود. به عبارت دیگر: قرآن همچون هر کتاب دیگر، یک کلّ به هم پیوسته است که برخی آیات آن مفسِّر برخی دیگر است و عام و خاص و مطلق و مقید و... در درون آیات آن، است؛ پس برای ترجمه و تفسیر هر آیه، توجه به آیات دیگر لازم و ضروری است؛ وگرنه قراین داخلی کتاب از دست مترجم و مفسر می رود و ترجمه و تفسیر کامل نخواهد داشت.

دکتر بی آزار شیرازی درباره مبانی علمی وفادارترین ترجمه و تفسیر قرآن از نظر خود می نویسد: «باید کوشید تا آن جا که امکان دارد، معانی و مقاصد اصل قرآن، همراه با سبک در ترجمه گنجانده شود».

وی همچنین می نویسد: «توجه به ارتباط آیات و موضوعات گوناگونِ ترکیب شده در هر سوره، کلید نطق قرآن است». ۲

و در جایی دیگر می گوید: «بی توجهی اغلب مترجمان و مفسران به نظم، ارتباط و تناسب آیات، باعث گشته است که ترجمه و تفسیرها - به خصوص ترجمه های تحت اللفظی قرآن - گسسته شوند»؛ ۳ سپس شواهد بسیاری از علمای شیعه و سنی برای پیوستگی آیات می آورد و به تأثیر اندیشه اشاعره و اخباری ها

ص:۱۰۲

۱- (۱) . ابراهیم، آیه۱ و حدید، آیه۹؛ البته اهداف دیگری نیز برای قرآن بیان شده؛ مثل رحمت و شفا بودن، (اسراء، آیه۸۲).

در ترجمه و تفسیر گسسته قرآن اشاره می کند. (۱) وی در ادامه فرمولی برای کشف ارتباط آیات ارائه می کند که عبارت است از: «توجه به ترتیب و یکپارچگی آیات هر سوره؛ توجه به مطلع و پایان هر سوره و کشف محور یا محورهای سوره؛ توجه به فضای تاریخی سوره و موارد و مصادر آیات؛ توجه به تأویل آیات و سبب آن». (۲)

علاوه بر توجه به اهداف قرآن، لازم است به اهداف سوره ها نیز در تفسیر و ترجمه توجه شود؛ چرا که گاهی هدف یک سوره، جهت خاصی به معنای آیات آن می دهد.

علامه طباطبایی(رحمه الله) به این امر توجه کرده و معتقد است:

این که خدا نام «سوره» را در قرآن آورده، نشانگر آن است که هر دسته از کلام الهی که به نام سوره نامیده می شود، دارای نوعی وحدت تألیف و همبستگی است که در پاره ای از یک سوره یا میان یک سوره و سوره دیگر یافت نمی شود و از این جا در می یابیم که اهداف و مقاصد هر سوره با سوره دیگر متفاوت است.... که سوره به انجام نمی رسد، مگر به تمامی آن. (۳)

درباره اهداف سوره های قرآن، کتاب های متعددی نوشته شده؛ از جمله: اهداف و مقاصد سوره های قرآن، اثر دکتر شحاته که دو جلد آن توسط دکتر سید محمدباقر حجتی به فارسی ترجمه شده است و نیز گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم، اثر محمد غزالی، که ترجمه آن توسط علی اصغر محمدی صورت گرفته؛ همچنین کتاب سیمای سوره های قرآن به قلم نگارنده.

۱- (۱) . همان، ص ۳۸۰.

۲- (۲) . همان، ص۴۳۳ - ۴۳۷.

۳- (۳) . المیزان، ج۱، ص۱۶.

پروفسور ایزوتسو نیز در مبحث «کلمات محوری قرآن» در حقیقت بر همین مطلب تأکید می کند: کلمات محوری، کلماتی هستند که آیات و موضوعات گوناگون سوره را به یکدیگر مربوط می سازند. وی سپس از واژه «تقوا» به عنوان محور سوره بقره یاد می کند. (۱)

بی آزار شیرازی نیز یادآورد شده است: «کشف و توجه به کلمات محوری، به مترجم و مفسّر کمک خواهد کرد که به ارتباط آیات و ترجمه و تفسیر پیوسته دست یابد». (۲)

۵. توجه به بطون قرآن

مشروح این مطلب، ذیل عنوان «مبانی زبان شناختی» بیان خواهد شد.

۶. توجه به مبنای جواز یا عدم جواز کاربرد لفظ در بیشتر از یک معنا و تأثیر آن در تعدد تفاسیر و ترجمه های یک آیه

در این مورد نیز ذیل عنوان «مبانی ادبی ترجمه قرآن» (مبحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا) مطالبی بیان شده است.

مبانی کلامی ترجمه قرآن

اشاره

همان طور که در مبحث «مبانی تفسیری قرآن» گذشت، قرآن کلامی است الاهی و براساس حکمت که یکی از منابع تفسیر آن «عقل» است. قرآن کریم در عرض عقل، هر دو حجت های الهی بر بشر هستند. حجیّت قرآن، به وسیله اعجاز آن

۱- (۱) . مطالب ایزوتسو، در مبحث «مبانی زبان شناختی ترجمه» خواهد آمد.

۲- (۲) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۳۱۲.

اثبات می شود و حجیّت عقل، ذاتی است؛ هر چند که آیات (۱) و احادیث (۲) نیز بدین مطلب رهنمون شده اند. بنابراین، تفسیر قرآن نمی تواند مخالف برهان های عقلی باشد؛ بلکه برهان عقلی، قرینه تفسیر آیه است.

بنابراین، آن چه که در مبحث عقاید با دلایل عقلی قطعی ثابت شود، یا براساس محکمات کتاب و سنت اثبات گردد، از مبانی کلامی تفسیر به شمار می آید و تفسیر قرآن، نمی تواند مخالف آنها باشد؛ وگرنه به انحراف عقیدتی می انجامد و از آن جا که ترجمه، خلاصه تفسیر است، رعایت آن مبانی در ترجمه نیز لازم است. البته رعایت مبانی کلامی، نقش مهمی در ترجمه و تفسیر آیات متشابه قرآن دارد که در ادامه بحث روشن می شود.

برخی صاحب نظران نیز با تأکید بر کاستن واسطه میان خواننده ترجمه و قرآن، برطرف کردن مشکل آیات متشابه را ضروری می دانند؛ یعنی مترجم نمی تواند و نباید از باورهای پذیرفته شده دینی دست برداشته و باید قرآن را مطابق اصول مسلم دین اسلام ترجمه کند و حتی مترجمان غیرمسلمان نیز باید باورهای مسلم اسلامی را رعایت کنند (تا ترجمه صحیحی به دست آید و مقصود خدا روشن شود) در غیر این صورت، ترجمه، دچار بدآموزی شده و ممکن است خواننده را گرفتار باورهای نادرست کند؛ (۳) ولی در مقابل، برخی نیز

ص:۱۰۵

۱- (۱) . آیاتی که انسان را به تدبّر و تعقل فرا می خواند؛ مثل: انبیاء، آیه ۱۰، یوسف، آیه ۲، ص، آیه ۲۹.

۲- (۲) . عن الکاظم(علیه السلام): «یا هشام: ان الله علی الناس حجّتین: حجه ظاهره و حجه باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبیاء و الائمه و امّا الباطنه فالعقول»، (کافی، ج ۱، ص ۶).

۳- (۳) . بهاءالدین خرمشاهی، ترجمه قرآن کریم، پیوست ۴ الف؛ دکتر نقی پور، «اصول ترجمه قرآن»، مجله مترجم، ش ۱۰، ص ۲۰۳ و ۲۱۸؛ یعقوب جعفری، «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، ترجمان وحی، ش ۱، ص ۷۵؛ سید عبدالوهاب طالقانی، «راه دست یابی به ترجمه مطلوب از قرآن کریم»، ترجمان وحی، ش ۳، ص ۳۹ - ۴۷؛ مصطفی کریمی، مجله معرفت، ش ۸۳، ص ۲۵.

تأکیـد دارنـد که آیـات متشابه و همچنین بخش هایی از قرآن کریم که فهم آن دشوار است، بایـد همان گونه ترجمه شونـد، تا آیینه وار، اصـل قرآن با همه چگونگی هایش منعکس شود و ترجمه تا حـد ممکن بیشترین شـباهت را با اصل قرآن داشـته باشـد؛ مترجم نبایـد بنابر مشـرب کلامی خویش، از الفاظی خاص در ترجمه اسـتفاده کنـد تا آیه، موافق آن مـذهب معنا شود؛ چون خواننـده بایـد از طریق ترجمه، نخست با اصل قرآن کریم ارتباط برقرار کند، نه با تفسیر و برداشت مترجم. (۱)

البته ترجمه نباید با تفسیر و مبانی کلامی خاص مترجم آمیخته شود، چون رهزن می شود؛ ولی رعایت قطعی اصول مسـلم اعتقادی که از خود قرآن و عقـل به دست می آیـد لازم است. به عبـارت دیگر: ارجاع متشابهات به محکمات، برای فهم مقصود قرآن ضـروری است و برای جلوگیری از خلـط ترجمه و تفسـیر و مبـانی کلامی، می توان از گیومه یا پرانتز اسـتفاده کرد و تأثیرات را به کم ترین مقـدار کاهش داد.

از جمله «مبانی کلامی تفسیر» می توان به این موارد اشاره کرد:

مسئله تشبیه و تجسیم؛ صفات خبری؛ رؤیت خدا؛ عصمت پیامبران؛ تعریف ایمان؛ جبر و تفویض و خلق اعمال؛ احباط و تکفیر و خلود در جهنّم (۲) که به برخی مثال ها پیرامون آنها اشاره می کنیم:

ص:۱۰۶

۱- (۱) . مرتضـی کریمی نیـا، «یکسـانی و همـاهنگی ترجمـه قرآن» ترجمـان وحی، ش۱، ص۸؛ عبـدالکریم سـروش، «گفت وگو درباره ترجمه»، مجله مترجم، ش۱۰، ص۳۶.

۲- (۲) . مجله ترجمان وحی، ش۱، شهریور ۱۳۷۶، ص۷۴، مقاله «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، یعقوب جعفری.

۱. صفات خبری و تجسیم و تشبیه

مثال: خداوند جسم نیست؛ چرا که بر اساس برهان عقلی، اگر خدا جسم باشد، مستلزم محدودیت و مخلوق بودن او می شود و خدا از این صفات مبراست. البته این مبنای کلامی از آیه ...لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ... ۱ نیز قابل استفاده است.

بنابراین، آیات متشابه قرآن، که صفات و افعال خدا را بیان می کند، با توجه به مبنا و پیش فرض بالا، تفسیر و ترجمه می شوند:

یکی از صاحب نظران در مورد آیه فوق می نویسد:

اگر تعبیر آیه به گونه ای است که معادل فارسی آن را می توان کنایه از یک معنای درست گرفت، ترجمه آن، به معنای ظاهری، اشکالی ندارد؛ مانند یَدُ اللّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ...؛ ۲ که ترجمه «دست خدا بالای دست های آنهاست» عیبی ندارد؛ چون این تعبیر در فارسی هم کنایه از قدرت است؛ ولی اگر چنین معادلی در فارسی پیدا نشد، باید به گونه ای ترجمه شود که بدآموز و گمراه کننده نباشد. (۱)

مثال دیگر: وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ ناضِرَةٌ* إِلی رَبِّها ناظِرَةٌ؛ ۴

دهلوی: «یک باره روی ها آن روز تازه باشند؛ به سوی پروردگار خود نظر کننده باشند»؛

معزّی: «... به سوی پروردگار خویش نگران»؛

فولادوند: «... به پروردگارش می نگرد»؛

۱- (۳) . مجله ترجمان وحی، همان، ص ۸۰.

شعرانی: «... به سوی پروردگارش نگرنده»؛

مکارم: «[آری] در آن روز صورت هایی شاداب و مسرور است و به پروردگارش می نگرد»؛

مجتبوی: «آن روز چهره هایی تازه و خرم است که [پاداش] پروردگار خویش را چشم می دارند»؛

الهی قمشه ای: «... و به چشم قلب، جمال حق را مشاهده می کنند»؛

سراج: «... به سوی [پاداش] پروردگار خود نگران است».

بررسی

در این عبارت ها دو گونه ترجمه به چشم می خورد:

نخست: بر اساس تأثیر مبانی کلامی در ترجمه که مترجم خدا را جسم نمی داند و دیدن او را با چشم سر محال می داند. بنابراین در ترجمه واژه «ناظره»، از معادل «به چشم قلب، جمال حق را مشاهده می کنند» یا با اضافه «[پاداش] پروردگار خویش را چشم می دارند» استفاده شده است.

دوم: بنابر جواز رؤیت خدا در رستاخیز ترجمه شده است؛ یعنی کسانی همچون محدث دهلوی «ناظره» را به معنای «نظر کننده» ترجمه کرده اند. البته برخی نیز با استفاده از واژه «نگران» که هم به معنای «نگریستن» و هم به معنای«ناراحت» و «منتظر می آید» (1) دوپهلو سخن گفته اند و حال بودن «ناظره» رابه صورتی ادیبانه رسانده اند یا به نوعی اشاره به معنای سومی برای آیه نموده اند.

ص:۱۰۸

۱- (۱) . مهشید شیرازی، فرهنگ زبان فارسی، ص۱۱۱۱ و بهاءالدین خرمشاهی، حافظنامه، ج۱،ص۶۳۱ .

مثال دیگر: يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ ساقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلا يَسْتَطِيعُونَ؛ ۱

دهلوی: «روزی که جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را به سوی سجده، پس نه توانند».

این ترجمه، در عربستان سعودی توسط دکتر «عبدالغفور عبدالحق بلوچ» و«شیخ محمدعلی داری» بازبینی و اصلاح و با مقدمه دکتر «عبدالله بن المحسن الترکی» چاپ شده است. در این بازبینی ذیل آیه فوق، پاورقی زیر اضافه شده است:

در صحیحین است و لفظ حدیث از بخاری است که ابوسعید خدری(رضی الله عنه)روایت می کند از رسول الله(صلی الله علیه و آله) که شنید او را که می فرمودند: که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ما ساق خود را؛ پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و.... (۱)

تذکر: جالب است که این پاورقی که در متن اصلی وجود ندارد، بدون امضای مصحّحان آمده و اضافه شده است و شگفت این که این روایت دلالت بر «تجسیم» دارد.

همین آیه را برخی مترجمان، به صورتی دیگر ترجمه کرده اند و گاهی معنای کنایی آن را ظاهر ساخته اند:

مجتبوی: «در روزی که کار (بر کافران) سخت و دشوار شود...»؛

آیتی: «روزی که آن واقعه عظیم پدیدار شود و...»؛

مکارم: «به خاطر بیاورید روزی را که ساق پاها از وحشت برهنه می گردد و...»؛

ص:۱۰۹

۱- (۲) . القرآن الکریم و ترجمه معانیه الی اللغه الفارسیه، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف، ص۸۳۸ و ۸۳۹.

خرمشاهی: «روزی که هنگامه بالا گیرد، و...».

و مثال دیگر: يَدُ اللّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...؛ ۱ است که در ترجمه های مختلف، قابل بررسی است.

تـذکر: بحث «مجاز» و کاربردهای آن در تفسیر نیز می توانـد در موارد فوق کارساز باشـد؛ یعنی اگر مبحث مجاز را در قرآن روا بدانیم، برخی آیات مثل وَ جاءَ رَبُّکَ... و ماننـد آن، قابل توجیه است؛ اما اگر مجاز را روا نـدانیم و ظواهر آیات را بگیریم، با مشکل روبه رو می شویم.

۲. جبر و اختیار

یکی از مسائل کلامی، مسئله «اختیار» انسان است که متکلمان اشعری متمایل به«جبر» شده اند و آیاتی که اشاره به «اختیار» انسان دارد را تأویل و توجیه کرده انـد. در مقابل، متکلمان معتزلی طرفدار اختیار انسانند. اینان آیاتی که ظهور در جبر دارد را تأویل و توجیه کرده اند؛ امـا بر اسـاس احـادیث اهـل بیت(علیهم السـلام) واجتهاد در جمع بنـدی آیات جبر و اختیار، روشن می شود که جبر کامل و آزادی مطلق برای انسـان در افعال نیست؛ بلکه «لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین» صـحیح است. این مبنا در تفسـیر و ترجمه آیات زیر مؤثر خواهد بود: فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لكِنَّ اللّهَ قَتَلَهُمْ وَ ما رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لكِنَّ اللّهَ رَمى...؛ ۲

این آیه، کارهـا را به خـدا نسـبت می دهـد و ممکن است کسـی توهم کنـد که معنای آن جبر و عـدم اختیار انسان است؛ از این رو برخی مترجمان تلاش

ص:۱۱۰

کرده اند تا با اضافه کردن مطالب تفسیری، این شبهه را بزدایند؛ اما برخی دیگر سکوت کرده اند:

مجتبوی: «پس شما آنها را نکشتید - به نیروی خود - بلکه خدا آنان را کشت - به امدادهای غیبی- و تو (تیر یا خاک) نیفکندی آن گاه که افکندی، بلکه خدا افکند (تا کافران را مرعوب و مغلوب گرداند)».

فیض الاسلام: «(پس از آن، برای این که مؤمنین بدانند که خدای تعالی غالب و چیره بر دشمنان است و اوست که در جنگ بدر دشمنان را کشت و نباید فخر و سرافرازی کرده، کسی به دیگری بگوید: من فلان را کشتم یا من چنین کردم، چنان که می گفتند، می فرماید) شما آنان را نکشتید؛ لیکن خدا کشتشان؛ چون افعال خدا، مانند سبب و علت است؛ از این رو کشتن را از کسی که حقیقتاً کشته، نفی نموده و دور ساخته و به خود نسبت داده است و...».

آیتی: «شما آنان را نمی کشتید، خدا بود که آنها را می کشت و آن گاه که تیر می انداختی، تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت».

و در همین رابطه، ترجمه های آیات «هدایت» و «ضلالت»، مثل آیه زیر قابل بررسی است:

فَإِنَّ اللّهَ یُضِلُّ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ...؛ ۱

اما با توجه به آیاتی که بر اختیار انسان دلالت دارند، مثل آیه زیر:

إِنّا هَدَیْناهُ السَّبِیلَ إِمّا شاکِراً وَ إِمّا کَفُوراً؛ ۲

روشن می شود که مقصود از آیات فوق (که ظاهر آنها بر جبر دلالت داشت)

مجبور بودن انسان نیست؛ پس لازم است که با اضافه کردن مطالب تفسیری، مقصود خدا در این موارد روشن شود.

۳. عصمت پیامبران الهی

عقیده به عصمت پیامبران الهی، در تفسیر و ترجمه آیات زیر، مؤثر و قابل بررسی است.

مثال: وَ عَصی آدَمُ رَبَّهُ فَغَوی؛ ۱

مکارم شیرازی: «آری، آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و از پاداش او محروم شد».

مجتبوی: «و آدم پروردگار خویش را نافرمانی نمود؛ پس راه راست را گم کرد».

فیض الاسلام: «و آدم پروردگارش را نافرمانی امر و فرمان مستحب و نیکوی او را انجام نداده راه را گم کرد از مطلوب و خواسته خود که همیشه ماندن در بهشت بود بی بهره ماند».

آیتی: «آدم در پروردگار خویش عاصی شد و راه گم کرد».

الهی قمشه ای: «و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد».

در این دو ترجمه اخیر، می بینیم که به عصمت آدم(علیه السلام) به عنوان پیامبر بی توجهی شده؛ اما در ترجمه های دیگر به نوعی ظاهر آیه، توجیه، تأویل و تفسیر شده تا با عصمت ایشان ناسازگار نباشد.

و این آیه نیز، قابل بررسی است: لِیَغْفِرَ لَکَ اللّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَ ما تَأَخَّرَ.... ۲

ص:۱۱۲

۴. امامت و عدل

برخی از مبانی و اصول، مخصوص مذاهب اسلامی هستند که مترجم قرآن بدان ها اعتقاد دارد؛ مثل «امامت» و «عدل» که از اصول مذهب شیعه به شمار می آید و مورد قبول مفسران و مترجمان شیعه است. در این موارد لازم است که آیات مربوطه، به صورتی ترجمه شوند که منافی مبانی فوق نباشند. (البته در صورتی که حقانیّت مبنای اعتقادی مورد نظر با دلایل محکم قرآنی، حدیثی یا عقلی اثبات شده باشد).

یکی از صاحب نظران در این باره می نویسد:

اگر از همان آغاز، اختلافات فکری و عقیدتی میان مسلمانان به وجود نیامده بود و این مکتب های کلامی تأسیس نشده بود و قرون بعدی اسلامی هم مانند عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) خالی از هرگونه اختلافات مذهبی و عقیدتی بود، مناسب این بود که در ترجمه این گونه آیات، همان حالت کلی حفظ شود و بدآموزی نداشت؛ ولی چه باید کرد که ما در مقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته ایم و امکان ندارد که خود را از آن دور کنیم و اگر اصول و مبانی پذیرفته شده و مسلّم خود را در ترجمه رعایت نکنیم، خواننده را آزاد گذاشته ایم که اعتقادات باطل و غیر قابل قبولی داشته باشد. (۱)

برای مثال: این گونه عقاید در آیه «اکمال» (مائده / ۳)، «بلاغ» (مائده / ۶۷) و آیه «ولایت» (مائده / ۵۵) می تواند تأثیرگذار باشد و در ترجمه های مختلف، قابل بررسی است.

مثال: ...اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ

ص:۱۱۳

۱- (۱) . ترجمان وحی، ش۱، مقاله «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، یعقوب جعفری، ص۷۵.

اَلْإِسْلامَ دِیناً...؛ ١ الهی قمشه ای: «امروز، کـافران از این که به دین شـما دسـتبرد زننـد و اختلافی رساننـد طمع بریدنـد؛ پس شـما از آنان بیمناک نباشـید و از من بترسید؛ امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنت، روز غدیر خم و خلافت علی(علیه السلام) مراد است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و...».

فیض الاسـلام: «امروز، اکنون پس از بیـان احکام و راه حق یافتن کفار و... امروز هجـدهم ذی الحجه سال دهم هجرت هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از حجه الوداع آخرین حج بازمی گشت در غدیر خم...».

محدث دهلوی: «امروز، نا‌امید شدند کافران از دین شـما؛ پس مترسـید از ایشان و بترسـید از من؛ کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما؛ پس...».

تـذکر مهم: هر چنـد که رعـایت مبـانی کلامی معتبر در ترجمه لازم است تا ازانحرافات عقیـدتی جلوگیری شود، اما لازم است که در این مورد به دو نکته توجه داشت:

نکته نخست: بایـد مبنا و اصل کلامی و مـذهبی مورد نظر، با دلایل محکم نقلی و عقلی اثبات شده باشد؛ به گونه ای که بتوانیم با تکیه بر آن، در ظاهر قرآن تصرف کنیم؛ یعنی قرینه ای برای تفسیر و ترجمه آیه قرار گیرد.

نکته دوم: باید تأثیرات مبانی کلامی و مذهبی در ترجمه به کم ترین مقدار کاهش یابد و تنها در موارد ضروری، مورد نظر قرار گیرند، تا فقدان آن، موجب انحراف فکری نگردد.

نکته سوم: باید در مواردی که مبانی کلامی و مذهبی در ترجمه تأثیر داده

می شود، با علامتی همچون پرانتز مشخص شود تا با متن قرآن مخلوط نگردد.

برای مثال:

يَدُ اللّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...؛ ١

«دستِ (قدرت) خدا، بالای دست های آنان است».

نکته چهارم: باید دیدگاه های کلامی، مذهبی و تفسیری شخصی مترجم در مورد آیات، تأثیر داده نشود؛ به ویژه در مواردی که آن نظریه، به عنوان ضرورت دین و مذهبِ حق مطرح نیست؛ چرا که در آن صورت، ترجمه، در حقیقت بیان کننده نظرات شخصی مترجم خواهد بود.

مبانی زبان شناختی ترجمه قرآن

اشاره

شناخت زبان هر متن، کلید فهم آن است؛ بنابراین برای فهم و تفسیر و ترجمه قرآن، لازم است زبان قرآن را بشناسیم و ویژگی های آن را دریابیم تا بر مبنای این شناخت، تفسیر و ترجمه ای نیکو از آن ارائه دهیم.

هرچند که آشنایی با لغت و ادبیات عرب، شرط لازم هر مفسر و مترجم است که در مبحث شرایط مترجم بدان اشاره خواهیم کرد، ولی در این جا مقصود از «زبان قرآن» چیست؟

واژه «زبان» چند معنا و کاربرد دارد و تعاریف مختلفی برای آن شده است؛ ازجمله:

الف) اندام ماهیچه ای و متحرک داخل دهان که مهم ترین ابزار گویایی است (١) (معنای لغوی)؛

١- (٢) . مهشید مشیری، نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، ص٥٣۴.

ب) گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی و انگلیسی؛ (۱)

ج) زبان یکی از توانایی های ذهن انسان، برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است که تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است؛ (۲)

د) از «سوسور» زبان شناس مشهور نقل شده است: «زبان مجموعه (ساختار، سیستم: Stracture)به هم پیوسته ای از نشانه هاست که اجزای آن به یکدیگر وابستگی تام دارند و ارزش هر واحدی تابع وضع ترکیبی آن است». (۳)

زبان، کارکردهای گوناگونی دارد؛ از جمله: توصیف حقایق، تبیین علّی - معلولی پدیده ها، فعل گفتاری، ترسیم احساسات درونی انسان، نقل تجارت، اندوخته ها و فرهنگ گذشتگان، پیوند مستمر میان گذشته و آینده و... که نقش پایه ای زبان ها ارتباط شناختاری و انتقال پیام است. (۴)

نکته دیگر این که: ممکن است زبان، یک متن چندلایه و چندساحتی باشد؛ همان طور که این مطلب در مورد برخی اشعار حافظ و آیات قرآن نیز به چشم می آید.

به هر حال، مقصود از «زبان» در این جا شیوه بیان مطالب و ویژگی ها و عناصر زبان شناسی قرآن است که برخی از آن ویژگی ها و عناصر، در مبانی ادبی، کلامی و تفسیری بیان شد.

به هر حال، زبان قرآن دارای ویژگی هایی است که انتخاب تئوری زبان شناختی و گزیدن مبنا در مورد آنها لازم است؛ چون که نقشی زیربنایی در تفسیر و ترجمه قرآن دارد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

۱- (۱) . لغت نامه دهخدا، ص۱۱۱۳۰.

۲- (۲) . محمدرضا باطنی، زبان و تفکر، ص۱۱۲.

۳- (۳) . ابوالحسن نجفی، مبانی زبان شناسی، ص۸.

۴- (۴) . محمدباقر سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، ص۲۰ - ۲۲.

۱. واقع نمایی زبان قرآن

گزاره های قرآن در مورد تاریخ، اقوام، قصه ها و... همه حکایتِ واقعیت است و خیالی، اسطوره ای و افسانه ای نیست؛ چرا که در قرآن، باطل راه ندارد و قصه های آن حق است. (۱)

اگر کسی زبان قرآن را نمادین و اسطوره ای و غیر واقعی و بی معنا بداند، (۲) تفسیر و ترجمه قصه های قرآن، رنگ دیگری خواهد گرفت.

۲. عناصر فنی زبان قرآن

اگر زبان قرآن را زبان عرفی بدانیم، می توانیم تغییرات اندکی در مورد کلمات معادل داشته باشیم؛ ولی اگر زبان قرآن را فنی و علمی بدانیم، پذیرش تغییرات مشکل است؛ برای مثال در زبان عرف فارسی می توان کلمه «زودپز» را به جای کلمه «فشارپذیر» (۳) به کاربرد، با آن که تکیه یکی بر مکانیسم عمل و تکیه دیگری بر نتیجه عمل است. (۴)

البته در مورد قرآن می توان گفت: زبانِ عرفِ خاص است؛ اما وقتی قرآن در مورد احکام و قوانین شرعی مثل ارث، قصاص، ازدواج، طلاق، عبادات و خمس و زکات سخن می گوید، با زبان فنی و علمی دقیق، مطالب را بیان می کند که تسامحات عرفی در آنها راه ندارد، بلکه مضرّ است.

۱- (۱) . إِنَّ هذا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ... (آل عمران، آیه۱۶۲).

۲- (۲) . برای اطلاع از تئوری های زبان، علی زمانی، زبان دین؛ تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، محمدکاظم شاکر، مبانی و روش های تفسیری.

۳- (۳) . Pressuure cooker.

۴- (۴) . مجله مترجم، ش ۱۰، ص۴۳.

بنابراین، لازم است مترجم به این نکته زبان شناختی قرآن توجه کند که گرچه زبان قرآن، زبانِ عرفِ خاص است، اما گاهی با زبان فنی و علمی دقیق سخن گفته و دقت در ترجمه را می طلبد.

مثال: فَإِنْ كُنَّ نِساءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثا ما تَرَكَ وَ إِنْ كانَتْ واحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ...؛ ۱

مکارم: «و اگر فرزندان شما (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دوسوم میراث از آنِ آنهاست و اگر یکی باشد نیمی (از میراث) از آن اوست».

ترجمه جمعی: «و اگر آن (وارث) آن دخترانی (دو یا) بیش از دو باشند، پس دوسوم میراث، فقط برای آنان است، و اگر (وارث) یک [دختر] باشد، پس نیمی (از میراث) فقط برای اوست».

توجه به این نکته لازم است که در این آیات، «تقدیم ماحقه التأخیر» موجب «حصر» شده که برخی مترجمان از آن غفلت کرده اند.

۳. اصطلاحات خاص در زبان قرآن

زبان قرآن، هرچند که همان زبان قوم و براساس عرف شکل گرفته، اما اصطلاحات خاصی دارد که معمولا با معنای لغوی آن متفاوت است. این واژگان با مطالعه در قرآن و مقایسه آیات آن معنا پیدا می کند. اگر مترجم قرآن به «اصطلاح بودن» این واژه ها توجه نکند و همان معنای لغوی آنها را بگیرد، گرفتار لغزش می شود.

مثال: واژه «کافر» به معنای «پوشیده» است؛ (۱) اما در قرآن کریم به منکران اصول

ص:۱۱۸

۱- (۲) . المفردات، ماده «کفر».

دین، مثل نبوت و معاد گفته می شود و واژه «ایمان» در اصل به معنای «آرامش و اطمینان» است؛ (۱) اما در اصطلاح قرآن به معنای «اعتقاد به خدا و معاد» است.

واژه «زکات» به معنای «رشد و پاکی» است؛ (۲) ولی در قرآن به معنای مالیات خاص است.

تذکر: همان طور که در زبان مبدأ (عربی) اصطلاحات خاص وجود دارد، در زبان مقصد نیز اصطلاحات خاص وجود دارد که باید به آنها توجه داشته باشیم تا گرفتار لغزش در ترجمه نشویم.

مثال: إِنْ تُخالِطُوهُمْ...؛ ۳ «مخالطه» در فارسی به معنای «آمیزش» است؛ اما در عصر ما، واژه آمیزش در عرف فارسی به معنای آمیزش جنسی است؛ از این رو نمی توان آن را برابر «مخالطه» به کار برد.

۴. عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن

زبان قرآن، همچون زبان مردم، دارای عام و خاص، مطلق و مقید، کنایات، مجازات، تشبیهات، مثال ها و ضرب المثل هاست؛ از این رو، بر اساس اصول محاوره عقلایی، تفسیر و ترجمه (۳) و بر اساس عرف اهل زبان، کنایات و ضرب المثل ها و... معنا می شود.

برای مثال، آیه یا أُخْتَ هارُونَ...؛ ۵ اگر بدون توجه به ضرب المثل بودن آن

۱- (۱) . همان، ماده «اَمن».

۲- (۲) . همان، ماده «زکا».

۳- (۴) . قوانین اصول محاوره عقلایی در دانشِ «اصول الفقه» مورد بررسی قرار می گیرد.

معنا شود، این گونه ترجمه خواهد شد: «ای (مریم) خواهر هارون!»؛ و همین مطلبی است که برخی مستشرقان را در مورد قرآن به لغزش انداخته، تا آن جا که گفته اند: این مطلب خطای تاریخی در قرآن است؛ چون هارون (برادر موسی) ده ها سال پیش از مریم، مادر عیسی زندگی می کرد؛ از این رو، مریم نمی تواند خواهر هارون باشد. (۱) در حالی که این جمله ضرب المثلی متداول بین بنی اسرائیل بود که هرگاه شخصی بسیار پاکی را مورد خطاب قرار می دادند، به او می گفتند: «یا اخت هارون»؛ یعنی: ای پاکیزه، همچون خواهر هارون!

این نکته در حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیز حکایت شده و در برخی تفاسیر نیز بدان تصریح شده است. (۲)

در مورد تعبیراتی همچون ضَرْباً فِی الْأَرْضِ؛ (بقره / ۲۷۳ و نساء / ۹۴) که به معنای «مسافرت» است و نیز تعبیر ...ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ...؛ (مؤمنون / ۶) که به معنای «کنیزان» است، چنان چه مترجم قرآن به این عناصر عرفی و عقلایی زبان قرآن توجه نکند، همچون مستشرقان مزبور دچار خطا خواهد شد.

۵. تطور زبان مبدأ (و مقصد)

معنای واژه ها در طول اعصار تغییر می کند. برای مثال واژه «مکروه» در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آیه کُلُّ ذلِکَ کانَ سَیِّئُهُ عِنْدَ رَبِّکَ مَکْرُوهاً ۳ به معنای «ناپسند» به کار می رفت؛ به طوری که شامل گناهان کبیره، همچون: قتل و زنا و... می شود

ص:۱۲۰

۱- (۱) . عبدالرحمن البدوی، دفاع عن القرآن، ص۱۶۱ و دائره المعارف قرآن لایدن، ج۱، مدخل«هارون». Excycl opoedia of the Quran, Aorom - Andrew Rippin.

۲- (۲) . مجمع البیان، ذیل آیه ۲۸ مریم و نیز، نورالثقلین، ج۳، ص۳۳۳ و تفسیر نمونه، ج۱۳، ص۵۱.

که در آیات قبل از آیه ۳۸ سوره «اسراء»، مطرح شده و «ذلک» به آنها بازمی گردد.

اما همین واژه «مکروه» پس از عصر امام صادق(علیه السلام) به معنای «کار جایزی است که ترک آن بهتر است» و در عصر ما نیز همین معنای دوم مصطلح است.

مترجم برای ترجمه دقیق آیات، لازم است به این تطور معانی توجه داشته باشد و با توجه به فضا و زمان نزول آیه، معنای اصلی را به دست آورد؛ وگرنه گرفتار لغزش در ترجمه خواهد شد.

البته همین تطور، در زبان مقصد نیز وجود دارد؛ یعنی در طول اعصار، معانی واژه های فارسی و... تغییر می کند؛ بنابراین نخست این که: نمی توان از مترجمان قبلی تقلید کرد و همان واژه ها را بدون بررسی معانی جدید، دوباره به کار ببرد؛ دوم این که: روشن می شود ما در هر عصری، نیاز به ترجمه جدیدی از قرآن داریم، تا ترجمه بر اساس واژه های جدید و مناسب فهم مخاطب و نسل جوان صورت گیرد.

مثال: وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى أَوْ عَلى سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً...؛ ۱

مکارم: «واگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با زنان تماس گرفته (وآمیزش جنسی کرده اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمّم کنید»؛

ترجمه جمعی: «و اگر بیمارید یا در مسافرتید [و] یا یکی از شما، از مکان پست (دستشویی) آمد، یا با زنان تماس (جنسی) داشتید و آبی (برای وضو یا غسل) نیافتید، پس بر زمین پاک [نیکو] تیمّم کنید».

واژه «الغائط» به معنای مکان پست و کنایه از دستشویی است که بر اثر اشمئزاز معنا و سرایت آن به لفظ در طول زمان، این واژه در فارسی تغییر یافته است؛ از جمله: بیت الخلاء، مستراح، مکان قضای حاجت، دستشویی، توالت، سرویس بهداشتی و... که لازم است هر مترجم با توجه به واژه متداول در عصر خویش ترجمه کند تا مخاطب، مراد آیه را متوجه شود.

۶. انتخاب زبان مقصد

یکی از اموری که نقش اساسی در ترجمه دارد، انتخاب مخاطب و زبان ترجمه است؛ چرا که زبان ترجمه می تواند زبان ادبی، فنی (علمی)، زبان عرفی و حتی شعر باشد.

انتخاب مبنا در این زمینه، سبک های ترجمه را به وجود می آورد که این موضوع در مبحث روش ها و سبک های ترجمه، توضیح داده می شود.

۷. چند ساحتی بودن زبان قرآن

در شماری از احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام) و صحابه حکایت شده است که قرآن کریم دارای ظاهر و باطن است؛ (۱) یعنی علاوه بر دلالت ظاهری، دارای معانی پنهان است که گاهی با الغای خصوصیت به دست می آید (۲) و گاهی با راهنمایی اهل بیت(علیهم السلام) و راسخان در علم و دانشمندان که به منبع الهی متصل هستند، روشن می شود.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۹۲، ص۷۸ به بعد.

۲- (۲) . آیه الله محمدهادی معرفت، دسترسی به بطن را از راه الغای خصوصیت می داند (ر.ک: التفسیر الاثری الجامع، ج۱، ص۲۹ به بعد).

هر چند که در ترجمه، امکان بیان بطون قرآن، همواره ممکن نیست، ولی توجه به این نکته در ترجمه لازم است؛ چرا که گاهی لازم می آید برای فهم آیه به قراینی که ما را به بطن رهنمون می شوند، مراجعه کنیم. این گونه قراین در احادیث تفسیری (در منابع تفسیر روایی همچون: نورالثقلین، البرهان و...) بیان شده است.

تذکر: در این مورد، ذیل مبانی تفسیری قرآن و مبانی ادبی ترجمه قرآن (مبحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا) مطالبی بیان شد.

مبانی روش شناختی ترجمه قرآن

۱. هر مترجم، ممکن است بر اساس اهداف، انگیزه ها و مخاطب خود، روش خاصی را برای ترجمه انتخاب کند، که این یک انتخاب اساسی خواهد بود و جهت و ساختار مطلوب به ترجمه خواهد بخشید. اگر مترجم، روش «تحت اللفظی» یا روش «هسته به هسته» یا روش «ترجمه آزاد» (تفسیری) را انتخاب کرد، پیامدها و لوازمی دارد که باید به آنها پایبند باشد. در مبحث روش ها و سبک های ترجمه، این مطلب توضیح داده می شود.

۲. انتخاب روش صحیح تفسیری: در تفسیر قرآن لازم است بر اساس روش صحیح و معتبر، مثل روش «تفسیر قرآن به قرآن»، روش «تفسیر روایی»، روش «تفسیر عقلی»، روش «تفسیر علمی» (علوم تجربی قطعی) و روش «تفسیر اشاری صحیح» (باطنی معتبر)، تفسیر صورت گیرد (۱) و از آن جا که ترجمه قرآن، خلاصه

۱- (۱) . روش های صحیح تفسیر، بر اساس منابع صحیح تفسیر شکل می گیرد که در مبحث مبانی تفسیر بیان شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، از همین قلم.

تفسیر است، لازم است همین مبنای روش شناختی در آن، مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود.

۳. پرهیز از پیش داوری: تفسیر و ترجمه قرآن، باید از پیش داوری های غیر ضروری و غیر صحیح به دور باشد؛ یعنی مفسر و مترجم، همچون داوری منصف به محضر قرآن بروند تا حقیقت را دریابند و تا حد امکان خود را از پیش فرض ها و تحمیل نظرات بر قرآن دور سازند؛ چون این امر، منتهی به تفسیر به رأی می شود. (۱)

این موضوع، یکی از مبانی روش شناختی ترجمه قرآن است؛ همان طور که از مبانی تفسیری ترجمه شمرده می شود.

۱- (۱) . در مورد «تفسیر به رأی»، ذیل مبحث مبانی تفسیری و در مورد «پیش فرض های ضروری»، ذیل مبحث مبانی کلامی، مطالبی بیان شد.

پژوهش ها

۱. دلایل فقهی جواز و عدم جواز قرائت ترجمه قرآن در نماز را بررسی کنید.

۲. تأثیر مبانی فقهی مترجمان قرآن را در ترجمه آیه «متعه» بررسی کنید.

۳. تأثیر مبانی کلامی مترجمان قرآن را در آیات زیر بررسی کنید:

الف) یَدُ اللّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ...؛ ۱

ب) لِیَغْفِرَ لَکَ اللّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَ ما تَأَخَّرَ...؛ ۲

ج) آیات ولایت (مثل مائده / ۵۵ و ۶۷ و...)؛

د) ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ...؛ (بقره، ۲۹ - فصلت، ۱۱)؛

ه) ...اِسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ...؛ (و مضامین مشابه: اعراف / ۵۴ - یونس / ۳ - رعد / ۲ -فرقان/۵۹ - سجده / ۴ - حدید / ۴ - طه / ۵).

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار؛

۲. البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله الخوئی(رحمه الله)؛

۳. یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس (مقالات متعدد، از نویسندگان)؛

۴. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت؛

۵. مناهل العرفان، فی علوم القرآن، ج۲، الزرقانی؛

۶. مستمسک العروه الوثقی، السید محسن الحکیم؛

۷. سیمای ترجمان قرآن به زبان فارسی، محمدعلی رضائی اصفهانی.

ص:۱۲۵

۴.ضوابط و قواعد ترجمه قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. شناخت ضوابط مؤثر در اصل اعتبار ترجمه؛ ۲.شناخت ضوابط مؤثر در استواری و کمال ترجمه.

مفهوم شناسی ضوابط و قواعد ترجمه قرآن

مقصود از ضوابط و قواعد ترجمه، قوانین حاکم بر ترجمه است که رعایت آنها در استواری و کمال ترجمه مؤثر است و عدم رعایت برخی از آنها ممکن است باعث بی اعتباری ترجمه شود.

آری، فن ترجمه همچون تفسیر دارای ضوابط و قواعد ویژه ای است که این ضوابط دو گونه اند:

ضوابط مؤثر در اصل اعتبار ترجمه

مهم ترین این ضوابط عبارتند از:

۱. ترجمه قرآن توسط مترجمِ دارای شرایط انجام گیرد؛

۲. در ترجمه قرآن، از ترجمه و تفسیر به رأی پرهیز شود؛

ص:۱۲۷

۳. در ترجمه قرآن، مبانی و اصول ترجمه رعایت شود. (۱)

رعایت نکردن این ضوابط در ترجمه قرآن، آن را غیر معتبر می سازد؛ چرا که اگر مترجم دارای شرایط نباشد، مثلا شرایط مفسّر قرآن را نداشته باشد، تفسیر و ترجمه را بدون علم و تخصص انجام خواهد داد و این یکی از مصادیق تفسیر به رأی بوده و حرام و ممنوع است و همین گونه است اگر کسی مبانی و اصول ترجمه را رعایت نکند، در بیشتر موارد دچار ترجمه به رأی خواهد شد.

البته ممکن است گفته شود: هر چند نیکوست که همه مترجمان ضوابط فوق را در ترجمه رعایت کنند؛ اما تأثیر خاص این ضوابط، مخصوص ترجمه قرآن است؛ یعنی: ممکن است کسی ترجمه به رأی را در مورد آثار افلاطون انجام دهد و موجب بی اعتبار شدن ترجمه خویش شود و کاری غیر اخلاقی به شمار آید؛ اما این امر، حرام شرعی به شمار نیاید؛ لکن در ترجمه قرآن، ترجمه به رأی، همچون تفسیر به رأی، حرام است؛ چون نسبت دادن چیزی به خدا و نوعی افترا شمرده می شود.

ضوابط و قواعد مؤثر در استواری و کمال ترجمه

اشاره

بیشتر این ضوابط و قواعد، مخصوص ترجمه قرآن نیست؛ بلکه لازم است در تمام ترجمه ها رعایت شود تا ترجمه، استوار، دقیق و با کمال تر شود؛ اما رعایت نکردن این ضوابط، موجب بی اعتباری ترجمه نمی شود. البته این ضوابط و قواعد، به صورت حداقلّی و ناخودآگاه، توسط همه مترجمان رعایت می شود؛ لیکن رعایت کامل آنها لازم است.

برخی از مهم ترین این قواعد و ضوابط عبارتند از:

۱- (۱) . شرایط مترجم و ترجمه به رأی و مبانی و اصول ترجمه، در مباحث مستقلی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. سادگی و روانی ترجمه

ترجمه قرآن بنابر تعریفی که از مخاطب آن می شود شکل می گیرد و سطح علمی آن مشخص می شود و سبک های مختلفی پیدا می کند؛ (۱) اما در همه اقسام ترجمه می توان به دو زبان سخن گفت:

نخست: زبان ثقیل، مشکل و پیچیده، همراه با اصطلاحات فنی و علمی؛

دوم: زبان ساده، روان و سلیس که برای مخاطب، آسان و خوشایند بوده و بتواند در کوتاه ترین زمان، به راحتی پیام کلام را درک کند.

روشن است که ترجمه باید علمی، استوار و صحیح باشد؛ ولی این مطالب با رعایت سادگی و روانی و سلاست منافات ندارد.

آیه الله مکارم شیرازی در پی نوشت ترجمه خود، بر روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم بودن ترجمه پافشاری نموده و یادآور می شود که در ترجمه قرآن، از زبان روزمره توده مردم استفاده کرده است. (۲)

دکتر بی آزار شیرازی نیز «روان بودن» را لازمه هر ترجمه می شمارد. ۳ برخی نویسندگان هم نوشته اند: «از به کارگیری اصطلاحات علمی و فنی در ترجمه قرآن باید پرهیز کرد؛ زیرا ترجمه برای عموم است».

تذکر۱: درباره تعارض «سلاست» با «دقت» در ترجمه، در فصل «مبانی ادبی ترجمه»، مطالبی بیان شده است.

تذکر۲: به کار بردن اصطلاحات علمی و فنی در ترجمه، برای مخاطبان عام مناسب نیست؛ اما اگر سبک ترجمه، سبک فنی و علمی باشد، مثلا: ترجمه برای

۱- (۱) . روش ها و سبک های ترجمه قرآن در مقاله مستقلی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- (۲) . القرآن الکریم با ترجمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی.

متخصصین (در آیات پزشکی، کیهان شناسی، فقهی) انجام گیرد، در این موارد، استفاده از اصطلاحات فنی، بدون اشکال، بلکه لازم است؛ (۱) البته مناسب است در ابتدای ترجمه، این مطلب گوشزد شود.

هیئت علمای «الازهر» نیز در مورد ترجمه قرآن تأکید کردند: «تا آن جا که ممکن است تفسیر (ترجمه تفسیری) خالی از اصطلاحات و مباحث علمی باشد؛ مگر آن چه را که فهم آیه می طلبد». (۲)

۲. امانت در ترجمه

ترجمه مطلوب، ترجمه پایبند است؛ یعنی محتوا و ظرایف لفظی کلام باید به صورت کامل در ترجمه، منعکس شده و کم و زیاد نگردد.

به عبارت دیگر: مترجم بر اساس دیدگاه و گرایش های کلامی، سیاسی و... در ترجمه عمل نکند و ترجمه قرآن را آیینه افکار و سلیقه های شخصی خویش ننماید و به بیان «حسنین هیکل» نویسنده مصری: «در هنگام ترجمه، تألیف جدید نکند».

البته گاهی مترجم برای فهماندن بهتر معنای کلام، ناچار می شود برخی مطالب را به ترجمه بیفزاید که در این موارد، آنها را درون پرانتز یا کروشه قرار می دهد تا با متن اصلی آمیخته نشود؛ و نیز برخی مترجمان ممکن است مطالب جزئی (مثل حروف عطف و...) را از زبان مقصد حذف کنند یا معادلی برای آن نیابند که در این موارد، لازم است این مبنا و مطلب را در مقدمه ترجمه اعلام کنند (۳) و

۱- (۱) . در این مورد مثال هایی در مبحث سبک ها و روش های ترجمه بیان شد.

۲- (۲) . مجله الازهر، ش ۷۰، ص۸ - ۶۴۹ و مناهل العرفان، ج۲، ص۵ - ۶۷.

۳- (۳) . در مورد حذف و اضافه موارد جزئی در «مبانی ترجمه قرآن»، مطالبی بیان شد.

مواردترجمه ناشده را فهرست نمایند. (۱)

یکی دیگر از نشانه های امانت داری در ترجمه، اعلام منابع و متون مورد استفاده در ترجمه است. استفاده از متن ترجمه های دیگر و تجربیات آنها، امری طبیعی و ضروری است، ولی اعلام نکردن آنها در مقدمه یا انکار آنها، امری خلاف اخلاق و اصل امانت داری است و گاهی نوعی سرقت علمی به شمار می آید.

۳. جداسازی متن ترجمه از توضیحات اضافی

یکی از قواعد ترجمه، جداسازی متن از توضیحات، به وسیله پرانتز یا علایم مشابه است تا خواننده بتواند بین کلام الهی و کلام مترجم، تفاوت بگذارد و اشتباه نشود.

در این مورد، ذیل مبحث امانت در ترجمه و نیز مبانی ادبی ترجمه، مطالبی بیان شد.

مثال: وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللّهُ وَ الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ...؛ ۲

فیض الاسلام: «در حالی که (کسی) جز خدا و راسخون، یعنی استواران وتوانایان در علم و دانش (پیغمبر و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین) تأویل و معنای آیات متشابه را نمی دانند».

مثال دیگر: یَکْفُرْ بِالطّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللّهِ...؛ ۳

فیض الاسلام: «پس کسی که به طاغوت، یعنی به هر معبود و پرستیده شده ای جز خدا، کافر شود و به خدا ایمان آورد».

۱- (۱) . در مبحث «مبانی ترجمه قرآن»، فهرستی از حروف و کلمات ترجمه ناشده در اولین ترجمه جمعی قرآن را ارائه کردیم.

مثال دیگر: هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ فَسَوّاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ...؛ ۱

بهبودی: «او همان خدایی است که نعمت های زمین را برای مهمانی شما مردم آفرید، سپس به سوی آسمان پرکشید و گازهای آسمانی را در قالب هفت پیکر آسمانی پیراست...».

در این مثال ها لازم بود تا مواردی که مشتمل بر توضیح مترجم است، در پرانتز آمده و جدا از متن ذکر می شد.

۴. رعایت علایم نگارشی و سجاوندی (ویرایش)

یکی از قواعد ترجمه در عصر حاضر، رعایت علایم نگارشی مثل ویرگول، نقطه، پرانتز، کروشه و...، براساس کاربردهای صحیح هر کدام یا اعلام موارد کاربرد توسط مترجم است.

درج نشدن این علایم موجب لغزش در فهم ترجمه یا ابهام آن می شود؛ از این رو ضرورت ویرایش ترجمه روشن تر می شود.

مثال: قُلْ قِتالٌ فِیهِ کَبِیرٌ وَ صَدٌّ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ...؛ ۲

فولادوند: «بگو: کارزار در آن، گناهی بزرگ و [بازداشتن از] راه خدا».

در این ترجمه، واژه «گناهی» اضافه مترجم است که لازم است داخل پرانتز قرار گیرد؛ ولی قرار نگرفته و واژه «بازداشتن»، معادل «صدّ» است که در متن آیه است و لازم است بیرون از کروشه باشد.

ص:۱۳۲

مثال دیگر: إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ؛ ۱

فولادوند: «در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند - چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - برایشان یکسان است؛ [آنها] نخواهند گروید».

در این ترجمه، جمله «چه بیمشان دهی و چه بیمشان ندهی» به عنوان جمله معترضه آمده، در حالی که جزو اصلی جمله است.

مثال دیگر: خَتَمَ اللّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ...؛ ۲

معزّی: «مهر نهاد خدا بر دل هاشان و بر گوش ایشان و بردیدگان ایشان پرده ای»

در این ترجمه، لازم بود که بعد از «بر گوش ایشان» ویرگول آید، سپس جمله «و بر دیدگان ایشان پرده ای» قرار گیرد تا معلوم شود که پرده، مربوط به چشم هاست.

از سوی دیگر، زیاده روی در استفاده از علایم نگارشی نیز، گاهی خسته کننده است و لزومی ندارد:

مثال: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتابِ اللّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ...؛ ۳

فولادوند: «در حقیقت، شماره ماه ها نزد خدا، از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده، در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است؛ از این [دوازده ماه]، چهارماه، [ماه] حرام است».

در این ترجمه که بخشی از آیه است، علامت ویرگول و نقطه ویرگول هفت بار تکرار شده که لزومی ندارد.

ص:۱۳۳

۵. اختصار در ترجمه

یکی از تفاوت های ترجمه و تفسیر، مختصر بودن ترجمه و مفصل بودن تفسیر است؛ البته در ترجمه تفسیری (ترجمه آزاد) برخی توضیحات ضروری در پرانتز اضافه می شود؛ اما نباید این امر به حد افراط برسد؛ به طوری که ترجمه به اندازه یک تفسیر مفصل شود؛ همان طور که گاهی در ترجمه مرحوم فیض الاسلام دیده می شود، رعایت این قاعده، مرز ترجمه و تفسیر را مشخص و روشن می سازد.

البته در این جا لازم است به دو نکته توجه شود:

نخست: مترجم تلاش کند (به ویژه در روش ترجمه تفسیری آزاد) تا دخالت عناصر تفسیری را به کم ترین اندازه برساند و از توضیحات اضافی بکاهد.

دوم: هرگاه اختصار کلام با روان بودن ترجمه در تعارض بود، روان بودن و خوش فهم بودن ترجمه را بر اختصار مقدم دارد و ترجمه را همراه با توضیحات کوتاه داخل پرانتز و... بیاورد.

۶. نظم و همگونی در ترجمه

معادل یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت فرساست و همسان سازی معادل های کلمات، کاری دشوارتر است؛ ولی به هر حال، ضروری است؛ چرا که این همسان سازی، نظم کلمات و آیات و همگونی آنها را در ترجمه بازتاب می دهد و یکی از نقدهایی که معمولاً درباره ترجمه ها وجود دارد، عدم رعایت این قاعده است.

بنابراین در ترکیب ها و جمله ها و کلمات مشابه، لازم است که از قبل، معادل یابی دقیق انجام شود و براساس آن، سراسر ترجمه، یکدست انجام شده و یکسان سازی شود.

ص:۱۳۴

مثال: واژه «انّ» در فارسی نزدیک به دوازده هم معنا دارد: «همانا، به درستی، به راستی، در حقیقت، در واقع، به تحقیق، هرآینه، قطعاً، حتماً، بی شک، بی تردید و البته».

مترجم قرآن وظیفه دارد که از قبل، معادل «انّ» را انتخاب کند یا اگر بر اساس کاربردهای مختلف آن، چند هم معنا انتخاب می کند، اعلام کند تا نظم همگونی کلمات و آیات در ترجمه منعکس و روشن شود.

برای مثال: انّ + لام تاکید: «قطعاً» (مثل هود / ۹ و ۱۰) و لام تاکید: «حتماً» (مثل هود / ۱۱۸).

برخی نویسندگان با طرح «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ابعاد آن را این گونه برشمرده اند:

الف) یکسانی در ترجمه اسم ها و فعل ها (مثل حکیم، حلیم، غفور...)؛

ب) یکسانی در ترجمه حروف (مثل «من» بعضیه، «کم» استفهامی، لام جحود و...)؛

ج) یکسانی در ترجمه تعبیرها و ترکیب های مشابه (مثل متاع الحیوه الدنیا...)؛

د) یکسانی در ترجمه جملات مشابه (مثل ثم استوی علی العرش و...)؛

ه) یکسانی در ترجمه آیات مشابه (مثل فبأی آلاء رّبکما تکذبان...)؛

و) یکسانی در ترجمه ساخت های نحوی قرآن (مثل مفعول له، جمله حالیه و...)؛

ز) یکسانی در ترجمه الگوهای بیانی (مثل هل عسیتم – ها انتم هؤلاء...)؛

ح) یکسانی در تقدیرهای مترجم و ویرایش و نشر ترجمه. (۱)

مثال: وَ لا تُخاطِبْنِی فِی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ؛

این آیه در ترجمه الهی قمشه ای چند گونه ترجمه شده است:

«و درباره ستم کاران که البته باید غرق شوند، دیگر سخن مگوی»؛ (هود/۳۷).

۱- (۱) . ترجمان وحی، ش۱، مقاله «یکسانی و همگونی ترجمه قرآن»، مرتضی کریمی نیا، ص۷ – ۱۸.

«و به شفاعت ستم کاران (حتی فرزند نااهلت) با من سخن مگو (و تقاضایی مکن) که البته آنها باید همه غرق شوند»؛ (مؤمنون / ۲۷).

مثال دیگر: ...بِالْبَیِّناتِ وَ الزُّبُرِ...؛ در ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی چند گونه ترجمه شده است:

- «حجت ها و صحیفه ها» - (آل عمران / ۱۸۴)؛

- «دلایل و کتاب ها» - (نحل / ۴۴)؛

- «نشانه های واضح و نامه های الهی» - (فاطر / ۲۵).

تذکر: البته در معادل یابی لازم است به وجوه و نظایر و مترادف ها توجه ویژه شود که در مبحث مبانی ترجمه قرآن (بحث مبانی ادبی ترجمه) این مطلب توضیح داده شد.

۷. ترجمه، بر اساس نثر معیار و ادبیات پیشرفته

در ترجمه می توان از سه نوع نثر استفاده کرد:

الف) نثر عامیانه: از سطح نازل ادبی برخوردار است و مناسب کتاب های علمی و معتبر نیست؛

ب) نثر ادیبانه، زبانی فاخر، شیرین و زیبا دارد و همراه با واژگان و اصطلاحات جدید و گاه نامأنوس برای عموم مردم است.

مثال: وَ کُنّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضِینَ؛ ۱

خرمشاهی: «و با ژاژخایان، ژاژخایی می کردیم».

واژه «ژاژخایان» در بین مردم فارسی زبان عصر ما، چندان رایج نیست؛ از این رو

در ترجمه جمعی، از «فرورفتگان (در باطل)» و آیه الله مکارم شیرازی از «اهل باطل» و فولادوند از «هرزه درایان» استفاده کرده اند.

ج) نثر معیار: دارای واژگان رسا، استوار و قابل فهم برای عموم مردم است؛ یعنی: نثری که در کتاب های معتبر و متون علمی (بدون لحاظ اصطلاحات فنی) به کار می رود.

در ترجمه قرآن، نثر قسم سوم مطلوب است تـا مخـاطب برای فهم آن دچار مشـکل نشود و ترجمه گرفتار ابتـذال و عوام زدگی نگردد؛ به عبـارت دیگر: در ترجمه قرآن نبایـد از لغـات غیر مشـهور، مشـکل و عامیـانه بهره جست. البته رعایت این ضابطه و قاعـده در سراسـر متن ترجمه دشوار است، اما لازم است مترجم قرآن، تمام تلاش خود را به کار بندد.

آیه الله مکارم شیرازی درباره نثر به کار رفته در ترجمه خود می نویسد:

(این ترجمه) از نوع ترجمه به زبـان توده مردم است و به همین دلیـل در بسـیاری از موارد، الفاظ عربی که آمیخته به زبان فارسـی شـده و جزئی از آن گردیده و کاملا مأنوس است، به جای واژه های فارسـی «سـره»ی نامأنوس نشسته است؛ زیرا هدف «لسان قوم» بوده که قرآن بر آن تأکید دارد، نه «لسان ادبای قوم» و مقصود اصلی هم معانی است، نه ارائه یک متن ادیبانه. (۱)

البته مقصود ایشـان از زبـان قوم و زبـان توده مردم، نـثر عامیـانه نیست؛ بلکه همـان «نـثر معیـار» است؛ از این رو در ترجمه نیز همین راه را پیموده است.

تذکر: در زبان معیار فارسی، برخی واژگان عربی وجود دارد که در طول اعصار به کار رفته و بومی شده اند و معنای آن نزد مردم واضح بوده وامروزه جزئی از زبان فارسی به شمار می روند که گاهی معادل یابی برای

۱- (۱) . القرآن الکریم، با ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، پی نوشت، صفحه دوم، قطع جیبی.

آنهادشوار و نامأنوس می شود؛ مثل واژه های ایمان، زکات، خُمس، مومن، کافر، منافق و... که هر کدام بار معنایی خاص خود را دارند.

اما گاهی برخی واژه های عربی در زبان فارسی به کار می رود که معنای آن نزد مردم واضح نیست و نیاز به ترجمه دارد؛ مثل واژه «تقوا» که عموم مردم متوجه مفهوم اجمالی آن می شوند، اما مفسران و مترجمان نیز در مورد معنای آن اختلاف نظر دارند؛ از این رو به معنای «پرهیز»، «ترس»، «خودنگه داری» و... آورده اند؛ پس لازم است که مترجم موضع خود و معنای کلمه را روشن سازد و معادل فارسی مأنوس آن را به کار ببرد. (۱)

مثال: هُدیً لِلْمُتَّقِینَ؛ ۲

دهلوی: «رهنماست پرهیزکاران را»؛

خواجوی: «راهنمای تقوی پیشگانست»؛

فارسی: «هدایت است برای پرهیزکاران»؛

مکارم: «مایه هدایت پرهیزکاران است»؛

جمعی: «راهنمای پارسایانِ (خودنگه دار) است».

۸. توجه دقیق به دلالت های آیه

یکی از نویسندگان در این باره می نویسد: «باید با دقت تمام، محتوای هر آیه، با دلالت های لفظی آن، چه اصلی و چه تبعی، مورد عنایت قرار گیرد». ۳

۱- (۱) . در مورد واژه «تقوی» در بند ۹ (انتخاب نزدیک ترین معادل در زبان مقصد) توضیح خواهیم داد.

مثال: در همان آیه: نَخُوضُ مَعَ الْخائِضِینَ؛ ۱ معنای اصلی آن «فرو رفتن با فرورروندگان» است، اما با توجه به سیاق آیات و تفسیر آنها که در مورد دوزخیان و عوامل دوزخی شدن است، روشن می شود که به معنای «فرو رفتن در باطل» است؛ از این رو بر مترجم لازم است که به این امر توجه کند و به نوعی در کروشه یا پرانتز به «باطل» اشاره کند.

مثال دیگر: حَتّی یَتَبَیَّنَ لَکُمُ الْخَیْطُ الْأَبْیَضُ مِنَ الْخَیْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...؛ ۲

بهبودی: «تا آن لحظه که نخ سفید در اثر روشنایی نور فجر، از نخ سیاه ممتاز شود».

در این ترجمه، مترجم گمان کرده است که «خیط» به معنای حقیقی خود یعنی «نخ» است؛ در حالی که معنای کنایی آن مقصود است؛ یعنی: رشته سفید بامداد از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار گردد.

۹. انتخاب نزدیک ترین معادل در زبان مقصد

برخی از صاحب نظران در این مورد می نویسند: «باید با انتخاب نزدیک ترین معانی و مناسب ترین قالب در زبان مقصد، معنا و مفهوم کامل آیه در متن ترجمه شده، ظاهر شود». (۱)

مثال: در مورد ...اَلْخائِضِینَ؛ ۴ گفته شد که برخی آن را به «ژاژخایان»، «اهل باطل»، «هرزه دران» و «فرو روندگان (در باطل)» ترجمه کرده بودند.

۱- (۳) . تاریخ قرآن، ص۱۹۹.

و نیز «تقوا» را برخی به معنای «پرهیز»، «تقوا»، «پارسایی» و «خودنگه داری» ترجمه کرده اند که لازم است با توجه به عرف زبان مقصد و فهم مخاطبان در هر زمان، نزدیک ترین و دقیق ترین معادل، برگزیده شود که در مورد فوق به نظر می رسد معنای اخیر این گونه است؛ چرا که واژه «تقوا» در اصل از ریشه «وقی» به معنای «حفظ خویش از زیان» است (۱) و این معنا با خودنگه داری و پارسایی سازگارتر است تا پرهیزکاری؛ چرا که تقوا به معنای گوشه نشینی و کناره گیری نیست؛ بلکه به معنای ماندن میان اجتماع و حفظ خویش است.

و نیز در مورد واژه «مالک» در آیه مالِكِ يَوْمِ الـدِّينِ؛ ۲ در ترجمه سراج معادل فارسی «صاحب اختیار» آمده و در ترجمه محدث دهلوی معادل «خداوند» به کار رفته است؛ در حالی که خود واژه «مالک» در فارسی امروز، رساترین معادل «مالک» در زبان عربی است و کاملا در زبان فارسی بومی شده است.

۱۰. انتقال بار عاطفی جملات و سبک بیان برای تأثیرگذاری

هر جمله یا گروهی از جملات، بار عاطفی خاص خود را دارد. گاهی متن، یک واقعه جنگی و حماسی را حکایت می کند و گاهی یک مبحث اخلاقی را بیان می کند و گاهی یک صحنه دلخراش را به تصویر می کشد و... که هر کدام سبک و بار عاطفی و شیوه بیان خاصی در زبان مبدأ دارد که مترجم می تواند با هنرنمایی خاصی آنها را به زبان دوم منتقل کند. این بار عاطفی جمله، نه تنها موجب تأثیرگذاری بیشتر متن در مخاطب می شود، بلکه گاهی موجب فهم بهتر متن نیز می گردد. انتقال بار عاطفی جملات، گاهی در سبک بیان و گاهی در

۱- (۱) . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «وقی» .

انتقال فضای عاطفی و احساسی و گاهی به وسیله علایم نگارشی تعجب و سؤال و مانند آن تحقق می یابد.

برخی نویسندگان درباره ترجمه نوشته اند: «مترجم باید متن مورد نظر را به گونه ای ترجمه کند که تأثیر متن ترجمه شده، کم و بیش همانند تأثیری باشد که متن اصلی آن در خواننده خود ایجاد کرده است»؛ (۱) و از برخی دیگر حکایت شده که باید در متن ترجمه شده پنج خصوصیت وجود داشته باشد تا بتواند تأثیر مشابهی بر جا گذارد:

الف) محتوای متن مبدأ، به صورت کامل به زبان مقصد انتقال یابد.

ب) شیوه بیان، حتی الامکان در ترجمه حفظ شود.

ج) نوع و سبک متن مبدأ و ویژگی های آن در ترجمه حفظ شود.

د) روانی کلام رعایت شود؛ یعنی ترجمه، زبان ساده، روشن و طبیعی داشته باشد و جملات و تعبیراتی به کار نرود که با معیارهای زبان مقصد نامأنوس هستند.

ه) انتقال روح متن مبدأ. متن در مَثَل، همچون جنگل است؛ درختان نباید مانع از آن شوند که مترجم جنگل را نبیند. مترجم باید روح اثر را درک کند و هم پیام و هم منظور نویسنده را انتقال دهد. (۲)

آیه الله معرفت درباره ترجمه معتقد است که ترجمه باید تمام ابعاد معنای کلام و دقایق آن را بیان کند. ایشان می نویسند:

یجب فی الترجمه ان تکون وافیه بتمام ابعاد المعنی المراد من الاصل، حتی فی نکاته و دقائقه الکلامیه ذات الصله باصل المراد، کنایةً او تعریضاً او تحزّناً او تحسّراً او تعجیزاً، و نحو ذلک من انحاء الکلام المختلف فی الایفاء و البیان، و

ص:۱۴۱

۱- (۱) . سهراب مروتی، بررسی ترجمه های قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ص۱۸.

۲- (۲) . فصلنامه مترجم، سال اول، ش۱، ص۱۷و ۱۸ به نقل از آقای فان (Fan Zhonyqing).

المختلف فی الاسلوب و النظم و غیر ذلک مما هو معروف. (۱)

مثال: إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ* وَ إِذَا النُّجُومُ انْکَدَرَتْ* وَ إِذَا الْجِبالُ سُیِّرَتْ* وَ إِذَا الْعِشارُ عُطِّلَتْ* وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ* وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ* وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ؛ ۲

فولادوند: «آن گاه که خورشید به هم درپیچد، و آن گه که ستارگان همی تیره شوند، و آن گاه که کوه ها به رفتار آیند، وقتی شتران ماده وانهاده شوند، و آن گه که وحوش را همی گرد آرند، دریاها آن گه که جوشان گردند، و آن گاه که جان ها به هم درپیوندند».

تذکر: در این ترجمه، مترجم تلاش کرده تا وزن و قافیه همه آیات همسان باشد؛ همان طور که متن آیات سوره تکویر این گونه است.

مثال دیگر آیه ذُقْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ؛ ۳ است که بار عاطفی سرزنش دوزخیان را دارد؛ ولی در ظاهر (بدون لحاظ سیاق آیات قبل) مدح مخاطب است. مترجم لازم است در این گونه موارد به نوعی، بار عاطفی جمله را در ترجمه منعکس سازد و بیان کند که این جمله کنایه آمیز است. (۲)

بررسی

انتقال سبک بیان و بار عاطفی جملات، نه تنها برای تأثیرگذاری، که برای فهم مطلب نیز مؤثر است؛ ولی توجه به دو نکته لازم است:

۱- (۱) . التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج، ص۱۱۶.

۲- (۴) . در شرایط مترجم، ذیل بند دهم (آگاهی از بار عاطفی واژها و جمله ها) ترجمه های این آیه را می آوریم و بررسی می کنیم.

نخست آن که در برخی موارد نمی توان تمام بار عاطفی و سبک بیان را به زبان مقصد منتقل کرد؛ پس این مطلب، امری نسبی است.

دوم آن که این قاعده ترجمه، در حقیقت به مبحث یکی از سبک های ترجمه بازمی گردد که در جای خود بیان شد و نیز به شرایط مترجم (یعنی: هنرمندی و هنرنمایی مترجم) مربوط می شود که به عنوان شرط کمال، بیان شد.

۱۱. توجه به پیوستگی و ارتباط بخش های مختلف متن

بخش های مختلف هر متن، دارای قرینه هایی برای فهم آن متن است. گاهی یک قسمت موجب تخصیص یا تقیید قسمت دیگر می شود یا ارتباط یک بخش با بخش قبل، نکته ای لطیف را در بردارد.

در قرآن کریم نیز، همین گونه است؛ از این رو بحث روش تفسیر قرآن به قرآن و شیوه تفسیر موضوعی آیات قرآن مورد توجه مفسران متأخر قرار گرفته است. (۱)

برخی صاحب نظران بر این امر تأکید کرده و توجه به سایر آیات الهی را از مبانی و شرایط مفسّر دانسته اند ۲ و در این راستا «لزوم انتقال از ترجمه و تفسیر گسسته به ترجمه و تفسیر پیوسته» را مطرح کرده اند و بر ترجمه تفسیر طبری، اشکال می کنند که چرا ترجمه آیات را به صورت گسسته آورده است؛ مثل جمله هایی که ربطی به همدیگر ندارد ۳ و نیز ظهور اشاعره و اخباری ها را از

ص:۱۴۳

۱- (۱) . علامه طباطبایی، مقدمه تفسیر المیزان؛ آیه الله مکارم شیرازی، تفسیر موضوعی پیام قرآن؛ آیه الله سبحانی، منشور جاوید؛ آیه الله جوادی آملی تفسیر موضوعی قرآن مجید.

عوامل گسسته شدن ترجمه و تفسیرهای قرآن برمی شمارد. (۱)

دکتر «محمد عبدالله دراز» نیز قرآن را به تابلوی نقاشی نفیسی تشبیه می کند که «اگر نظرمان را به جزء کوچکی از آن محدود کنیم، جز رنگ های متنوع در کنار هم نمی یابیم؛ بلکه باید به عقب برگردیم تا میدان دیدمان وسیع شود و این تابلوی زیبا و بدیع را یکجا و یکپارچه ببینیم». (۲)

آیه الله خوئی(رحمه الله) پیوستگی آیات را به مرواریدهایی تشبیه می کند که به رشته نظم درآمده است. (۳)

از دیدگاه امام خمینی(رحمه الله) حتی «بسم الله» هر سوره بر حسب مسلک اهل معرفت، متعلق به خود آن سوره است «... و بر حسب هر سوره ای که متعلق بسم الله در لفظ و مظهر آن در معناست، معنای بسم الله مختلف می شود». (۴)

علامه طباطبایی(رحمه الله) نیز درباره پیوستگی آیات بر آن است که «باید تمامی آیات متناسب با آن (آیه) را مورد توجه قرار داد و در آن به تحقیق و اجتهاد پرداخت». (۵)

فخر رازی نیز معتقد است «اکثر لطایف قرآن در ترتیب و روابط آیات نهفته است». (۶)

شهید صدر می گوید «باید تفسیر از بریده و گسسته، به حالت پیوسته تحوّل

۱- (۱) . همان، ص ۳۸۰.

۲- (۲) . مدخل إلی القرآن الکریم، عرض تاریخی و تحلیلی مقارن، ص ۱۲۰.

۳- (۳) . البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲ - ۹۳.

۴- (۴) . چهل حدیث، ص ۵۴۷.

۵- (۵) . المیزان، ج ۳، ص ۷۶.

۶- (۶) . تفسیر کبیر فخر رازی، به نقل از البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، ج ۱، ص ۲ - ۵۳.

یابد» و روش تفسیر موضوعی را موجب شکوفا شدن تفسیر می داند و تفسیر بریده و تجزیه ای را موجب رکود اندیشه اسلامی در زمینه های قرآنی می داند (برخلاف علم فقه که روش موضوعی موجب بالندگی آن شده است). (۱)

بررسی

توجه به پیوستگی و ارتباط بخش های مختلف هر متن، برای فهم و تفسیر و ترجمه آن لازم است و عدم توجه به این امر، گاهی موجب لغزش می شود.

این امر در ترجمه و تفسیر قرآن نیز لازم است؛ چرا که ترجمه، خلاصه تفسیر است و مترجم برای فهم آیات و تفسیر و ترجمه آن لازم است به آیات مشابه و مخالف و قراین موجود در آیات و سوره های دیگر توجه کند؛ از این رو در مبانی تفسیر با عنوان «استفاده از روش صحیح تفسیر» (در بخش تفسیر قرآن به قرآن) و نیز در «مبانی روش شناختی ترجمه» مورد توجه قرار می گیرد که ما در همان بخش ها مطالبی بیان کردیم.

۱۲. ترجمه نکردن آیات متشابه و حروف مقطّعه

آیه الله معرفت یکی از شرایط ترجمه را پرهیز از ترجمه آیات متشابه و حروف مقطّعه می دانند و می نویسند:

باید حروف مقطعه در اوایل سور، بدون ترجمه و کلمات متشابه، مانند«برهان» در آیه ۲۸ یوسف، «دابّه» در آیه ۲۸ نمل و «اعراف» در آیه ۴۶اعراف، به همان حالت ابهام ترجمه شوند و از شرح و تبیین آنها خودداری شود. (۲)

۱- (۱) . التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزئی فی القرآن الکریم، ص۸ - ۲۴.

۲- (۲) . تاریخ قرآن، ص۲۰۰.

یکی از نویسندگان در این باره می نویسد: «باید حروف مقطّعه در اوایل سور، بدون ترجمه و توضیح، به همان حالت ابهام ترجمه شود». (۱)

از این رو می بینیم که در ترجمه های: خواجوی، فارسی، مجتبوی، پورجوادی،مصباح زاده، سراج، دهلوی، یاسری، آیتی، فولادوند، شعرانی وخرمشاهی حروف «الم» در اول سوره «بقره» ترجمه نشده است.

در مورد حروف مقطّعه قرآن، بیش از ده دیدگاه وجود دارد که برخی آن را حروف اسرارآمیز و برخی جزو متشابهات می دانند و برخی نیز، حروف ساده و معمولی می انگارند که در راستای هماوردطلبی قرآن در اعجاز آورده شده است. (۲)

به هر حال، این حروف، چه اسرارآمیز باشند و چه حروفی معمولی، به همان صورتِ حرفی در ترجمه منعکس می شود؛ اما دلیلی بر ترجمه نکردن کلمات متشابه قرآن نداریم؛ یعنی اگر مترجم بتواند براساس تفسیر آیه، به معنای نزدیک آن، یا معادل مشابهی در فارسی دست یابد و آن را با توضیح مختصری در پرانتز روشن تر سازد، مانع ترجمه نیست؛ چون مترجم معنای نسبی را ترجمه می کند. اما اگر نتواند چنین معادلی بیابد، حق با استاد معرفت خواهد بود.

۱۳. چاپ متن عربی قرآن، در کنار متن ترجمه

آیه الله معرفت دراین باره می نویسد:

لازم است متن ترجمه شده قرآن، کنار متن عربی قرار بگیرد تا مراجعه کننده در صورت مواجه شدن با اشکال، بدان مراجعه کند و این توهم پیش نیاید که ترجمه می تواند جای قرآن را بگیرد. (۳)

۱- (۱) . اصول و مبانی ترجمه، ص۳۳.

۲- (۲) . المیزان، نمونه، مجمع البیان و تفاسیر دیگر، ذیل آیه اول سوره بقره و آیه اول سوره آل عمران.

۳- (۳) . تاریخ قرآن، ص۲۰۰ . و نیز ر.ك: اصول و مبانی ترجمه، ص۳۳.

بررسی

روش مزبور شیوه ای است که بیشتر مترجمان قرآن در طول تاریخ پیموده اند و همان طور که آمد: وجود متن قرآن در کنار ترجمه، مفید است و موجب برکت و تقدس کتاب و نشر قرآن نیز می شود؛ اما شرط لازم در ترجمه قرآن نیست؛ چرا که ممکن است ترجمه قرآن، بدون متن اصلی، برای افرادی که عربی نمی دانند چاپ شود و این ترجمه، کم حجم تر و سبک تر خواهد بود. البته در این موارد می توان واژه «ترجمه قرآن» را بر روی جلد و در شناسنامه نوشت که توهم جایگزینی پیش نیاید.

لازم به یادآوری است که امروزه در ترجمه متون مقدس دینی در سطح دنیا، از روش نشر ترجمه بدون متن، زیاد استفاده می شود.

۱۴. توضیحات لازم در پاورقی ترجمه

برخی از نویسندگان، یکی از ضوابط ترجمه را این گونه بیان کرده اند:

علاوه بر دقت و رسایی در ترجمه، باید مشکل وجود آیات متشابه، منسوخ و غیره در آن مرتفع گردد. بدین منظور باید در موارد فوق با اشاره ای در پاورقی، ضمن بیان خصوصیات آیات فوق، مخاطبین را به آیات توضیح گر هدایت نمود تا خطر کج فهمی در این گونه از آیات، مرتفع گردد. (۱)

هیئت علمای الازهر نیز اعلام کرده است که مترجم باید عرضه کننده نظریات علمی و تجربی، مانند تفسیر علمی رعد و برق یا نظریه ستاره شناسان درتفسیر آیات مربوط نباشد؛ بلکه آیه را به آن چه لفظ عربی بر آن دلالت دارد،

۱- (۱) . ولی الله نقی پور، تدبّر در قرآن، ص۳۲۴.

تفسیر (ترجمه تفسیری) نماید و موضع عبرت و هدایت در آن آشکار گردد و اگر نیاز به توسعه در تحقیق پاره ای از مسائل بود، هیأتِ مذکور آن را در حاشیه تفسیر قرار دهد. (۱)

بررسی

اصل این مطلب صحیح است که مترجم همچون مفسر، وظیفه دارد آیات متشابه را به محکمات قرآن ارجاع دهد تا معنای آنها روشن گردد و از انحرافات احتمالی عقیدتی جلوگیری شود؛ برای مثال: ...یَدُ اللّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ... ۲ را با توجه به آیه ...لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ... ۳ ترجمه کند: «دست (قدرت) خدا بالای دست های آنهاست».

به عبارت دیگر: این ضابطه، نتیجه روش تفسیر «قرآن به قرآن» و همبستگی آیات است که در مبانی تفسیری ترجمه قرآن یادآور شدیم.

هم چنین لازم است مترجم به «برهان های عقلی» و «علوم تجربی قطعی» در ترجمه توجه کند و در موارد لزوم، از این قراین برای تفسیر و ترجمه آیات بهره برد که این مطلب نیز، به مبانی تفسیر بازمی گردد.

البته برای انجام این منظور، راه های مختلفی وجود دارد؛ از جمله:

الف) بیان توضیحات در پاورقی ها؛ همان طور که از نویسنده کتاب تدبر در قرآن نقل شد و همچنین استاد مجتبوی در ترجمه خویش از همین شیوه، بسیار بهره برده است.

۱- (۱) . مجله الازهر، ش ۷۰، ص۶۴۸ و ۶۴۹ و مناهل العرفان، ج۲، ص۶۵ - ۶۷.

ب) بیان توضیحات در پرانتز و کروشه های داخل متن؛ همان طور که در مثال بالا گفته شد.

تـذکر: همان طور که در مبانی ترجمه و مبحث سوم (جـداسازی توضـیحات از متن ترجمه) یادآوری شد، مترجم لازم است تلاش کند تا تأثیر مباحث کلامی و تفسیری و غیره را در ترجمه به کم ترین انـدازه برسانـد و نیز از آمیختگی ترجمه با تفسیر و توضیحات جلوگیری کند.

ص:۱۴۹

پژوهش ها

۱. یکی از ترجمه های قرآن را برگزیده و بررسی کنید که تا چه اندازه ضوابط و قواعد ترجمه در آن رعایت شده است.

۲. نظم و همگونی آیات مشابه و مکرر قرآن را در ترجمه های مشهور بررسی و مقایسه کنید.

۳. نزدیک ترین معادل های واژگان «مؤمن»، «کافر» و «شیطان»، را یافته؛ سپس در ترجمه های مشهور بررسی کنید.

۴. درباره بار عاطفی واژگان قرآن یک تحقیق میدانی انجام داده و تأثیر آنها را در ترجمه ها بررسی کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. تاریخ قرآن، آیه الله معرفت؛

۲. بررسی ترجمه های قرآن کریم، سهراب مروتی، پایان نامه کارشناسی ارشد؛

۳. فصل نامه مترجم، شماره نخست؛

۴. قرآن ناطق، جلد اول، دکتر بی آزار شیرازی؛

۵. مناهل العرفان، المجلد الثانی، الزرقانی.

۵.شرایط مترجم و تأثیر آنها در ترجمه قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. شناخت شرایط عام مترجم (شرایط لازم و کمال)؛ ۲.شناخت شرایط خاص مترجم قرآن؛ ۳. آشنایی با تأثیرات دانش های مترجم در ترجمه قرآن.

درآمد

موضوع «شرایط مترجم قرآن» از موضوعاتی است بررسی دقیق نشده و در کتاب ها و مقالات، به صورت جزئی و پراکنده بدان اشاره شده است.

از میان کسانی که به شرایط مترجم اشاره کرده اند، می توان آثار پژوهشگران زیر را برشمرد:

آیه الله معرفت در کتاب تاریخ قرآن؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب و در البیان فی تفسیر القرآن؛ علی نجار در اصول و مبانی ترجمه قرآن؛ دکتر جواد سلماسی زاده در تاریخ ترجمه قرآن در جهان؛ آیه الله مشکینی در «مؤخره (سخن مترجم) ترجمه قرآن»؛ «مجله مترجم»، ش ۱۰، در مقالات متعدد؛ یوجین نایدا در مقاله «درباره ترجمه»؛ امیرمسعود صفری در آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم، محمد عبدالغنی حسن در فن ترجمه در ادبیات عرب؛ زرقانی در مناهل العرفان، ج۲؛ بهاءالدین خرمشاهی در پیوست های ترجمه قرآن

ص:۱۵۱

(رحلی) و دکتر بی آزار شیرازی در قرآن ناطق.

بنابر ضرورت عقلایی هر کس می خواهد کاری انجام دهد، باید آمادگی ها و شرایط لازم برای انجام آن کار را داشته باشد. مترجم قرآن نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ اما مترجم قرآن، دارای دو جنبه است: جنبه مترجم بودن و جنبه ترجمه کردن قرآن، که هر کدام دارای مقدمات، لوازم و شرایط ویژه ای است؛ یعنی مترجم قرآن، لازم است «شرایط عام مترجم» را دارا باشد؛ همان طور که ضروری است «شرایط ویژه خاص ترجمه قرآن» را نیز داشته باشد:

شرایط عام مترجم

۱. شرایط لازم برای هر مترجم

الف) آگاهی از زبان مبدأ و مقصد

صاحب نظران و مؤلفان ترجمه، بر این شرط پافشاری کرده اند؛ (۱) از جمله آیه الله خوئی در مورد شرایط مترجم می نویسند:

باید در ترجمه، تسلّط و احاطه کامل به لغتی باشد که قرآن از آن به زبان دیگر منتقل می شود؛ بنابر این، در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن شرط است. ۲

البته مقصود از آگاهی و تسلط در این جا، تسلط بر زبان و قواعد آن به صورت مطلوب و نسبی است، نه تخصص ادیبانه. به تعبیر یوجین نایدا کارشناس کتاب مقدس: «مترجم نه تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد، بلکه دقایق معانی را نیز باید درک کند». ۳

ص:۱۵۲

۱- (۱) . جواد سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص۱۲ و اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۳۱.

از این رو برخی صاحب نظران این شرط را چنین تعبیر کرده اند: «تسلّط به زبان و ادبیات سرزمین مادری و ظرایف و ریزه کاری های آن». (۱)

در مورد ترجمه قرآن، آگاهی از ادبیات عرب: صرف، نحو، معانی و بیان لازم است؛ همان طور که تسلّط نسبی بر ادبیات زبانِ مقصد، (مثلا زبان فارسی) برای مترجم فارسی زبان لازم است.

ب) آگاهی از موضوع ترجمه

برای ترجمه هر متن، شناخت موضوع و ابعاد آن و اطلاع از مسائل آن ضروری است؛ وگرنه مترجم در ترجمه اصطلاحات و مسائل آن با مشکل جدّی روبه رو می شود. این شرط مورد تأکید برخی از صاحب نظران و مترجمان بنام و مؤلفان است. (۲) در ترجمه قرآن نیز شناخت قرآن و محتوای آن و هدف هدایتگرانه آن به طور نسبی لازم است.

ج) پرهیز از پیش داوری در ترجمه

هر مترجم، دارای بینش های خاص مذهبی، کلامی، فقهی و تفسیری است؛ از این رو در قید پیش فرض های ذهنی خود است و از دیدگاه خاص خویش به متنِ موردِ ترجمه می نگرد. البته این پیش فرض ها دو دسته هستند:

نخست: پیش فرض های ضروری هر متن، که لازم است در ترجمه آن مورد توجه قرار گیرد. از این پیش فرض ها با عنوان «مبانی ترجمه» یاد می شود که ما آنها را در مبحث مبانی ترجمه قرآن بیان کردیم.

ص:۱۵۳

۱- (۱) . مقالات دکتر بهرام طوسی، مقاله «آیا می توان فن ترجمه را آموزش داد؟»، مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، ص ۱۷۰.

۲- (۲) . اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۳۲ و کیهان فرهنگی، مرداد ۶۳، ص۱۶.

دوم: پیش فرض های غیر ضروری، مثل پیش فرض های فلسفی، سیاسی، اجتماعی و دیدگاه های شخصی که هر مترجم دارد؛ اما دخالت آنها در متن، نه تنها مفید نیست، بلکه گاهی زیان آور و رهزن است.

برای مثال: کسی که طرفدار مکتب جبر انسان است، اگر این دیدگاه خود رادر ترجمه قرآن اعمال کند، یا کسی که طرفدار اختیار و آزادی مطلق انسان است، اگر دیدگاه خود را در ترجمه اعمال کند، موجب می شود که برخی آیات از ترجمه واقعی خود دور شوند و ترجمه برای خواننده گمراه کنند،شود.

البته جلوگیری از رسوخ پیش فرض ها و دیدگاه های مترجم در ترجمه، بسیارمشکل است؛ بلکه جلوگیری کامل از آنها محال می نماید؛ ولی مترجم می تواند با دقت بیشتر، تأثیر این عناصر را در ترجمه به کم ترین اندازه برساند.

آیه الله معرفت مفسّر گران قدر قرآن در این باره می نویسند:

مترجم باید خود را از هرگونه خواسته های درونی که ساخته محیط یا باورهای تقلیدی اوست، آزاد ساخته، صرفاً درصدد فهم مفاد آیات بدون هرگونه آرایه باشد. (۱)

۲. شرایط کمال مترجم

شرایطی که واجد بودن آنها برای مترجم لازم است؛ ولی به صورت طبیعی، حداقل آن در هر مترجم وجود دارد؛ اما وجود حداکثری آنها، موجب کمال ترجمه می شود و بر ارزش ترجمه می افزاید.

۱- (۱) . تاریخ قرآن، ص ۲۰۰ .

الف) روشمندی در ترجمه

یوجین نایدا کارشناس کتاب مقدس تأکید می کند: «مترجم نه تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد، بلکه... ظرایفی را که از حیث سبک (رنگ و بوی) پیام را تعیین کرده است تشخیص دهد». (۱)

ترجمه با روش ها و سبک های مختلف انجام می گیرد؛ برای مثال: ترجمه قرآن با روش تحت اللفظی، هسته به هسته و آزاد تفسیری می تواند انجام شود و نیز سبک های مختلفی در ترجمه وجود دارد. مترجم لازم است پیش از آغاز ترجمه، روش ها و سبک ها را بشناسد و روش و سبک خود را برگزیند و در آن مسیر حرکت کند؛ وگرنه، ترجمه او ناهمگون و مضطرب می شود و گرفتار لغزش های روش شناختی می گردد.

ب) توانایی نویسندگی

هر مترجم، لازم است از هنر نویسندگی بهره مند باشد؛ یعنی مترجم باید مطالب متن را به زبان مبدأ درک کرده سپس آنها را به لباس زبان مقصد درآورده و با قلمی مناسب، نگارش کند و به خواننده عرضه دارد. از این رو لازم است مترجم، نویسنده بوده و قلمی شیوا و روان داشته باشد؛ وگرنه نمی تواند به خوبی مقصود و پیام متن را به زبان دوم منتقل کند.

ج) تمرین و ممارست

ترجمه، علاوه بر مواردی که گفته شد، یک فن نیز به شمار می رود؛ از این رو نیاز به تمرین عملی دارد؛ یعنی آموختن روش ها و قواعد نظری ترجمه کافی

ص:۱۵۵

۱- (۱) . نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، برگزیده مقالات نشر دانش، ص ۳۰.

نیست؛ بلکه لازم است مترجم، در عمل آزموده شود؛ بارها بنویسد و لغزش های خود را ببیند و اصلاح کند و دوباره بنویسد تا متنی درخور خلق کند و مترجمی توانا شود.

ترجمه، همچون رانندگی است که علاوه بر دانستن مقررات و اطلاعات فنی اتومبیل، نیازمند تمرین بسیار است.

آیه الله مشکینی نیز در پایان ترجمه خویش در شرایط مترجم، به نوعی همین مطلب را یادآور شده است:

از لوازم موفقیت مترجم، تأمل در ترجمه های انجام شده توسط دیگر مترجمان محترم است... و باید از تجربه های آنان استفاده کرد. (۱)

د) اعمال ذوق و سلیقه (هنرمندی در ترجمه) (۲)

ترجمه، علاوه بر آن که دانش و فن است، هنر نیز شمرده می شود؛ از این رو نیازمند اعمال ذوق و سلیقه است. مترجم، هنرمندی است که با نوآوری و زیباسازی ترجمه، اثری هنری می آفریند. به عبارت دیگر: ترجمه، علاوه بر دقت و صحت، لازم است زیبا و روان باشد تا درخور توجه قرار گیرد.

البته برخی در مورد این شرط، مبالغه کرده و نوشته اند:

مترجم چیره دست باید به اندازه نویسنده ای که اثرش را برای ترجمه برگزیده است، ذوق داشته باشد، و یا دست کم ذوقش از نوع ذوق نویسنده اصلی باشد. (۳)

۱- (۱) . ترجمه آیه الله مشکینی، مؤخره (سخن مترجم)، ص۶۱۳ .

۲- (۲) . در تکمیل این بخش از مجله مترجم، ش۱۰، صفحه های ۲۰۲، ۵۶، ۴۵ و ۱۹۷ استفاده شد.

۳- (۳) . درباره ترجمه، مقاله یوجین نایدا، ص۲۴ (ایشان از آقای نابوکوف Nabokov حکایت می کند).

ه) آگاهی از بار عاطفی واژه ها و جمله ها

یوجین نایدا، درباره شرایط مترجم می گوید:

مترجم نه تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد، بلکه دقایق معانی را نیز باید درک کند و بار عاطفی واژه ها را دریابد. (۱)

مثال: اگر جمله «او را بکشید» در حالت جنگ و درگیری گفته شود، بار عاطفی خاص خود را دارد و دلالت بر قتل می کند؛ اما اگر همان جمله، در فضای اخلاقی گفته شود، بار عاطفی دیگری دارد و دلالت بر تزکیه نفس می کند؛ البته این مطلب، معمولاً از سیاق جملات به دست می آید.

مثال دیگر: ذُقْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ؛ ۲

فولادوند: «بچش که تو همان ارجمند بزرگواری!»؛

مکارم: «(به او گفته می شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی!»؛

جمعی: «(به کنایه به او گویند:) بچش که تنها تو شکست ناپذیر [و] ارجمندی!».

از آن جا که آیه فوق بعد از آیات مربوط به عذاب دوزخیان است، از سیاق آن، چنین برداشت می شود که بار عاطفی جمله، معطوف به سرزنش دوزخیان است که ترجمه جمعی و آیه الله مکارم شیرازی به این نکته توجه کرده و آن را منعکس نموده اند.

مثال دیگر: وَ ما یَشْعُرُونَ؛ ۳ ...وَ لکِنْ لا تَشْعُرُونَ؛ ۴

۱- (۱) . نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، برگزیده مقالات نشر دانش، ص ۳۰ .

مکارم: «(امّا) نمی فهمند»؛ «ولی شما نمی فهمید»؛

فولادوند: «و نمی فهمند»؛ «ولی شما نمی دانید».

واژه «یشعرون» از ماده «شعر» به معنای «مو» است و هنگامی که چیزی بسیار دقیق و از مو باریک تر باشد، این تعبیر به کار می رود؛ (۱) پس معنای آن «شما نمی دانید» لا تَعْلَمُونَ نیست؛ همان طور که معنای آن «نمی فهمند» نیز نیست؛ چرا که واژه اخیر بار منفی عاطفی در فارسی دارد؛ یعنی نوعی توهین به مخاطب به شمار می آید؛ از این رو بهتر است این گونه ترجمه شود: «ولی (با دقت حسّی) متوجه نمی شوید».

و) مراجعه پیوسته به منابع

مترجم باید در ترجمه قرآن، از تکیه بر ذهنیات خودداری کرده و به علم اجمالی نسبت به معانی واژه ها و تفسیر آیات بسنده ننموده، پیوسته به منابع و مآخذ رجوع کند.

البته این امر در ترجمه قرآن و مراجعه به کتاب های لغت، اهمیت بیشتری دارد؛ به طوری که برخی مترجمان، از معنای اصلی و دقیق برخی واژه های به ظاهر آسان و روشن غفلت می کنند و به منابع لغوی برای درک معانی واژه ها و ریشه یابی آنها مراجعه نمی کنند و در نتیجه گرفتار لغزش می شوند. (۲)

مثال: وَ کَذلِکَ أَنْزَلْناهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا...؛ ۳

۱- (۱) . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «شعر».

۲- (۲) . امیر مسعود صفری، آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم در واژه و ساختار، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(علیه السلام)، ص۸۹.

فولادوند: «و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم»؛

مکارم: «و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم».

واژه «عربی» در زبان عرب به معنای فصیح و روشن و گویا (۱) است؛ اما در عرف فارسی، به معنای زبان و لغت عربی است. مترجم دوم به این امر توجه کرده، اما مترجم نخست براساس ذهنیت خویش ترجمه کرده یا اصلا ترجمه نکرده است.

هم چنین فولادوند واژه «رشید» را به معنای «بردبارِ فرزانه» (هود/ ۸۷) و به معنای «عقل رس» (هود/ ۷۸) ترجمه کرده؛ در حالی که این ذهنیت فارسی زبانان از واژه «رشید» است و در زبان عربی، واژه «رشید» به معنای «هدایت به سوی خیر و صلاح» در برابر گمراهی است. (۲)

ز) آشنایی با ضرب المثل ها. هرگاه مترجم، دست اندرکار ترجمه متون ادبی باشد.

تذکر: این شرط می تواند به اهمیت آگاهی از موضوع ترجمه بازگردد.

ح) دانستن اصطلاحات و لغات مربوط در ترجمه های علمی.

تذکر: این شرط به مبحث آگاهی از موضوع ترجمه بازمی گردد.

ط) آشنایی با فرهنگ، آداب، تاریخ، جغرافیای مربوط به مردمی که به آن زبان بیگانه، سخن می گویند.

ی) آشنایی با سبک شناسی و نقد اصول کلام و جزو آن.

تذکر: این شرط نیز با مبحث روشمندی مترجم در ارتباط است.

ص:۱۵۹

۱- (۱) . مفردات راغب و تفاسیر قرآن، ذیل آیه فوق.

۲- (۲) . المفردات، و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده «رشد».

ک) آشنایی با علوم جنبی، نظیر جامعه شناسی و روانشناسی. ۱

تذکر: شاید این شرط برای مخاطب شناسی لازم باشد؛ ولی کم ترین آشنایی از آنها نیز کافی است.

ل) استاد «محمد عبدالغنی حسن» در کتاب فن ترجمه در ادبیات عربی شرایط دیگری نیز برای مترجم از دیدگاه های مختلف به صورت مفصل آورده است؛ از جمله قدرت بیان، تخصص در ترجمه، شناخت موضوع، آشنایی و تسلّط، انعکاس روح و احساس مؤلّف در ترجمه، رام کردن زبان، رعایت اسلوب و تسلّط بر زبانی که به آن ترجمه می شود. ۲

شرایط خاص مترجم قرآن

اشاره

لازم است مترجم قرآن شرایط عام ترجمه را دارا باشد؛ ولی علاوه بر آن، لازم است شرایط ویژه ای نیز داشته باشد؛ چرا که ترجمه قرآن، ترجمه ای ساده نیست؛ بلکه از سویی ترجمه کلام خداست و دقت ها و شرایط خاص خود را می طلبد و از سوی دیگر، ترجمه قرآن با تفسیر آن، پیوند خورده و دارای شرایط ویژه ای است:

۱. دارا بودن شرایط مفسّر قرآن

از آن جا که ترجمه قرآن، در حقیقت نوعی تفسیر است و درصدد بیان معانی آیات و مقاصد قرآن است، ۳ از این رو لازم است که مترجم قرآن، تمام شرایط

ص:۱۶۰

مفسر قرآن را دارا باشد؛ از جمله:

الف) آگاهی از «ادبیات عرب»، برای فهم ظاهر کلام الهی در قرآن.

ب) آگاهی از «سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام)» و علوم مرتبط با آن، مثل «رجال»، «درایه» و «فقه الحدیث»، برای به دست آوردن قراین نقلی در ترجمه و تفسیر آیات.

ج) آگاهی از «برهان ها و حکم ها و قراین عقلی» برای تفسیر و ترجمه آیاتِ متناسب با آنها.

د) آگاهی از «علوم قرآن»، برای تشخیص آیات مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و... .

ه) آگاهی از «شأن نزول آیات»، برای فهم قراین تاریخی و جغرافیایی که در تفسیر و ترجمه آیه تأثیر دارد.

و) آگاهی از «علوم تجربی» برای فهم آیاتی که دربردارنده اشارات علمی است؛ البته با رعایت شرایط خاص تفسیر علمی و به دور از تحمیل نظریه های علمی بر قرآن.

ز) آگاهی از علم «اصول الفقه»، برای به دست آوردن قواعد عرفی و عقلایی محاوره در فهم آیات.

ح) آگاهی از علم «فقه»، برای فهم و ترجمه و تفسیر آیات الاحکام.

ط) آگاهی از «تاریخ قبل از اسلام» (تاریخ جاهلیت) و «تاریخ اسلام»، برای به دست آوردن قراین تاریخی که در فهم آیات تأثیر دارد.

ی) مراجعه به «تفاسیر گذشتگان» برای به دست آوردن قراین و دیدگاه های مفسران در تفسیر آیه.

ص:۱۶۱

ک) آگاهی از «تاریخ ادیان و کتب مقدس» (تورات، انجیل و ملحقات آنها) برای فهم انحرافات آنها و به دست آوردن قراین لازم در اشارات آیات قرآن به یهود و مسیحیت و ادیان دیگر، (بدون این که در وادی اسرائیلیات بلغزد؛ بلکه این شرط، برای شناخت احادیث اسرائیلی لازم است). (۱)

تذکر۱: شاید بتوان برخی از موارد فوق را به آگاهی مترجم از زبان مبدأ و موضوع ترجمه بازگرداند؛ ولی از آن جا که این موارد، جزئی از شرایط مفسر و مترجم نیز هست، در این جا به یکباره برشمرده شد.

تذکر۲: روشن است که وجود هر یک از این موارد در مترجم، در ترجمه او تأثیر مثبت دارد و فقدان هر یک از شرایط مزبور، تأثیر منفی در ترجمه بر جای خواهد گذاشت؛ (۲) بلکه ترجمه قرآن، بدون داشتن این موارد، منتهی به ترجمه به رأی می شود که نوعی تفسیر به رأی است؛ چون این، همان اقدام به ترجمه و تفسیر قرآن، بدون علم و بدون توجه به قراین عقلی و نقلی خواهد بود که از مصادیق بارز تفسیر به رأی است. (۳)

برخی از صاحب نظران به صورت پراکنده به شروط بالا و موارد آن اشاره کرده اند که در ذیل می آید:

آیه الله خوئی در مورد شرایط ترجمه قرآن می نویسد:

ص:۱۶۲

۱- (۱) . در مورد شرایط مفسر، الاتقان فی علوم القرآن، ج۲، ص۲۱۳ - ۲۱۵ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص۶۱ به بعد و جعفر سبحانی، تفسیر صحیح آیات مشکل قرآن، جعفر سبحانی، ص۲۹۲ به بعد.

۲- (۲) . ما تأثیر دانش های مترجم در ترجمه قرآن را در مقاله مستقلی بررسی کرده ایم.

۳- (۳) . در مورد تفسیر به رأی و دلایل حرمت و قلمرو آن، درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، ص۳۵۱.

در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن، شرط است و فهم آن، منحصر در امورسه گانه زیر است:

۱. مفهوم لفظی که عرب فصیح از ظاهر آن می فهمد؛

۲. حکم عقل و فطرت سالم؛

۳. تفسیری که از معصوم رسیده است. ۱

هم چنین آیه الله معرفت درباره شرایط مترجم می نویسد:

بایـد دانش دینی مترجم در حـدی باشـد که بتوانـد قبل از ترجمه هر آیه ای، به تفاسـیر معتبر مراجعه کند و به آن چه خود در آغاز از آیه استنباط می کند اکتفا نکند. ۲

۲. پرهیز از ترجمه به رأی

گفته شـد که ترجمه قرآن، نوعی از تفسـیر تلقی می شود و تفسـیر به رأی جـایز نیست؛ بلکه از گناهـان کبیره است؛ ۳ یعنی مترجم قرآن نمی تواند بدون توجه به قراین عقلی و نقلی (قرآنی و روایی و...) به ترجمه قرآن بپردازد.

این امر، یکی از مبانی تفسیر و ترجمه قرآن نیز هست و رعایت آن، شرط مترجم قرآن است؛ وگرنه ترجمه او معتبر نخواهد بود. ۴

آیه الله خوئی(رحمه الله) در این باره می نویسند:

نظریات شخصی که بعضی از مفسّرین در تفاسیرشان می آورند، از این موازین

ص:۱۶۳

(ظاهر لفظ، حکم عقل، روایات) خارج است و آن از تفسیر به رأی است و از اعتبار ساقط می باشد و سزاوار نیست که مترجم و مفسّر به آن اتّکال پیدا کند. ۱

آیه الله مشکینی نیز در لزوم توجه به تفسیر آیه و احادیث می گوید:

صرف برگرداندن لغتی به لغت دیگر در ترجمه، کفایت نمی کند؛ بلکه سبب خطا و اشتباه می گردد. ۲

هم چنین دکتر ذهبی در مورد «شرایط مترجم» در «ترجمه تفسیری» می نویسد:

نخست: مترجم دارای شرایط تفسیر باشد؛ اما هنگامی که استقلال به رأی در فهم معانی قرآن داشته باشد و یا بر تفسیری تکیه کند که از اصول معتبر اخذ نشده باشد، ترجمه او جایز و معتبر نیست؛ دوم: مترجم از میل به عقاید منحرف مخالف قرآن دور باشد. ۳

۳. طهارت روحی و رعایت آداب و اخلاق و احکام

دکتر بی آزار شیرازی نیز در این مورد به آیه إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ* فِی کِتابٍ مَکْنُونٍ* لا یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ ۴ استناد می کند و می نویسد:

در ترجمه قرآن نیز طهارت و تقوا و لطف و توفیق الهی شرط اساسی درک حقایق متن قرآن و انتقال آن به زبان مقصد است؛ چنان که در قرآن صریحاً تأکید شده است. ۵

هم چنین یوجین نایدا، زبان شناس و سرپرست مؤسسه ترجمه کتاب مقدس به زبان های دنیا، دراین باره می نویسد:

در ترجمه کتاب مقدس، بسیاری از مترجمان برجسته، ضرورت اتکال برلطف و عنایت الهی را به عنوان شرط اساسی ترجمه برای مترجم موردتأکید قرار داده اند؛ مترجمانی چون جروم، واپکلیف، لوتر، تیندال وفردریک سی گرانت بارها به این اتّکال اشاره کرده اند. (۱)

برخی از مؤلفان نیز نوشته اند:

مترجم قرآن باید مزیّن به فضایل اخلاقی و طهارت روحی باشد و نهایت احتیاط علمی و حفظ امانت را در ترجمه قرآن کریم به کار بندد که این اصل، اساسی ترین شرایط مترجم قرآن کریم است. (۲)

و در جای دیگر اخلاص و خلوص نیت، رعایت طهارت و امانت را از پیش نیازهای ترجمه می شمارد. (۳)

هم چنین گفته شده:

مترجم باید به اخلاق، آداب و احکام الهی پایبند بوده و به لطف و عنایت الهی امیدوار باشد. (۴)

تذکر: البته رعایت این شروط برای مترجم قرآن، سزاوار است؛ ولی شرط تحقق ترجمه قرآن نیست؛ بلکه شرط کمال ترجمه است.

۴. کار گروهی در ترجمه قرآن

ترجمه قرآن ابعاد گوناگونی دارد که تخصص در تمام ابعاد آن، معمولا برای یک نفر ممکن نیست و یا توجه به تمام ابعاد ادبی، علوم قرآنی، تفسیری، زبان شناختی قرآن و زبان مقصد در توان یک نفر نیست؛ از این رو لازم است ترجمه قرآن،

۱- (۱) . درباره ترجمه، مقاله « Toward ascience of Transl ation »، یوجین نایدا، ص۲۵.

۲- (۲) . اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۳۲.

۳- (۳) . همان، ص۳۸.

۴- (۴) . مجله مترجم، ش۱۰، ص۱۹۸، مقاله آقای معتمدی.

توسط گروهی متخصص صورت گیرد و از حالت فردی خارج شود.

نخستین کار گروهی در ترجمه و تفسیر قرآن، از علمای ماوراءالنهر (بین سال های ۳۵۰-۳۶۵) گزارش شده که به دستور منصور بن نوح سامانی، به نام تفسیر طبری به فارسی ترجمه شد؛ (۱) ولی در حقیقت، ترجمه تفسیر بود، نه ترجمه خالص قرآن.

سپس از ترجمه قرآن زین العابدین رهنما یاد شده که ترجمه خود را برای صد و پنجاه نفر از شخصیت های اسلامی فرستاد و از ایشان نظرسنجی کرد؛ ولی همان گونه که نویسنده اعتراف کرده، جمعی بودن این ترجمه، چندان روشن نیست. (۲)

بنابراین در حقیقت، اولین ترجمه جمعی قرآن به صورت رسمی توسط نگارنده و جمعی از قرآن پژوهان انجام گرفت که در سال ۱۳۸۳شمسی منتشر شد.

برخی از صاحب نظران در عصر ما به این مهم توجه کرده و این کار گروهی را پیشنهاد کرده اند.

از جمله آیه الله معرفت درباره شرایط ترجمه و مترجم بر این مطلب تأکید می کند که باید ترجمه، زیر نظر هیئت متخصصی باشد که به علوم مختلف اشراف کافی داشته باشند تا متن مترجم از خطا و انحراف مصون باشد. (۳)

اینان برآنند که «ترجمه بی غلط یک رؤیاست»؛ (۴) هیچ کس به تنهایی از عهده ترجمه قرآن برنمی آید و ترجمه آکادمیک قرآن، یک ضرورت است؛ (۵) چرا که

۱- (۱) . ترجمه تفسیر طبری، به اهتمام حبیب یغمائی، ج۱، ص۵.

۲- (۲) . پیوست های ترجمه قرآن، بهاءالدین خرمشاهی، ص۶۲۹.

۳- (۳) . تاریخ قرآن، ص۱۹۹ و ۲۰۰.

۴- (۴) . مجله بیّنات، مقاله «رؤیای ترجمه بی غلط قرآن»، بهاءالدین خرمشاهی، سال اول، ش۳، ص۶۴.

۵- (۵) . همان، ش۱، ص۷۷ مقاله «ضرورت ترجمه آکادمیک از قرآن»، دکتر احمد احمدی.

ترجمه قرآن نیاز به آشنایی با بیست نوع دانش و فن دارد که هر کدامشان از عهده یک فرد برنمی آید و نیاز به کارگروه های سه تا پنج نفره، با تخصص هایی به شرح زیر دارد:

۱. گروه سرپرست؛ ۲. گروه مشاوران؛ ۳. گروه علوم و فنون قرآنی؛ ۴. گروه تاریخ صدر اسلام؛ ۵. گروه صرف و نحو و اشتقاق؛ ۶. گروه لغت و مفردات قرآن؛ ۷. گروه کتاب شناسی قرآن؛ ۸. گروه متخصص حدیث؛ ۹. گروه متخصص در زبان و ادبیات عرب؛ ۱۰. گروه متخصص در زبان و ادبیات فارسی؛ ۱۱. گروه متخصص در ترجمه و زبان شناسی؛ ۱۲. گروه متخصص در فقه مذاهب اسلامی؛ ۱۳. گروه متخصص در علم کلام؛ ۱۴. گروه متخصص در تفسیر؛ ۱۵. گروه متخصص در کتاب مقدس؛ ۱۶. گروه ویراستاران ترجمه های قرآن؛ ۱۷. گروه مقابله گران با چند ترجمه منتخب؛ ۱۸. گروه تهیه و تدوین؛ ۱۹. گروه آماده سازی ترجمه نهایی برای تولید؛ ۲۰. گروه های متخصص در علوم طبیعی، طب القرآن، طب روحانی قرآن، باستان شناسی قرآن، جامعه شناسی قرآن، سنن تاریخی قرآن، جغرافیای تاریخی قرآن و سبک شناسی قرآن؛ ۲۱. گروه متخصص در اصول فقه مذاهب مختلف اسلامی؛ ۲۲. گروه متخصص در زبان های دیگر (از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی. برای مقابله ترجمه نهایی؛ ۲۳. گروه پنجاه نفری از خوانندگان پیشتاز. (۱)

۵. ارائه ترجمه همراه با تفسیر و متن قرآن

دکتر «ذهبی» درباره شرایط مترجم قرآن، بر همراهی ترجمه با متن قرآن و ترجمه تفسیری تأکید می کند و می نویسد:

ص:۱۶۷

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج۱، ص۵ - ۹۴ و فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوم، ش۵، ص۶۶ و بهاءالدین خرمشاهی، پیوست های ترجمه قرآن، ص۶۲۹ و ۶۳۰ و اصول و مبانی ترجمه قرآن، ص۳۳.

رابعاً: ان یکتب القرآن اولاً، ثم یوتی بعده بتفسیره، ثم یتبع هذا بترجمته التفسیریه حتی لایتوهم متوهم، ان هذه الترجمه ترجمه، حرفیه للقرآن. (۱)

البته آوردن متن قرآن در کنار ترجمه، مطلوب است؛ اما هیچ دلیلی بر لزوم آوردن آن نداریم؛ همان طور که دلیلی بر آوردن تفسیر در کنار ترجمه نداریم؛ علاوه بر آن که قبلاً بیان شد: ترجمه حرفی (تحت اللفظی) نیز جایز است و فرقی با ترجمه تفسیری نمی کند، تا این که توهّم دیگران موجب وارد آمدن خدشه به ترجمه شود.

ص:۱۶۸

۱- (۱) . التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج۱، ص۳۰.

پژوهش ها

۱. شرایط مترجم قرآن را از نظر اساتید: «معرفت»، «خوئی»، «مشکینی» و «زرقانی»، مقایسه و بررسی کنید.

۲. تأثیر پیش داوری ها را در ترجمه قرآن «محدث دهلوی» بررسی کنید.

۳. تأثیر هنرنمایی (ذوق و سلیقه) مترجمان را در چند ترجمه مشهور فارسی، پیرامون ترجمه سوره تکویر بررسی و مقایسه کنید.

۴. واژه «دعا» که در عربی به معنای «خواندن» و در فارسی به معنای «نیایش» است را در ترجمه های آیه ۱۴ سوره رعد بررسی کنید.

۵. لفظ «آخِر» و «آخَر» که اوّلی به معنای «پایان» و دومی به معنای «دیگر» است را در ترجمه های آیه ۷ سوره اسراء بررسی کنید.

۶. کلمه «وفور» که در عربی به معنای «تام و کامل» است و در فارسی به معنای «فراوان» است را در ترجمه های ۶۳ سوره اسراء بررسی کنید.

۷. لفظ «مداد» که در عربی به معنای «مرکب» و در فارسی به معنای «وسیله نوشتن» است را در ترجمه های آیه ۱۰۹ سوره کهف بررسی کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ترجمه قرآن (سخن مترجم) آیه الله مشکینی.

۲. آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم، امیرمسعود صفری.

۳. فن ترجمه در ادبیات عرب، محمد عبدالغنی حسن.

۴. مجله مترجم، شماره ۱۰.

۵. تاریخ قرآن، آیه الله معرفت.

۶. البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله الخوئی.

۶.روش ها و سبک های ترجمه قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. شناخت روش های ترجمه (تحت اللفظی، تفسیری، جمله به جمله)؛ ۲.شناخت سبک های ترجمه (تقسیمات هفت گانه ترجمه و سبک های زیرمجموعه آنها).

درآمد

ترجمه متون مقدس، ضرورت تبلیغی هر دین به شمار می آید و با توجه به رسالت قرآن برای همه زمان ها و مکان ها، این ضرورت صدچندان می شود. از این رو دانشوران بسیاری در طول تاریخ اسلام اقدام به ترجمه قرآن کرده اند و برای این کار از روش های مختلف استفاده کرده اند. بررسی این شیوه ها و بیان نقاط قوت و ضعف آنها می تواند برای مترجمان بعدی راه گشا باشد و دانش ترجمه قرآن را بالنده و پویاتر کند.

مفهوم شناسی

الف) روش: مقصود از روش، مؤلفه های تأثیرگذار در فرایند ترجمه است؛ مثل نوع گزینش و چینش واژه ها و جمله ها که نتیجه آن، گونه خاصی از ترجمه را به وجود می آورد. (۱)

۱- (۱) . مؤلفه های تأثیرگذار در روش ترجمه، در مباحث بعدی که روش های ترجمه بیان می شود، روشن تر خواهد شد.

ب) سبک: منظور از سبک ترجمه، عوامل تأثیرگذار در ترجمه، همچون: هدف مترجم، گرایش کلامی، نوع مخاطب، زبان ترجمه و آهنگ آن است که به ترجمه، رنگ ویژه ای می دهد و البته هر سبک ترجمه ای می تواند در قالب یکی از روش های ترجمه تبلور یابد.

پیشینه و کتاب شناسی

ترجمه قرآن، سابقه ای دیرینه دارد و آغاز آن، به زمان صدر اسلام می رسد که «سلمان فارسی» بخشی از قرآن را ترجمه کرد؛ (۱) اما مبحث روش شناسی ترجمه های قرآن، سابقه ای طولانی ندارد؛ هر چند اشاراتی به این مبحث در برخی کتاب ها و ترجمه ها شده است؛ امّا کم تر به طور مستقل به مبحث روش شناسی ترجمه قرآن پرداخته اند، (۲) که از این میان به برخی از مهم ترین منابع و پژوهشگران اشاره می کنیم:

۱. شیخ محمد بهاءالدین عاملی (م ۱۰۳۱ق.) از «صفوی» نقل می کند که ترجمه دو روش دارد:

نخست: روش «یوحنّا بن بطریق» و «ابن الناعمه الحمصّی» که لفظ به لفظ ترجمه شود.

دوم: روش «حنین بن اسحاق» و «الجوهری» که تمام جمله را در ذهن تصور

ص:۱۷۲

۱- (۱) . السرخسی، المبسوط، شرح الکافی، ج۱، ص۱۳۷ و نیز: علی شواخ اسحاق، معجم مصنفات القرآن، جزء دوم، ص۱۳.

۲- (۲) . البته در مورد تاریخ ترجمه و ترجمه های قرآن کتاب های بسیاری نوشته شده، اما کم تر به مبحث روش شناسی این ترجمه ها پرداخته اند؛ برای نمونه آذرتاش آذرنوش، تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسی.

کند؛ سپس آن را به جمله ای مطابق آن از زبان دیگر ترجمه کند.

سپس ایشان به روش اول چند اشکال کرده و روش دوم را می پسندد. (۱)

۲. آیه الله مکارم شیرازی، در پی نوشت ترجمه قرآن خویش، روش های ترجمه قرآن را به سه شیوه تقسیم کرده است: «ترجمه تحت اللفظی»، «ترجمه آزاد» و «ترجمه هسته به هسته» (ترجمه جمله به جمله) و در نهایت، روش سوم را می پسندد و در ترجمه خویش از همین شیوه استفاده کرده است. (۲)

۳. آیه الله معرفت، در کتاب التفسیر والمفسرون (چاپ ۱۴۱۸ق.) روش های ترجمه را به سه اسلوب تقسیم می کند: «ترجمه حرفی» (تحت اللفظی) «ترجمه معنوی» (آزاد)، «ترجمه تفسیری» (همراه با شرح)؛ سپس ایشان ترجمه نوع نخست را غیر موّفق می داند و ترجمه نوع سوم را نزدیک تر به تفسیر می انگارد و ترجمه نوع دوم را معقول می شمارد. (۳)

۴. محمد عبدالغنی حسن، در کتاب فن ترجمه در ادبیات عرب از «زیّات» نقل می کند: وی علاوه بر دو روش «یوحنا بن بطریق» و «حنین بن اسحاق» در ترجمه، روش سومی را پیشنهاد می کند که در ترجمه های خود نیز از همان روش پیروی کرده و تلفیقی است از این دو روش و از محاسن هر دو روش برخوردار است؛ بلکه دارای مزیّت انتقال همان احساس و درک عاطفی ای است که نویسنده و شاعر اصلی از آن برخوردار بوده (و در ترجمه منعکس می شود).

ایشان روش خود را این گونه تشریح می کند:

۱- (۱) . محمد بهاءالدین عاملی، کشکول، ج۱، ص۳۸۸ .
۲- (۲) . ناصر مکارم شیرازی، ترجمه قرآن، پی نوشت نویسنده.
۳- (۳) . التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج۱، ص۱۱۷ - ۱۲۰.

- در مرحله نخست، متن را دقیقاً با همان ترتیبی که در زبان اصلی آمده، به عربی برمی گردانم؛

- در مرحله دوم، بر اساس قوانین صرف و نحو ادبیات عرب، جمله سازی می کنم؛

- در مرحله سوم، روح و احساس مؤلف را در متن عربی منعکس می سازم. (۱)

۵. دکتر ذهبی در کتاب التفسیر والمفسرون، ترجمه را به دو روش تقسیم می کند:

الف) ترجمه حرفی که همان ترجمه تحت اللفظی است؛

ب) ترجمه تفسیری. (۲)

۶. دکتر عقیقی بخشایشی، در کتاب طبقات مفسران شیعه (چاپ ۱۳۷۱ش.)، بحث مبسوطی در مورد ترجمه قرآن دارد و در آن، روش های ترجمه قرآن را به دو گونه تقسیم می کند: ترجمه «کلمه به کلمه» (یا تحت اللفظی) و «ترجمه آزاد»، و نوع نخست را بازگو کننده معانی پرمحتوای قرآن نمی داند و احتیاط می کند که از نوع دوم ترجمه در قرآن استفاده شود. (۳)

۷. دکتر بی آزار شیرازی در کتاب قرآن ناطق (چاپ ۱۳۷۶ش.)، روش های ترجمه قرآن را به ۹ شیوه تقسیم می کند: «ترجمه لغوی» یا ترجمان القرآن، «ترجمه تحت اللفظی»، «ترجمه حرفی و معنوی» یا ترجمه امین، «ترجمه ادبی»، «ترجمه منظوم قرآن»، «ترجمه آوایی»، «ترجمه و حواشی»، «ترجمه آزاد» یاخلاصه التفاسیر «ترجمه پیوسته، تفسیری و آوایی»، که در نهایت روش اخیر رامی پسندد. (۴)

۱- (۱) . محمد عبدالغنی حسن فن ترجمه در ادبیات عربی، ترجمه دکتر عباس عرب، ص۲ - ۴۱.
۲- (۲) . التفسیر والمفسرون، ج۱، ص۲۲ - ۲۹.
۳- (۳) . عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج۱، ص۱۴۸.
۴- (۴) . عبدالکریم بی آزار شیرازی، قرآن ناطق، ج۱، ص۲۲۷ - ۲۶۹.

البته با تأمل در روش های یاد شـده، ممکن است بتوان برخی روش ها را در یکـدیگر ادغام یا تقسیـم بندی دیگری ارائه کرد که در ادامه به بررسی روش های یاد شده خواهیم پرداخت.

۸. علی نجـار در کتاب اصول و مبانی ترجمه قرآن (چاپ ۱۳۸۱ش.) روش های ترجمه قرآن را به سه نوع تقسیـم می کند: «ترجمه تحت اللفظی»، «ترجمه آزاد» و «ترجمه تفسیری»؛ سپس نوع اخیر را می پسندد.

البته مقصود ایشان از ترجمه تفسیری، همان ترجمه جمله به جمله است که در ادامه خواهد آمد. (۱)

بررسی

تقسیـم روش هـای ترجمـه بـه سـه روش «کلمـه بـه کلمه» (تحت اللفظی)، روش «جمله به جمله» (هسـته به هسـته) و روش «آزاد» (ترجمه تفسـیری) منطقی بوده و مطابق با واقعیت خارجی در ترجمه های موجود است؛ هر چنـد که در نام گـذاری این تقسـیم بندی اختلاف نظر هست، اما اصل سه روش بالا مورد پذیرش همه اندیشوران نام برده است.

روش نخست، یعنی «کلمه به کلمه» یا تحت اللفظی، همان روش یوحنا بن بطریق و ابن الناعمه الحمصّی است که شـیخ محمـد بهاءالـدین عاملی نقل می کرد و همان «روش حرفی» است که آیه الله معرفت نوشته اند و همان روش «تحت

۱- (۱) . مجله مترجم، شـماره دهم، مباحثی را ویژه ترجمه قرآن درج کرده و در آن به طرح و نقد روش های ترجمه قرآن پرداخته است. همچنین برخی مترجمـان نیز در مقـدمه ترجمه، یـا پی نوشت آن، مطـالبی پیرامون ترجمه و تقسـیم روش های آن داشـته انـد؛ سـید جلال الدین مجتبوی، مقالات بهاءالدین خرمشاهی، مقدمه ترجمه دهلوی، پی نوشت های ترجمه خرمشاهی.

اللفظی» است که آیه الله مکارم شیرازی، دکتر بی آزار شیرازی و دکتر عقیقی بخشایشی و نجار از آن یاد کرده اند.

روش دوم، یعنی روش «جمله بـه جملـه» همـان روش حنیـن بن اسـحاق و الجوهری است که مرحـوم عـاملی نقـل کرده و آیه الله مکـارم شیرازی از آن بـا نام «روش هسـته به هسـته» یاد نموده؛ ولی آیه الله معرفت و دکتر عقیقی بخشایشـی آن را «ترجمه معنوی» یا آزاد نامیـده انـد. دکتر عبدالکریم شـیرازی «ترجمه حرفی و معنوی» یا «ترجمه امین» به کار برده و آقای علی نجار از آن با عنوان «ترجمه تفسیری» یاد نموده است.

روش سوم، یعنی روش «ترجمه تفسـیری» (ترجمه، همراه با نکات تفسـیری روشنگر معنا) شیوه ای است که آیه الله مکارم شیرازی و آقای نجـار آن را «ترجمه آزاد» می نامـد و آیه الله معرفت از آن، بـا عنوان ترجمه تفسـیری، (همراه با شـرح) یاد کرده و دکتر بی آزار شـیرازی ترجمه آزاد یـا «خلاـصه التفاسـیر» را به کـار می برد که گـاهی از آن بـا عنوان «نقل به معنا» یاد می شود. (۱) شیخ عاملی و دکتر عقیقی بخشایشی نامی از آن به میان نمی آورند.

البته می توان در مورد این نـام گـذاری هـا و دلایـل آن انتقاد کرد؛ ولی از آن جا که دانش ترجمه در این دوره هنوز دانشـی جوان بوده، سخنان این دانشوران، گام های نخستین این راه تلقی می شود؛ چرا که هنوز فضای روش مطلوب ترجمه روشن نشـده بود؛ از این رو شاید انتقاد جدّی سـزاوار و وارد نباشد؛ چرا که هر کس بر اساس تشـخیص و توجیه خود نام گذاری کرده است. ولی در مجموع، مقصود این دانشوران (مخصوصاً با مثال هایی که آورده اند و انتقادهایی که به برخی روش ها

۱- (۱) . مقدمه ترجمه آیه الله مکارم شیرازی و نیز مجله مترجم، ش ۱۰، ص۸ - ۵۷.

کرده انـد) روشن است و همه آنـان اصـل سه روش مزبور را پـذیرفته انـد؛ هر چنـد در نـام گـذاری آن اختلاف دارنـد؛ همان طور که در صحت و اعتبار این روش ها، دیدگاه های خاصی وجود دارد که در ادامه، به آنها اشاره خواهیم کرد.

سه روش از میـان روش های نه گانه دکتر بی آزار شـیرازی، که ذکر آن گـذشت، همین روش های مورد توافق بود که بـدان اشاره شـد. روش «ترجمه لغوی» یا ترجمان القرآن نیز با روش «ترجمه تحت اللفظی» قابل ادغام است؛ چرا که با هم تفاوت ماهوی و اساسـی ندارنـد؛ همان طور که روش های دیگر (آوایی، ادبی، منظوم، ترجمه و حواشـی و ترجمه پیوسـته) با دو روش «ترجمه جمله به جمله» و «تفسـیری» (آزاد یا خلاصه التفاسیر در بیان ایشان) قابل ادغام است.

به عبارت دیگر: آهنگ پذیر بودن ترجمه، یا شـعر و نثر بودن آن، یا حاشـیه داشتن و نداشتن آن، از مؤلفه های پیدایش روش های جدید نیست؛ بلکه ترجمه قرآن می تواند جمله به جمله، آهنگین (آوایی) یا بدون آهنگ، همراه حاشیه یا بدون حاشیه باشد.

پس تقسیم اخیر دکتر بی آزار شیرازی، بیشتر به «سبک های مختلف ترجمه» شبیه است تا «روش ترجمه».

و به عبارت سوم: روش های ترجمه قرآن بر اساس مبنای تقسـیم، می توانـد متعـدد باشـد که همه آنها در یک ردیف جای نمی گیرنـد و گاهی تقسیم از زاویه ای خاص و بر اساس سبک ترجمه است که می تواند در چارچوب هر روش ترجمه ای جای گیرد.

در ادامه این گفتار، روش ها و سبک های ترجمه قرآن را به گونه ای مبسوط از نظر خواهیم گذراند.

ص:۱۷۷

روش های ترجمه قرآن

اشاره

روش های ترجمه قرآن بر اساس گونه های انتقال مطلب از زبان مبدأ به زبان مقصد، به سه روش تقسیم می شود:

۱. کلمه به کلمه (ترجمه تحت اللفظی، حرفی، همگون)

در این شیوه، دغدغه اصلی مترجم، حفظ امانت است؛ یعنی مترجم بیشترین تلاش را می کند تا در ترجمه، چیزی اضافه یا کم نشود و همه کلمات و حروف، دقیقاً همان گونه که در زبان مبدأ است، به زبان دوم برگردانده شود. این گونه از ترجمه، قرن ها در زبان پارسی صورت می گرفته و علت اصلی پرداختن مترجمان به این شیوه، این دو نکته بوده است:

نخست: ترس مترجمان مؤمن از این که با دور شدن از نص و الفاظ قرآن، از آن چه خداوند اراده کرده، دور شوند و دوم این که: صناعت ترجمه و شناخت زبان در حد ابتدایی بوده است. (۱)

برای این روش ترجمه، می توان دو شیوه و گونه فرعی تصور کرد:

الف) ترجمه لغوی یا ترجمان القرآن

در این شیوه، لغات عربی قرآن که در فارسی غیرمأنوس است، در حاشیه آیات، همراه با ترجمه نگاشته می شود. برای نمونه، روش کتاب لسان التنزیل، (از نویسنده ای ناشناس، متعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری که مختصری در تفسیر و تأویل است) در ترجمه سوره اخلاص این گونه است: (۲)

۱- (۱) . بهاءالدین خرمشاهی، مترجم، ش ۱۰، ص ۳۳.

۲- (۲) . لسان التنزیل (مؤلف مجهول) به اهتمام و تصحیح دکتر مهدی محقق.

«هو»: وی؛

«احد»: یکی؛

«الصمد»: پناه نیازمندان؛

«لم یلد»: نزاد کسی را؛

و ....

هم چنین کتاب الدر فی الترجمان اثر شیخ الاسلام محمد بن منصور المتحد المروزی (احتمالا از آثار قرن پنجم هجری) که کتابش را برای آشنایی و آموزش نوجوانان نوشته است، سوره «والعصر» را این گونه ترجمه کرده است: (۱)

«العصر»: گیتی و نماز دیگر؛

«الخسر»: زیانکاری؛

«الّا»: مگر؛

«آمنوا»: بگرویدند؛

«الایمان»: گرویدن.

و نیز از همین نمونه تراجم الاعاجم، (اثر نویسنده ای گمنام در قرن ششم یا هفتم) و نیز ترجمان القرآن اثر میر سید شریف جرجانی (۷۴۰ – ۸۱۶ ه) و المستخلص فی ترجمان القرآن، اثر محمد بن نصر البخاری (م ۷۵۷ه) است.

ب) ترجمه تحت اللفظی

در این شیوه، معمولا ترجمه هر کلمه، زیر همان کلمه از قرآن نگاشته می شود. ترجمه تفسیری «طبری» توسط علمای ماوراءالنهر و ترجمه تفسیر «ابوالفتوح رازی» از این نمونه اند.

۱- (۱) . محمد بن منصور المتحد المروزی، الدر فی الترجمان ذیل سوره ه ه والعصر.

برای مثال: ...وَ أَشْرِبُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِکَفْرِهِمْ...؛ ۱

تفسیر طبری: «و بخورانیدند اندر دل های ایشان گوساله به کافری ایشان»؛ (۱)

ابوالفتوح: «بخوراندند در دل های ایشان گوساله به کفرشان»؛ (۲)

مثال دیگر: در یکی از ترجمه های قرآن معاصر آیه ۱۲ سوره ممتحنه رااین گونه ترجمه کرده انـد: وَ لا یَأْتِینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرِینَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ...؛

«و نیارند دروغی را که ببندند آن را میان دست های شان و پاهاشان».

آیات نخست سوره آل عمران نیز این گونه ترجمه شده است:

الم* اَللّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ* نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجِیلَ؛

«به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ خدا نیست خدایی مگر او که زنده و پاینده است؛ فرو فرستاد بر تو کتاب را به راستی باور دارنده هر آن چه را که پیش از آن بوده و فرو فرستاد تورات و انجیل را». (۳)

بررسی

نقاط قوت این روش ترجمه عبارتند از:

۱. در این شیوه، امانت در نقل مطالب رعایت شده و مطالب، بـدون کم و زیاد بیان می شود و مخاطب و مترجم از محتوای نص کتاب دور نمی شوند؛ برخلاف روش ترجمه آزاد و تفسیری که مطالب اضافی، ترجمه را از متن اصلی دور می سازد.

۱- (۲) . ترجمه تفسیر الطبری، به اهتمام حبیب یغمایی، ج۱، ص۸۷.

۲- (۳) . تفسیر ابوالفتوح رازی، با تصحیح شعرانی، ج۱، ص ۲۵۰.

۳- (۴) . قرآن کریم با ترجمه فارسی، به خط مصباح زاده، با تصحیح هفت نفر از علمای حوزه علمیه قم.

۲. این شیوه برای آموزش مفاهیم به نوآموزان قرآن بسیار مناسب است؛ یعنی کسانی که زبان عربی را نمی دانند، می توانند با استفاده از ترجمه های تحت اللفظی به راحتی و به زودی معانی واژه های قرآنی را بیاموزند.

اشکالاتی نیز به این شیوه ترجمه وارد شده است:

۱. افراط در حفظ امانت، موجب می شود که گاهی مضمون و پیام اصلی کلام به مخاطب القا نشود؛ بلکه او مطلب را به صورت ناقص یا مبهم دریابد واین جاست که در حقیقت، مترجم از مراد خدا دور خواهد شد. برای مثال در آیه ۱۲ سوره ممتحنه، عبارت ...بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ... اشاره به «پیش رو و پیش پا» است و ترجمه تحت اللفظی: «میان دست هاشان و پاهاشان» نارسا و ناقص می نماید.

۲. گاهی یک کلمه معادل (به ویژه در ترجمه قرآن) گویای مطلب نیست؛ ازاین رو لازم است که توضیح کوتاهی در پرانتز افزوده شود یا مفهوم جمله با عبارت دیگر بیان شود؛ ولی در این نوع ترجمه، این نکته رعایت نمی شود.

۳. این نوع ترجمه، معمولاـ دور از فهم خواننده است؛ چرا که غالباً قواعد صحیح جمله بندی فارسی در آن رعایت نمی شود و گاهی بدون حرف ربط و نسبت حکمیه است؛ (۱) همان طور که در ترجمه بالا مشاهده شد، در جمله آخر آن، فعل «فرو فرستاد» پیش از مفعول آمده است.

۴. این روش ترجمه، موجب تشویش در فهم مراد و گاهی خیانت در امانت است؛ چون موجب تغییر کامل معنا می شود. (۲)

ص:۱۸۱

۱- (۱) . سیدجلال الدین، مجتبوی، مترجم، ش ۱۰، ص۳۶.

۲- (۲) . التفسیر و المفسرون، ج۱، ص۱۱۸.

۵. به کلمات کلیـدی، محوری و اصـطلاحی قرآن و جایگاه آن معانی توجه کافی نمی شود و خواننده، در معنای لغوی محصور می ماند. (۱)

۶. در این شـیوه، ترجمه با نوعی زبان نامفهوم نوشـته می شود که به تغییر معنای پیام و تغییر ساختار زبان مقصـد منجر خواهد شد. این امر ناشی از عدم آشنایی مترجم به دو زبان و کاربرد نادرست واژگان، اصطلاحات و عبارات اصطلاحی است. (۲)

۷. بسـیاری از حروف، ظرف هـا، موصولات، روابط، مؤکـدات و آن چه که دقایق و حالات معانی بـدان وابسـته است، در زبان فارسـی یا نیست و یـا اگر هست، بـدان پـایه از تنـوّع و دقـتی که در زبـان عربی وجود دارد، نمی باشـد؛ (۳) بنـابراین، ترجمه تحت اللفظی کامـل به فارسی عملا ممکن نیست.

۸. این گونه ترجمه، از سویی مفاهیم قرآن را محـدود و نامفهوم ساخته و از سوی دیگر، برخلاف محتوای دلنشـین و جـذّاب قرآن، آن را به صورتی ناهماهنگ و نامطلوب درآورده است. چنین ترجمه ای در واقع به صیغه و ساختار عربی درآوردن کلمات فارسی است. (۴)

۹. در این شـیوه از ترجمه، اصـطلاحات واسـتعارات به گونه ای مبهم یـا اسـتهزاآمیز ارائه می شود. (۵) (که نمـونه آن را در آیه ۹۳ سوره «بقره» دیدیم).

۱۰. در این شیوه ترجمه، تشبیهات و کنایات به خوبی معنا نمی شود. (۶)

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲- (۲) . اصول و مبانی ترجمه، ص ۲۴ - ۴۱.

۳- (۳) . ابوالقاسم پاینده، مقدمه ترجمه قرآن.

۴- (۴) . قرآن ناطق، ج ۱، ص ۲۴۳.

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . همان، ص ۲۴۴.

۱۱. در این نوع از ترجمه، برخی از کلمات عربی مثل «ال» (با معانی متعدد آن) و «لقد» و مانند آن، یا معادل ندارد و یا معادل فاقد مناسبت است. (۱)

۱۲. برخی گفته اند: هدف قرآن دو چیز است: نخست، بیان اعجاز و دوم، هدایت مردم. این شیوه ترجمه در بیان هر دو هدف نارساست؛ چرا که نمی تواند تمام خصوصیات لفظی قرآن را بازسازی کرده و اعجاز قرآن را بازنمایاند. همچنین بسیاری از معانی، از معنای ثانوی واژه ها و عبارت ها استنباط می شود که در این شیوه، ترجمه مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه، هدایت مطلوب مردم تحقق نمی یابد. (۲)

۲. ترجمه آزاد (تفسیری، خلاصه التفاسیر)

در این شیوه، مترجم همت خویش را صرف روشن نمودن پیام کلام می کند و می کوشد تا به صورت کامل، مضمون و معنای کلام را درک کرده، در ذهن خود مجسّم کند؛ سپس لباس الفاظ زبان مبدأ را از آن برکنده و لباس الفاظ زبان مقصد را بر آن بپوشاند و با توضیحات کامل ارائه کند. در این روش، می توان از هر جمله و کلمه ای که مناسب است، استفاده کرد تا مطلب به مخاطب القا شود؛ اگر چه حجم کلمات و جملاتِ ترجمه، با متن اصلی، متناسب نباشد و کم و زیاد گردد.

نمونه این شیوه ترجمه را می توان در ترجمه قرآن مرحوم فیض الاسلام، ترجمه با خلاصه التفاسیر مرحوم یاسری، ترجمه با خلاصه التفاسیر مرحوم الهی قمشه ای، معانی القرآن، محمدباقر بهبودی و ترجمه قرآن کریم با خلاصه التفاسیر، شیخ محمود تهرانی دید.

ص:۱۸۳

۱- (۱) . همان، ص۲۳۹.

۲- (۲) . سید حسین سیّدی، مترجم، ش ۱۰، ص۱۸۲.

مثال: الم؛ ۱

ترجمه مرحوم فیض الاسلام: «رازی است میان خدای تعالی و پیغمبر اکرم که بنابر مصلحتی آشکار نگشته»؛

ذلِكَ الْكِتابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ؛ ۲

ترجمه مرحوم فیض الاسلام: «چون حق تعالی در سوره فاتحه دستور داد که بندگانش از او هدایت به صراط مستقیم را درخواست نمایند، در این جا مژده به روا شدن آن درخواست را داده، به این که آن کتاب (قرآن کریم) به پیغمبران پیش خبر داده شده، که بر تو می فرستم و آنان به امت ها و پیروان خود خبر دادند؛ شک و شبهه ای در آن نیست، چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد و برای پرهیزکاران راهنمای راه راست و پرهیز از گمراهی است».

بررسی

این شیوه ترجمه، نقاط قوتی دارد که عبارتند از:

۱. رساندن پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد، به صورت کامل و بدون دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات.

۲. استفاده از اضافات تفسیری و توضیحات لازم برای روشن کردن معنای کلام برای مخاطب.

۳. برای مخاطبانی که خواستار فهم خلاصه تفسیر، همراه با ترجمه قرآن هستند، مطلوب است.

اشکالاتی نیز به این شیوه ترجمه وارد شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. افراط مترجم در توجه به پیام، گاهی موجب می شود تا تمام خصوصیات لفظی زبان مبدأ بازسازی نشده و نکات و مسائل ظریف و هنری نادیده گرفته شود.

۲. مخلوط شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، از اشکالات عمده این شیوه ترجمه است؛ به گونه ای که مخاطب در نمی یابد کدام قسمت، سخن اصلی متن است که ترجمه شده و کدام قسمت، توضیح اضافی مترجم است؛ همان طور که این اشکال به وضوح در ترجمه فیض الاسلام نیز آشکار است. البته می توان این اشکال را با اضافه کردن پرانتز و کروشه های متعدد برطرف کرد.

۳. در این گونه از ترجمه، مترجم در حقیقت، فهم خود را از مطلب به مخاطب ارائه می کند؛ یعنی ترجمه، آینه ای است که فهم مترجم را از پیام اصلی متن منعکس می کند؛ از این رو نمی توان به این ترجمه اطمینان کرد؛ چرا که ممکن است فهم مترجم (به ویژه اگر متخصص در آن موضوع نباشد) دچار خطا شده باشد.

۴. در این شیوه ترجمه، بسیاری از حروف و تأکیدها، فدای پیام رسانی و سلاست عبارت شده و ترجمه نمی شوند یا ضمیر غایب به حاضر و جمع به مفرد و یا بالعکس تبدیل می شود.

۵. این روش ترجمه، معمولا بر یک تفسیر استوار است و در مواردی که مفسران در مورد یک آیه اختلاف نظر دارند، مترجم، هر مبنا یا دیدگاه تفسیری را که ترجیح می دهد، در ترجمه منعکس می سازد. (۱)

۶. حاصل این شیوه ترجمه در حقیقت، تفسیر است، نه ترجمه؛ بنابراین، ترجمه اصطلاحی به شمار نمی آید. (۲)

۱- (۱) . قرآن ناطق، ج۱، ص۲۶۵.

۲- (۲) . التفسیر و المفسرون، ج۱، ص۱۲۰.

۷. برخی صاحب نظران گفته اند: این ترجمه، اگر در مورد قرآن اعمال شود، موجب می شود که مترجم، انشای خود را در کنار قرآن ارائه کند. (۱)

۳. ترجمه جمله به جمله (هسته به هسته، معنوی، امین، محتوا به محتوا)

در این شیوه ترجمه، کوشش مترجم بر آن است تا راهی میانه، بین افراط و تفریط برگزینند؛ یعنی نه روش ترجمه تحت اللفظی و نه شیوه آزاد را بپیماید، و سعی می کند تا پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند؛ در ضمن آن که تلاش می کند تا خصوصیات لفظی متن اصلی را در قالب جمله ای بازسازی کند و به زبان مقصد انتقال دهد.

به عبارت دیگر: نخست، معانی به طور دقیق از زبان اول برهنه شده و در مغز جای می گیرد و سپس به طور دقیق، به لباس زبان دوم آراسته شده و هر جمله زبان مبدأ، در قالب یک جمله زبان مقصد بیان می شود.

مترجم در این شیوه، نه چنان آزاد است که بتواند به بهانه رساندن پیام، هر چه می خواهد به متن بیافزاید و نه چنان محدود است که به سبب ترس از دور شدن از مقصود الهی، انعطافی در ترجمه الفاظ نداشته باشد.

در این شیوه، ابتدا هر جمله یا چند جمله (یک هسته کلامی) که گاهی یک آیه یا کم تر یا بیشتر را در برگیرد، در نظر گرفته شده و سعی می شود تا پیام آن، در جمله ای به زبان مقصد، بیان و در ضمن کلمات، حروف ربط، قیود و تأکیدهای کلامی، تا حد امکان معادل سازی شود؛ به طوری که خصوصیات لفظی زبان مبدأ تا حد امکان بازسازی گردیده و در اختیار مخاطب قرار گیرد و چنانچه احتیاج به توضیحات اضافی و یا تفسیری بود، درون پرانتز، کروشه یا پاورقی ذکر می شود.

ص:۱۸۶

۱- (۱) . بهاءالدین خرمشاهی، مترجم، ش ۱۰، ص۵۷.

بسیاری از ترجمه های فارسی قرآن از این روش پیروی کرده یا مدعی پیروی از آن هستند؛ از جمله ترجمه تفسیر نمونه که به نام آیه الله مکارم شیرازی منتشر شده است و نیز ترجمه قرآن کریم آیتی، ترجمه قرآن مجید، ابوالقاسم پاینده، ترجمه محمد خواجوی، جلال الدین فارسی، جلال الدین مجتبوی، مهدی فولادوند، بهاءالدین خرمشاهی، مشکینی و ترجمه هایی دیگر.

مثال: أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ۱

مجتبوی: «ایشان بر رهنمونی (به راه راست) از پروردگار خویشند و آنانندرستگاران»؛

فارسی: «آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند و آنان هستند که رستگارند»؛

معزی: «آنانند بر هدایتی از پروردگار خویش و آنانند رستگاران»؛

مکارم شیرازی: «آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند»؛

فولادوند: «آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند و آنان همان رستگارانند»؛

خرمشاهی: «اینان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم اینان رستگارانند».

بررسی

این شیوه ترجمه، دارای امتیازاتی است؛ از جمله:

۱. حفظ خصوصیات لفظی زبان مبدأ در جمله سازی زبان مقصد (تا حد امکان).

۲. اضافات تفسیری و توضیحات، با متن اصلی آمیخته نمی شود؛ بلکه داخل کروشه یا پرانتز قرار گرفته، یا به حاشیه، پاورقی یا پی نوشت می رود؛ همان طور

که در ترجمه ابوالقاسم پاینده به پاورقی رفته و در ترجمه سید جلال الدین مجتبوی در پی نوشت آمده است.

۳. رساندن پیام کلام از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون افراطوتفریط صورت می گیرد.

۴. دوری از اشکالات ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد تفسیری.

البته در این شیوه ترجمه نیز گاهی لغزش هایی صورت می گیرد؛ برای مثال: در ترجمه آیه مذکور از سوره بقره که گذشت، همه مترجمان محترم معنای اصلی «ضمیر فصل» را که همان «حصر» است، معنا نکرده اند؛ (۱) در حالی که می بایست می فرمودند: «تنها آنان رستگارانند».

با توجه به اشکالات شیوه های گذشته و با عنایت به امتیازات این روش، به نظر می رسد که مطلوب ترین شیوه ترجمه برای قرآن کریم، همین روش سوم است.

سبک های ترجمه

اشاره

گفتیم که هر ترجمه، علاوه بر روش، سبک و سیاق خاصی نیز دارد که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

۱. تقسیم ترجمه ها براساس هدف مترجم

الف) ترجمه جایگزینی: بدین معنا که ترجمه ای از قرآن صورت پذیرد که بتواند جایگزین قرآن در زبان دوم شود و به عبارت دیگر: قرآنی به زبان فارسی به وجود آید. از این گونه ترجمه، گاه با عنوان «ترجمه استاندارد» یا «ترجمه نهایی» یاد می شود.

ص:۱۸۸

۱- (۱) . ضمیر فصل به معنای تأکید و حصر می آید که معنای حصر حتمی است؛ (ر.ك: ابن هشام، مغنی للبیب، ص۵ - ۶۴۴).

ب) ترجمه بیانی (نسبی): ترجمه ای است که بیان کننـده معانی قرآن بوده و برای فهم متن، نسـبتاً کافی باشـد؛ هرچنـد نتوانـد تمام دقایق، لطایف و مقاصد کلام الهی را نشان دهد.

بررسی

ترجمه های موجود قرآن، از نوع «بیانی» هسـتند؛ اما ترجمه «نهایی» و «جایگزین» قرآن تاکنون پدید نیامده است؛ بلکه این گونه ترجمه از قرآن کریم، اصولا امکان پذیر هم نیست. صاحب نظران، دلایل متعددی بر محال بودن آن آورده اند:

۱. اگر این گونه ترجمه از قرآن ممکن باشد، در حقیقت، قرآنی دیگر و معجزه ای همچون قرآن پدیدار می شود که این امر، طبق «آیات تحدّی» قرآن ممکن نیست؛ چـون متن قرآن معجزه است و قابـل تقلیـد و هماننـدآوری نیست. البته ممکن است گفته شود که لفـظ قرآن معجزه است، اما ابعاد دیگر اعجاز آن، مثل معانی بلنـد و مطالب عالی آن قابل ترجمه است؛ ولی می توان پاسـخ داد: اعجاز قرآن در لفظ آن، با توجه به معانی است و اگر جزئی از آن ترجمه شود، ترجمه کل قرآن نیست.

۲. هیچ ترجمه ای نمی تواند بیان کننده تمام معانی قرآن باشد؛ چون در ذات زبان، ابهامی است که زدوده شدنی نیست و هر ترجمه، تنها گوشه هایی از این ابهام را بازمی نماید. (۱)

۳. برخی از علمای مصر می گویند: هر کلام، دو مدلول دارد:

- مدلول اولی که با توجه به «قواعد ادبی و لغوی» به دست می آید؛

- مدلول ثانوی که با توجه به «فصاحت و بلاغت» کلام به دست می آید.

ص:۱۸۹

۱- (۱) . مترجم، ش ۱۰، ص۵۵ .

مدلول اوّلی قابل ترجمه است؛ برخلاف مدلول ثانوی؛ به ویژه در مورد قرآن که بلاغت آن از جانب خداوند است. (۱)

۲. تقسیم ترجمه ها بر اساس مخاطبین

الف) ترجمه برای عموم مردم

گاهی مخاطبین مترجم قرآن، تمام مردم هستند و همگان با توجه به اختلاف سطح علمی و نوع سلیقه می توانند از ترجمه بهره مند شوند. در این صورت، ترجمه با «زبان معیار» (یعنی زبانی که همه مردم به راحتی می فهمند و از اصطلاحات علمی و فنی به دور باشد) ارائه می شود. البته در این شیوه از ترجمه، باید سطح متوسط مردم، از نظر تحصیلات و فهم در نظر گرفته شود. در حقیقت، بیشتر ترجمه های موجود قرآن به زبان فارسی از همین شیوه پیروی کرده اند؛ مثل ترجمه قرآن اثر استاد مکارم، فولادوند، خرمشاهی، مجتبوی و... .

ب) ترجمه تخصصی

گاه مترجم، یک متن را برای طبقه یا سن خاص یا دانشمندان و فرهیختگان جامعه ترجمه می کند و گاه متخصصین رشته علمی خاصی را مد نظر دارد؛ و نیز ممکن است هدف او ارائه یک ترجمه هنرمندانه و ادیبانه باشد که در این صورت، در ترجمه، از اصطلاحات خاص علمی یا ادبی استفاده می کند؛ هرچند نوشته برای عموم مردم قابل استفاده نباشد؛ همان طور که در ترجمه متون علمی - تخصصی دانشگاه ها، که برای مخاطبین خاص خود تهیه و تنظیم می شود، ازاین روش بهره می جویند.

ص:۱۹۰

۱- (۱) . همان، ص۲۰۱.

مثال نخست: ترجمه استاد رحماندوست که برای کودکان نوشته شده، یکی از نمونه های ترجمه تخصصی از قرآن کریم است. ایشان جزء سی ام قرآن را ترجمه و منتشر کرده است.

مثال دوم: گروهی از صاحب نظران علوم جدید، برخی از آیات قرآن را این گونه ترجمه علمی کرده اند: یُرْسِلُ الرِّیاحَ...؛ ۱ ترجمه لفظی: «ارسال بادها»؛ ترجمه علمی: «وزیدن مستمر و رسیدن دو جناح باد»؛

یُؤَلِّفُ بَیْنَهُ...؛ ۲ ترجمه لفظی: «پیوسته شدن قطعات به یکدیگر»؛ ترجمه علمی: «تبدیل سیروس ها به سیروستراتوس (پشمکی سفره ای) و پوشیده شدن تمام سطح آسمان از ابرهای سفره ای (استراتوس) و سفره ای انباشته (استراکومولوس)». (۱)

مثال سوم: ترجمه های منظوم قرآن که مترجم با زبان شعر، قرآن را ترجمه می کند نیز گونه ای از ترجمه های تخصصی به شمار می آید (که در شرح سبک هفتم، بدان می پردازیم).

بررسی

قرآن برای همه نازل شده است؛ از این رو ترجمه نوع نخست، برای عموم مردم مفیدتر است؛ اما امروزه نمی توان به همین شیوه رایج ترجمه قرآن اکتفا کرد؛ بلکه لازم است ترجمه های درخور و مفید برای طبقات مختلف، اعم از کودکان (دبستانی) نوجوانان و جوانان در سطوح متوسطه و دانشگاهی و نیز برای افراد

۱- (۳) . بازرگان، مهدی، باد و باران در قرآن، ص۶ - ۱۵۴.

فرهیختـه، دانشـمندان و پژوهشـگران رشـته هـای مختلـف علمی جـامعه پدیـد آوریـم و هر ترجمـه ای را بـا اصـطلاحات خـاص آنهـا و با توضیحاتی مناسب بیاراییم.

هرچنـد که در مصـادیق این ترجمه (هماننـد ترجمه مثـال دوم در مورد ابرهـا) می توان اشـکالاتی را مطرح کرد و در مورد اسـتفاده هـای تفسیری آن و نیز تطبیق قطعی بر نوع خاصی از ابرها (که گاهی منتهی به تحمیل نظریه های علمی و تفسیر به رأی می شود) خدشه نمود، اما اشکال در مثال ها و موارد نمی تواند مانع آن شود که تأثیر مقتضیات هر عصر را در ترجمه نادیده انگاریم.

به عبارت دیگر: در عصـر حاضـر، ناچاریم که براساس تخصـص مخاطبین، ترجمه هایی برای ادیبان، شاعران، متخصـصان کیهان شناسـی، علوم پزشکی و... پدید آوریم که در آن، از اصطلاحات خاص آنها استفاده شده و منطبق با آن، مطالب آیات را توضیح دهیم.

برای مثال: در مورد آیات اوایل سوره «حج» و «مؤمنون» که در مورد مراحل خلقت انسان است، می توان از علوم پزشـکی استفاده کرده و «مضـغه»، «علقه» و... را توضـیح داد، و یـا در مورد آیـات مربوط به خلقت جهـان (مثلاـ اوایل سوره فصـلت) و خورشـید، ماه، سـتارگان و سیارات ناچاریم که از یافته های قطعی علوم کیهان شناسی بهره ببریم.

البته در این موارد باید مراقب باشـیم که نظریه های اثبات نشده علمی را به صورت قطعی به قرآن نسبت ندهیم یا برخلاف ظاهر آیات بر آنها تحمیل نکنیم؛ بلکه علوم جدید را در خدمت فهم بهتر قرآن درآوریم.

۳. تقسیم ترجمه ها بر اساس زبان ترجمه

هر ترجمه ای، زبان ویژه خویش را دارد. البته مقصود از زبان ترجمه، ویژگی های

زبان شناسانه و نشانه شناسانه آن است (نه زبان به معنای لغت فارسی، ترکی و...) از این نظر، ترجمه های قرآن به دو گروه تقسیم پذیر است:

الف) ترجمه به زبان عرف (زبان معیار)

مقصود از زبان عرفی، همان زبان رایجی است که مردم با آن سخن می گویند؛ به عبارت دیگر: زبان صحیح که معیار است (نه لهجه ها و زبان های محلی خاص که در بین فارسی زبانان مناطق مختلف رایج است).

هرگاه مخاطبین ترجمه قرآن، عموم مردم باشند، از «زبان معیار» یعنی زبان عرفی استفاده می شود.

ب) ترجمه به زبان فنی

هرگاه مخاطب یک ترجمه، طبقه یا گروه خاصی باشد، ترجمه نیز تخصصی می شود و با استفاده از اصطلاحات خاص آن گروه انجام می پذیرد.

برای مثال، ترجمه ای که برای هنرمندان، شعرا و ادیبان جامعه صورت می گیرد، در بردارنده اصطلاحات ادیبانه است.

مثال: یکی از متخصصین، آیات ۴۸ سوره روم و ۴۳ سوره نور را این گونه ترجمه می کند:

فَتُثِيرُ سَحاباً...؛

ترجمه لفظی: «برانگیختگی و برآشفته شدن ابر»؛ ترجمه علمی: «برخورد دو جناح سرد و گرم در خط جبهه و ایجاد دخالت ناپایدار و حفره طولانی، شرط اصلی تشکیل ابرهای انباشته». (۱)

۱- (۱) . همان، ص۶ - ۱۵۴.

يُزْجِی سَحاباً...؛

ترجمه لفظی: «رانده شدن به دنبال هم و ملایم و منظم ابرها»؛ ترجمه علمی: «رژه قطار ابرها از بالای سر منطقه مشروب شونده، راه افتادن ابرهای انباشته (کومولوس) و پشمکی (سیروس) به همراه جبهه و پراکنده شدن در آسمان». (۱)

بررسی

صرف نظر از اشکالاتی که در هر ترجمه (همانند مثال فوق) وجود دارد، ترجمه قرآن می تواند به هر زبانی انجام پذیرد و این مطلب بستگی به هدف مترجم و مخاطبین او دارد.

اگر مخاطبین ترجمه، عموم مردم هستند، لازم است ترجمه با «زبان عرفی» صورت گیرد تا آنان، مفهوم و پیام آیات را بهتر درک کنند؛ چرا که بیشتر مردم، اصطلاحات علوم و فنون را کمتر می فهمند؛ از این رو لازم است ترجمه قرآن به زبان عرف و معیار هر ملت صورت گیرد. اما اگر مخاطبین ترجمه، گروهی خاص با تخصص علمی، ادبی و... هستند، لازم است ترجمه با «زبان فنی» آمیخته شود و همان طور که گذشت، این موضوع بر اساس نیاز مخاطب در هر عصر تغییر می کند و در هر صورت باید به این نکته در مقدمه ترجمه اشاره نمود.

برای مثال، در مقدمه ترجمه تفسیر نمونه (ترجمه آیه الله مکارم شیرازی) گفته شده که از روش «زبان عرفی»، زبان توده مردم یا زبان قوم – نه زبان ادبای قوم – استفاده شده و از این رو از برخی لغات عربی که در زبان فارسی به کار می رود، به جای لغت فارسی نامأنوس «سره» استفاده شده است.

۱- (۱) . همان.

۴. تقسیم ترجمه ها بر اساس داشتن یا نداشتن اضافات

الف) ترجمه خالص (بدون توضیحات در متن یا حاشیه و بدون اضافات تفسیر):

گاهی اهتمام مترجم بر آن است که فقط مطالب متن را ترجمه کند و از اضافه کردن هرگونه توضیح و تفسیری پرهیز کند.

برخی از ترجمه هایی که روش کلمه به کلمه و جمله به جمله قرآن را به کار برده اند، تلاش کرده اند تا این گونه باشند. برای مثال به ترجمه های زیر توجه کنید:

خَتَمَ اللّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ؛ ۱

دهلوی: «مُهر نهاد خدا دل های ایشان، و بر شنوایی ایشان و چشم های ایشان پرده ایست و ایشان راست عذابی بزرگ»؛

معزی: «مُهر نهاد خدا بر دل هاشان و گوش ایشان، و بر دیدگان ایشان است پرده ای و برای ایشان است شکنجه بزرگ»؛

آیتی: «خدا بر دل های شان و برگوششان مهر نهاده و بر روی چشمانشان پرده ای است، و برای شان عذابی است بزرگ».

ب) ترجمه تفسیری (خلاصه التفسیر یا ترجمه همراه اضافات):

گاهی مترجم برای آن که ترجمه برای مخاطبین فهم پذیر گردد و آنان در فضای مطالب قرار گیرند، ناچار است مطالبی را به متن اصلی اضافه کند. مترجمانی که از روش ترجمه آزاد استفاده کرده اند، معمولاً این شیوه را به کار برده اند و توضیحات تفسیری را به ترجمه خود اضافه کرده اند؛ برای مثال به ترجمه های زیر از آیه ۷ سوره بقره توجه کنید:

فیض الاسلام: «و اثر دشمنی، کینه، رشک و گردن کشی کارشان به جایی

رسـیده که خداوند بر دل ها و گوششان مهر نهاده، راه بر آنها بسته شده، که سخن حق را نمی فهمند و نمی شنوند و بر چشم هاشان پرده و پوشـش غفلت است که حق را نمی بیننـد و برای ایشـان در دنیـا و آخرت، عـذاب و کیفر بزرگ است؛ در دنیـا گرفتـار و در آخرت در دوزخ خواهند بود»؛

الهی قمشه ای: «قهر خـدا مهر بر دل هـا و پرده بر گوش ها و چشم های ایشان نهاد که فهم حقایق و معارف الهی را نمی کننـد و ایشان را در قیامت عذابی سخت خواهد بود».

در ترجمه های بالا، بسیاری از واژه ها (موارد مشخص شده) توضیح است، نه ترجمه.

بررسی

چون ترجمه قرآن کریم از مواردی است که بدون اضافات و توضیحات تفسیری ممکن نیست. هر ترجمه را باید خلاصه ای از یک تفسیر تلقی نمود؛ بلکه بایـد گفت که هر ترجمه، خود تفسـیر کوتـاهی از قرآن است؛ بنـابراین ترجمه خـالص قرآن کریم، صـحیح نیست و اگر کسـی چنین کنـد، نمی توانـد پیام واقعی آیات را بازگو نمایـد و در نتیجه، مطالبی پرابهام و نارسا ارائه خواهد کرد. از این روست که می بینیم مترجمان فوق (دهلوی – معزی، آیتی و...) نیز عملا نتوانسته اند به این روش پایبند باشند و در موارد متعددی از ترجمه خویش ناچار شده اند که از توضیحات استفاده کنند.

با توجه به آن چه گفته شد، ترجمه قرآن به ناچار خلاصه تفسـیر است؛ اما شیوه مزبور با این آسیب همراه است که امکان دارد اضافات و توضیحات مترجم، به جای کلام خدا جلوه کند و ترجمه ای تألیف گونه ارائه شود.

ص:۱۹۶

راه جلوگیری از چنین خطری آن است که توضیحات تفسیری، داخل پرانتز یا به صورت پاورقی آورده شود تا بدین ترتیب با متن اصلی قرآن ادغام نگردد؛ برای مثال: ترجمه فاضل محترم آقای بهاءالدین خرمشاهی (در چاپ نخست) از این ویژگی برخوردار است و ایشان توضیحات تفسیری را در پاورقی ها و پرانتز و قلاب آورده است.

۵. تقسیم ترجمه ها، براساس گرایش ها

الف) ترجمه بی طرف (بدون لحاظ گرایش های کلامی و فلسفی خاص)

از آن جا که هر مترجم، دیدگاهی خاص در مسائل مذهبی، کلامی و احیاناً فلسفی دارد یا تحت تأثیر یکی از این مکاتب و مذاهب است، پس در هنگام ترجمه، تحت تأثیر پیش فرض های ذهنی خود قرار خواهد گرفت و در این میان، برخی مترجمان سعی می کنند تا این گونه تأثیرات را به حداقل برسانند یا کم رنگ کنند و ترجمه ای خالص ارائه نمایند.

ب) ترجمه بر اساس گرایش خاص فلسفی، کلامی و مذهبی

برخی مترجمان به عمد یا از روی غفلت، ترجمه خود را با دیدگاه خاص کلامی خویش هماوا نموده و بر سر دوراهی ها، سخن خویش را به مثابه سخن خدا ارائه می کنند.

برای مثال در مورد آیه شریفه: ...یَدُ اللّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ...، ۱ اگر مترجم طرفدار نظریه جسم بودن خدا باشد یا بخواهد از سبک ترجمه بی طرف استفاده کند، می نویسد:

«دست خدا بالای دست های آنان است».

و اگر به دیدگاهی گرایش داشته باشد که جسم داشتن برای خدا را محال می داند، می گوید:

«دست (قدرت) خدا بر فراز دست های شماست».

و نیز در آیات مربوط به هدایت و گمراهی، و جبر و اختیار، اگر مترجم طرفدار دیدگاه جبرانگاری مسلک اشاعره باشد، آیات را بر اساس ظاهر آن ترجمه می کند و اگر طرفدار دیدگاه اختیار و آزادی انسان (تفکر معتزله و عدلیه) باشد، آیات را با توجه به این دیدگاه ترجمه می کند.

برای مثال: آیه الله مکارم شیرازی که براساس آموزه های مذهب اهل بیت(علیهم السلام) طرفدار آزادی و اختیار انسان است در ترجمه این آیه می نویسد:

فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ...؛ ۱

«سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می کند».

یعنی ایشان آیات ضلالت و هدایت را با اضافه کردن توضیحات داخل پرانتز، به گونه ای ترجمه می کند که «شبهه جبر» بروز نکند.

اما استاد فولادوند در ترجمه خویش، روش بی طرفی را در پیش می گیرد و در ذیل همان آیه می نویسد:

«پس خدا هر که را بخواهد، بی راه می گذارد و هر که را بخواهد، هدایت می کند».

بررسی

تأثیر گرایش ها و پیش فرض های ذهنی، کلامی، فلسفی و مذهبی افراد در ترجمه قرآن به طور کامل قابل پیش گیری نیست؛ از این رو ترجمه خالص قرآن دشوار

است؛ بلکه غیر ممکن می نماید؛ اما لازم است مترجم بکوشد تا این تأثیرات را به حداقل رسانده و مخاطبین را با زلال کلام الهی آشنا کند تا بر اساس فطرت سالم خویش آن را بفهمند و هدایت شوند و اگر مترجم قصد داشت که به دیدگاه خاص کلامی یا فلسفی اشاره کند، می تواند توضیحات مربوط به بحث را از متن جدا کرده، به پاورقی منتقل کند، یا داخل پرانتز قرار دهد و از متن اصلی جدا سازد و در مقدمه ترجمه هم یادآوری کند که این ترجمه، بر اساس چه مذهب یا گرایش خاصی ترجمه شده است.

البته در این جا می توان بین دو دسته از گرایش ها تفاوت نهاد:

نخست: «نکات عقیدتی»ای که در تفسیر آیه وجود دارد و اگر در متن ترجمه دخالت داده نشده و در پرانتز ذکر نشود، معنای ظاهر آیه، برخلاف مقصود حقیقی خدا خواهد شد و بنابراین ممکن است مخاطب دچار گمراهی شود؛ از این رو لازم است تا آن نکته تفسیری یا عقیدتی در پرانتز یا پاورقی توضیح داده شود.

دوم: «نکات فلسفی، کلامی و مذهبی»ای که حاوی دیدگاه شخص مفسر است و اگر بر متن ترجمه اضافه نشود، زیانی به معنا نمی زند که در غیر این صورت نباید آنها را در ترجمه منعکس نمود.

۶. تقسیم ترجمه ها، براساس اعتبار مترجم و ترجمه

الف) ترجمه غیر معتبر

برای ترجمه متون کهن یا تخصصی، لازم است مترجم، شرایط و ویژگی هایی را کسب کرده باشد تا بتواند ترجمه ای معتبر از آن ارائه کند.

برای مثال: متون قدیمی پارسی، تسلط بر زبان باستانی پهلوی را می طلبد و نیز ترجمه متون کتاب مقدس، تسلط کافی بر متون اصلی؛ مثلا: عبری، لاتین و

انگلیسی و... را ایجاب می کند. بنابراین بدون داشتن آن شرایط، ترجمه، غیرمعتبر خواهد بود. علاوه بر آن چه گفته شد، مترجم قرآن باید بر زبان مبدأ (عربی) و زبان مقصد (برای مثال: فارسی) مسلط بوده و از چگونگی تفسیر قرآن آگاهی داشته باشد؛ وگرنه ترجمه او اعتبار لازم را نخواهد داشت.

ب) ترجمه معتبر

«ترجمه معتبر» ترجمه ای است که توسط مترجمِ واجد شرایط، صورت گرفته باشد. اگر مترجم هر متن، دارای صفات و شرایط لازم و درخور آن ترجمه باشد، ترجمه مزبور می تواند ترجمه ای معتبر به شمار آید؛ البته این بدان معنا نیست که هر کس که دارای شرایط لازم است، ترجمه ای صحیح ارائه خواهد کرد؛ بلکه هر مترجم متبحّر و متخصص، ممکن است گرفتار لغزش شود. به عبارت دیگر: ترجمه، ملازم ترجمه صحیح نیست؛ یعنی اگر مترجمی دارای تخصص و شرایط باشد و با رعایت ضوابط، قرآن را ترجمه کند، ترجمه او معتبر و در خور بررسی است، که پس از بررسی ممکن است ترجمه ای صحیح یا غیرصحیح باشد.

بررسی

از آن جا که ترجمه قرآن به مثابه نوعی تفسیر کوتاه است، مترجم قرآن باید در اصل، یک مفسر باشد؛ یعنی شرایط مفسر قرآن را کسب کرده باشد؛ (۱) وگرنه

ص:۲۰۰

۱- (۱) . شرایط مفسر قرآن عبارتند از: آگاهی از ادبیات عرب (صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی و بیان) آگاهی از علوم قرآن، آگاهی از بینش های عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و علوم تجربی، آگاهی از علم فقه و اصول الفقه، آگاهی های تاریخی و جغرافیایی (شأن نزول ها) و... ، آگاهی از اصول دین، آگاهی و مراجعه به احادیث. محمد علی رضائی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص۶۱ و ص۱۰۸.

ترجمه او ترجمه ای غیر معتبر، بلکه تفسیر به رأی شمرده می شود و نه تنها اقدامی سودمند نیست، بلکه از نظر شرعی، عملی حرام است که در روایات متعدد وعده آتش داده شده است. (۱)

۷. تقسیم ترجمه، براساس عناصر هنری

الف) ترجمه نثر و بدون آهنگ

اغلب ترجمه های فارسی به صورت نثر و بدون آهنگی خاص هستند؛ یعنی مترجمان درصدد انعکاس سبک و آهنگ خاص قرآن نبوده اند.

ب) ترجمه های هنری

برخی ترجمه های فارسی قرآن، علاوه بر آن که معنای آیات را به فارسی برگردانده اند، سبک هنرمندانه ای نیز در آن به کار برده و گاه تلاش کرده اند تا آهنگ خاص آیات قرآن (به ویژه در سوره های مکی) را در ترجمه فارسی منعکس کنند. این سبک از ترجمه خود دارای گونه های متعددی است:

یکم: ترجمه منظوم

در این شیوه ادیبان و شاعران پارسی گو تلاش کرده اند تا همه یا بخشی از آیات را به زبان شعر بنویسند. از این رو برخی از نویسندگان برآنند که باید «سنائی»، «عطار»، «مولانا»، «سعدی» و «حافظ» را از مترجمان قرآن بنامیم؛ (۲)

۱- (۱) . عن رسول الله(صلی الله علیه و آله): «من قال فی القرآن برأیه فلیتبوء مقعده من النار»؛ (الترمذی، السنن، ج۵،ص۱۹۹)؛ عن الرضا(علیه السلام) عن آبائه« قال الله تعالی: ما آمن بی، من فسرّ برأیه کلامی»؛ (صدوق، الامالی، ص۶).

۲- (۲) . قرآن ناطق، ج۱، ص۲ - ۲۵۱.

تاآن جا که گفته اند:

مثنوی معنوی مولوی هست قرآنی به لفظ پهلوی

و نیز در عصر ما آقای «امید مجد» تمام قرآن را به شعر ترجمه کرده است. او در ترجمه سوره حمد این گونه می سراید:

سرآغاز گفتار، نام خداست که رحمتگر و مهربان، خلق راست

ستایش بُود ویژه کردگار که بر عالمین است پروردگار

که بخشنده و مهربان است نیز بود صاحب عرصه رستخیز

ترا می پرستیم تنها و بس نداریم باور به غیر از تو کس

و در ترجمه سوره ناس می نویسد:

بگو می برم سوی ربّی پناه که خلق جهان راست شاه و اله

ز شیطان خنّاس کز مکر و شرّ کند وسوسه قلب های بشر

کند وسوسه قلب ها هر دمی چه از جن بود او چه از آدمی (۱)

دوم: ترجمه آوایی

در این سبک، مترجمان تلاش کرده اند تا آهنگ قرآن را در ترجمه فارسی آن منعکس سازند و بر شیرینی آن بیفزایند.

برای مثال: در ترجمه ای که در عصر ما در کنار مرقد امام رضا(علیه السلام) کشف شد و متعلق به اواخر قرن سوم هجری و از مترجمی ناشناس است، آمده:

إِلاَّ الَّذِینَ صَبَرُوا... آنان که در بلا از صابران باشند،

وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ... وندر کردار از صالحان باشند،

۱- (۱) . امید مجد، قرآن مجید با ترجمه منظوم (قرآن نامه).

أَولِئِکَ لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ أَجْرٌ کَبِیرٌ ۱ آمرزیدگان مأجوران باشند. (۱)

و نیز ترجمه قرآن اثر «ابوحفص، نجم الدین عمر نسفی» (۴۶۲ - ۵۳۸ه) از ترجمه های آوایی قرآن به شمار می آید.

هم چنین دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی مدعی سبک نوینی از ترجمه، با عنوان «ترجمه پیوسته، تفسیری و آوایی» است که خود، نوعی از ترجمه آوایی به شمار می آید. وی در ترجمه سوره «حمد» می نویسد:

به نام خداوند گسترده احسان و پیوسته مهربان؛

هر حمد و سپاسی از آن خدای ربّ العالمین است [که مولی، مدبّر و مربی جهانیان است]؛

خداوندی که رحمتش گسترده و مهرش پیوسته است؛

مالک روز [بروز حقایق] دین [یعنی: قیامت] است؛

[که در آن حساب و جزا و حکم و سیاست است].

بررسی

ترجمه هنری (منظوم و آوایی) در جای خود نیکوست و می تواند مخاطبان باذوق را به سوی قرآن جذب کند. البته طبیعی است که در تنگنای قافیه های شعر، گاهی مطالب و معانی آیات، اضافه یا کم می شود که البته این اشکال در ترجمه آوایی کمتر است، ولی منتفی نیست و گاه مترجم ناچار می شود یک کلمه را به چند صورت ترجمه کند تا آهنگ شعرگونه کلام حفظ شود؛ علاوه بر آن که در برخی

۱- (۲) . پُلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرن اول هجری و ترجمه آهنگین از دو جزء قرآن مجید، به اهتمام و تصحیح دکتر احمدعلی رجائی، ص ۲۰.

از سوره های قرآن نیز سبک و آوای خاصی وجود دارد (مثل سوره فرقان یا سوره های کوتاه مکی). در این موارد، رعایت آهنگ کلام تا حد امکان مناسب است؛ ولی در برخی از سوره های دیگر، به ویژه در سوره های بلندِ مدنی (مثل بقره و آل عمران) معمولا آهنگ و آوا کمتر وجود دارد و اصولا ایجاد آهنگ و آوای شعرگونه در همه آیات قرآن موجب تکلّف در ترجمه می گردد.

یادآوری: در ترجمه هنری، باید به تفاوت میان انعکاس عواطف گوینده یا نویسنده، با انعکاس عواطف مترجم توجه داشت؛ به عبارت دیگر: مترجم می تواند در ترجمه، لحن و فضای آیات (مثل لحن و فضای جنگ، قصه، دعا و...) را در آهنگ عبارت ترجمه منعکس کند، ولی حق ندارد احساسات خود را در ترجمه دخالت دهد؛ برای مثال، هنگامی که از سخنان نویسنده خشنود شود، با کلمات شیرین و محترمانه ترجمه کند (برای مثال: قال: فرمود) و در مواردی که از سخنان نویسنده ناخشنود است، از کلمات غیر محترمانه یا زننده استفاده کند.

ص:۲۰۴

پژوهش ها

۱. پنج ترجمه مشهور قرآن را انتخاب کرده، روش ها و سبک های آنها را مشخص ساخته و بررسی و مقایسه کنید.

۲. ترجمه «الهی قمشه ای» و «فیض الاسلام» را بررسی و در ده آیه با یکدیگر مقایسه کنید.

۳. دو ترجمه آهنگین قرآن را بررسی و مقایسه کنید.

۴. دو ترجمه منظوم قرآن را معرفی، بررسی و مقایسه کنید.

۵. ترجمه آقای رحماندوست (ویژه کودکان) را بررسی و نقد کنید.

۶. روش های ترجمه قرآن را از نظر آیه الله مکارم، آیه الله معرفت و دکتر ذهبی بررسی و مقایسه کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، آیه الله معرفه.

۲. پی نوشت ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.

۳. فن ترجمه در ادبیات عرب، محمد عبدالغنی حسن.

۴. التفسیر و المفسرون، الذهبی.

۵. طبقات مفسران شیعه، دکتر عقیقی بخشایشی.

۶. مجله مترجم، شماره دهم.

۷. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار.

۷.آسیب شناسی ترجمه های قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: ۱. آشنایی با روش نقد ترجمه های قرآن؛ ۲. آشـنایی با منابع نقد ترجمه های قرآن (کتب و مقالات)؛ ۳. شناخت اقسام آسیب های ترجمه های قرآن؛ ۴. کارورزی در مورد نقد ترجمه های قرآن.

درآمد

مترجمـان قرآن در همه ادوار، خـدمات بزرگی به اسـلام کرده و در راه گسترش فرهنگ قرآنی، گام های بلنـدی برداشـته انـد؛ اما ترجمه قرآن در طول تاریـخ اسـلام، سـیری تکاملی پیموده است و به اعتراف مترجمان قرآن، ترجمه نهایی و مطلوب حاصل نشده است. بنابراین، پس از این نیز لازم است که ترجمه قرآن، به سـیر تکاملی خویش ادامه دهد؛ اما این حرکت تکاملی، بدون نقد و بررسی و آسیب شناسی ترجمه هـای پیشـین امکـان پـذیر نخواهـد بود. آسـیب شناسـی ترجمه های قرآن، به معنای نادیـده گرفتن زحمات و نقاط قوت ترجمه ها نیست و اگر نـامی از مترجمی به میـان می آیـد، تنهـا بـا هـدف احترام به اوست و این نقـدها همچون اصل ترجمه ها، چراغ راه آینـدگان خواهد شد، تا ترجمه های استوارتر، دقیق تر و کامل تری از قرآن شکل بگیرد.

ص:۲۰۷

تاریخچه نقد ترجمه های قرآن

آغـازگر نقـد ترجمه قرآن در نیم قرن اخیر، در عرصه مطبوعات، اسـتاد شـهید مطهری(رحمه الله) است که در سال ۱۳۳۷شمسی در مجله «یغما» (سال یازدهم) ۲ نقد را بر ترجمه قرآن مجید به اهتمام «ابوالقاسم پاینده» منتشر ساخت. پس از ایشان نیز مرحوم «سید محمد فرزان» با عنوان ترجمه قرآن مجیـد (به قلم ابوالقاسم پاینـده) در هشت شـماره از مجله یغما و دو شـماره در راهنمای کتاب به طور مبسوط نقـد و بررسی ترجمه پاینده را به پایان رساند.

البته نقـد ترجمه های فارسـی، بین سال های ۱۳۴۰ - ۱۳۶۸ش دچـار رکودی هجـده سـاله گشت و تنها یک مقاله در سال ۱۳۵۹ از «سید محمـد محیط طباطبایی» در مجله «آینـده» در نقد ترجمه «شـهرام هدایت» با عنوان «نظری جدید بر ترجمه ای جدید از قرآن مجید» منتشـر شد. سال های ۱۳۶۹ - ۱۳۷۱ش نیز بدون نقد سپری گشت؛ اما از سال ۱۳۷۲ش نقدهای متعددی در این زمینه منتشر شد که تعداد آن در سال ۱۳۷۵ش به ۲۳ مقاله در سال رسید. (۱)

کتاب شناسی نقد ترجمه های قرآن

در دهه اخیر، نقدهای متعددی بر ترجمه های قرآن وارد شده و به شیوه های مختلفی، این ترجمه ها آسیب شناسی شده است از جمله:

۱. ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمدعلی کوشا، (انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۲ش) که به نقد ترجمه های آقایان امامی، آیتی، خرمشاهی، فولادوند، خرّم دل، ترجمه احمد آرام از آیات قرآن کریم در الحیاه، ترجمه خانم فاطمه

۱- (۱) . هادی حجت، تاریخچه نقد ترجمه های فارسی قرآن کریم، ترجمان وحی، ش۶، ص۵۵.

مشایخ از تلخیص المیزان، پرداخته است. در این کتاب از روش خاص و ترتیبی در نقد ترجمه ها استفاده شده است.

۲. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش (۱۳۷۵ش). ایشان به بررسی ترجمه های کهن فارسی، همچون ترجمه طبری (رسمی) کشف الاسرار میبدی و ترجمه تفسیر ابوالفتوح رازی و... پرداخته است.

شیوه نقد ایشان در بخش اول کتاب به صورت خاص و ترتیبی است؛ اما در بخش دوم کتاب، از شیوه عام و موضوعی استفاده کرده و بیشتر به نقد ترجمه ها از دیدگاه دستور زبان فارسی پرداخته است.

۳. آسیب شناسی ترجمه قرآن کریم در واژه و ساختار، پایان نامه آقای امیر مسعود صفری (دانشگاه امام صادق(علیه السلام)، ۱۳۸۰ ش). در این نوشتار به نقد ترجمه های متعددی همچون: ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، فولادوند، خرمشاهی و... به صورت عام و موضوعی پرداخته شده؛ آسیب های ترجمه ها، به دو بخش «واژگانی» و «ساختار» تقسیم و برای هر کدام مثال های متعددی آورده شده و سپس نویسنده ترجمه مطلوب خود را از آیه مورد بحث ارائه کرده است.

۴. قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی) اثر بهاءالدین خرمشاهی (مرکز نشر فرهنگی مشرق، تهران ۱۳۷۲ ش). در این کتاب از صفحه ۳۲۳ تا صفحه ۵۳۸ در مورد نقد ترجمه های متعدد از جمله: ترجمه قرآن مجید به قلم فولادوند، آیتی، بهبودی، فارسی، خواجوی، خرمشاهی، الهی قمشه ای و ترجمه جدید قرآن به انگلیسی، سخن گفته شده است.

۵. چالش میان عربی و فارسی، آذرتاش – آذرنوش.

۶. ترجمه مفاهیم بنیادی ترجمه قرآن، طاهره صفارزاده.

۷. ساختار ترجمه، دکتر مرتضی کریمی نیا.

ص:۲۰۹

مقاله شناسی نقد ترجمه های قرآن

در دهه های اخیر، مقالات بسیاری در مورد ترجمه های قرآن در مجله های «مترجم»، «بیّنات» و «ترجمان وحی» و... منتشر شد که در این مقالات نیز، گاه از «روش خاص» و گاه از «روش عام» استفاده شده است. برخی از مهم ترین این مقالات عبارتند از:

۱. نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسه، جواد حدیدی، ترجمان وحی، ش۱.

۲. ترکیب های اضافی در ترجمه روسی قرآن، احمد پاکتچی، ترجمان وحی، ش۱.

۳. نگاهی به ترجمه های آذربایجانی قرآن، رسول اسماعیل زاده، ترجمان وحی، ش۱.

۴. ترجمه ای یهودی وار از قرآن به زبان فرانسه، جواد حدیدی، ترجمان وحی، ش۶.

۵. نقد و بررسی ترجمه های آذری قرآن کریم، ترجمه ضیاء بینادوف و واسیم محمدعلی یئو، رسول اسماعیل زاده، ترجمان وحی، ش۳.

۶. گزارشی کوتاه درباره ترجمه های قرآن کریم به زبان روسی، احمد پاکتچی، ترجمان وحی، ش۳.

۷. مصاحبه ای کوتاه با دکتر میرزا ملا احمد، مترجم قرآن به زبان تاجیکی، ترجمان وحی، ش۳.

۸. ترجمه های قرآن کریم به زبان آلبانیایی، گازمند اشپوزا، ترجمان وحی، ش۴.

۹. قرآن در چین، جین یی جیو، برگردان محسن جعفری مذهب، ترجمان وحی، ش۴.

۱۰. بررسی ترجمه های قرآن به زبان ترکی استانبولی، گروه ترجمه ترکی استانبولی مرکز ترجمه، ترجمان وحی، ش۴.

۱۱.ترجمه قرآن کریم به زبان روسی از سابلوکوف، عمادالدین حاتم، ترجمان وحی، ش۴.

ص:۲۱۰

۱۲. مارمادوك پیکتال، مترجم قرآن کریم به زبان انگلیسی، مرتضی کریمی نیا، ترجمان وحی، ش۵.

۱۳. دومین ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه، دکتر جواد حدیدی، ترجمان وحی،ش۷.

۱۴. نظری اجمالی بر ترجمه های لاتینی قرآن مجید، هارتموت بابزین، ترجمه علیرضا انوشیروانی، ترجمان وحی، ش۷.

۱۵. ترجمه شاعر آلمانی فریدریش روکرت، محمود العلی حسینات، ترجمان وحی، ش۷.

۱۶. معرفی چند ترجمه قرآن به زبان ازبکی، ابراهیم خدایار، ترجمان وحی، ش۷.

۱۷. پروفسور «بیلاوسکی» اسلام شناسی و مترجم لهستانی قرآن کریم، ترجمان وحی، ش۷.

۱۸. گزارشی از ترجمه های ژاپنی قرآن، محمدالقائم صفا ساوادا، ترجمان وحی،ش۸.

۱۹. ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه، جواد حدیدی، ترجمان وحی، ش۹.

۲۰. آیا ترجمه جرج سیل قابل اعتماد است؟، دبیلو. جی. شلابیر، ترجمه عباس امام و علی وجیهی، ترجمان وحی، ش۱۰.

۲۱. ترجمه آهنگین قرآن کریم به زبان انگلیسی، (گفت و گو با دکتر فضل الله نیک آیین)، مرتضی کریمی نیا، ترجمان وحی، ش۱۰.

۲۲. نگاهی به ترجمه جدید آلمانی قرآن از خانم زیگریت یمینی (شولتس)، مرتضی کریمی نیا، ترجمان وحی، ش۱۴.

ص:۲۱۱

۲۳. ترجمه ای متین و ماندگار از قرآن مجید به قلم استاد قرایی، بهاءالدین خرمشاهی، ترجمان وحی، ش۱۴.

۲۴. نگرشی بر تاریخ ترجمه قرآن کریم به زبان ترکمنی، بی بی مریم شرعی و ملا عاشور قاضی، ترجمان وحی، ش۱۵.

۲۵. بررسی ترجمه انگلیسی یوسف علی، آرتور جفری، ترجمه عباس امام، ترجمان وحی، ش۱۵.

۲۶. ترجمه قرآن کریم به زبان بوسنیایی و ارزش های ساختاری آن، اسعد دوراکوویچ، ترجمه یعقوب جعفری - ترجمان وحی، ش۱۵.

۲۷. ترجمه بسیار قدیمی از قرآن کریم، سید علی موسوی گرمارودی، بیّنات، ش۳۱؛ (این مقاله به معرفی و بررسی ترجمه فارسی قدیمی در تاجیکستان پرداخته است).

تقسیم بندی آسیب های ترجمه های قرآن

اشاره

آسیب های ترجمه های قرآن را از جهات متعدد می توان تقسیم کرد؛ ولی در این نوشتار از تقسیم بندی زیر استفاده می کنیم:

نخست: آسیب های علمی ترجمه؛

دوم: آسیب های فنی ترجمه؛

سوم: آسیب های روش شناختی و سبک شناختی ترجمه؛

چهارم: آسیب های مبنایی؛

پنجم: آسیب های اخلاقی؛

ششم: آسیب های ترجمه های مستشرقان.

ص:۲۱۲

۱. آسیب های علمی ترجمه

همان گونه که در مبحث شرایط مترجمان بیان شد، مترجم قرآن باید شرایط و آمادگی و همچنین از علوم خاصی برخوردار باشد. حال اگر مترجم، واجد شرایط یا آشنا با علوم لازم برای ترجمه نباشد، ترجمه او گرفتار آسیب های زیر خواهد شد:

۱. آسیب های تفسیری، که ناشی از عدم آگاهی کامل مترجم از تفسیر آیات است.

۲. آسیب های فقهی، در اثر عدم اطلاع کافی مترجم از علم فقه و عدم توانایی در استنباط از آیات الاحکام.

۳. عدم اطلاع مترجم از علوم تجربی، و نقش آن در تفسیر و ترجمه، که گاهی منتهی به لغزش هایی در ترجمه آیات می شود و آسیب هایی را درپی می آورد.

۴. عدم تسلط مترجم بر زبان مبدأ؛ که در نتیجه آن، آسیب های زیر پدید می آید:

الف) آسیب های ادبی بر اثر ضعف در آشنایی به ادبیات عرب؛

ب) آسیب های واژه شناسی در اثر عدم اطلاع از ریشه و معانی لغات یا عدم مراجعه به کتب لغت.

۵. عدم تسلط مترجم به زبان مقصد و عدم آگاهی مترجم از ساختار دستوری زبان مقصد و معانی واژگان و کاربردهای آنها موجب لغزش های بسیاری می شود.

یادآوری: توضیحات لازم در موارد بالا و مثال های گوناگون آن در مبحث «شرایط مفسر» و مبحث «ضوابط و قواعد ترجمه» بیان شد؛ بدین سبب از تکرار آنها خودداری می کنیم.

۲. آسیب های فنی ترجمه

ترجمه هر کتاب، ضوابط و قواعد ویژه ای دارد که لازم است در ترجمه قرآن نیز

ص:۲۱۳

رعایت شود؛ از این رو ضوابط و قواعد ترجمه قرآن در مبحث مستقلی بیان شد.

توجه نداشتن به ضوابط و قواعد مزبور و رعایت نکردن آنها، موجب می شود که مترجم قرآن، گرفتار آسیب ها و لغزش های زیر شود:

۱. آسیب های ویرایشی. لغزش های ویرایشی، گاه موجب دشواری درک متن ترجمه می گردد و گاهی معنای آن را غلط می سازد.

مثال: ...نُسْقِیکُمْ مِمّا فِی بُطُونِهِ...؛ ۱

فولادوند: «از آن چه در [لابلای] شکم آنهاست».

یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ...؛ ۲

فولادوند: «[آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که...».

در این ترجمه، در مورد واژه «بطون» از کروشه به دو صورت مختلف استفاده شده و یک جا واژه «شکم» داخل کروشه و یک جا خارج از کروشه قرار گرفته است که دو معنا را برای یک واژه نشان می دهد.

مثال دیگر: بِأَنَّهُمْ قالُوا لَیْسَ عَلَیْنا فِی الْأُمِّیِّینَ سَبِیلٌ...؛ ۳

حلبی: «این [بدان سبب] است که ایشان گفتند: بر ما گناهی نیست [در ادا نکردن مال]غیر اهل کتاب و یا [اعراب بی کتاب]...».

در این ترجمه، معادل «باء» که به معنای سببیت است و نیز معادل «فی» بدون دلیل داخل کروشه قرار گرفته و واژه های «و یا» به متن اضافه شده؛ در حالی که در آیه وجود ندارد.

مثال دیگر: فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللّهُ مَرَضاً...؛ ١

فولادوند: «در دل هایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود»؛

در این آیه «فزادهم» با «فاء» آمده که ارتباط کامل جمله بعد و قبل را نشان می دهد؛ ولی این ارتباط با «کاما ویرگول» قطع شده؛ اما «دل های شان» که سه کلمه است، به همدیگر وصل شده است.

۲. عدم هماهنگی درونی متن ترجمه. یکسان سازی معانی جمله ها و آیات مشابه، در ترجمه، کاری دشوار است؛ از این رو برخی مترجمان از آن صرف نظر می کنند و ترجمه آنها گرفتار ناهماهنگی درونی می شود.

مثال: وَ الَّذِینَ هُمْ عَلی صَلَواتِهِمْ یُحافِظُونَ، در ترجمه ابوالقاسم پاینده (چاپ پنجم ۱۳۵۷ش) دو گونه ترجمه شده:

«وکسانی که [وقت] نمازهای خویش را نگهبانی کنند»؛ (مؤمنون/ ٩)

«وکسانی که مواظب نمازشان باشند»؛ (معارج/ ٣۴)

مثال دیگر: بِما قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ...، در ترجمه مجتبوی (چاپ اول ۱۳۷۱ش) دو گونه ترجمه شده:

«به سبب آن چه کرده اند»؛ (بقره / ٩۵)

«به سبب آن چه دست هاشان پیش فرستاده است»؛ (جمعه/ ٧)

مثال دیگر: فَأَخَذَهُمُ اللّهُ بِذُنُوبِهِمْ... در ترجمه فولادوند (چاپ اول، ۱۳۷۳ ش) سه گونه ترجمه شده:

«پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت»؛ (آل عمران/ ١١)

«پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد»؛ (انفال/ ۵٢)

«خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفت»؛ (غافر/ ۲۱)

مثال دیگر: وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ، در ترجمه: آقای خرمشاهی (چاپ اول ۱۳۷۴ش) دو گونه ترجمه شده:

«و کسانی که پاکدامنی می ورزند»؛ (مؤمنون / ۵)

«و کسانی که ناموسشان را حفظ می کنند»؛ (معارج / ۲۹)

۳. حذف و اضافه نابه جا در ترجمه آیات. در مبحث ضوابط و قواعد ترجمه، دیدگاه های گوناگون را در مورد حذف و اضافه حروف و کلمات در ترجمه بررسی کرده و مثال هایی بیان نمودیم؛ ولی گاه حذف و اضافه ها هیچ توجیه پذیرفتنی ندارند.

مثال: لا جَرَمَ أَنَّ اللّهَ یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْتَکْبِرِینَ؛ ۱

فولادوند: «شک نیست که خداوند آن چه را پنهان می دارند و آن چه را آشکار می سازند، می داند، و او گردنکشان را دوست نمی دارد».

در این ترجمه، عبارت «انّ» معنا شده و به جای آن، واژه «و» اضافه گشته است؛ بدون آن که داخل پرانتز یا کروشه قرار گیرد؛ در حالی که بهتر بود از واژه «در حقیقت» و مانند آن به عنوان معادل «انّ» استفاده می شد.

مثال دیگر: أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّهِ واسِعَةً فَتُهاجِرُوا فِیها...؛ ۲

مکارم: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!».

در این ترجمه، تعبیر «فیها» ترجمه شده است.

مثال دیگر: وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّیَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَیُبَتِّکُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ

فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّهِ...؛ ۱

مکـارم: «و به آنـان دسـتور می دهم که (اعمـال خرافی انجـام دهنـد و) گوش چهارپایـان را بشـکافند، و آفرینش (پـاک) خـدایی را تغییر دهند». (۱)

در این ترجمه نیز، جمله «لَـآمُرَنَّهُمْ» دوم، ترجمه نشـده؛ البته گاهی این گونه حـذف ها چنین توجیه می شود که: با توجه به قرینه پیشـین و برای جلوگیری از تکرار، حذف شده است؛ (۲) ولی به نظر می رسد این توجیه برای حذف یک جمله قرآن در ترجمه کافی نیست.

۴. اشـکالات ساختاری (صـرفی، نحوی و دسـتوری). عدم شـناخت یا عدم توجه به نظام ساختاری و دسـتور زبانِ زبان مبدأ و مقصد، مثلا نحو و صـرف یا دسـتور زبان فارسـی، موجب خواهد شد که ترجمه گرفتار لغزش های بسـیاری گردد که در مبحث آسیب های علمی، به عنوان یک نقطه ضـعف علمی برای مترجم بیان شـد و در مبحث ضوابط و قواعـد ترجمه نیز به آن اشاره شد. اینک چند مثال دیگر اضافه می کنیم:

مثال: وَ إِنْ کانَتْ لَکَبِیرَةً إِلاّ عَلَی الَّذِینَ هَدَی اللّهُ...؛ ۴

آیتی: «هر چند که این امر جز بر هدایت یافتگان دشوار می نمود»؛

امامی، الهی قمشه ای: «هر چند که این کار جز...».

ص:۲۱۷

۱- (۲) . ترجمه قرآن آیه الله مکارم شیرازی، با تحقیق و بررسی هیئت علمی دارالقرآن الکریم، چ اول جیبی، ۱۳۷۸ش.

۲- (۳) . بیّنات، ش ۱۰، ص ۱۶۰، مقاله «جوابیه ای از نقد ترجمه قرآن کریم حضرت آیه الله مکارم شیرازی»، محمد ربانی.

در این آیه، واژه «إِنْ» مخففه از مثقّله «انّ» است؛ به این دلیل که «لام»در«لکبیره» مفتوح است؛ بنابراین برای معنای آن «حتماً» و «مسلماً» ومانند آنها مناسب است. پس «ان» وصلیه یا شرطیه نیست تا معنای آن «هرچند»باشد.

مثال دیگر: وَ لا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحابِ الْجَحِيمِ ؛ ١

خرمشاهی: «و با تو درباره دوزخیان چون و چرا نکنند».

فعل «تُسْئَلُ » مجهول است، اما در ترجمه اول، معلوم معنا شده است (١) و بهتر بود این گونه ترجمه می شد: «و درباره اهل دوزخ، از تو پرسشی نخواهد شد».

مثالی دیگر: ...وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ...؛ ٣

الهی قمشه ای: «و از آب هر چیز را زنده گردانیدیم».

فعل «جعل» گاهی دومفعولی، به معنای «گردانیدن» است و گاهی یک مفعولی، به معنای «آفریدن و پدید آوردن» است. در جمله بالا، یک مفعولی است؛ چون «حيّاً» نیامده؛ در حالی که مترجم، گمان کرده که دومفعولی است؛ بنابراین، ترجمه صحیح آیه، چنین است:

«و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم»؛ (آیتی، خواجوی، مجتبوی)

مثال دیگر: يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ؛ ۴

١- (٢) . البته برخی ادیبان برآنند که یکی از راه های مجهول کردن فعل در فارسی، آن است که به صورت جمع آید؛ ولی این مبنا قابل تأمّل است؛ چرا که اگر اسناد فعل به کسی داده شود، چه جمع و چه به صورت ضمیر یا آشکار، در هر صورت، فعل مجهول نشده است.

خرمشاهی: «و هان ای نفس مطمئنه»؛

وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً...؛ ۱

الهی قمشه ای: «زن مؤمنه ای».

در این ترجمه ها، «صفت»، مؤنث آورده شده؛ در حالی که در فارسی، مطابقت صفت و موصوف در تذکیر و تأنیث لازم نیست.

مثال دیگر: فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَها تَحْمِلُهُ قالُوا یا مَرْیَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَیْئاً فَرِیًّا؛ ۲

الهی قمشه ای: «آن گاه قوم مریم که به جانب او آمدند که از این مکان همراه ببرند، گفتند...»؛

مترجم گمان برده است که «قوم» فاعل «اتت» است؛ در حالی که «مفعول» است و فاعل آن ضمیر «مریم» است که در فعل مستتر است؛ یعنی ترجمه صحیح جمله چنین است: و «مریم» در حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! به یقین چیز شگفت (و زشت) آورده ای! (ترجمه جمعی).

مثال دیگر: ...وَ کُنْتُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً ما دُمْتُ فِیهِمْ...؛ ۳

الهی قمشه ای: «تو خود بر آن مردم گواه و ناظر اعمال آنان بودی، مادامی که من در میان آنان بودم».

مترجم گمان کرده است که ضمیر «کنت» خطاب است؛ در حالی که ضمیر متکلم است.

ص:۲۱۹

۳. آسیب های روش شناختی و سبک شناختی ترجمه

در مبحث «روش ها و سبک های ترجمه» بیان شد که ترجمه قرآن، دارای سه روش «تحت اللفظی»، «هسته به هسته» و «آزاد» (تفسیری) است و نیز دارای سبک های گوناگونی بر اساس هدف مترجم، مخاطبین، زبان ترجمه، گرایش و هنر مترجم است که هر کدام امتیازات و آسیب های خاص خود را دارد.

از آن جا که این روش ها و سبک ها و همچنین آسیب های آنها، همراه با مثال های متعددی در همان مبحث بیان شد، از تکرار آن پرهیز می کنیم.

۴. آسیب های مبنایی ترجمه

در مبحث مبانی ترجمه قرآن بیان شد که ترجمه قرآن دارای مبانی زیر است:

۱. مبانی وجودی (امکان ترجمه)؛

۲. مبانی فقهی؛

۳. مبانی تفسیری؛

۴. مبانی کلامی؛

۵. مبانی ادبی؛

۶. مبانی قرایی؛

۷. مبانی زبان شناختی؛

۸. مبانی روش شناختی.

توجه نداشتن به مبانی صحیح ترجمه قرآن، موجب لغزش در ترجمه می شود و آسیب های جدّی ترجمه را اجتناب ناپذیر می سازد.

در مبحث «مبانی ترجمه»، ذیل هر بحث به آسیب های خاص آن مبنا و مثال های آن اشاره شد.

ص:۲۲۰

۵. آسیب های اخلاقی در ترجمه

همان طور که در مباحث شرایط مترجم بیان شد، رعایت آداب و اخلاق و طهارت روحی، از شرایط کمال ترجمه است؛ ولی گاهی نبودن این شرایط، مترجم را گرفتار لغزش هایی می کند که به رویکرد علمی و اعتبار ترجمه نیز ضربه وارد کرده و به ترجمه قرآن آسیب می زند. در این بخش برخی از این آسیب ها را بررسی می کنیم:

الف) تعصب های قومی و مذهبی و کلامی

بهترین راه دفاع از حق، بیان حقیقت است؛ اما گاهی افراد بر عقیده خویش (که گمان می کنند حق است) پافشاری نابه جا کرده و کم کم گرفتار تعصب می شوند و به دنبال آن، حقایق موجود را انکار کرده یا مطالب غیر ثابت را به عنوان دلایل قطعی مطرح می کنند و ممکن است پا را از این نیز فراتر گذارده و به مغالطه روی آورند.

چنین شیوه هایی پیرامون طرح مباحث در تفسیر و ترجمه، نه تنها مفید نیست، بلکه آسیبی جدّی به شمار می آید که موجب لغزش در ترجمه و بی اعتبار شدن آن خواهد شد.

در این مورد، ذیل مباحث شرایط مترجم و نیز مبانی ترجمه (مبانی کلامی و مذهبی) مطالب و مثال هایی بیان شد. نمونه دیگر آن را در ترجمه «آندره شورقی» یهودی می توان دید که آن بخش از آیات قرآن را که در آن یهودیان مورد سرزنش قرار می گیرند، از ترجمه فرانسوی خود از قرآن، حذف کرده که نوعی تعصب مذهبی و خیانت در امانت است. (۱)

ص:۲۲۱

۱- (۱) . مبحث «آسیب های ترجمه های مستشرقان».

ب) تقلید

برخی از مترجمان به جای دقت و بررسی در تفسیر و ترجمه، به تقلید روی می آورند و همان مطالب گذشتگان را بدون کم و زیاد (در محتوا) نقل می کنند و تنها گاهی به ویرایش لفظی یا تغییر اندک در الفاظ اکتفا می کنند.

اما گفتیم که ترجمه، نوعی تفسیر است و همان گونه که در تفسیر، تقلید جایز نیست، (۱) در ترجمه نیز جایز نیست؛ چون تقلید در تفسیر و ترجمه، سخن گفتن و نسبت دادن مطالب، بدون علم به خداست و این نوعی افترا و کذب است که مسلماً حرام است.

مثال: در ترجمه لاتینی «ماراچی» اشتباهاتی صورت گرفته که «سیل» (۲) و «رادول» از او تقلید کرده و همان لغزش ها را تکرار کرده اند و نیز رادول به تقلید از تفسیر طبری، ماجرای «غرانیق» را وارد ترجمه قرآن کرده است. (۳)

۶. آسیب های ترجمه های مستشرقان

خاورشناسان، ترجمه های متعددی از قرآن به زبان های اروپایی و آفریقایی و حتی هندی ارائه داده اند که نام و معرفی آنها در مبحث تاریخچه ترجمه گذشت؛ اما همه خاورشناسان با یک هدف و انگیزه به ترجمه قرآن نپرداخته اند؛ بلکه:

الف) برخی خاورشناسان مغرض به دنبال ابطال قرآن کریم بوده و از این رو

ص:۲۲۲

۱- (۱) . التفسیر، هو ایضاح مراد الله - تعالی - من کتابه العزیز، فلایجوز الاعتماد فیه علی الظنون و الاستحسان و لا علی شئ لم یثبت انّه حجه من طریق العقل او من طریق الشرع؛ للنهی عن اتباع الظن و حرمه اسناد شئ الی الله، بغیر اذنه (البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الموسوی الخویی، ص۳۹۷).

۲- (۲) . S.

۳- (۳) . مبحث «آسیب های ترجمه های مستشرقان».

ترجمه هایی غیر معتبر و آمیخته با تهمت و دروغ نوشته اند که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم.

ترجمه انگلیسی سیل که در سال ۱۷۳۴م از قرآن منتشر شد، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است و برخی از مترجمان مسلمان (۱) که خود، قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده اند، وی را شیاد و دروغ گو خواندند؛ چرا که وی کلمات معیّنی را به قصد تحریف معنا به ترجمه افزوده است. آنان سیل را متهم می کنند که به عمد مرتکب اشتباه شده و معنای غلط آیه را برگزیده تا باعث خلط معنا شود و با این که عربی می دانسته، بدترین معادل ها را ارائه کرده است. (۲)

مثال: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ؛

« In the name of the most merciful God. » (سیل)؛

در این ترجمه، بخشی از آیه، یعنی: «رحمان» یا «رحیم»، ترجمه نشده و این اشکال، ۱۱۴ بار تکرار شده است.

همین آیه را «سرور» این گونه ترجمه کرده است:

"(We Commence) With the name of God, the most merciful (to begin with) the most merciful (to the end)."

مثال دیگر: ماراچی (۳) در سال ۱۶۹۸م ترجمه ای کامل از قرآن با عنوان: « Refutatio Alcorani » به زبان لاتین منتشر کرد که پانوشت ذیل آیه ۵۲ سوره «حج» با توجه به آیه ۲۰ سوره «نجم» داستان جعلی «غرانیق» را از تفسیر

ص:۲۲۳

۱- (۱) . اچ. جی. سَرور (H.G. Sarwar) مسلمان هندی که قرآن را در سال ۱۹۳۰م به انگلیسی ترجمه کرد و در مقدمه ترجمه خویش به «سیل» به شدت انتقاد کرده است.

۲- (۲) . ترجمان وحی، ش۱۰، ص۶۵، مقاله «آیا ترجمه قرآن جرج سیل قابل اعتماد است؟ نوشته دبیلو. جی. شلایر، ترجمه: عباس امام و علی وجیهی».

۳- (۳) . Marracci.

«جلالین» و «طبری» نقل کرده است که شیطان این سخنان را بر زبان پیامبر(صلی الله علیه و آله) جاری ساخت؛ اما اندکی [یا چندی] بعد منکر آن سخنان شد و کلمات و عبارت دیگری را جایگزین آنها ساخت. این عبارت چنین بود:

«افرأیتم الّات و العُزّی و مناه الثالثه الاخری، تلك الغرانیق العلی و انّ شفاعتّهن لترتجی».

سپس «سیل» تحت تأثیر ترجمه «ماراچی» قرار گرفت و بعد رادول (۱) تا اندازه ای از ترجمه سیل تأثیر پذیرفت و آقای سرور هر دو را به شدت مورد انتقاد قرار داد و حتی مطلب را جعلی خواند.

آیه وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ إِلاّ إِذا تَمَنّى أَلْقَى الشَّيْطانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ...؛ ۲ را سیل این گونه ترجمه کرده است:

We have sent no apostle or prophet, before thee, but, when he read, satan suggested some" "error in his reading

در این ترجمه، واژه های « read » و « reading » به معنای خواندن و قرائت به کار رفته؛ در حالی که در این آیه، واژه «تمنّی» و «اُمنیه» وجود دارد.

سیل در این ترجمه، از ماراچی پی روی کرده؛ ولی سَرور واژه « his longings » (تمنای وی) را به کار برده است.

جالب این است که «رادول» بخشی از داستان جعلی «غرانیق» را همراه با آیات سوره «نجم» ترجمه کرده که چنین است:

Do you see Al - Lat an Al - ozza, and Manat the thired idol besides? These are exalted" females, and verily their interc essiom is to be hoped for". (۲)

۱- (۱) . Rodwell: مترجم قرآن به زبان انگلیسی، ۱۸۶۱م .

۲- (۳) . این بخش ترجمه آیات ۱۹ و ۲۰ سوره نجم، همراه با آیات شیطانی غرانیق است که در بالا از تفسیر الطبری نقل شد.

وی ادعا می کنـد که بعـداً جمله اخیر بعد از علامت سؤال (besides: الاخری) حـذف شد و به جای آن این عبارت افزوده شد: أَ لَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنْثى* تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِيزى؛ ۱

"What? shall ye have mal progeny and God female? This were indeed an unfair Partition". (۱)

بررسی

داسـتان «غرانیق» افسانه ای جعلی است که طبری در تفسیر خود آورده است (۲) و دیگران از او نقل کرده اند. سـند این روایت از نظر علم «رجال» ضعیف و مخالف عصمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و مفسران و علمای اسلام در طول تاریخ، آن را تکذیب کرده اند؛ (۳) بنـابراین نقـل داسـتانی جعلی در یـک تفسـیر روایی، نبایـد مبنـای یک ترجمه قرار گیرد و مترجمی به خود جرأت دهـد که آن را در متن ترجمه درج کند.

مثال دیگر: آنـدره شورقی (شورَکی) یهودی بلندآوازه و متخصـص ترجمه کتاب های مذهبی در سال ۱۹۹۱م ترجمه ای از قرآن به زبـان فرانسه منتشر کرد.

او در ترجمه خویش، برخی از جملاتی را که حاوی سرزنش قوم یهود است، حذف کرد؛ از جمله آیه:

وَ إِذْ قـالَ مُوسـى لِقَوْمِهِ يـا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَـكُمْ بِاتِّخـاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلى بارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَـكُمْ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْـدَ بارِئِكُمْ فَتابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ ؛ ۵

۱- (۲) . ترجمان وحی، همان، ص۸۱ و۸۲.

۲- (۳) . جامع البیان، ج۱، ص۱۱۹۵.

۳- (۴) . فتح الباری، ج۸، ص۳۳۳، تفسیر کبیر فخر رازی، ج۲۳، ص ۵۰، تاریخ قرآن، ص۲۳ و ۲۴.

Quand Mussa dit a son Peupele: "O mon Peupel Vous Vous Lesez en prenant Le Veau:" ."“retournez a Votre Createur

در این ترجمه، تقریباً دوسوم از متن آیه، از کلمه «توبوا» به بعد ترجمه نشده است (۱) که این نوع ترجمه از متخصصی همچون آندره شورقی، نوعی خیانت آگاهانه و براساس تعصبات مذهبی به شمار می آید.

ب) برخی از خاورشناسان آگاه و حق طلب، در مطالعه قرآن به دنبال حقایق بوده اند و حتی بعضی از آنان مسلمان شده اند. این دسته ممکن است لغزش هایی داشته باشند، اما لغزش های آنان، همچون دیگر مترجمان مسلمان طبیعی است.

برای مثال: «دوریه» در سال ۱۶۷۴م قرآن را از زبان عربی به فرانسه ترجمه کرد. وی در مقدمه کتاب، بدون تعصب، به شرح عقاید مسلمانان پرداخته و می نویسد:

ترکان (۲) [مسلمانان] به خدای یگانه که خالق زمین و آسمان است و روز رستاخیز به نیکوکاران پاداش می دهد و تبه کاران را به کیفر می رسانند، معتقدند. محمد(صلی الله علیه و آله)، عیسی، موسی و ابراهیم(علیه السلام) را پیامبرانی بزرگ می دانند. در روز پنج نوبت نماز می گزارند....

۱- (۱) . ترجمان وحی، ش۶، ص۱۲ - ۱۵، مقاله «ترجمه ای یهودی وار از قرآن مجید به زبان فرانسه»، دکتر جواد حدیدی.

۲- (۲) . فرانسویان قرون وسطا، همه مسلمانان را «عرب» می نامیدند. سپس از سال ۱۴۵۳م که ترکان عثمانی، قسطنطنیه (استانبول) را فتح و امپراتوری بزرگی تأسیس کردند، اعراب جای خود را به «ترکان» دادند. تنها از اواخر قرن هیجدهم به بعد بود که فرانسویان، رفته رفته، اقوام و ملیت های مختلف اسلامی را از هم بازشناختند. (ترجمان وحی، ش۱، ص۴۱، مقاله «نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسوی»، دکتر جواد حدیدی)

ایشان در ترجمه خویش، دچار لغزش هایی نیز شده است؛ از جمله:

در نـام گـذاری سوره ها، سوره «ماعون» را به پیروی از آیه أَ رَأَيْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالـدِّینِ سوره «دین» (۱) و سوره «همزه» را توسّعاً سوره «شکنجه» (۲) نامیده است. (۳)

مثال دیگر: ترجمه قرآن «ساروارى» در سال ۱۷۸۳م است که به زبان فرانسوى منتشر شد. او در موارد متعددی به لغزش های ترجمه «ماراچی» اشاره نموده و اشکالات او را در ترجمه برملا می کند؛ (۴) ولی در عین حال، گاهی خود نیز گرفتار لغزش می شود؛ از جمله در مورد سوره «المسد» می نویسد:

تَبَّتْ يَدا أَبِی لَهَبٍ وَ تَبَّ* ما أَغْنی عَنْهُ مالُهُ وَ ما کَسَبَ؛ ۵

۱. "La Puissance d' Abu - lahab s'est evanouie. Il a Peri lui - meme"

۲. "?A quoi lui ont servi ses immenses richesses"

۱. قدرت «ابولهب» به سستی گرایید و او نابود شد؛

۲. ثروت بی پایانش او را به چه کار آمد؟

در این ترجمه، فعل ماضی «تبّت» که در مقام نفرین است، به صورت ماضی ساده اخباری ترجمه کرده و «ما»ی نافیه را در آیه دوم «ما»ی استفهامیه ترجمه کرده است. (۵)

ص:۲۲۷

۱- (۱) . Lalog: دین، قانون شرع در متون کهن .

۲- (۲) . Perse cution.

۳- (۳) . ترجمان وحی، همان، ص۴۵ .

۴- (۴) . ترجمه ساراوری، ص۲۴۶ زیرنویس ۱ و ص۲۷۹ زیرنویس ۱ و ص ۴۹۰ زیرنویس ۲.

۵- (۶) . ترجمان وحی، ش۷، ص ۳۰، مقاله «دومین ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه»، دکتر جوادحدیدی.

۸.فرآیند تفسیر و ترجمه آیات قرآن

اشاره

اهداف آموزشی: آشنایی مخاطبان با مراحل تفسیر و تأثیر آن در مراحل ترجمه قرآن.

مقدمه

برای ترجمه قرآن لازم است نخست به تفسیر هر آیه بپردازیم؛ سپس ترجمه آن را سامان دهیم. از این رو لازم است به فرآیند پژوهش و تفسیر هر آیه توجه شود.

دراین راستا توجه به دو امر ضروری است:

یکم: شیوه تفسیر هر آیه قرآن با توجه به محتوای آن، تفاوت های جزئی با آیات دیگر دارد؛ یعنی اگر محتوای یک آیه، حکمی فقهی باشد یا اشاره ای علمی به طبیعت یا مطلبی اخلاقی یا سرگذشت اقوام و افراد، هر کدام بعد خاصی داردکه نیازمند مطالب جنبی و شیوه ها و راه کارهای روش شناختی ویژه در تفسیراست.

ولی ما در این جا آیه ای را مد نظر قرار می دهیم که همه این ابعاد را دارا باشد و به صورت طبیعی هر آیه ای که یکی از این ابعاد را نداشته باشد، مرحله خاص آن را در پژوهش و تفسیر نخواهد داشت.

دوم: در این مراحل، فرض ما آن است که پژوهشگر و مفسری دارای شرایط لازم وجود دارد که با منابع تفسیر و علوم مورد نیاز مفسر آشناست و

پیش فرض های بنیادین تفسیر را می شناسد و بدان ها توجه دارد و اکنون می خواهد در عمل، اقدام به پژوهش و تفسیر آیات قرآن کند؛ بنابراین ما مراحل انجام تفسیر را بررسی کرده و گام به گام با محقق و مفسر پیش می رویم.

هدف شناسی

این مرحله شامل زیرمجموعه های زیر می شود:

الف) شناخت اهداف کلی قرآن؛

ب) شناخت اهداف کلی سوره؛

ج) شناخت هدف یا اهداف کلی آیه.

از آن جا که هر کدام از این اهداف، به تفسیر آیه جهت می دهد، شناخت آنها اولین گام در پژوهش و تفسیر آیه به شمار می آید.

فضاشناسی

این مرحله شامل زیرمجموعه های زیر است:

۱. بررسی پیشینه محتوای آیه در ادیان پیش از اسلام (مثل تورات و انجیل و ملحقات آنها با استفاده از مطالعات تطبیقی بین ادیان)؛

۲. بررسی پیشینه محتوای آیه در عصر عرب جاهلی؛

۳. بررسی شأن نزول آیه (مکان و زمان و علت نزول)؛

۴. بررسی ترتیب نزول آیه (مکان و زمان نزول آیه در طی ۲۳ سال نزول آیات قرآن)؛

۵. بررسی جغرافیای تاریخی نزول آیه (مکی یا مدنی بودن).

البته ممکن است این موارد برای هر آیه قرآن وجود نداشته باشد، ولی برای هر کدام از آیاتی که وجود دارد، بررسی آنها لازم است؛ چون شناخت این موارد

می تواند به عنوان قرائن برون متنی در تحقیق آیه مؤثر واقع شود، یا ما را به تفسیر مناسب تر رهنمون گردد.

لفظشناسی و معناشناسی

این مرحله شامل زیرمجموعه های زیر می شود:

الف) واژه شناسی لغات آیه:

یعنی ریشه یابی واژه ها در منابع لغوی و حدیثی و... تا به فهم نزدیک تری از معنای لغات در صدر اسلام برسیم.

ب) ترکیب شناسی آیه:

تجزیه و ترکیب آیه، یعنی شناخت نکات صرفی و نحوی آیه می تواند ما را در فهم بهتر آیه کمک کند.

ج) شناخت مجاز و کنایه و... در آیه:

با استفاده از علوم معانی، بیان و بدیع می توان نکات مربوط به فصاحت، بلاغت، مجاز، کنایه و... را در آیه بشناسیم. این امر در فهم و تفسیر آیات قرآن بسیار مؤثر است.

د) زبان شناسی آیه، شناخت زبان قرآن در هر آیه، لازمه فهم و مقدمه تحقیق و تفسیر صحیح آیه است.

ه) قرائت شناسی، بررسی قرائت متواتر آیه (و در صورت لزوم بررسی قرائت های دیگر آیه) مقدمه فهم آیه و پایه تحقیق و تفسیر آیه است.

ظاهرشناسی با قرینه شناسی

این مرحله شامل زیرمجموعه های زیر است:

الف) بررسی قرائن درون متنی: یعنی این آیه با آیات دیگر قرآن چه رابطه ای

دارد، و تأثیر آیات دیگر بر معنای این آیه چیست؟ برای فهم این مطلب توجه به مطالب زیر لازم است:

یکم: بررسی این که آیه محکم است یا متشابه و اگر متشابه است، با توجه به کدام آیه محکم تفسیر یا تأویل می شود.

دوم: بررسی این که آیه ناسخ است یا منسوخ، و اگر منسوخ است، ناسخ آن چه آیه ای است.

سوم: بررسی سیاق آیه؛ یعنی فضای حکم بر آیات یا جملات قبل و بعد که می تواند بر معنا و تفسیر این آیه تأثیرگذار باشد.

چهارم: بررسی آیات مشابه در لفظ و مشابه در موضوع.

پنجم: بررسی آیاتی که به ظاهر با آیه مورد نظر مخالف است، و این مخالفت گاهی لفظی و گاهی محتوایی است.

این مرحله در حقیقت، همان تفسیر موضوعی قرآن است که برای فهم هر آیه (حتی در تفسیر ترتیبی) لازم است و بدون آن، قرائن درون قرآنی که در فهم و تفسیر آیه مؤثر است، از دست می رود و تفسیری ناقص و گاهی غلط از آیه ارائه می شود.

ب) بررسی قرائن برون متنی: که شامل موارد زیر است:

یکم: بررسی احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام) که در تفسیر آیه مؤثر است.

دوم: بررسی برهان های عقلی که در تفسیر آیه مؤثر است.

سوم: بررسی علوم تجربی قطعی که در تفسیر آیه مؤثر است.

تذکر: در این مرحله لازم است از روش های تفسیری قرآن به قرآن، روائی، عقلی و علمی استفاده کامل برده شود و به مکاتب و گرایش های تفسیری فلسفی، عقلی، اثری و... نیز توجه کافی شود. (۱)

۱- (۱) . منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، از نگارنده.

تأویل شناسی

توجه به قرائن عقلی، یکی از مراحل تفسیر است که گاهی به تأویل می انجامد.

آیات قرآن دارای تفسیر و تأویل است؛ بنابراین همان طور که تفسیر ظاهری دارد، تفسیر باطنی و تأویلی نیز دارد؛ از این رو روش تفسیر عقلی قرآن و نیز قاعده ارجاع متشابهات به محکمات شکل گرفته است.

پس در این مرحله، تأویل آیه با استفاده از قاعده ارجاع متشابهات به محکمات و گاهی با کمک برهان عقلی و روایات قطعی به دست می آید.

بطن شناسی و پیام گیری

بطن گیری از آیه، با استفاده از روایات، یعنی روشی که اهل بیت(علیهم السلام) در ضمن تفاسیر روائی به ما آموختند صورت می گیرد. یکی از تصویرهای بطن قرآن، یعنی قاعده کلیه از هر آیه است. (۱)

قرآن کتابی جاودان برای همه زمان ها و مکان ها و نسل هاست. این جاودانگی، وابسته به پیام های آن برای هر نسل است که به صورت قواعد کلی با توجه به هدف آیه، استخراج و بر مصادیق جدید تطبیق می شود. این پیام گیری با استفاده از بطن قرآن یا با بهره گیری از قاعده جری و تطبیق انجام می گیرد. این پیام ها از نوع دلالت الزامی آیه است که ضوابط خاصی در استنباط آنها حاکم است. (۲)

۱- (۱) . این مطلب بر اساس دیدگاه خاص آیه الله معرفت است که بطن را به معنای اخذ قاعده کلیه از آیه و تطبیق بر مصادیق جدید می دانند. (ر.ک: التفسیر الاثری الجامع، ج۱، ص۲۸، و مبحث بطن از منطق تفسیر قرآن (۱) از نگارنده، که معانی دیگری از بطن قرآن را بررسی و معرفی می کند).

۲- (۲) . منطق تفسیر (۱) از نگارنده، مبحث «بطن و قاعده جری».

البته پژوهشگر قرآن، باید در این مرحله دقت کافی کند تا برداشت های شخصی را به جای پیام های آیه (که با توجه به هدف آیه و الغای خصوصیت وبر اساس ضوابط به دست می آید) ارائه نکند، که منتهی به تفسیر به رأی شود.

پیشینه شناسی آیه در تفاسیر (بررسی دیدگاه های مفسران)

با استفاده از روش مطالعات تطبیقی بین مذاهب اسلامی، دیدگاه های مفسران شیعه و اهل سنت در مورد هر آیه بررسی می شود که گاهی در آنها قرائن تهیه آیه نهفته است. البته تقلید از مفسران جایز نیست.

تفکر خلاق و جمع بندی (استنباط و اجتهاد)

پس از اجرای شش مرحله قبل، مفسر قرآن به جمع بندی مباحث می پردازد و با تأمل و تفکر در قرائن داخلی و خارجی و بطن و تأویل آیه و با استفاده از مبانی، قواعد و روش های تفسیری، به تفسیر جامعی از آیه می رسد و پس از بررسی اقوال مفسران، استنباط نهایی خود را از آیه بیان می کند، که موافق یکی از تفسیرهای قبلی مفسران یا تفسیری جدید از آیه است.

البته تفکر خلّاق پژوهشگر و تفسیر اجتهادی در این مرحله می تواند او را به تولید علم رهنمون شود و نکات تفسیری جدیدی را ارائه نماید.

یادآوری: بیشتر موارد بالا با مثال هایی در ضمن روش تحقیق اختصاص تفسیر و علوم قرآن بیان شد و برخی نیز در ضمن روش تحقیق در تفسیر ترتیبی و موضوعی بیان خواهد شد.

ص:۲۳۴

مراحل تفسیر یک آیه (از نگاهی دیگر)

فرآیند تحقیق و تفسیر آیه را به صورت جزئی تری نیز می توان مرحله بندی کرد:

۱. قرائت شناسی؛

۲. معناشناسی (واژه شناسی و نشانه شناسی)؛

۳. زبان شناسی (مباحث ادبی، مثل صرف و نحو و ترکیب آیه و زبان قرآن)؛

۴. فضاشناسی (تاریخی و جغرافیایی)؛

۵. نزول شناسی (ترتیب نزول آیات و سوره ها)؛

۶. بررسی قرائن درون متنی (تفسیر موضوعی و سیاق)؛

۷. تأویل شناسی (بررسی قرائن عقلی)؛

۸. حدیث شناسی آیه؛

۹. هدف شناسی (آیه، سوره و قرآن)؛

۱۰. ظاهرشناسی آیه؛

۱۱. بطن شناسی و پیام گیری؛

۱۲. بررسی علمی آیه (مباحث میان رشته ای)؛

۱۳. بررسی تطبیقی آیه (اقوال مفسران شیعه و سنی و بررسی بین ادیان)؛

۱۴. تفکر خلاق و جمع بندی (استنباط و اجتهاد)؛

تذکر مهم: پس از دست یابی به تفسیر قرآن، آن گاه نوبت به ترجمه آن می رسد که لازم است مراحل زیر انجام گیرد:

۱۵. تلخیص تفسیر آیه در قالب ترجمه (بر اساس شیوه و سبک مترجم)؛

۱۶. ویرایش محتوایی ترجمه؛

۱۷. ویرایش لفظی ترجمه.

۹.پژوهش های کارگاهی

اهداف آموزشی: تمرین عملی دانش پژوهان، نقد ترجمه های معاصر با استفاده از ضوابط و اصول پیش گفته.

الف) آسیب های موجود در ترجمه های زیر، مربوط به آیات سوره حمد را بررسی کنید:

۱. بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ؛ ۱

مجتبوی: «به نام خدای بخشاینده مهربان»؛

مکارم: «به نام خداوند بخشنده بخشایگر»؛

فولادوند: «به نام خداوند رحمتگر مهربان»؛

خرمشاهی: «به نام خداوند بخشنده مهربان»؛

معزی: «بنام خداوند بخشنده مهربان»؛

آیتی: «به نام خدای بخشاینده مهربان»؛

فیض الاسلام: «(ابتدا و آغاز می کنم) بنام خدایی که بی اندازه بخشاینده بسیار مهربان است»؛

الهی قمشه ای: «بنام خداوند بخشنده مهربان»؛

محدث دهلوی: «بنام خدایی بخشاینده مهربان»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز»؛

۲. اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ؛

مجتبوی: «سپاس و ستایش خدایی راست، پروردگار جهانیان»؛

مکارم: «ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است»؛

فولادوند: «ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان»؛

خرمشاهی: «سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است»؛

معزی: «سپاس خدایی را پروردگار جهانیان»؛

آیتی: «ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است»؛

فیض الاسلام: «(پس از آغاز به نام حق تعالی و بیان فضل و رحمت او، طریق حمد و سپاس را به بندگان چنین دستور داده که بگویند:) هر حمد و سپاس نیکو، مختص خدایی است که (دارای جمیع صفات کمالیه بوده و منزه و مبری از همه عیوب و نقایص است، و برای اشاره به علت اختصاص حمد به خود، خویشتن را وصف فرموده به این که او) پروردگار هر صنفی از آفریده شدگان است»؛

الهی قمشه ای: «ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است (آفریننده جهان ها است)»؛

محدث دهلوی: «ستایش خدایی است، پروردگار عالم ها»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است»؛

ص:۲۳۸

۳. اَلرَّحْمنِ الرَّحِیمِ؛

مجتبوی: «آن بخشاینده مهربان»؛

مکارم: «خداوندی که بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته)»؛

فولادوند: «رحمت گر مهربان»؛

خرمشاهی: «آن بخشنده مهربان»؛

معزی: «بخشاینده مهربان»؛

آیتی: «آن بخشاینده مهربان»؛

فیض الاسلام: «(و برای این که دانسته شود که تربیت و پرورش او «جلّ شأنه» از روی اراده و اختیار و حکمت است، یادآوری نموده به این که او) بی اندازه بخشاینده و بسیار مهربان می باشد»؛

الهی قمشه ای: «خدایی که بخشنده و مهربانست»؛

محدث دهلوی: «بخشاینده مهربان»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «(همان خدایی) که گسترده مهرِ مهرورز است»؛

۴. مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ؛

مجتبوی: «خداوند و فرمانروای روز پاداش»؛

مکارم: «(خداوندی که) مالک روز جزاست»؛

فولادوند: «(و) خداوند روز جزاست»؛

خرمشاهی: «خداوند روز جزا»؛

معزی: «که فرمانروای روز رستاخیز است»؛

آیتی: «آن فرمانروای روز جزا»؛

فیض الاسلام: «(و برای ترک کفران و ناسپاسی، بندگان را از سطوت و توانایی خود آگاه ساخته به این که او) مالک و دارای روز جزا (ی گفتار و کردار نیک و زشت) است»؛

الهی قمشه ای: «پادشاه روز جزاست؛ روز کیفر نیک و بد خلق»؛

محدث دهلوی: «خداوند روز جزا»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «خداوند روز جزاست»؛

۵. إِيّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيّاكَ نَسْتَعِينُ؛

مجتبوی: «تو را می پرستیم و بس و از تو یاری می خواهیم و بس»؛

مکارم: «(پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جوییم»؛

فولادوند: «(بار الها!) تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جوییم»؛

خرمشاهی: «(خداوندا!) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم»؛

معزی: «خدایا! تو را پرستش کنیم و از تو یاری خواهیم»؛

آیتی: «تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم»؛

فیض الاسلام: «(پس چگونگی اعتراف به عبادت و بندگی را به بندگان آموخته که روی دل به سوی او آورند و بگویند: ای دارای صفات نامبرده) بس تو را می پرستیم (چون غیر تو شایسته پرستش نیست، و کسی را شریک تو قرار نداده) و (در عبادت، بندگی و خواسته های خود) بس از تو یاری می خواهیم»؛

الهی قمشه ای: «پروردگارا! تنها تو را می پرستیم و از تو یاری می جوییم و بس»؛

محدث دهلوی: «تو را می پرستیم و از تو مدد می طلبیم»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «(خدایا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم»؛

۶. اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ؛

مجتبوی: «ما را به راه راست راه بنمای»؛

مکارم: «ما را به راه راست هدایت کن»؛

فولادوند: «ما را به راه راست هدایت فرما»؛

خرمشاهی: «ما را به راه راست استوار بدار»؛

معزی: «ما را به راه راست هدایت فرما»؛

آیتی: «ما را به راه راست هدایت کن»؛

فیض الاسـلام: «(و چون بهترین یاری ها راهنمایی به عبادت و بندگی است، دستور داد که بگویند:) ما را به راه راست راهنمایی فرما (که به رضا و خوشنودی تو کشد و از هوا و خواهش نفس دور گرداند)»؛

الهی قمشه ای: «تو ما را به راه راست هدایت فرما»؛

محدث دهلوی: «بنما ما را راه راست»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «ما را به راه راست راهنمایی فرما»؛

۷. صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضّالِّينَ؛

مجتبوی: «راه کسانی که به آنان نعمت دادی - نیکویی کردی - نه راه خشم گرفتگان بر آنها و نه راه گمراهان»؛

مکارم: «راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای، و نه گمراهان»؛

فولادوند: «راه آنان که گرامی شان داشته ای، نه (راه) مغضوبان، و نه (راه)گمراهان»؛

خرمشاهی: «راه کسانی که آنان را نواخته ای، نه آنان که از نظر انداخته ای، و نه گمراهان»؛

معزی: «راه آنان که برایشان روزی فرستادی، نه راه غضب شدگان و نه راه گمراهان»؛

آیتی: «راه کسانی که ایشان را نعمت داده ای، نه خشم گرفتگان بر آنها و نه گمراهان»؛

فیض الاسلام: «(و آن راه راست) راه کسانی (انبیا، اوصیا، شهدا، مؤمنین و نیکوکاران است) که نعمت (معرفت به خدا و یقین به معاد و توفیق عبادت و دوری از معصیت را) به آنها دادی؛ آنها کسانی (مانند یهود) نیستند که مورد غضب و خشم (دوری از رحمت تو) واقع شدند و نه کسانی (مانند نصاری) که گمراهانند»؛

الهی قمشه ای: «راه آنان که به آنها انعام فرمودی (مانند انبیا و اولیا) نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی (مانند جهود) و نه گمراهان عالم (چون اغلب نصاری)»؛

محدث دهلوی: «راه آنان که اکرام کرده بر ایشان، به جز آنان که خشم گرفته شد بر آنها و به جز گمراهان»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «راه کسانی که به آنان نعمت دادی، (همان کسانی که) بر آنان خشم نشده است و [از] گمراهان نیستند»؛

ب) آسیب های موجود در ترجمه های زیر، مربوط به آیات ابتدایی سوره بقره را بررسی کنید:

۱. الم ؛

مجتبوی: «الف، لام، میم»؛

مکارم: «الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده)»؛

فولادوند: «الف، لام، میم»؛

خرمشاهی: «الم (الف، لام، میم)»؛

آیتی: «الف. لام. میم»؛

فیض الاسلام: «رازی است میان خدای تعالی و پیغمبر اکرم (که بنابر مصلحتی آشکار نگشته)»؛

الهی قمشه ای: «الم (از رموز قرآن است)»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «الف، لام، میم»؛

۲. ذٰلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ؛ ۱

مجتبوی: «این کتاب، هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است»؛

مکارم: «آن کتاب باعظمتی است که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیزگاران است»؛

فولادوند: «این است کتابی که در (حقانیت) آن هیچ تردیدی نیست، (و) مایه هدایت تقوا پیشگان است»؛

خرمشاهی: «این کتابی است که شک در آن روا نیست (که) راهنمای پرهیزگاران است»؛

معزی: «این نامه که تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است»؛

آیتی: «این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست؛ پرهیزگاران را راهنماست»؛

فیض الاسلام: «(چون حق تعالی در سوره فاتحه دستور داد که بندگانش از او هدایت به صراط مستقیم را درخواست نمایند، در این جا مژده به روا شدن آن درخواست را داده به این که) آن کتاب (قرآن کریم که به پیغمبران پیش خبر داده شده که بر تو می فرستم و آنان به امت ها و پیروان خود خبر دادند) شک و

شبهه ای در آن نیست (چون خطا و اشتباه در آن راه ندارد و) برای پرهیزکاران راهنما (ی راه راست و پرهیز از گمراهی) است»؛

الهی قمشه ای: «این کتاب، بی هیچ شک، راهنمای پرهیزگارانست»؛

محدث دهلوی: «این کتاب، هیچ شبهه نیست در آن، رهنماست پرهیزگاران را»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست. [و]راهنمای پارسایان (خودنگه دار) است»؛

۳. اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ؛ ۱

مجتبوی: «آنان که به غیب - نهان و ناپیدا ایمان دارند و نماز را برپا می دارند و از آن چه روزی شان کرده ایم انفاق می کنند»؛

مکارم: «(پرهیزگاران) کسانی هستند که به رغبت (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند، و از تمام نعمت ها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند»؛

فولادوند: «آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آن چه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند»؛

خرمشاهی: «همان کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می دارند و از آن چه روزی شان داده ایم، انفاق می کنند»؛

معزی: «که به نادیده ایمان آورده اند و بر پای دارند نماز را و از آن چه بدانان داده ایم ببخشند»؛

آیتی: «آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز می گزارند و از آن چه روزی شان داده ایم انفاق می کنند»؛

ص:۲۴۴

فیض الاسلام: «پرهیزکاران آنانند که به نادیده (خدای تعالی، پیغمبران، امام زمان(عج)، فرشتگان، روز قیامت، بهشت، دوزخ و مانند آنها که به دلایل شناخته می شود نه به مشاهده) می گروند و نماز برپا می دارند (با آداب و شرایطبه جا می آورند) و از آن چه به آنها روزی داده ایم (دارایی، توانایی، جاه، دانایی و مانند آنها) می بخشند (مثلا: از مال، درویشان را بی نیاز ساخته، از قوه،ناتوانان را یاری کرده، از جاه، گرفتاران را رهایی داده و از علم، نادانان را دانا می گردانند)»؛

الهی قمشه ای: «آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز بپا دارند و از هر چه روزی شان کردیم به فقیران انفاق کنند»؛

محدث دهلوی: «آنان که ایمان می آرند به نادیده و برپا می دارند نماز را و از آن چه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «(همان) کسانی که به (آنچه از حسّ) پوشیده، ایمان می آورند و نماز را به پا می دارند، و از آن چه که روزی آنان کرده ایم (در راه خدا) مصرف می کنند»؛

۴. وَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ بِالْآخِرَهِ هُمْ یُوقِنُونَ؛ ۱

مجتبوی: «و آنان که به آن چه به تو و آن چه پیش از تو فرو فرستاده شده ایمان می آورند و به جهان واپسین بی گمان، باور دارند»؛

مکارم: «و آنان که به آن چه بر تو نازل، آن چه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند، و به رستاخیز یقین دارند»؛

ص:۲۴۵

فولادوند: «و آنان که بدان چه به سوی تو فرود آمده و به آن چه پیش از تو نازل شده است، ایمان می آورند، و آنانند که به آخرت یقین دارند»؛

خرمشاهی: «و کسانی که به آن چه بر تو نازل شده است و آن چه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان دارند و هم آنان به آخرت ایقان دارند»؛

معزی: «و آن کسانی که ایمان آورده اند بدانچه بر تو و پیش از تو نازل شده است و به آخرت یقین دارند»؛

آیتی: «و آنان که به آن چه بر تو و بر پیامبران پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند»؛

فیض الاسلام: «و آنانند که به آن چه (قرآن و شریعت و احکامی که) به تو رسیده و به آن چه (صحف ابراهیم، تورات، زبور و انجیل که) پیش از تو (پیغمبران(علیهم السلام) فرستاده شده، ایمان داشته و آنها، به روز رستاخیز یقین و باور دارند»؛

الهی قمشه ای: «و آنان که ایمان آرند به آن چه خدای به تو و بر پیغمبران پیش از تو فرستاد و آنها خود به عالم آخرت یقین کامل دارند»؛

محدث دهلوی: «و آنان که ایمان می آرند به آن چه فرود آورده شده، به سوی تو و آن چه فرود آورده شده پیش از تو و به آخرت، ایشان یقین دارند»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «و کسانی که به آن چه به سوی تو فرو فرستاده شده و آن چه پیش از تو [بر پیامبران] فرو فرستاده شده، ایمان می آورند و آنان به آخرت یقین دارند»؛

۵. أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ۱

مجتبوی: «ایشان بر رهنمونی (به راه راست) از پروردگار خویشند، و آنانندرستگاران»؛

مکارم: «آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند»؛

فولادوند: «آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند، و آنان همان رستگارانند»؛

خرمشاهی: «ایشان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و هم اینانند که رستگارند»؛

معزی: «آنان بر هدایتی از پروردگار خویش و آنانند رستگاران»؛

آیتی: «ایشان از سوی پروردگارشان قرین هدایتند، و خود رستگارانند»؛

فیض الاسلام: «آنان (که به این صفات آراسته اند) از جانب پروردگارشان (که نعمت عقل را به آنها بخشیده و برای راهنمایی شان پیغمبران و کتاب ها فرستاده) هدایت یافته و آنان رستگارانند (از عذاب رهایی یافته و به پاداش کردار خود می رسند)»؛

الهی قمشه ای: «آنان از لطف پروردگار خویش به راه راستند و آنها به حقیقت رستگاران عالمند»؛

محدث دهلوی: «ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار خویش و ایشانندرستگان»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «آنان از راهنمایی پروردگار خویش برخوردارند و تنها آنان رستگارند»؛

۶. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ؛ ۱

ص:۲۴۷

مجتبوی: «کسانی که کافر شدند، بر ایشان یکسان است که بیم دهیشان یا بیم ندهی؛ ایمان نمی آورند»؛

مکارم: «کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی، ایمان نخواهند آورد»؛

فولادوند: «در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند – چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی – بر ایشان یکسان است، (آنها) نخواهند گروید»؛

خرمشاهی: «برای کافران یکسان است، چه هشدارشان بدهی، چه هشدارشان ندهی، ایمان نمی آورند»؛

معزی: «همانا گروه کفار، یکسان است بر ایشان بترسانی شان یا نترسانی شان، ایمان نیاورند»؛

آیتی: «کافران را خواه بترسانی یا نترسانی تفاوتشان نکند؛ ایمان نمی آورند»؛

فیض الاسلام: «(پس از بیان اوصاف پرهیزکاران به شرح حال کفار و آنان که نگرویدند پرداخته، می فرماید) کسانی که کافر شدند، یکسان است برایشان که آنان را (از کیفر الهی) بترسانی یا نترسانی (در هر حال) ایمان نمی آورند (زیرا از راه راست بیرون رفته، از حق چشم پوشیده اند، و روشنایی و تاریکی و سود و زیان را از هم تمییز نمی دهند)»؛

الهی قمشه ای: «(ای رسول ما) کافران را یکسانست بترسانی از عذاب خدا یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد»؛

محدث دهلوی: «هر آینه آنان که کافر شدند، برابر است بر ایشان که ترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را، ایمان نیارند»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند، بر آنان

یکسان است که هشدارشان بدهی یا هشدارشان ندهی، ایمان نمی آورند»؛

۷. خَتَمَ اللّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ؛ ۱

مجتبوی: «خداوند دل های تان و گوشهای تان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده ای است و آنها را عذابی است بزرگ»؛

مکارم: «خدا بر دل ها و گوش های آنان مهر نهاده و بر چشم های شان پرده ای افکنده شده، و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست»؛

فولادوند: «خداوند بر دل های آنان، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده، و بر دیدگانشان پرده است، و آنان را عذابی دردناک است»؛

خرمشاهی: «خداوند بر دل ها و گوش های شان مهر نهاده است و بر دیدگانشان پرده ای است و آنان عذابی بزرگ (در پیش) دارند»؛

معزی: «مهر نهاد خدا بر دل هاشان و بر گوش ایشان و بر دیدگان ایشان است پرده ای و برای ایشان است شکنجه بزرگ»؛

آیتی: «خدا بر دل های شان و بر گوششان مهر نهاده و بر روی چشمانشان پرده ای است و برایشان عذابی است بزرگ»؛

فیض الاسلام: «(و بر اثر دشمنی، کینه، رشک و گردنکشی کارشان به جایی رسیده که) خداوند بر دل ها و گوششان مهر نهاده (راه بر آنها بسته شده که سخن حق را نمی فهمند و نمی شنوند) و بر چشم هاشان پرده و پوشش (غفلت) است (که حق را نمی بینند) و برای ایشان (در دنیا و آخرت) عذاب و کیفر بزرگ است (در دنیا گرفتار و در آخرت در دوزخ خواهند بود)»؛

الهی قمشه ای: «قهر خدا، مهر بر دل ها و پرده بر گوش ها و چشم های ایشان

ص:۲۴۹

نهاد که فهم حقایق و معارف الهی را نمی کنند و ایشان را در قیامت عذابی سخت خواهد بود»؛

محدث دهلوی: «مهر نهاد خدا بر دل های ایشان و بر شنوایی ایشان – و بر چشم های ایشان پرده ایست و ایشان راست عذاب بزرگ»؛

رضائی اصفهانی و همکاران: «خدا بر دل های آنان و بر گوششان مهُر نهاده و بر چشمانشان پرده ایست و عذاب بزرگی برای ایشان است».

ص: ۲۵۰

پژوهش ها

۱. نقدهای ترجمه الهی قمشه ای را جمع آوری، بررسی و نقد کنید.

۲. نقدهای جدید قرآن را شناسایی و فهرست کتب و مقالات نقد را تکمیل کنید.

۳. ترجمه های جدید قرآن به زبان فارسی و غیرفارسی را شناسایی و آسیب شناسی کنید.

۴. یک ترجمه مشهور قرآن را برگزیده و اقسام آسیب های آن را بررسی و گزارش کنید.

۵. ترجمه های سوره «حمد» و «بقره / ۱ - ۷» را با ده ترجمه مشهور، نقد و بررسی کنید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ترجمان وحی، همه شماره ها (به ویژه شماره ششم).

۲. مجله بیّنات، مؤسسه امام رضا(علیه السلام) (شماره هایی که مقالات نقد دارند).

۳. ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمدعلی کوشا.

۴. آسیب شناسی ترجمه قرآن کریم در واژه و ساختار، امیرمسعود صفری، پایان نامه کارشناسی ارشد.

۵. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، دکتر آذرتاش آذرنوش.

۶. قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی.

۱۰.«ضمایم»

فهرست نخستین ترجمه های کامل چاپ شده در زبان های مختلف (۱)

ص:۲۵۳

۱- (۱) . این فهرست ها از کتاب شناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید، عصمت بینارق - خالد ارن، ترجمه محمد آصف فکرت، ص۵۳ - ۶۱ آورده شد.

آمار اجمالی قرآن های مترجَم به زبان های خارجی موجود در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی

ص:۲۵۶

کارنامه علمی دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی

تولد

۱/۲/۱۳۴۱ش (۱۹۶۲ میلادی)؛

تحصیلات

الف) دکترای علوم قرآن و حدیث (دانشگاه)؛

ب) سطح ۴ تفسیر و علوم قرآن (حوزه علمیه قم)؛

ج) سطح ۴ فقه و اصول (حوزه علمیه قم).

تدریس

۲۶ سال در دانشگاه های اصفهان، علامه طباطبایی، رضوی، معارف و حوزه های اصفهان، قم و مشهد.

تألیفات

۶۴ جلد؛ از جمله تفسیر قرآن مهر (۲۲ جلد)؛ منطق تفسیر قرآن (۴ جلد)؛ ترجمه قرآن؛ منطق ترجمه قرآن؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۲ جلد)؛ پرسش و پاسخ های قرآنی (۱۶ جلد).

بیش از ۱۱۱ عنوان مقاله تخصصی؛ از جمله ۹ مقاله علمی پژوهشی و ۳ مقاله برگزیده.

ترجمه

۲۸ اثر به ۸ زبان زنده دنیا؛ از جمله انگلیسی، عربی، اردو، آذری، هندی، تایلندی، بنگالی، مالایو.

نرم افزارها

۱۰ عنوان، از جمله نرم افزارهای آثار مکتوب و تفسیر گویای مهر.

مسئولیت ها

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (دانشیار)؛

مدیر مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه؛

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی؛

مدیر مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی؛

سردبیر علمی سه مجله تخصصی «قرآن و علم»، «قرآن پژوهی خاورشناسان» و «علوم و معارف قرآن».

برگزیدگی

احراز ۲۱ رتبه علمی و جایزه از مراکز، همایش ها، جشنواره ها، دانشگاه ها و حوزه ها.

تخصص ها

مباحث میان رشته ای قرآن و علم قرآن و مستشرقان.

طراحی و تأسیس

طراحی ۲۰ رشته قرآنی و حدیثی در سطح کارشناسی، ارشد و دکتری که به تصویب وزارت علوم رسیده است؛

تأسیس انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و مؤسسه پژوهش های قرآنی المهدی و مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی و دو مجله تخصصی.

ص:۲۶۰

کتاب نامه

۱. آسیب شناسی ترجمه فارسی قرآن کریم در واژه و ساختار، امیرمسعود صفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(علیه السلام)، تهران، ۱۳۸۰ش.

۲. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، تهران - قم، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ش.

۳. فتح الرحمان بترجمان القرآن (ترجمه محدث دهلوی)، ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم (مشهور به شاه ولی الله محدّث دهلوی).

۴. الاتقان فی علوم القرآن، عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، بیروت، قم، دارالجلیل - دارالکتب - ذوی القربی، ۱۴۱۹ق.

۵. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران.

۶. الادله العلمیه فی جواز ترجمه القرآن الی اللغات الاجنبیه، محمد فرید الوجدی.

۷. اسلام در ایران، پتروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۴ش.

۸. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی العسقلانی، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۱۵ق.

۹. اصول ترجمه، لطفی پور ساعدی.

۱۰. اصول و مبانی ترجمه، طاهره صفارزاده، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۰ش.

۱۱. اصول و مبانی ترجمه قرآن، علی نجار، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۱ش.

ص:۲۶۱

۱۲. اعراب القرآن و بیانه، محی الدین درویش.

۱۳. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، سیدرضا پاک نژاد.

۱۴. باد و باران در قرآن، مهدی بازرگان، به اهتمام سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ش.

۱۵. البیلیوغرافیا العالمیه لترجمات معانی القرآن الکریم.

۱۶. بحارالانوار، محمدباقر المجلسی، طهران، المکتبه الاسلامیه، الطبعه الثانیه، ۱۳۶۶ش.

۱۷. بخشی از تفسیر کهن، مقدمه و تصحیح محمد روشن با یادداشتی از مجتبی مینوی،۱۳۵۱ش.

۱۸. بررسی ترجمه قرآن کریم، سهراب مروتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران،۱۳۷۱ش.

۱۹. البرهان فی علوم القرآن، محمد بن بهادر الزرکشی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.

۲۰. بهداشت ازدواج از نظر اسلام، سیدرضا پاک نژاد.

۲۱. البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الخویی، قم - نجف، انوار الهدی العلمیه،۱۳۷۳ش.

۲۲. البیان و التبیین، عمرو بن بحر جاحظ، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۲۱ق.

۲۳. پژوهشی در تاریخ قرآن، سیدمحمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۷۴ش.

۲۴. پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرن اول هجری، ترجمه آهنگین از دو جزء قرآن مجید، به اهتمام و تصحیح دکتر احمدعلی رجائی، ۱۳۵۳ش.

۲۵. پیشگوئی های علمی قرآن، مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام.

۲۶. تاج التراجم، نسخه بادلیان.

۲۷. تاج الشریعه حاشیه الهدایه، ج۱.

۲۸. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، (از آغاز تا عصر صفوی، ترجمه های قرآنی) تهران، سروش، ۱۳۷۵ش.

۲۹. تاریخ ترجمه قرآن در جهان، جواد سلماسی زاده، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.

۳۰. تاریخ قرآن، ابو عبدالله المجتهد الزنجانی، ترجمه ابوالقاسم سحاب.

ص:۲۶۲

۳۱. تاریخ قرآن، محمدهادی معرفت، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.

۳۲. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.

۳۳. تاریخ قرائات، هادی فضلی.

۳۴. التبیان فی تفسیر القرآن، محمدبن حسن الطوسی، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.

۳۵. تحریرالوسیله، السید روح الله الخمینی، قم، مؤسسه ه ه مطبوعات دارالعلم.

۳۶. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، المصطفوی.

۳۷. تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، محمدباقر سعیدی روشن، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.

۳۸. تدبّر در قرآن، ولی الله نقی پور.

۳۹. ترجمه القرآن الکریم، سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ش.

۴۰. ترجمه تفسیر طبری، علمای ماوراء النهر، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶ش، ۷ جلدی.

۴۱. ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی و منابع فهم قرآن برای آفریقاییان، حسن معایرجی، ترجمه یعقوب جعفری.

۴۲. ترجمه قرآن، سید ابوالقاسم پاینده.

۴۳. ترجمه قرآن موزه پارس، علی رواقی، ۱۳۵۰ش.

۴۴. ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، محمدعلی کوشا، رشت، کتاب مبین.

۴۵. ترجمه المعانی القرآنیه، محمد احمد السنباطی.

۴۶. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم).

۴۷. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۵ق.

۴۸. تفسیر البیضاوی المسمی انوار التنزیل، عبدالله بن عمر البیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

۴۹. التفسیر الصافی، ملامحسن فیض الکاشانی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

۵۰. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.

۵۱. تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، محمد رشیدرضا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

۵۲. تفسیر القرآن کریم، السید عبدالله شبرّ، ایران، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۸ق.

۵۳. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین الرازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

۵۴. التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزئی فی القرآن الکریم، محمدباقر الصدر.

۵۵. تفسیر بصائر یمینی، معین الدین محمد بن محمود النیسابوری، به کوشش علی رواقی، تهران، ۱۳۵۹ش.

۵۶. تفسیر روح البیان، اسماعیل بن مصطفی الحقی برسوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۵۷. تفسیر روح المعانی، محمود بن عبدالله الآلوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی،۱۴۲۰ق.

۵۸. تفسیر شنقشی (گزاره ای از بخشی از قرآن کریم)، محمدجعفر یاحقی، تهران، ۱۳۵۵ش.

۵۹. تفسیر صحیح آیات مشکل قرآن، جعفر سبحانی.

۶۰. تفسیر قرآن پاک، نویسنده نامشخص، برگردان به خط فارسی نوین علی رواقی، ۱۳۴۸ش.

۶۱. تفسیر قرآن مجید (نسخه مخطوط در کتاب خانه کمبریج)، مترجم نامشخص، به کوشش دکتر جلال متینی، ۱۳۴۹ش.

۶۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ش.

۶۳. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمدهادی معرفت، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ق.

۶۴. التفسیر و المفسرون، محمد حسین الذهبی، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۶ق.

۶۵. تفسیر و ترجمه ابوبکر عتیق نیشابوری، مهدی بیانی، و یحیی مهدوی، مشهور به سورآبادی (ترجمه قصه های قرآن تربت جام) تهران ۱۳۳۸ش.

۶۶. تفسیر و ترجمه کشف الاسرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، ۱۳۳۱ش و ۱۳۵۱ش.

۶۷. تفسیری بر عشری از قرآن مجید، جلال متینی، ۱۳۵۲ش.

۶۸. التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفت، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۶ق.

۶۹. جامع البیان (تفسیر طبری)، محمد بن جریر الطبری.

۷۰. جامع البیان عن تأویل ای القرآن، محمد بن جریر الطبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.

۷۱. الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۷۲. جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق کرکی علی بن الحسین، قم، مؤسسه ه ه آل البیت(علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.

۷۳. جلاء الاذهان و جَلاء الاحزان (تفسیر گازر)، حسین بن حسن الجرجانی، ابوالمحاسن، به کوشش میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران ۱۳۳۷ش.

۷۴. چهل حدیث، السید روح الله الخمینی.

۷۵. حافظ نامه، بهاءالدین خرمشاهی.

۷۶. حدث الاحداث فی الاسلام اقدام علی ترجمه القرآن، الشیخ محمد سلیمان.

۷۷. خدا و انسان در قرآن، توشهیکو ایزوتسو، ترجمه احمد آرام.

۷۸. دائره المعارف الاسلامیه، محمد ثابت الفندی، تهران، شرکت انتشارات جهانی، ۱۳۵۲ش.

۷۹. دائره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.

۸۰. دائره المعارف نوین اسلام، ج.د پیرسن، مقاله ترجمه.

۸۱. دانشنامه جهان اسلام، غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی،۱۳۷۵ش.

۸۲. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، دوستان و ناهید، ۱۳۷۷ش.

۸۳. در آستانه قرآن، رژی بلاشر، ترجمه دکتر محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش.

۸۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش.

۸۵. در سایه قرآن، سید قطب، ترجمه احمد آرام، ج۱.

۸۶. درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن)، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.

۸۷. الدر فی الترجمان، محمد بن منصور المتحد المروزی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.

۸۸. الدفاع عن القرآن ضد منتقدیه، عبدالرحمن البدوی، مدبولی الصغیر.

۸۹. الذریعه الی تصانیف الشیعه، محمد محسن آغا بزرگ الطهرانی، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۲ش.

۹۰. رساله القرآن و الترجمه، استاد عبدالرحیم، نجف، ۱۳۷۵ق.

۹۱. روش شناسی تفسیر، رجبی و دیگران، انتشارات سمت.

۹۲. روش ها و سبک های ترجمه، محمدعلی رضائی اصفهانی، دو فصل نامه ترجمان وحی، ش۱۵.

۹۳. روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتوح الرازی، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۴۴ش، بی نا.

۹۴. رویان شناسی لانگمن، توماس وی سادلر، ترجمه دکتر بهادری و شکور.

۹۵. زاد المعاد فی هدی خیر العباد، محمد بن ابی بکر ابن قیم الجوزیه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

۹۶. زبان دین، امیر عباس علیزمانی.

۹۷. سلامه القرآن من التحریف، فتح الله نجارزادگان، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ش.

۹۸. سیر ترجمه قرآن در آلمان، پروفسور حمید الله، جایگاه دانش.

۹۹. السیره النبویه، ابن هشام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.

۱۰۰. صحیح البخاری (الجامع الصحیح)، محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق.

۱۰۱. صیانه القرآن عن التحریف، محمدهادی معرفت، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.

۱۰۲. ضرورت به کارگیری باورهای صحیح در ترجمه قرآن، مصطفی کریمی، مجله معرفت، شماره۷۳.

۱۰۳. طب در قرآن، دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی.

۱۰۴. طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.

۱۰۵. عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، محمد بن علی ابن بابویه صدوق، قم، مشهدی، ۱۳۶۳ش.

۱۰۶. فرهنگ تطبیقی عربی به زبان های سامی و ایرانی، محمدجواد مشکور.

۱۰۷. فرهنگ زبان فارسی، مهشید شیرازی.

۱۰۸. فرهنگنامه قرآنی، گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش های اسلامی با نظارت دکتر محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.

۱۰۹. فصل نامه بیّنات، مؤسسه امام رضا(علیه السلام)، شماره ۱ - ۴۳ (مقالات متعدد).

۱۱۰. دو فصل نامه ترجمان وحی، مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی، شماره ۱- ۱۵.

۱۱۱. فصل نامه ترجمه، دانشگاه علامه طباطبایی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران ۱۳۶۵، ش۲.

۱۱۲. فقه القرآن، آیات الاحکام تطبیقی، محمد فاکر میبدی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ش.

۱۱۳. فلسفه دین، علی اکبر رشاد، تهران سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ش.

۱۱۴. فن ترجمه در ادبیات عربی، محمد عبدالغنی حسن، ترجمه دکتر عباس عرب.

۱۱۵. فی ظلال القرآن، سید قطب، دار الشروق، ۱۴۰۲ق، الطبعه العاشره.

۱۱۶. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۱۱۷. القرآن الکریم، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، قطع جیبی، چاپ اول، تهران، نشر دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۷ش.

۱۱۸. القرآن الکریم و ترجمه معانیه الی اللغه الفارسیه، (بازبینی ترجمه محدث دهلوی، توسط دکتر عبدالغفور، عبدالحق بلوچ و شیخ محمدعلی داری، با مقدمه دکتر عبدالله

بن المحسن الترکی) مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف.

۱۱۹. قرآن با ترجمه آیه الله مشکینی.

۱۲۰. قرآن عظیم، ترجمه فیض الاسلام، سه جلدی، ۱۶۶۹ص.

۱۲۱. قرآن کریم با ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، قطع رحلی، چ۲، تهران، انتشارات جامی و نیلوفر، ۱۳۷۵ش.

۱۲۲. قرآن کریم بـا ترجمه فارسـی، به خـط مصـباح زاده، بـا تصـحیح هفت نفر از علمـای حـوزه علمیه قم، سازمـان انتشـارات جاویـدان، ۱۳۳۷ش.

۱۲۳. قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضائی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، قم، دارالذکر، ۱۳۸۳ش.

۱۲۴. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران، بنیاد نشر قرآن و امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.

۱۲۵. قرآن مترجم آستان قدس رضوی (قرآن قدس)، علی رواقی، دو مجلد، تهران، ۱۳۶۴ش.

۱۲۶. قرآن مجید با ترجمه منظوم (قرآن نامه)، امید مجد، تهران، ۱۳۷۷ش.

۱۲۷. قرآن مجید، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۶ش.

۱۲۸. قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش.

۱۲۹. قرآن مجید، ترجمه محمد کاظم معزّی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.

۱۳۰. قرآن مجید هندی تراجم، سیاره ه ه دیجست لاهور، (مترجمات القرآن باللغه الهندیه).

۱۳۱. قرآن ناطق، عبدالکریم بی آزار شیرازی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۷۶ش.

۱۳۲. القرآن و العلم الحدیث، عبدالرزاق نوفل.

۱۳۳. کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، الزمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶ق.

۱۳۴. الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.

۱۳۵. الکامل فی التاریخ، علی بن محمد ابن اثیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی،۱۴۱۶ق.

۱۳۶. کتاب شناسی انجمن شرقی اردو، پاکستان، کراچی، ۱۹۶۱م.

ص:۲۶۸

۱۳۷. کتاب شناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن، عصمت و خالدارن بینارق، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،۱۳۷۳ش.

۱۳۸. کتاب شناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به شصت و پنج زبان، عصمت بینارق و خالداران، ترجمه محمد آصف فکرت، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش.

۱۳۹. الکشکول، محمد بهاءالدین العاملی، مصر، ۱۳۷۰ق.

۱۴۰. کفایه الاصول، آخوند محمدکاظم الخراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.

۱۴۱. کوفی (سوره مائده از قرآن کوفی با ترجمه استوار فارسی)، مقدمه دکتر رجائی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۵۰ش.

۱۴۲. گذشته و آینده جهان، عبدالکریم بی آزار شیرازی.

۱۴۳. گفت وگوهای قرآنی (گزیده نشست ها و سخنرانی های سرای قرآن و اندیشه)، یازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، ۱۳۸۲ش.

۱۴۴. فهرست گنجینه قرآن.

۱۴۵. لسان التنزیل، (مؤلف مجهول)، به اهتمام و تصحیح مهدی محقق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴ش.

۱۴۶. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن المنظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ق.

۱۴۷. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، (و محمد معین و جعفر شهیدی)، تهران، نشر دانشگاه تهران و مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۳۷ - ۱۳۵۲ش.

۱۴۸. المبسوط شرح کافی، السرخسی، چاپ سعادت، مصر ۱۳۳۱ق.

۱۴۹. مجله تحقیقات اسلامی، سال اول، شماره اول، (مقالات).

۱۵۰. مجله زبان شناسی، سال چهارم، شماره اول و دوم (مقالات).

۱۵۱. مجله نشر دانش، سال ششم و سال یازدهم (۱۳۶۵ - ۱۳۷۰) (شماره ها و مقالات متعدد).

۱۵۲. مجله الازهر، الشیخ محمد الشلتوت، الرقم ۷، ترجمه القرآن و نصوص العلماء.

۱۵۳. مجله التوحید، صدر الافاضل الباکستانی، س ۲، ش۹، مناهج التفسیر فی شبه القاره.

۱۵۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن الطبرسی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

۱۵۵. مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹ش.

۱۵۶. محیط المحیط، پطرس البستانی.

۱۵۷. مدخل إلی القرآن الکریم، عرض تاریخی و تحلیل مقارن، محمد عبدالله دراز.

۱۵۸. مستمسک العروه الوثقی، سید محسن الحکیم، قم، مؤسسه ه ه اسماعیلیان، ۱۴۱۱ق.

۱۵۹. المصباح المنیر، احمد بن محمد الفیومی، بیروت، مکتبه البنان، ۱۹۸۷م.

۱۶۰. معجم مصنفات القرآن، علی شواخ اسحاق، منشورات دارالرفاعی للنشر، ۱۴۰۴ق.

۱۶۱. معجم مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، تحقیق: ندیم مرعشلی.

۱۶۲. المغنی، ابن هشام، چاپ تبریز، سوق المسجد الجامع.

۱۶۳. مقاله نقش دانش های مترجم در ترجمه فارسی، محمدعلی رضائی اصفهانی، ش۱۲.

۱۶۴. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، موریس بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۶۵. مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبدالعظیم الزرقانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.

۱۶۶. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، فتح الله الکاشانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۸ش.

۱۶۷. الموافقات فی اصول الاحکام، ابواسحاق شاطبی، تحقیق: محی الدین عبدالحمید.

۱۶۸. مواهب علیه (تفسیر حسینی)، کمال الدین حسین الکاشفی، با تصحیح و تحقیق سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، ۱۳۱۷ش.

۱۶۹. المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمد حسین الطباطبائی، چ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش.

۱۷۰. تفسیر به رأی، ناصر مکارم شیرازی، قطع جیبی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب(علیه السلام)، ۱۳۷۸ش.

۱۷۱. نخستین مفسران پارسی نویس، موسی درودی.

۱۷۲. نورالثقلین، جمعه العروسی الحویزی، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۳ش.

۱۷۳. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، (سه جلدی).

۱۷۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حر العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ق.

۱۷۵. یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمان متون مقدس.

۱. E. Nida: The Theory and practic of Trans lation. Chapters ۳. ۱۹۶۹.

۲. The Ecyclo pedia of Islam, New Edition.

۳. Encycl opoedia of the Quran, Aorom - Andrew Rippin.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹